

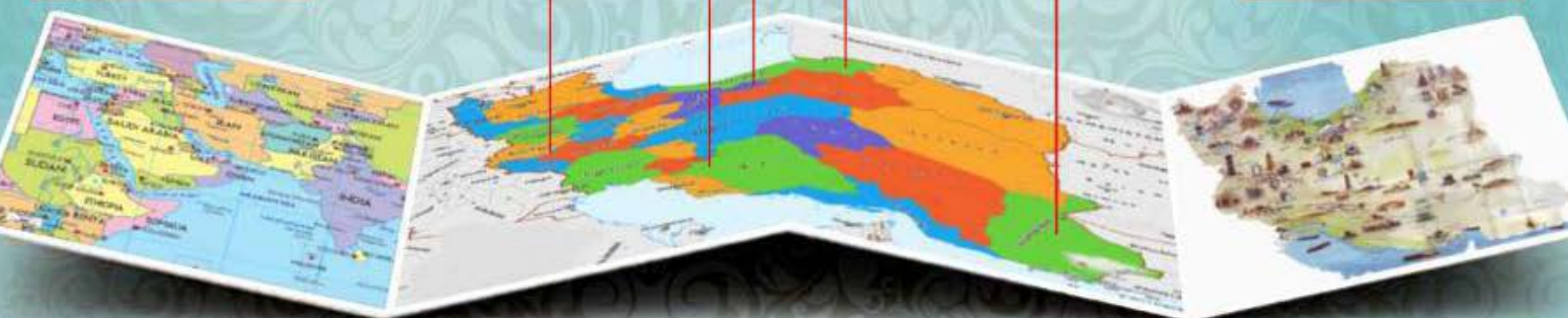
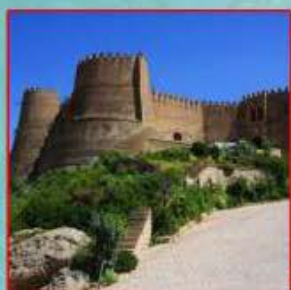
مجله ایران



بن بست «همت»

پایتخت سفال ترک برداشت

تمدن تاریخی که انکار شد



فهرست مطالب



شناسنامه مجله

مدیر مسئول: علی عسگری

شورا ی سردبیری: سید امیرحسین دهقانی،
محمدسجاد رحمانی

دبیر تحریریه: صدیقه حسینی

مدیر هنری: محبوبه عزیزی

با تشکر از: دبیران استانی خبرگزاری مهر و
سرپرستان ۳۱ استان خبرگزاری مهر

شماره تماس: ۴۳۰۵۱۱۹۰
پست الکترونیک: Township@mehrnnews.com

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی،
کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقه‌مندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای
مجله ایران مهر ارسال کنند

جامعه ایران

۴



- ۵ آشنایی با مردی که آبادان را «برزیل» کرد
- ۷ آفرود بر روی تنها اثر طبیعی ثبت جهانی ایران
- ۸ انگشتانی که قطع می‌شوند تا قم دومین قطب تولیدات چوبی کشور شود
- ۱۰ دشت لاله‌های خراسان شمالی سربه‌زیر از بی‌مهری
- ۱۲ تن مردم اینجا سال‌هاست می‌لرزد
- ۱۴ زاینده رود بار دیگر می‌خشکد
- ۱۶ مالیات بر محرومیت سهم مرزنشینان شرق
- ۱۸ مقابله با ریزگردهای تهران؛ شاید وقتی دیگر
- ۲۰ هجی کردن فداکاری در مناطق دور افتاده شرقی
- ۲۰ وعده‌های دولتی برای دریاچه ارومیه آب نشد
- ۲۳ وقتی سودجویی اشک مریم را به بازارسرازی می‌کند
- ۲۴ ویراژ مرگ در شهر

فرهنگ و هنر ایران

۲۶



- ۲۷ به مردم فرانسه می‌گوییم قلب ایرانی‌ها شبیه ما است
- ۲۸ «خ» مثل خاک و خون و خادمی
- ۳۰ قهر مردم با یار مهربان
- ۳۲ ساواک من را از کار منع کرد
- ۳۳ خروج از نگاه دلال مأبانه به بازیگری
- ۳۵ آغاز دهه سوم سعدی شناسی در ایران
- ۳۷ برای نباختن جامعه وارد بازی شویم
- ۳۸ مانند صندلی شکسته ام
- ۴۰ «مرغابی دشت سرخ» به پرواز درنیامد
- ۴۲ اندرونی غریبه در خانه‌های اردبیل
- ۴۴ خاستگاه تئاتر ایران یک سالن دارد

فهرست مطالب

ایران
۴۶



- ۴۷ «ارسیاران» بریده از زمین، نرسیده به آسمان
- ۵۲ تابش سنت و فرهنگ از دریچه پنجره‌های مشبک
- ۵۴ حوض و شمعدانی از خانه ایرانی‌ها رفت
- ۵۷ خزان تکیه باغ‌های منحصر به فرد ایرانی
- ۵۹ پایتخت جهانی سفال ترک برداشت
- ۶۱ ماجرای ششمین گنجینه بزرگ دنیا که به غارت رفت
- ۶۳ روایت ابرهای سر به راه
- ۶۵ روایتی از قدیمی‌ترین یافت تاریخی ثبت‌شده کشور
- ۶۷ معمای باستانی زیر شن‌های روان

اقتصاد ایران
۶۹



- ۷۰ نفس تنگ خرده‌فروشان باگسترش فروشگاه‌های زنجیره‌ای خارجی
- ۷۲ سود چند برابری دلالت از فروش خرما
- ۷۳ «الماس» خاویار ایران در راه بازارهای جهانی
- ۷۴ از کفش تا فرش پایتخت گردشگری ۲۰۱۸
- ۷۶ تولید داخلی «مات» شد
- ۷۷ مسکن مهر پردیس خبر ساز شد
- ۷۹ ظرفیت پنهان اشتغال در قطب ذخایر معدنی
- ۸۱ شاهراهی که چشم‌به‌راه توجه دولت است
- ۸۳ طیاره‌ها خسته؛ مسافران درمانده
- ۸۴ راه‌آهن ارومیه- مراغه ۱۶ ساله شد
- ۸۵ بن‌بست «همت»: وعده‌ها پشت هم اتوبان شد!
- ۸۶ اسکله‌های ناتمام و قطاری که به مقصد نرسید

- ۷۱ تصویر ایران

■ زن روستایی با لبخندی می گوید «خوب شد زلزله آمد تا پای مسئولان به روستا باز شود»؛ اما لبخند هم تلخی کلامش را نمی گیرد؛ اینجا تن مردم سالهاست می لرزد و حالا «آوارگی» هم درد مضاعف شده است.

■ بیش از دو دهه از روند خشک شدن دریاچه ارومیه می گذرد، دو دهه ای که بی توجهی مسئولان به همراه وعده های شعاری دولتها هرروز بر عمق بحران افزوده است.

■ لاله های واژگون گل های وحشی هستند که در مناطق صخره ای با آب و هوای خنک در فصل بهار می رویند، اما دست دخالت عامل انسانی این گل ها را از زادگاه رویششان دور می کند غافل از آن که این گل تنها در این مناطق است که شکوفا می شود و رشد می کند.

جامعه ایران



آشنایی با مردی که آبادان را «برزیل» کرد / او هیچوقت نترسید



سی و یکم اردیبهشت سرما داشت، انگار زمین آبادان یخ زد و قتیکه آخرین لحظات پدر داشتن فوتبال شهر در حال سپری شدن بود. پشت آن پیکان فرسوده که هیچگاه تبدیل به احسن نشد، تصاویر زندگی‌اش از لین دوغه تا آسمان، شبیه به روزهای تماشای فیلم‌های روز در رکس از جلوی چشمانش عبور کرد و ساعت باشگاه جم آبادان دستور گرفته از قلب منوچهر سالیبا و همراه با او، ایستاد.

پدرش اهل شیراز بود اما انگار او خود رئیسعلی دلواری شد و این شیر دلواری بودن را شاید از آنجا به ارث داشت که مادرش خواهرزاده دلیر تنگستان بود. از همان سال ۱۳۱۷ که در قنداق تنگ پارچه‌ای به آبادان تقدیم شد، تصمیم گرفت که پدر باشد؛ پدری که هیچگاه ازدواج نکرد. ۱۰ ساله بود که «پدر بودن» را شروع کرد بعد از آنکه پدرش تنها به اندازه یک دهه از عمرش کنار منوچهر بود؛ حالا او مانده بود و ایران، نجف و حیدر (خواهر و برادرانش)، کسی چه می‌داند شاید در همان ۱۰ سالگی بود که خواست حامی یتیمان بماند؛ حالا آن یتیم می‌توانست «فوتبال آبادان» هم باشد.

دوچرخه‌سازی «منصور چارلی» یا همان شوشتری‌زاده، اولین جایی بود که کودک سیزه گون جنوب در آن بزرگ شد، باید حواسش به بچه‌هایی می‌بود که آنچنان فرصت نکرده بودند بابا بگویند، به خاطر همین بود که مدرسه را تا کلاس هشتم بیشتر ادامه نداد و در عوض به بابا بودن ادامه داد!

عدد سنش به ۱۶ نرسیده بود که شرکت تولید مواد دریایی «گرم مکنزی» با آن حجم بالای سختی و فشار، محل کارش شد، شرکتی که منوچهر را به کویت برد تا در همان ایام و با بازی در تیم العربی این کشور شاید یکی از اولین لژیونرهای فوتبال ایران باشد. مادر داشتن را هم زیاد تجربه نکرد و بعد از فوت والده، هم و غمش را گذاشت برای سروسامان دادن خانواده.

● **سالیبا و البرز**
تیم «البرز» آبادان، اولین مجموعه‌ای بود که سالیبا در آن پا به توپ شد اما «جم» آن مقصدی بود که با زندگی منوچهر پیوند خورد؛ تا آخرین روز زندگی. حس وابستگی به سفیدی پیراهن «شاهین» و جم باعث شد تا خود ۳۵ سالگی تنها لباس این دو مجموعه که یکی بودند را بر تن کند و جام امیر نویدی، آخرین باری بود که سکو نشینان شاپوری دیدند که منوچهر به دنبال توپ دوید؛ بعد از آن سالیبا تمام زندگی‌اش را وقف آنهایی کرد که مظلومانه به دنبال توپ می‌دویدند.

در همه آن روزهایی که دوید و در تمام سالهایی که دویدن دید، یک نفر همیشه در تصمیمات بزرگ منوچهر نقش داشت و او مرد اخلاق فوتبال ایران «پرویز دهداری» بود. عشق منوچهر به استاد تا آنجا بود که حتی در طول مکالمات تلفنی‌اش با دهداری، ایستاده صحبت می‌کرد، عشقی که البته دوسویه بود و پرویزخان هم همیشه



بهترین‌ها را برای او می‌خواست.

روایت است دهرداری در ابتدای دهه ۶۰ پیشنهاد هدایت یکی از تیم‌های ملی پایه را به سالیبا می‌دهد، اما با وجود «چشم گفتن» سالیبا، دهرداری از زنگ صدای منوچهر می‌داند که راغب نیست و می‌گوید به منوچهر بگویند می‌دانم به خاطر من پذیرفتی، راحت باش، نمی‌خواهد بیایی.

● **آبادان چطور برزیل شد!**

در آخرین روزهایی که لیگ فوتبال ایران، «تخت جمشید» نام داشت، به پیشنهاد دهرداری بر روی نیمکت صنعت نفت می‌نشیند تا ساختار را در مجموعه اصلی آبادانی‌های ایران تغییر بدهد، از تغییر در رنگ پیراهن تا تغییر در سن بازیکنانی که قرار بود برای صنعت نفت به میدان بروند. صنعت نفت جوان شد و بعد از بازی دادن به عبدالرضا بزرگ‌ری یا همان حسون، استعداد کشف نشده فوتبال ایران در آن سالها، شماره ۱۰ آبادان را هم بعد از حسین بهاریان بر تن علیرضا فیروزی کرد تا با این اعتقاد که بهترین نمره فوتبال این شهر باید بر تن خوشرنگ‌پوستان سیاه باشد، به تساوی کرامت انسان‌ها احترام بگذارد.

حالا که علی فیروزی «مولر» است، عزیز دسترس «سوکراتس» و بزرگ‌ری سلطان دریبل ایران، جایز نیست انگلیس باشیم و آرژانتین؛ زرد پیوشید تا «برزیل» شویم و سالیبا این تصمیم را گرفت و این خواست او باعث شد که تا همین امروز شعارهای اصلی سکویای استادیوم آبادان «نه قرمز، نه آبی، فقط زرد طلایی» و «آبادان برزیلته» باشد.

● **نترسید، من هشتم**

چوان‌ها داشتند آرام آرام به بزرگان فوتبال ایران تبدیل می‌شدند که صدا آمد؛ صدایش خوش‌آهنگ نبود؛ نه شبیه بیداریش فیدوس بود و نه شکل صدای کفترباغی‌های بواره. آوار گلوله بود و هوار خمپاره و فوتبال هم شبیه به ننه قاسم و ابوعمید در آبادان جنگ زده شد.

خوف نکرد؛ منوچهری که در ۱۰ سالگی مرد شده بود از جنگ نمی‌ترسید، پدر بودن را ادامه داد و فریاد زد که



نمی‌گذارم بمیرید، نمی‌گذارم فراموش شوید. صنعت نفت را در شیراز زنده کرد. می‌گفتند بومی نیستید و باید بروید از انتهای فوتبال استان شروع کنید؛ رفتند، شروع کردند، بردند و آنقدر قهرمان شدند که یادشان رفت جنگ است. به عشق او و به حرمت نام صنعت نفت از تمام ایران، فوتبالیست آبادانی به شیراز سرازیر شد تا تصمیم منوچهر بر زمین نماند؛ و او گذاشت که بمیرند، نگذاشت که فراموش شوند.

تا آنجا پدر بود که علی فیروزی گفت: «سال‌های سختی را در جنگ گذراندم ولی این سختی با در کنار سالیان بودن برایمان ساده می‌شد و احساس نمی‌کردیم از آبادان خارج شده‌ایم.» یا اینکه عزیز دسترس قید پیشنهاد ۲۰۰ هزار تومانی پرسپولیس را زد تا در شیراز کنار سالیان و صنعت نفتش باشد.

خلیل صالحی، مدیرعامل آبادانی سالهای دورتر باشگاه برق شیراز هم از آن روزها گفت و سالیان را مظلوم‌ترین مرد فوتبال آبادان نامید. صالحی ادامه داد: «چه کسی می‌توانست نفت را هشت سال در بدترین شرایط زنده نگه دارد. یادم نمی‌رود در روز با ۱۶۰ تا ۱۷۰ بازیکن کاری کرد.»

● بازگشت دوباره

بعد از آنکه به عنوان قهرمان در غربت جواز حضور در مسابقات کشور را کسب کردند به جرم غیر بومی بودن -جنزدگی و آوارگی بخوانید- اجازه حضور در لیگ کشور را کسب نکردند، تا زمان برگشتن فرا برسد، با وجود اینکه ورزشگاه آبادان نماد کانون جنگ شده بود. صنعت نفت را به خوزستان برگرداند و پس از قهرمانی در مسابقات استانی -در مسجدسلیمان- جواز حضور در لیگ کشور را به دست آورد؛ آبادان ورزشگاه نداشت، منوچهر دوباره گفت: نترسید.

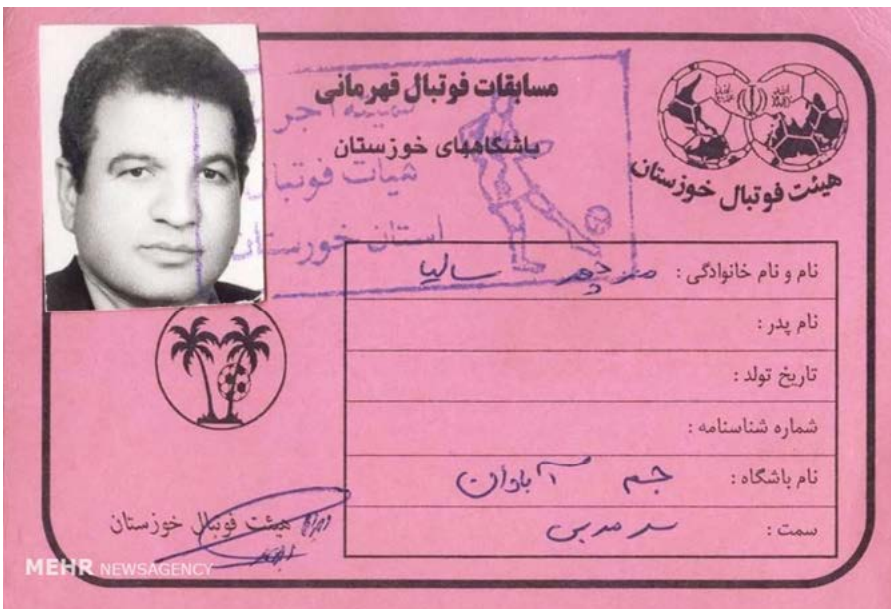
صنعت نفت در اهواز اولین حضور کشوری خود را بعد از جنگ تجربه کرد، تا سالیان با یک چشم نگران فوتبال زردها در لیگ باشد و با چشم دیگر دلوپس بازسازی یگانه ورزشگاه آبادان. پس از تحمل یکسال غریبی دیگر، بالاخره زنگ حضور صنعت نفت در خانه زده شد؛ زنگی که صدای همت، غیرت و خون دل منوچهر را داشت.

جنگ و جنزدگی صنعت نفت را از سالیان نگرفت و در روزهایی که دیگر خبری از گلوله نبود، سالیان از صنعت نفت دور شد، او کنار گذاشته شد و اما این بار مخاطب «تترس» گفتن‌های همیشگی‌اش خودش بود. منوچهر بعد از دور شدن از صنعت نفت باز هم نترسید و این بار جم را- دوباره به پیشنهاد دهداری- در آبادان احیا کرد.

نه تنها نترسید بلکه گلایه هم نکرد. در همان روزهایی که نامرادی دید به کریم سنگرگیر، مدافع سابق صنعت نفت گفت: «همین که فرصت داشتم به چند جوان فوتبال آبادان خدمت کنم؛ کافیت.» و بعد از صنعت نفت دوباره همه زندگی و روزمرگی‌اش شد جم، پیکانی که رختکن بود و خرید یخ برای بچه‌هایی که می‌خواستند بدوند.

شاگردان اصیلش اما حرمتش را هیچگاه زیر پا نگذاشتند، تا جاییکه برزگری-یکی از ۱۰ چهره تکنیکی تاریخ فوتبال ایران و مردی که روی یک دستمال کاغذی چند بازیکن را دریل می‌زد(به تعریف نوروزنامه سال ۹۰ شرق)- حاضر شد از امارات بیاید و برای منوچهر در زمین خاکی جم به میدان برود.

اما شرحی سال ۸۴، سی و یکم اردیبهشت سردی داشت، انگار که زمین آبادان یخ زده بود و منوچهر سالیان در کنار پیکانی که تمام داریی او از نیم قرن تیمداری و یتیم‌داری بود؛ برای همیشه ماندگار شد.



آفرود بر روی تنها اثر طبیعی ثبت جهانی ایران / ترمز تخریب را بکشید



کویر لوت به عنوان نخستین اثر طبیعی جهانی ایران در یونسکو ثبت شده اما ماشین سواری روی عرصه های کویر به خصوص در اطراف آثار شاخص می تواند این اثر را با خطر جدی مواجه کند.



اسما محمودی

کویر لوت در استان کرمان به عنوان یکی از آثار پنج گانه ثبت جهانی استان کرمان در فهرست جهانی به شمار می رود اما مهمترین شاخصه این اثر که آن را در ایران بی نظیر می کند این است که کویر لوت که شامل صدها اثر بی نظیر طبیعی است تنها اکوسیستم ایران محسوب می شود که ثبت جهانی شده است.

این اثر با تریلهای بسیاری که دارد دارای جاذبه ای مثال زدنی در ذهن گردشگران است که می توان به گرمترین نقطه جهان، تنها نیکاهای ایران، بلند ترین تپه های جهان و تنها مکانی در ایران که در آن کلویت وجود دارد و دهها جاذبه بی نظیر دیگر اشاره کرد.

کویر لوت در کنار داشته های طبیعی آثار تاریخی بسیاری را نیز در خود جای داده است اما مهمترین شاخصه چنین مکانی بکر بودن و لزوم دست نخوردگی به داشته های کویر است. در روز های ابتدایی که داشته های کویر لوت در زمینه گردشگری مطرح شده بود و این مکان از منطقه ای گمنام و البته مبهم در ذهن مردم به عنوان مکانی گردشگری معرفی می شد، مهمترین شاخص کویر لوت بکر بودن این منطقه معرفی و رفته رفته با حضور ماجراجوهای طبیعت گردی مکانهای مختلف کویر لوت شناخته شد و در معرض دید گردشگران قرار گرفت.

توصیف یکی از گردشگران در خصوص کویر لوت را در زیر مرور می کنیم، «آنچه که در کویر لوت بسیار قابل توجه است این است که حتی جای پای یک انسان و یا یک تکه زباله و تاثیر انسان در طبیعت بکر منطقه را نمی توان دید، کیلومترها طبیعت بکر که هیچ آلودگی وجود ندارد». حالا سال ها از آن روزها می گذرد و لوت در فهرست آثار جهانی هم ثبت شده و حساسیتها نسبت به این منطقه افزایش یافته است اما اگر نگاهی به تپتر رسانه ها بیندازید عکسها و خبرهای متعددی در خصوص اجرای آفرود و مسابقات اتومبیل رانی در این منطقه را می توان دید. عجیب آنکه مسابقات اتومبیل رانی بر روی بلند ترین تپه های جهان با افتخار یاد شده است و علامت سوال بزرگی را در طبیعت دوستان ایجاد می کند.

اگر به خیابان های شهر کرمان و سایر شهرهای نزدیک کویر نیز نگاهی کنید به سادگی می توانید اتومبیل هایی را که برای آفرود تجهیز شده اند را ببینید.

آفرود سواران با افتخار در گروه های چند نفره وبا ماشینهای شاسی بلند عرصه های کویری این منطقه ثبت جهانی را زیر چرخ های خود طی می کنند و در نزدیکی کلوتهای، نیکاه و تپه های شنی ریگان می توان رد خودروهای میلیونی را دید که ردشان را برپهنه کویری نقش می اندازند که روزگاری حتی رد پای یک انسان نیز در آنها دیده نمی شد. محمد عظیمی یکی از دوستدارن محیط زیست است که می گویند: میراث فرهنگی کرمان باید برای ساماندهی نحوه حضور گردشگران در کویر لوت برنامه ریزی جدی داشته باشد. سوال این است آفرود در کویر لوت چه سودی برای مردم محلی و یا منطقه و پرنده ثبت جهانی دارد و سوال دیگر اینکه در استان کرمان مکان دیگری برای آفرود وجود ندارد.

وی افزود: چگونه است که در کنار کلوتهای که یکی از زیباترین مکانهای طبیعی کشور محسوب می شود خودروها می توانند عرصه طبیعی را تحت تاثیر قرار دهند و حرکتهای هیجانی انجام دهند.

وی گفت: مسابقات اتومبیل رانی چندین بار روی تپه های ریگان به عنوان بلندترین تپه های جهان انجام شده است و یا حتی مسابقات ماراتن در کویر لوت انجام شد.

● هر گونه حضور در کویر که فاقد مدیریت باشد آسیب زا است

وی افزود: هر گونه حضور گردشگران و یا ورزشکاران و ماجراجوها که مدیریت شده نباشد می تواند مشکل را باشد و این موجب نگرانی است.

عظیمی بیان کرد: کاملاً مشخص است که یک خودرو می تواند موجب آلودگی محیط زیست شود به ویژه در منطقه ای که تا قبل از آن هیچ خودرویی از آن نگذشته، از سوی دیگر در کویر لوت برخلاف تصور همگان گونه های جانوری متعدد زندگی می کنند و حضور اتومبیل در این مکان ها می تواند موجب مهاجرت گونه های جانوری و تغییر در اکوسیستم منطقه شود این در حالی است که حضور خودروها تحت پوشش حمایت از محیط زیست، ماجراجویی و معرفی جاذبه های گردشگری انجام می شود که یک برخورد ننگانه است.

وی از مسئولان خواست با این تخریب های عرصه های طبیعی کویر لوت با جدیت برخورد کنند و آفرود را به منطقه خارج از کویر لوت منتقل کنند.

● گردشگری نباید به لوت صدمه بزند

مدیر سابق پایگاه ثبت جهانی کویر لوت در خصوص تاثیرات انسانی بر عرصه کویر لوت اظهار داشت: یکی از نگرانیهای ما حفاظت و حراست از عرصه های کویر لوت است و باید در این زمینه برنامه ریزی کنیم و مردم و مسئولان محلی نیز در این مسیر باید در کنار میراث فرهنگی باشند.

محمد جهانشاهی افزود: از نظر ما باید جاذبه های حضور گردشگران در کویر لوت را ایجاد کنیم اما این جاذبه ها نباید به صورتی باشند که به عرصه صدمه بزنند.

وی ادامه داد: آفرود یکی از زیر شاخه های گردشگری در کویر است اما صدماتی هم به طبیعت وارد می کند به همین دلیل ما تعریف مسیر و نظارت را در دستور کار قرار داده ایم ضمن اینکه باید این نوع گردشگری را به سمت فرج سوق دهیم که کمترین آسیب به عمق کویر لوت وارد شود.

وی افزود: بیش از ۸۰ درصد کویر لوت در استان کرمان و بیش از ۹۰ درصد جاذبه های این عرصه نیز در استان کرمان حضور دارد.

جهانشاهی ادامه داد: عرصه های ثبت جهانی همیشه مورد توجه گردشگران بوده اند و در سال گذشته هم شاهد حضور گسترده گردشگران داخلی و خارجی در این عرصه های بوده ایم و یکی از دلایل حضور گسترده گردشگران اروپایی به خصوص مناطق سردسیر و سرسبز اروپا در این منطقه نیز اقلیم کاملاً متفاوت کویر لوت است.

این فعال گردشگری گفت: طبیعت گردی در کرمان می تواند موجب توسعه گردشگری شود اما اول باید گردشگری مسئولانه را در بین گردشگران ایجاد کنیم.

● تقسیم کویر به سه منطقه

وی بیان کرد: مسلمان میراث فرهنگی با برگزاری آفرود در عرصه ثبت جهانی موافق نیست و باید هر نوع برنامه از این دست با برنامه ریزی و ساماندهی دقیق انجام شود.

جهانشاهی از وجود سه منطقه سبز، قرمز و نارنجی برای حضور خودروها اشاره کرد و افزود: گردشگران از این دست تنها می توانند در منطقه سبز حضور یابند.

مدیر روابط عمومی میراث فرهنگی استان کرمان نیز در این خصوص بیان داشت: نمی توان با هدف جلوگیری از وارد شدن آسیب به کویر لوت مانع از اجرای آفرود شد بلکه باید مناطقی جهت اجرای آن مشخص و تعیین شود.

● برگزاری همایشی دیگر در کویر

محمد مهدی افشلی افزود: البته در صورت ممنوعیت عدم اجرای آن باید برای همه باشد که متأسفانه چنین نیست و برخی از آژانس ها بر اساس روابط و تحت عناوین مختلف تورهایی آفرود را اجرا می کنند.

وی ادامه داد: البته با توجه به ثبت جهانی بیابان لوت باید ضوابط و مقررات تعریف و ابلاغ شود که هنوز چنین نشده و حتی پایگاه ثبت جهانی لوت در شهید نیمه فعال است و نیروی انسانی و تجهیزات ندارد در صورتی که حفظ این اثر بعد از ثبت در فهرست یونسکو از خود ثبت جهانی آن مهمتر است که متأسفانه توجه چندانی نمی شود.

با وجود تمام دغدغه ها اما همچنان حضورهای بی رویه و گروهی گردشگران آن هم با شعار حفاظت از کویر در این عرصه ادامه دارد و در آخرین مورد گفته می شود به زودی همایش بزرگ کویرپیمایی شهید در کرمان برگزار می شود. این همایش در چهار گروه پیاده روی و موتورسواری و دوچرخه سواری و آف رود برگزار می شود.

انگشتانی که قطع می‌شوند تا قم، دومین قطب تولیدات چوبی کشور شود



دروودگری یکی از مشاغل پرطرفدار در قم است که تعداد بسیاری از فعالان در این عرصه انگشتان دست خود را هنگام کار با دستگاه‌های چوب بری از دست داده‌اند.



فاطمه محمدی

صدای نعره‌های یک مرد خیابان را فرا گرفته بود صدایی که تمام مردم آن محوطه را تحت تأثیر درد قرار داده بود مردی که از شدت درد و خون ریزی از عمق جان داد می‌کشید، هر بیننده‌ای را متقلب می‌کرد. نفس‌ها به شماره افتاده بود و تنها خون بود که جریان داشت و از میان پارچه‌های به هم پیچیده راه نفوذی پیدا کرده و مدام می‌ریخت و صدای خود را قمرزپوش کرده بود از قم تا تهران این روند ادامه داشت و بندهای انگشت پدر بود که در دست‌های لرزان پسر سرد شده بود بندهای انگشت دستی که ۳۰ سال زحمت کشیده بود. این‌ها بخشی از خاطرات تلخ ۶ سال پیش پسری ۲۳ ساله است؛ محمد می‌گوید که ۱۷ سال داشته که یک روز پدرش به او می‌گوید تیغ جدید به ارم بستم از جلوی دستگاه برو کنار او بیرون می‌رود و پس از مدتی صدای فریاد بلند می‌شود.

در مقابل دست انسان متوقف می‌شود را ندیدیم و از طرفی دیگر آموزش و اطلاع رسانی نیز درباره استفاده از ابزار آلات در صنف ما نیست و همه با مدتی شاگردی شروع به کار می‌کنند.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا در اطراف خود شخص دیگری را هم سراغ دارید که انگشتان وی قطع شده باشد؟ گفت: آقا داود کارگاه روبه‌رو هست من خودم انگشت‌هایش را در قوطی کبریت کردم بر دم بیمارستان اما آن‌جا گفتند که فایده‌ای ندارد و او هم دو انگشت ندارد.

دستگاه‌های مورد استفاده برای ۵۰ سال پیش است مجتبی صفایی، رئیس اتحادیه درودگران استان قم نیز در این رابطه گفت: مشکل اساسی بروز رسانی سیستم‌های تولید است که می‌تواند کمک‌های مالی که در بحث حمایتی است برای ارتقاء ماشین آلات و نحوه استفاده از آنها بکار رود.

وی افزود: یارانه صنعت باید به صنعت گر داده شود که توسعه صنعتی بدهد و این رشته را صنعتی کند زیرا در حال حاضر با این ماشین آلات فرسوده از هر ده نفر، سه یا چهار تولید کننده ما انگشت ندارند.

صفایی با بیان اینکه دستگاه‌های مورد استفاده ما برای ۵۰ سال پیش است، گفت: اگر هم جدید ساخته شده باشد همان تکنولوژی ۵۰ سال پیش را دارد که اگر قرار است به روز رسانی شود به یارانه صنعت احتیاج دارد اما یارانه صنعت که نمی‌دهند مشکلات دیگر را هم اعمال می‌کنند.

وی افزود: حدود ۳۰ سال است که استان قم، قطب دوم تولید صنایع مبلمان کشور است؛ در این مدت جاهای دیگر که به حساب نمی‌آمدند مانند ملایر، شاهرود و همدان روند روبه رشدی داشتند اما اگر رسیدگی و حمایت نباشد اقول خواهد کرد.

انگشتی که در گوشه و کنارمان می‌بینیم ما را بر آن داشت تا پیگیر مشکلات این صنف شویم و پای دل درودگرانی بنشینیم که انگشت‌ها را می‌دهند تا نانی بر سر سفره خانواده ببرند.

● قم، قطب دوم تولید صنایع چوبی کشور

دروودگران از انگشتان خود گذشتند تا قم، قطب دوم تولید صنایع چوبی کشور باشد و حالا مسئولان ما مقتخر به داشتن این رتبه استان هستند.

مبلمان، در و پنجره، کمد، انواع ویترین، کنسول، وسایل و قاب‌های تزئینی و سایر لوازمی که در هر خانه‌ای وجود دارد حاصل زحمت انسان‌های متواضعی است که حتی حقوق اولیه برای آنان رعایت نمی‌شود و شاید کمتر به این فکر کردیم که سر ساخت این وسایلی که از آن استفاده می‌کنیم چه انگشت‌هایی که بر باد رفته و چه خون‌هایی بر زمین ریخته است.

حدود ۵۰ هزار نفر به طور مستقیم و غیرمستقیم در قم از این صنف روزی می‌خورند اما توجه کافی به آنان نمی‌شود.

چهار هزار واحد صنفی در قم وجود دارد که اگر به طور میانگین در هر واحد صنفی چهار نفر کار کنند تا ۲۰ هزار نفر مستقیم و با احتساب صنایع وابسته مانند رویه کوب، شیشه بر، تعمیرات، ماشین آلات، راننده‌ها و خانواده آنان حدود ۵۰ هزار نفر به طور مستقیم و غیرمستقیم در قم از این صنف روزی می‌خورند اما توجه کافی به آنان نمی‌شود. محمدحسین محمودزاده پدر محمد خود هم از سختی‌های کار درودگری می‌گوید که پس از ۳۰ سال سابقه کاری در یک اهرمال گری که پیچ پشت گونیای دستگاه را محکم نکردم، پس از شروع بکار گونیای کنار رفت و پنج انگشت من با هم قطع شد.

وی درباره لوازم و ابزار فرسوده در این رشته نیز می‌گوید: مشکل به دستگاه‌هایی برمی‌گردد که برای ۵۰ سال پیش است؛ لوازم و ابزار ما وارد نمی‌شود؛ چند سال پیش دستگاه‌هایی در قم به نمایش درآمده بود که ساخت ۳۰ سال پیش کشور روسیه و مجهز به دوربین‌هایی بود که اگر دست جلوی می‌رفت قفل می‌شد اما ما در بازار ایران و در سایر نمایشگاه‌ها دستگاه‌های هوشمند که

● لحظات دردناک پدر و پسر نجار

وی می‌گوید از صدای فریادهای پدرم به داخل کارگاه رفتم و دیدم خون از دستان وی سرازیر شده و پدرم محکم دست دیگر خود را بر آن فشار می‌دهد؛ یک نوبت غرق در خون بود و تمام صورت من بی حس شده بود؛ من هم شروع به داد و بیداد کردم و تنها کاری که به ذهنم رسید این بود که بند انگشت‌هایی که غرق در خون بود را یکی یکی از اطراف و از لابه لای خاک اهرها برای پیوند زدن به دست پدرم پیدا کنم و در حالی که ذره‌های گوشت انگشتان پدرم را که به دیوار چسبیده بود می‌دیدم اشک‌ها و خون‌های بر زمین ریخته اجازه درست دیدن را از من گرفته بود اما هر طوری بود با دستان لرزان این کار را کردم.

وی از ماجرای آن روز خود می‌گوید که حدود ساعت ۱۵ بعدازظهر این اتفاق افتاد همسایه روبه‌روی مغازه ما آمد و پدرم را به بیمارستان نکویی قم بردیم اما آنجا آمبول کزاز نداشتند و از بیرون از بیمارستان تهیه کردیم بعد گفتند که ما نمی‌توانیم کاری انجام دهیم و تخصص آن را نداریم؛ بروید تهران که ما پدرم را به سرعت با ماشین شخصی به تهران رساندیم و در راه از شدت درد ۳-۲ بار به وی مرفین تزریق کردیم.

در بیمارستان دولتی تهران ۶ سال پیش یک جراح مشهور به ما گفت اگر بخواهید دست پدرتان را از زیر ذره بین دقیق مشاهده کنم پنج میلیون و اگر بخواهید عمل جراحی کنم ۵۰ میلیون می‌گیرم؛ گفتیم حرفی نیست اگر مانده خانه مان را می‌فروشیم و هزینه عمل را می‌پردازیم اما شما تضمین نمی‌دهید که پیوند به موفقیت انجام شود؟ آن پزشک گفت نه یک درصد هم اطمینان نمی‌دهم؛ پیوند برای برخی از مردم با موفقیت انجام می‌شود اما برای یک شهروند اصفهانی به تازگی پیوند را انجام داد اما یک هفته بعد سیاه شد و در این صورت باید برای قطع مجدد هم پنج میلیون بدهید و پدرم قبول نکرد.

مشکلات درودگران بیداد می‌کند و کسی نیست که به داد آنان برسد؛ وضعیت نامناسب ابزار آلات و دیدن آدم‌های بی

● از ۱۰ درودگر، سه نفر دچار نقص عضو می‌شوند

حاج رضا محمدی پیشکسوت و بازرسان اتحادیه درودگران قم هم گفت که از ۱۰ درودگر، سه نفر دچار نقص عضو می‌شوند.

بهباد متقیان نیز با سابقه ۴۵ ساله در این رشته درباره مشکلات صنف می‌گوید: ما از لحاظ استفاده از تکنولوژی

مهدی محمودزاده با سابقه ۱۸ ساله در این کار نیز اظهار داشت: این منطقه صنعتی است اما یک در مانگاه یا یک شخصی که بتواند یک پانسمان معمولی را برای این صنف انجام دهد نیست در صورتی که این اتفاق به وفور در این منطقه پیش می آید زیرا دستگاههای ما قدیمی است و حتی مجوز برای کار کردن ندارد.

● درودگران سازوکار استفاده از دستگاههای مدرن را هم نمی دانند

علی محمد کاظم بابایی با ۳۰ سال سابقه کار در این صنف معتقد است که قریب به اتفاق درودگران سازوکار استفاده از دستگاههای مدرن را هم نمی دانند باید ابتدا آموزش های لازم را فراگیرند زیرا اگر به هر شخص ۱۰۰ میلیون هم وام دهند به دلیل این که آموزش ندیده پول را از بین می برد و وظیفه اتحادیه است که آموزش های به روز را به اعضا بدهد زیرا با چند ماه شاگردی نمی توان در این شغل آسیب دید.

وی افزود: همان گونه که برای رانندگی، گواهی نامه اجباری است در کارگاههای درودگری هم استفاده از سه کاره باید ممنوع شود زیرا خطرساز است اگر درودگران پس از ممنوعیت باز استفاده کردند با اجبار و قانون باید جلوی آن را گرفت.

این فعال عرصه چوب ادامه داد: کار کردن با این دستگاه مانند میدان جنگ است بخصوص زمانی که فکر فرد آزاد نیست و پشت دستگاه می رود احتمال بریدن انگشتان بسیار زیاد می شود. دستگاههایی در تهران هست که انگشت برسد متوقف می شود تولیدکننده قشر ضعیف این کار است آنها که توانایی مالی هم دارند نمی خواهند پول خرج کنند.

وی با بیان اینکه قم پتانسیل رسیدن به جایگاه نخست در کشور را دارد اما متأسفانه متولی ندارد، گفت: اتحادیه سالانه حدود ۱۲۰ هزار تومان می گیرد اگر بیشتر هم بگیرند مسئله ای نیست اما ما بارها درخواست کردیم که کلاس آموزشی برپا کنند اما این کار را نکردند.

جواد مرسلی که از سال ۷۶ در این رشته فعالیت کرده است نیز می گوید که تا دوم راهنمایی درس خواندم و آموزش به ما داده نشده که من هم سال گذشته انگشتانم را از دست دادم.

سعید سگر زاده از دیگر درودگران قم که از سال ۷۲ شروع به کار کرده نیز گفت: چند سال پیش که کارهای ابزاری بیشتر در قم باب شد کار با دستگاه فرز زیاد بود زیرا کار ابزاری مد بود اما حالا این نوع کارها را به استادکارها می دهند اما خطر دوم دستگاه سه کاره است که دستهای زیادی را بی انگشت کرده و به عنوان مثال داماد عمهام چهار انگشت خود را از دست داد و یکی از همکارانمان هم دست خود را از میج برید که پس از آن در سوپرمارکت کار می کنند.

رضا مقدم از دیگر درودگران قم نیز گفت: کار ما با سختی عجین است و مهم تر از همه این که برنامه و اتحادیه پیگیر نداریم و ما که عمری در این کار هستیم هنوز دستگاهی را ندیدیم که دست به آن نزدیک شود بایستد، در صورتی که سالیان سال است که در دنیا این تکنولوژی وجود دارد.

وی ادامه داد: من ۲۶ سال است که در این شغل فعالیت می کنم و شاهد هستم که همه انگشت خود را بریده اند و ۶۰ تا ۷۰ درصد درودگران انگشتان دست خود را از دست داده اند.

وقتی برمی گشتم یکی دیگر از درودگران به دوستش گفت علی تو دست هایت سالم هست؟ و وی نگاهی با تأمل به دستهایش کرد و گفت آره، فعلا سالم هستند.

است یک بازار میل مشخص داریم که از داخل و اطراف به قم می آیند و استان قم منتفع می شود اما صنعت ما نیمه جان شده و رو به افول می رود و اگر حمایت نکنند از بین می رود.

طباطبایی با بیان اینکه ما صدامان به جایی نمی رسد، گفت: سالی یک بار همایش برگزار می کنند اما آقایان میکروفن را دست می گیرند یک طرفه صحبت می کنند و می روند در صورتی که باید ببینند و چراهای ما را پاسخ دهند و ما پیرسیم غیر از شعار و حرف زدن اگر کاری انجام دادید بفرمایید؟ بگویید کدام مجموعه تولیدی ما را در بخش صادرات حمایت کردید؟

● مسئولان ما باید در خدمت چرخه تولید باشند

وی با تأکید بر اینکه مسئولان ما باید در خدمت چرخه تولید باشند نه فرمانده این چرخه و تا از شعار خارج نشوند مشکلات حل نخواهد شد، گفت: اگر صنعت چوب، فرش و فرش را از قم بگیرند برای تولید هیچی نداریم که اگر تولید حمایت نشود فاجعه برای قم به بار می آید.

مجید شریفی نیز که ۳۰ سال سابقه فعالیت در این صنف را دارد و دو انگشت خود را هم از دست داده می گوید که هیچکس در قم دستگاه هوشمند ندارد زیرا کسی توان خرید ابزار آلات پیشرفته را ندارد.

هیچکس در قم دستگاه هوشمند ندارد زیرا کسی توان خرید ابزار آلات پیشرفته را ندارد.

وی می گوید مسئولان باید بدانند که استفاده از دستگاه سه کاره درودگری برای مملکت هزینه دارد و با این ابزار آلات فرسوده آسیب نداشتن در این حرفه وجود ندارد و درودگری که با فکر آشفته سر دستگاه رنده می رود دست خود را می برد و روپات نیست که در طول ۳۰ سال هیچ مشکلی برای وی به وجود نیاید و در هر صورتی باید پشت این دستگاه بایستد.

پس از بریدن دست هم درودگران به بیمارستان نکویی قم می روند و به این علت که قدر خود را نمی دانند وقتی می پرسند انگشت را قطع کنیم؟ می گویند قطع کن و شاید ندانند که حتی پیوند انگشتی هم وجود دارد که به نبود آموزش بر می گردد.

حداقل ۸۰ سال از دنیا عقب هستیم که به این دلیل سرعت و کیفیت کار ما را پایین و خطرات آن را زیاد کرده زیرا سرمایه کافی برای تهیه ابزار آلات به روز نداریم و هیچ بانک و ارگانی هم با این صنف همکاری نمی کند و شرایطی است که به طبقات ضعیف بیشتر فشار وارد می شود. ما باید با خطر روبه رو شویم کار با این دستگاهها مانند کسی است که در اتوبان پیاده از میان ماشین ها راه می رود. وی اظهار داشت: ما باید با خطر روبه رو شویم کار با این دستگاهها مانند کسی است که در اتوبان پیاده از میان ماشین ها راه می رود و به عنوان مثال حاج حسین مقدم در و دکور ساز برجسته قم و حاج محمود جلوه در ساز نمونه استان نیز برخی از انگشتانشان را در این شغل از دست داده اند.

این فعال در عرصه چوب گفت: جوانان در این رشته باید حمایت شوند اما وقتی آسیبها را ببینند می ترسند و استقبال نمی کنند.

سیدعلی طباطبایی از تولید کننده هایی که ۲۵ سال در این حرفه فعالیت می کند هم گفت: اگر تولید کننده های ما سرمایه داشته و بتوانند دستگاههای مدرن را وارد کنند صادرات جسمانی کاهش می یابد؛ امروزه رنده های پیشرفته است که احتمال آسیب دیدگی به مراتب پایین می آید.

وی اظهار داشت: بیشتر صنف درودگران دستهای آسیب دیده دارند که نیازمند سرمایه گذاری در این بخش است اما نه در قالب وام های با سود بالا که با تولید تناسب ندارد بلکه باید وام های بلندمدت کارمزدی بدهند که صدمات جسمانی کم شود.

این تولید کننده قمی افزود: حمایت مالی راهگشا باید هدفمند و بر اساس مستندات کافی باشد به گونه ای که اگر قرار است برای دستگاهی وام داده شود همان دستگاه خریداری شود نه این که در سرمایه در گردش برود. ما به تازگی در کارگاه خود ماشین آلات پیشرفته تهیه کردیم که صدمات را کنترل می کند اما دستگاههای پیشرفته هوشمندتر هست که با نزدیک شدن دست متوقف می شود که به دلیل گرانی به ندرت کسی از آنها استفاده می کند.

وی گفت: درودگری به عنوان سه صنعت برتر استان قم





دشت لاله‌های خراسان شمالی / سر به زیر از بی‌مهری / خطر انقراض در کمین

دشت‌های خراسان شمالی در شهرستان گرمه، محل جلوه‌گری کمیاب‌ترین گل‌های جهان است، لاله‌هایی که سر به زیری امروز آن‌ها از بی‌مهری مسئولان و گردشگران پدید آمده است.



محبوبه عیدی

در اواخر فروردین و با نزدیک شدن اردیبهشت‌ماه هرسال، لاله‌های زرد و لیمویی‌رنگ دشت‌های خراسان شمالی در منطقه خمبی و سرای شهرستان گرمه سر از خاک بیرون آورده و با جلوه‌گری زیبایی، گردشگران را به‌سوی خود فرامی‌خوانند.

دشت لاله‌های واژگون، این کمیاب‌ترین گل‌های جهان که در ارتفاعات ۱۵۰۰ متری زیر دریا منظره‌ای دل‌انگیز و چشم‌نواز را ایجاد کرده، فرصت بسیار خوبی برای رونق صنعت اکو توریسم و جذب گردشگر به این منطقه است. فرصتی که چند سالی است متولیان امر آن را مغتنم شمرده و با برگزاری جشنواره لاله‌های واژگون، سعی در شناخت این منطقه به گردشگران دارند که البته این لاله‌های سر به زیر بی‌مهری‌هایی نیز مواجه شده‌اند. لاله‌های واژگون که از گونه‌های خیلی کمیاب گیاهی است، علاوه بر ارزش تفرجگاهی و ایجاد چشم‌انداز زیبا، ارزش دارویی نیز دارد، این جلوه‌نمایی گل‌های زیبا در دشت‌های شهرستان گرمه عمر طولانی ندارد و زمان اندکی از سال را میزبان گردشگران است. همین زمان اندک، با غفلت برخی انسان‌ها و در زیر سایه کوتاهی مسئولان، هرسال کمتر می‌شود به‌طوری‌که

در سال جاری شاهد تخریب و کاهش مساحت رویش لاله‌های واژگون در دشت‌های شهرستان گرمه بودیم.

● گردشگران لاله‌های واژگون را در باقیم

یکی از گردشگران که برای دیدن لاله‌های واژگون در یک روز تعطیل، مسیر بیش از ۱۳۰ کیلومتری از مرکز خراسان شمالی را طی کرده است، می‌گوید: برای نخستین سال است که به این منطقه می‌آیم و با توجه به وجود مسیر فرعی طولانی از روستای رباط قره بیل، نبود تابلوهای راهنما سبب سردرگمی شد.

اکبری می‌افزاید: در طول مسیر گردشگرانی بودند که به دلیل سردرگمی برای پیدا کردن مقصد، از ادامه مسیر منصرف شده و راه برگشت را در پیش گرفتند.

وی اظهار می‌کند: وجود چنین منطقه بکر و نمونه‌ای که در کشور کمیاب است، همت مسئولان را می‌طلبد تا با نصب حداقل چند تابلوی راهنمای گردشگر، آنان را به مقصد هدایت کند.

گردشگر دیگری نیز که از اسفراین به همراه خانواده خود برای دیدن این دشت زردرنگ از لاله‌های واژگون آمده است، می‌گوید: نبود نظارت به‌منظور ورود و خروج گردشگران و رها کردن منطقه‌ای که محل رویش کمیاب‌ترین گونه گل در جهان است، بدون هیچ حفاظتی سبب آسیب و تخریب گل‌ها شده است.

جعفری تصریح می‌کند: با اشتیاق بسیار به همراه خانواده خود برای دیدن گل‌ها به این منطقه آمدم و با وجود اینکه هنوز در روزهای ابتدایی اردیبهشت‌ماه قرار داریم، اما بیشتر گل‌ها بر اثر آفت و تخریب از بین رفته است.

یکی دیگر از شهروندان بجنوردی نیز می‌گوید: در روز

تعطیل برای دیدن این لاله‌ها راهی شهرستان گرمه شدیم و باینکه در روز برگزاری جشنواره هم نبود اما گردشگران زیادی در آنجا حضور داشتند.

اسدی می‌افزاید: رویش لاله‌های واژگون در این منطقه فرصت بسیار خوبی برای جذب گردشگر است، چراکه یکی از کمیاب‌ترین و زیباترین گونه‌های گل در جهان در این منطقه به‌صورت موهبت خدادادی وجود دارد.

یکی از افراد محلی این منطقه که ساکن شهرستان گرمه است نیز می‌گوید: امسال لاله‌های واژگون دچار آفت‌زدگی شده و خیلی زودتر از موعد مقرر، عمر آن‌ها تمام شده است.

محمودیان می‌افزاید: عدم توجه به این گونه گل زیبا و از دست دادن این نعمت والا که از میلیون‌ها سال پیش به ما به ارث رسیده است، ضایعه‌ای بزرگ خواهد بود.

وی ابراز امیدواری می‌کند: خراسان شمالی همچون استان چهارمحال و بختیاری روزی به‌عنوان مشهورترین دشت لاله ایران معرفی شود.

یکی دیگر از شهروندان بجنوردی که در روز برگزاری جشنواره نیز به دیدن دشت لاله‌های واژگون آمده بوده می‌گوید: در مدت کوتاهی به فاصله کمتر از یک هفته از برگزاری جشنواره مجدد به همراه خانواده راهی این منطقه شدیم که در طی مسیر، گردشگران سردرگم از پیدا کردن مقصد، جالب‌توجه بود.

صفا پور بیان می‌کند: معرفی و جذب گردشگر فقط نباید به برگزاری جشنواره ختم شود، چراکه ایجاد زیرساخت‌هایی به‌منظور رفاه گردشگران، ایجاد تابلوهای راهنمای گردشگری، فرهنگ‌سازی چگونگی استفاده از دشت، نظارت بر ورود و خروج گردشگران و حفاظت از منطقه



کامل از منطقه انجام نگیرد، نمی‌توان گردشگران را به این سمت هدایت کرد.

وی تأکید می‌کند: تا زمانی که بدون توجه به جنبه‌های اقتصادی، گردشگر را جذب کنیم، به‌جز تخریب محیط‌زیست و اکو توریسم طبیعی منطقه، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود.

معاون گردشگری میراث فرهنگی و گردشگری خراسان شمالی می‌گوید: دشت لاله‌های واژگون منطقه خمبی و سرای، هنوز ناشناخته و جوان است و سعی داریم فقط در قالب جشنواره، این منطقه را معرفی و گردشگران را با نظارت به دین این لاله‌ها دعوت کنیم.

هاشمی تصریح می‌کند: به‌طور قطع در آینده حضور گردشگران ساماندهی و برنامه‌ریزی‌هایی به‌منظور تأمین زیرساخت‌ها و همچنین حصارکشی و قرق منطقه لاله‌های واژگون گرمه انجام خواهد گرفت.

لاله واژگون خراسان شمالی از نظر ارتفاع و رنگ با لاله واژگون استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد متفاوت است و عمدتاً با دورنگ زرد و بنفش کمرنگ در برخی مناطق خراسان شمالی و در ارتفاعات بالای ۱۵۰۰ متر از سطح دریا می‌روید، به نظر می‌رسد این ظرفیت پیش از برگزاری جشنواره و بیش از جذب گردشگر، نیازمند توجه مسئولان امر و ایجاد زیرساخت‌هایی نظیر پارکینگ، آب آشامیدنی، تابلوهای راهنمای گردشگران و البته قرق و حفاظت کامل از منطقه است، در این صورت است که با جذب گردشگر و رونق صنعت اکو توریسم در خراسان شمالی، فرهنگ گردشگری و حفظ محیط‌زیست نیز تقویت و ترویج می‌شود.

می‌کند: در منطقه رویش لاله‌های واژگون قرق بان وجود دارد و در حال گشت زنی است.

وی عنوان می‌کند: به دلیل نبود بهره‌برداری از این گونه گیاهی، لاله‌های واژگون شهرستان خمبی و سرای گرمه نیز کمتر دچار تخریب شده‌اند، اما عوامل انسانی و محیطی در آسیب رسیدن به گل‌ها بی‌تأثیر نیست.

وی می‌افزاید: در میان لاله‌های شناخته‌شده ایرانی، لاله واژگون از شهرت و زیبایی منحصر به فردی برخوردار است که همه‌ساله تعداد زیادی از مردم را در فصل بهار برای تماشای آن به محل رویشگاه‌های این گل‌های کمیاب می‌کشاند.

مسئول بهره‌برداری از گیاهان دارویی منابع طبیعی و آب‌خیزداری خراسان شمالی با اشاره به جنبه‌های مختلف ارزش این گونه گیاهی، می‌گوید: لاله واژگون علاوه بر زیبایی طبیعی و جنبه گردشگری، خواص دارویی را نیز دارا است.

● فرهنگ گردشگری و حفظ محیط‌زیست در دشت لاله‌های واژگون باید تقویت شود

معاون گردشگری میراث فرهنگی و گردشگری خراسان شمالی از دلایل عدم توجه و رسیدگی به منطقه زیبای لاله‌های واژگون شهرستان گرمه از سوی مسئولان را، فرهنگ ضعیف گردشگری و حفظ محیط‌زیست از سوی گردشگران دانست.

مینا هاشمی اظهار می‌کند: بر این اساس، ورود ناهماهنگ و غیر برنامه‌ریزی‌شده گردشگران و مسافران می‌تواند به این منطقه و رویش گل‌ها آسیب وارد کند.

وی می‌افزاید: تا زمانی که زیرساخت‌های لازم و حفاظت

رویشگاه لاله‌های واژگون از الزامات است تا علاوه بر جلوگیری از تخریب این گل‌های زیبا، در سال‌های آتی نیز گردشگران حفظ و بر تعداد آن‌ها افزوده شود.

● حصارکشی و حفاظت از لاله‌های واژگون در صورت تأمین اعتبار

فرماندار گرمه می‌گوید: رویش لاله‌های واژگون در روستای رباط قره بیل و منطقه خمبی و سرای شهرستان گرمه، جلوه‌ای منحصر به فرد به این منطقه داده است. علی‌محمد زاده گفتگو اظهار می‌کند: این گل‌ها به دلیل ارتفاعی که از سطح دریا دارند و سردسیری منطقه، امکان رویش پیدا کرده‌اند که به خاطر تفاوت رنگ آن‌ها نسبت به لاله‌های واژگون سایر مناطق کشور، نظیر استان چهارمحال و بختیاری، فقط در شهرستان گرمه شاهد رویش آن هستیم.

وی می‌افزاید: هر ساله در زمان رویش این گل‌های کمیاب، با برگزاری جشنواره سعی در معرفی و شناساندن این منطقه به گردشگران راداریم.

محمد زاده بایان اینکه تغییر در ظاهر و حجم لاله‌های واژگون در سال جاری مربوط به سرمای هوا بوده و عامل انسانی در آن دخیل نبوده است، می‌گوید: به هر صورت نمی‌توان دخالت انسانی را نیز نادیده گرفت.

فرماندار گرمه تصریح می‌کند: با صحبت‌هایی که با سازمان برنامه‌بودجه انجام شده، پیگیر جذب اعتباراتی به‌منظور حصارکشی در اطراف گل‌ها هستیم.

● استفاده از ظرفیت محلی برای معرفی دشت لاله‌های واژگون

محمد زاده درباره تبدیل منطقه خمبی و سرای به منطقه گردشگری و رونق صنعت اکو توریسم می‌گوید: در این باره باید اقدامات تبلیغی انجام گیرد.

وی می‌افزاید: با منابع طبیعی صحبت‌هایی به‌منظور واگذاری برخی زمین‌های این منطقه به دهیاری روستای رباط قره بیل انجام گرفته است.

فرماندار گرمه اظهار می‌کند: باید با کمک دهیاری و با استفاده از ظرفیت‌های محلی، دشت لاله‌های واژگون را حفاظت و معرفی کرد و همچنین گردشگری را در این منطقه توسعه داد.

● عوامل انسانی و محیطی از علل تخریب لاله‌های واژگون

مسئول بهره‌برداری از گیاهان دارویی منابع طبیعی و آب‌خیزداری خراسان شمالی نیز بایان اینکه عمر لاله‌های واژگون کوتاه است، می‌گوید: تغییر در ظاهر و حجم گل‌ها نسبت به سال‌های گذشته ایجاد نشده است. علیرضا احمدی اسکویی در پاسخ به این سؤال که چه اقداماتی در جهت حفاظت از لاله‌ها انجام می‌شود، اظهار



رونمایی از محرومیت در سایه زلزله؛ تن مردم اینجا سالهاست می لرزد



زن روستایی با لیخندی می گوید: خوب شد زلزله آمد تا پای مسئولان به روستا باز شود؛ اما لیخند هم تلخی کلامش را نمی گیرد؛ اینجا تن مردم سالهاست می لرزد و حالا آوارگی، هم درد مضاعف شده است.

ملیحه رفیع طلب جوان

با گذشت دوازده روز از وقوع زلزله در سفیدسنگ خراسان رضوی، پس لرزه های این زمین لرزه همچنان ادامه دارد و طبق گزارش های مرکز زلزله نگاری کشور تاکنون بیش از ۹۵۰ پس لرزه در این منطقه رخ داده است.

زمین لرزه سفید سنگ خراسان رضوی با شدت ۶ ریشتر در عمق ۱۰ کیلومتری زمین و در ساعت ۱۰:۳۹ در شهرستان فریمان رخ داد.

به گفته رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر برائت وقوع زمین لرزه در استان خراسان رضوی ۳۶ نفر مصدوم شدند و به سه هزار و ۸۵۲ نفر از زلزله زدگان امداد رسانی شد. همچنین سرپرست اورژانس کشور تعداد قربانیان زلزله استان خراسان رضوی را یک نفر اعلام کرد. مطابق اعلام مسئولان امر به دنبال وقوع این زلزله ۶۷ روستا و ۱۸۰۰ منزل مسکونی، آسیب دیده و تخریب شده اند. اگرچه از دقایق ابتدایی وقوع زلزله عملیات امداد رسانی در این مناطق انجام شد و روند بازسازی منازل روستایی تخریب شده نیز از هفته گذشته آغاز شده، اما مشکلات مردم در این مناطق همچنان باقی است.

از این رو برای بررسی موضوع، کسب اطلاعات دقیق و صحبت با اهالی مناطق زلزله زده، به فریمان و منطقه سنگ سفید رفتیم تا به صورت میدانی آخرین وضعیت روستاهای این محدوده را بررسی کنیم.

در چادر درس می خوانیم

اولین روستایی که وارد می شویم، روستای «الغور» در ۷۰ کیلومتری فریمان است. امرار معاش ساکنان این روستا از طریق دام پروری و کشاورزی است. به محض وارد شدن به این روستا، بوی نان تنوری به مشامت می خورد و کودکان از گوشه و کنار پیدایشان می شود، لبخند زان جلو می آیند، انگار نه انگار خانه های کاه گلی شان که سقف نمور و تاریکی داشت، در هم کوبیده شده و یازده روزی است که در چادرهای هلال احمر به سر می برند. صورتهای

آفتاب سوخته و برق چشمانشان حس زندگی دارد. آن ها درد را خوب می فهمند، اما حالا بار بزرگ تری را بر دوش می کشند: «آوارگی».

کنار چند کودک که دور هم حلقه زده اند می روم. وقتی می پرسیم موقع زلزله کجا بودید و چقدر ترسیدید، یکی پس از دیگری جواب می دهند و با هر صحبت لیخندی چاشنی آن می کنند.

یکی از کودکان که سنش از بقیه بیشتر به نظر می آید و سمیرا صدایش می کند، شروع به جواب دادن می کند. او می گوید: وقتی زلزله آمد، خیلی ترسیدم و با مادرم در خانه بودیم و به بیرون فرار کردیم و حالا خانه مان خراب شده است.

از او می پرسیم این چند روز مدرسه تعطیل شده یا نه؟ جواب می دهد: از روزی که زلزله آمده، در کنار مدرسه برایمان چادر زدند و کلاس هایمان همان جا است، من درس خواندن را دوست دارم اما فقط تا پنجم دبستان می توانیم درس بخوانیم و سوادمان تا همین کلاس است. خدا کند ما هم مدرسه دار شویم و بیشتر از پنجم درس بخوانیم. کمی نگاه می کند و می پرسد باز هم اینجا می آید؟

نمی خواهیم کودکم را از دست بدهم

در نزدیکی بچه ها، زنی که چادر رنگ و رو رفته ای به سر دارد نشسته و برای صحبت به سراغش می رویم و در مورد امداد رسانی بعد از زلزله می پرسیم. او که اسمش فرزانه است و پنج فرزند دارد، می گوید: دستشان درد نکند، بعد از سه چهار ساعت امداد رسانی انجام شد، اما بزرگ ترین مشکل ما نداشتن سرویس بهداشتی و حمام است.

فرزانه از پس لرزه ها که شدید است و هر پنج شش ساعت یکبار حس می شود، ابراز ناراحتی و ترس می کند و می گوید: فقط دو روز برایمان غذای گرم آوردند و بعد از آن کنسرو و غذاهای آماده می خوریم و خودمان هم آشپزی می کنیم ولی یخچال نداریم و اگر غذایی اضافه بیاورد باید آن را دور بریزیم.

وی ادامه می دهد: روستای ما تا قبل از زلزله لاقبل برق داشت اما الان دیگر برق هم نداریم و با والورهایی که داده اند خود را گرم می کنیم. شش ماه باید در این چادرها زندگی کنیم تا مسئولان خانه هایمان را بسازند. کاش هرچه زودتر این مشکلات کم بشود. بچه کوچکم مریض است و گریان و نمی خواهیم او را از دست بدهم.

سالهاست کسی سراغ ما را نگرفته

بوی نان را دنبال می کنم و به تنوری می رسم که دو زن

در کنار آن نشسته اند و خمیرها را ورز می دهند، به روی آن آرد می پاشند و داخل تنور می گذارند. یکی از آن دو که جوان تر است و معصومه نام دارد، دارای پنج پسر و دو دختر است. نان های آماده اش را تعارف می کند. از او می پرسیم بعد از زلزله به غیر از برق، کدام امکاناتشان قطع شده است؟ وی می گوید: بعد از زلزله آب روستا هم قطع شده و با تانکر برایمان آب می آورند.

وی در کمال تعجب از آمدن زلزله ابراز خوشحالی می کند و ادامه می دهد: خوب شد زلزله آمد و مسئولان به روستای ما سر زدند و گر نه روستای ما را تا به حال هیچ کس ندیده بود و مسئولان نیز فقط هر چهار سال یکبار برای رای گرفتن می آید. خدا این زلزله را برای ما فرستاد تا آن ها بیایند و ببینند که ما چگونه زندگی می کنیم. فکر کنم بعضی از مسئولانی که این چند روز به روستای ما آمدند، برای اولین بار بود و خدا کند دوباره ما را فراموش نکنند و به قول های خود عمل کنند.

وی ادامه می دهد: تابستان و زمستان، گرما و سرمای ما فهمیده نمی شود. بچه های روستا مجبور هستند ترک تحصیل کنند چون فقط دبستان داریم و کسی را در شهر و روستای دیگری نداریم که آن ها را بفرستیم تا درس بخوانند. مشکلات ما یکی دوتا نیست، از سمت تربت جام به روستای ما ۶۰ کیلومتر راه است و جاده اش هم چند کیلومتر خاکی است و زمانی که باران و برف می آید نمی شود رفت و آمد کرد. ما با این بدبختی زندگی می کنیم و سالهاست که کسی خبر ندارد و سراغی از ما نگرفته است.

۶۰ خانوار و چهار سرویس بهداشتی

بعد از روستای الغور به طرف کانون اصلی زلزله، روستای «دوقلعه براشک» می رویم. روستایی که به گفته اهالی آن در اوایل دهه هفتاد، برق کشی شده است. در این روستا نیز، خانه ها تخریب شده اند و به هر طرف که نگاه می کنی، وسایل زندگی مردم از جمله یخچال های قدیمی و کارکرده، کاسه و بشقاب های لبریده، پتو و بالشت های درز گرفته را می بینی که به گوشه های تلبار شده و در انتظار مأمنی هستند.

این روستا ۶۰ خانوار، ۱۸ دانش آموز و یک مدرسه دارد. هر ۶۰ خانوار در چادر به سر می برند و اکثر چادرها در مکان هایی تعبیه شده که نزدیک تیرهای چراغ برق است و هیچ گونه امنیت جانی برای مردم ندارد.

اسکان در نظر گرفته شده و با توجه به این پراکندگی، فقط یک چشمه سرویس بهداشتی که چهار دستشویی دارد، برای این روستا فرستاده شده، اما در قسمت‌های پایین‌تر روستا حتی این مشکل حل نشده است.

● خدمات‌دهی سپاه در اولین ساعات وقوع زلزله

در طرف دیگر روستا چادری که متعلق به سپاه است، دیده می‌شود. به‌منظور کسب اطلاعات بیشتر از نحوه امدادسانی به زلزله‌زدگان با سرهنگ حسین شمس فرمانده ناحیه سپاه فریمان به گفت‌وگو می‌پردازیم.

وی می‌گوید: پس از وقوع زلزله به منطقه آمدم و عملیات آواربرداری و نجات مصدومان انجام شد و تنها یک فوتی و هفت نفر مصدوم در این حادثه داشتیم که به بیمارستان فریمان انتقال داده شدند.

شمس با اشاره به اینکه اسکان موقت قبل از هر اقدامی برای روستاییان در نظر گرفته شده ادامه می‌دهد: در کنار هلال‌احمر، بسیج از شهرستان‌های اطراف و سپاه امام رضا(ع) به خدمت‌رسانی آمدند و به توزیع پتو، چادر و کنسروجات پرداختند. بعد از اسکان موقت، چادرها در ۱۳ روستا توزیع و نصب شد و بعد از آن مسئله امنیت بود که با کمک نیروی انتظامی این مهم به انجام رسید.

وی می‌افزاید: در شهرستان فریمان ۱۳ روستا، ۳۰۰ خانوار و تقریباً هزار و ۵۰۰ نفر جمعیت دارند که در معرض آسیب‌های زلزله قرار داشتند اما با خدمت‌رسانی به‌موقع تا اندازه‌ای مشکلات ساماندهی شده است و در تلاش هستیم تا چند روز آینده مشکل سرویس‌های بهداشتی را نیز حل کنیم.

شمس در رابطه با ضرورت بازسازی روستاها، ابراز می‌کند: یکی از انتظارات طبیعی روستاییان، بازسازی و ساخت خانه‌هایشان است و اکنون که فصل برداشت محصولات آن‌ها است، استاندارد و بنیاد مسکن تا قبل از فصل سرما قول ساخت مسکن را داده‌اند و البته روستاییان نیز باید همکاری کنند.

وی بیان می‌کند: مهم‌ترین معضل اساسی که در حال حاضر وجود دارد، سرویس‌های بهداشتی است که پراکندگی روستاییان این مشکل را بیشتر می‌کند. فرمانده ناحیه سپاه فریمان این زلزله را تلنگری عنوان کرد که تمامی مسئولان باید در بحث مدیریت بحران به آن توجه بیشتری نشان دهند.

● زلزله روحیه آن‌ها را نلرزانده است

اهالی این روستاها، فقر و کمبود نیازهای اولیه را با پوست و گوشت خود حس می‌کنند و از زندگی تنها به شب رساندن روز را در پس امید و آرزوهای برآورده نشده، خوب آموخته‌اند. آن‌ها ندیده‌اند، اما می‌دانند ادامه تحصیل یعنی چه، تلفن همراه چه مزیت‌هایی دارد، خوراک خوب کدام است و پوشیدن لباس نو چه کیفی دارد.

آن‌ها امید را می‌شناسند، می‌دانند بخشدار کیست، با وظایف مسئولان آشنا هستند، وعده و وعید را هم بارها و بارها شنیده‌اند. اهالی این چهار روستا در زمان زلزله ترسیدند، فریاد زدند، گریه کردند، جسم و خانه‌هایشان آسیب دید، اما امید به اندازه فقر در آن‌ها جاری است.

آن‌ها از زلزله خوشحال‌اند، زیرا به یمن آن مسیر سفید سنگ به روستایشان حالا جاده شده، مسئولان را دیده‌اند، در روز غذای گرم خورده‌اند و امید دارند درس خواندشان از پنجم ابتدایی فراتر رود و مدرسه دار شوند.



با این زلزله پای مسئولان به روستای ما باز شد، کاش چاره‌ای برای این مشکلات بیاندیشند، ما را ببینند و به حرف‌هایی که این چند روز زدند، عمل کنند.

● بیماری خاصی زلزله‌زدگان را تهدید نمی‌کند

برای آگاهی از وضعیت سلامت روستاییان به سراغ احمد خسرو دوست، بهروز و مسئول خانه بهداشت روستای دوقلعه می‌رویم تا از نحوه امدادسانی و مشکلات زلزله‌زدگان برآیمان بگوییم.

وی در رابطه با تعداد زنان باردار در موقع زلزله و خدمت‌رسانی به آن‌ها اظهار می‌کند: در روستاهای الغور شش مادر باردار، سرچشمه دو نفر، دوقلعه یک نفر و رزمگاه اولیاء سه نفر را کنترل و سامان‌دهی کردیم و در حال حاضر حال خوبی دارند.

وی می‌افزاید: تا قبل از اینکه وضعیت سفید در روستاها اعلام شود، پزشک و اورژانس به‌طور شبانه‌روزی مستقر بودند و هم چنان نیز پزشک محیط و بیماری‌ها در حال انجام‌وظیفه هستند.

مسئول خانه بهداشت دوقلعه با بیان اینکه قرارگاه خاتم‌الانبیا و شهرداری فرهاد گرد هرکدام تعداد ۲ کانکس سرویس بهداشتی را در روستا مستقر کرده‌اند، تصریح می‌کند: اشکال این است که زلزله‌زدگان در یک مکان مشخص ساکن نیستند و وسایلشان بیرون از چادرها است و پراکنده هستند. از زمان زلزله توانسته‌ایم ۴ مورد اسکان را تعبیه کنیم و برای هر گروه نزدیک خانه‌هایشان یک

از یکی از اهالی روستا در مورد اینکه چرا چادرهایشان را در جاهای بهتر و امن‌تری قرار نداده‌اید، می‌پرسم. وی می‌گوید: روزی که زلزله آمد، هلال‌احمر این چادرها را برآیمان آورد و به ما گفت که آن‌ها را در کجا نصب کنیم و برپایی آن به عهده خودمان بود و ما هم که در بحران و ترس و آوارگی به سر می‌بردیم، هر جایی که فکر می‌کردیم، چادر زدیم و به دیگر مسائل توجه نکردیم. وی ادامه می‌دهد: به‌جز چادرهای هلال‌احمر، سپاه نیز ۱۶ چادر برای روستای ما آورد که این تعداد فقط برای نگهداری وسایلمان است و اساسی‌ترین مشکلی که در حال حاضر داریم، کمبود سرویس بهداشتی و حمام است. فقط چهار کانکس سرویس بهداشتی و یک حمام برای ما آورده‌اند که ساعاتی از روز را مردان و ساعاتی را زنان استفاده می‌کنند.

البته خدا به مخابرات خیر بدهد، با وقوع زلزله دستگاهی را گذاشته‌اند که تلفن همراه نیز در این منطقه جواب می‌دهد.

● سالی یک گوسفند نذر امام هشتم (ع) می‌کنم

این روستا، یک فوتی داشت که پیرزنی ۸۶ ساله بود. به چادر عمو حیدر، همسر آن پیرزن می‌روم. بساط سینی و چایی‌اش روبه‌راه است. کمرش خم است و کلاهش مانند لباس‌هایش از خاکی که در روستا در حال ورزش است، انبوه شده.

فوت همسرش را به او تسلیت می‌گویم و جواب می‌دهد: دلم برایش تنگ‌شده اما در کار خدا، چاره‌ای نیست. از او می‌پرسم الان با چه مشکلاتی روبه‌رو است. دستی بر

کمرش می‌زند و می‌گوید: مال و زخم رفته، مشکلی از این بیشتر می‌شود.

عمو حیدر دل‌پردردی دارد و با هر صحبتش دستی بر پیشانی‌اش می‌کشد، پایش را جابه‌جا می‌کند و ادامه می‌دهد: چهار سال و نیم پیش کمرم ضربه خورده و توان کار کردن و هیچ‌گونه درآمدی ندارم، اما نذر قدیمی خود را هر سال ادا می‌کنم. هر سال یک گوسفند نذر امام هشتم دارم.

عمو حیدر می‌افزاید: دو پسر و یک دختر دارم که دو پسرم نابینا هستند و چندین مرتبه به کمیته امداد امام خمینی (ره) مراجعه کرده اما جوابی نگرفته‌ام. بهزیستی هم تا به حال کمکی به فرزندان معلولم نکرده است. حالا که



زاینده رود بار دیگر می خشکد / سراب وعده‌ها مقابل چشم مردم

الهی نیاندازید، دلیل خشکی زاینده‌رود کاهش بارندگی نبوده بلکه برداشت‌های غیرقانونی و غیراصولی چند سال گذشته بوده است.

● یک نفر در دولت یازدهم به فکر احیای زاینده‌رود نیست

رئیس اتاق بازرگانی اصفهان تصریح کرد: یک نفر در دولت یازدهم به فکر احیای زاینده‌رود نیست؛ زاینده‌رود کمتر از دریاچه ارومیه است؛ ای کاش طرحی هم برای احیای این رودخانه به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شد.

رئیس اتاق بازرگانی اصفهان اضافه کرد: مردم اصفهان که ۲۳ هزار شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده‌اند حالا باید بنشینند و ببینند که آب شرب را می‌خواهند برایشان جیره‌بندی کنند.

وی با بیان اینکه مسئله زاینده‌رود باید به اصفهان واگذار شود، اظهارداشت: کار را به مردم اصفهان بسپارید و به آنان بگویید «مردم اصفهان بیایید و برای زاینده‌رود و استان، خودتان برنامه‌ریزی کنید».

جواب ابتکار به این اعتراض‌ها باورنکردنی بود و وی در کمال تعجب حضار اظهار داشت که تاکنون کارهای زیادی برای حوضه زاینده‌رود انجام شده و سپس خشکی این رودخانه را به موضوع بی ربط از میان رفتن نخل‌ها در بندرعباس گره زد و گفت این مشکلات باید با همت و همدلی رفع شود.

● اظهار نظر عجیب رئیس سازمان محیط زیست در ارتباط با گاوخونی

وی سپس در اظهار نظری عجیب ادعا کرد که گاوخونی کانون گرد و غبار نیست چراکه همچنان مرطوب است

از سفر قبل خود تاکنون برای اصفهان چه کرده است بازماند و در ادامه نیز برای سوال و اعتراض‌های مکرر و مستند کشاورزان که نسبت به آمارهای غلط وی اعتراض می‌کردند جوابی به جز «این راهش نیست» پیدا نکرد.

● دولت تدبیر و امید با اصفهان قهر کرده است

خلاصه وعده‌های دولت در طول سال‌های گذشته در صحبت‌های رئیس خانه صنعت و معدن اصفهان به خوبی نمود یافت، جایی که وی با اعتراض به ابتکار در این جلسه اظهار داشت: طبیعت با اصفهان قهر نکرده بلکه دولت تدبیر و امید با اصفهان قهر کرده است؛ در گذشته دولتی روی کار آمد و به جهت اینکه زادگاه خود یزد را آباد کند، آب اصفهان را برد، حالا یزد افتخار می‌کند که صنعت خود را با آب زاینده‌رود می‌چرخاند.

سید عبدالوهاب سهل آبادی سپس در ادامه گفت: چهار سال از عمر دولت یازدهم گذشته و فقط گفته‌اند تحمل کنید؛ روزی مردم اصفهان برای کشاورزی نیازمند آب بودند اما امروز برای مصرف شرب نیازمند آب هستند.

● خشکی زاینده‌رود را به گردن نزولات آسمانی نیاندازید

وی ابراز داشت: خانم ابتکار! محیط زیست اصفهان به دلیل خشکی تالاب گاوخونی دچار مشکل است، اگر تالاب گاوخونی احیا نشود شما دیگر کدام محیط زیست را می‌خواهید احیا کنید؟ باریزگردهایی که به گفته کارشناسان خودتان می‌تواند تا چند ۱۰۰ کیلومتر آثار تخریبی داشته باشد، چه تدبیری برای اصفهان دارید؟

● دلیل خشکی زاینده‌رود برداشت‌های غیرقانونی است

سهل آبادی ادامه داد: خشکی زاینده‌رود را به گردن نزولات

وعده انتخاباتی دولت برای احیای دائمی زاینده رود هنوز در گوش مردم اصفهان می پیچد اما طبق برنامه ریزی قرار است ۱۵ خرداد بار دیگر آب بر روی بزرگترین شریان حیاتی مرکز کشور قطع شود.



فاطمه کارزونی

مردم اصفهان طی روزهای گذشته و در سفر تبلیغاتی رئیس جمهور بار دیگر وعده احیاء دائمی زاینده رود را شنیدند. وعده ای که امیدوارند محقق شود.

اما مردم این استان هنوز بهمن‌ماه ۹۳ را نیز از یاده نبرده‌اند روزی که رئیس جمهور در سفر خود به اصفهان در برابر هزاران اصفهانی منتظر قول احیای زاینده‌رود را داد. از آن قول‌ها سه سال گذشته است و با وجود هشدارهای کارشناسان در ارتباط با اثرات غیرقابل جبران خشکی زاینده‌رود، کوچک‌ترین واکنشی از دولت شاهد نبودیم؛ حتی وزیر نیرو در سفرهای اخیر خود به اصفهان در طول این مدت سخنانش را به هر موضوعی اختصاص داده به جز صحبت درباره زاینده‌رود، وی برای مصاحبه در جمع خبرنگاران اصفهانی لحظه‌ای درنگ نکرد و حتی در برابر درخواست‌های مردمی در این سفرها نیز واکنشی از وی شاهد نبودیم، گویی اصلاً صحبت‌های مردم را نشنیده است.

ابتکار رئیس سازمان محیط زیست نیز در طول چهارسال گذشته سفرهای متعددی به اصفهان داشت و وعده وعیدهای فراوان درباره احیای زاینده‌رود و تالاب گاوخونی داد اما پس از این سخنان بی سرانجام در سفر اخیر خود به اصفهان گویی تمام وعده‌های گذشته را فراموش کرد. وی از پاسخ به رئیس اتاق بازرگانی اصفهان درباره اینکه



سوم ساخته شده و تنها تزریق بتون داخلی و سد انتقالی آن باقی مانده است، گفت: تکمیل این تونل نیازمند ۴۰۰ میلیارد تومان هزینه است بر این اساس در وهله نخست برای کمک به زاینده رود دولت باید این هزینه را برای تکمیل تونل سوم تخصیص دهد. وی افزود: در مرحله دوم دولت باید به اتحادیه کشاورزان کمک کند تا طرح ساماندهی رودخانه زاینده رود را که آغاز شده است از بالادست تا پایین دست اجرایی کنند.

● خالی شدن آبخوان‌ها و خطر فرونشست زمین در اصفهان

خاتون‌آبادی راه حل مهم سوم را بستن چاه‌های غیرمجاز برشمرد و گفت: حفر این چاه‌ها آبخوان‌ها را خالی می‌کند به نوعی که این امر باعث از میان رفتن کانال‌های زیرسطحی شده است و خطر فرونشست نیز اصفهان را تهدید می‌کند.

وی با بیان اینکه این سه مسئله اصلی ترین راه احیای زاینده رود است و نیاز به راه‌حل‌های پیچیده برای احیای زاینده رود نیست، اضافه کرد: در واقع بهترین راه احیای این رودخانه اجرای قانون توزیع عادلانه آب است، همچنین باید شاهد اجرای تعهدات دولت نسبت به تونل سوم، بستن چاه‌های غیرمجاز و کمک به ساماندهی رودخانه باشیم تا بار دیگر در مسیر احیای زاینده رود گام برداریم.

● ۱۵ خرداد زاینده رود طعم خشکسالی را می‌چشد یا قول رئیس‌جمهور را؟

در طول این سال‌ها برخلاف وعده سه سال پیش رئیس‌جمهور، تنها پیچ و تاب رودخانه‌ای خشک را شاهد بودیم، گویی هرگز سرچشمه‌ای وجود نداشته و زاینده رود قرن‌ها این مسیر سراب تا پایاب را طی نکرده است. تاسف آور اینکه در شرایطی که هنوز زمانی قابل توجه از آخرین وعده رئیس‌جمهور درباره احیای این رودخانه دائمی فلات مرکزی نگذشته است، قرار است ۱۵ روز دیگر این رودخانه طعم خشکسالی را تجربه کند.

● لحظه‌شماری اصفهانی‌ها برای تحقق وعده روحانی

گویی موضوع آب در استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری به دستاویز سیاسی و حربه‌ای برای رای آوری تبدیل شده است و پس از پشت سر گذاشتن تب و تاب انتخاباتی به فراموشی سپرده می‌شود، موضوعی که مردم اصفهان امیدوارند این بار تحقق پیدا کند چرا که فریاد رئیس‌جمهور در میدان امام را در ذهن تاریخی خود حک کرده و در انتظار وعده رئیس‌جمهور لحظه‌شماری می‌کنند؛ آقای رئیس‌جمهور تاکنون ۷ روز گذشته است!



نیز در پاسخ به شعارهای مردم گفت: پس از احیای دریاچه ارومیه، به سراغ تالاب هورالعظیم رفتیم و حالا نوبت زاینده رود است؛ اصفهان زنده بودنش به زاینده رود است. و این قولی است که مردم اصفهان به آن دل بسته‌اند.

فعال زیست محیطی و استاد دانشگاه صنعتی اصفهان در ارتباط با چگونگی عملیاتی شدن وعده‌های رئیس‌جمهور می‌گوید: از گذشته تا کنون مناطق مختلف استان مطابق طومار شیخ‌بهایی دارای حق‌آبه هستند، در واقع به دلیل جاری بودن رودخانه در این منطقه قابلیت زندگی در حواشی آن پدیدار شده و بر این اساس ساکنان آن مطابق اصول جهانی دارای حق‌آبه هستند که در طومار شیخ بهایی نیز تعیین و تفهیم شده است.

احمد خاتون‌آبادی با بیان اینکه صاحب آب تونل اول کوهرنگ به واسطه تامین هزینه آن مردم هستند و دولت نیز صاحب آب تونل دوم است، ابراز داشت: تونل دوم حدود ۲۵۰ میلیون مترمکعب آب دارد و با ۱۰۰ میلیون آب حواشی در مجموع سهم دولت ۳۵۰ میلیون مترمکعب آب است و این در حالی است که در طول سال‌های گذشته بیش از یک هزار میلیون مترمکعب آب واگذار کرده است که باید به اصفهان برگرداند.

وی با بیان اینکه آب فروشی در هیچ کجای دنیا پسندیده نیست، گفت: در واقع تخصیص میزان آب از رودخانه زاینده رود به دیگر استانها به افتتاح تونل سوم کوهرنگ مشروط شده بود اما دولت پیش از افتتاح این تونل، آب آن را واگذار کرده است.

● دولت هزینه تکمیل تونل سوم را تخصیص دهد

استاد دانشگاه صنعتی اصفهان بیان با بیان اینکه تونل

و این در حالی است که صحبت‌های مردم منطقه و کارشناسان نشان می‌دهد ۱۳ سال است آبی به لب‌های خشک تالاب نرسیده و گاوخونی در فصل‌های گرم سال برخلاف ادعای ابتکار به شکل کامل خشک می‌شود.

● مصوبه ۹ ماده‌ای احیای زاینده رود بر روی کاغذ باقی ماند

اگر منظور از کارهای فراوان در حوضه زاینده رود مصوبه ۹ ماده‌ای است که باید گفت در طول این سال‌ها تنها بر روی کاغذ باقی مانده است، اگر قانونی است که از حفر چاه‌های غیرمجاز جلوگیری کند پرسش ما این است که چاه‌های فراوان جدید به ویژه در استان مجاور چگونه ایجاد شده است، در صورتی که منظور مدیریت یکپارچه حوضه زاینده رود باشد که هنوز اجرایی نشده و اگر اتحاد و هم‌دلی دو استان مجاور منظور نظر است که باید گفت این دو استان سالها با اجرای طومار شیخ بهایی مشکلی نداشتند بلکه آنچه آمد و اختلاف افکند زیر پا نهادن قوانین مصوب شده با چندین قرن سابقه تاریخی است.

● آلمانی‌ها هم نتوانستند زاینده رود را نجات دهند

پس از این اعتراض‌ها حتی آلمانی‌ها نیز برای زاینده رود دل سوزاندند به نوعی که معاون امور برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت نیرو در مصاحبه‌ای بر واگذاری نجات زاینده رود به آلمانی‌ها تأکید کرد و گفت «یک شرکت تحقیقاتی آلمانی چند سال است که در بخش مطالعات آبگیر زاینده رود مشارکت دارد که اکنون این مطالعات به مرحله اجرا رسیده است» اما عجیب اینکه این دلسوزی‌ها نیز نتیجه نداشت.

● قول تبلیغاتی روحانی درباره دائمی شدن زاینده رود

در چنین شرایطی آخرین بار روحانی در روز ۲۴ اردیبهشت امسال در سفر تبلیغاتی اخیر خود به اصفهان بار دیگر قول احیای زاینده رود را به مردم داد.

مردم اصفهان در این روز با پلاکاردهایی مانند «دریاچه گاوخونی با ارومیه چه فرقی دارد»، «آقای روحانی زاینده رود من کو»، «زنده رود همیشه جاری برنامه عملی دولت دوازدهم» و غیره به نوعی عملیاتی نشدن قول سه سال پیش وی را یادآوری کردند.

● اکنون نوبت زاینده رود است؟!

مردم در اواسط سخنرانی روحانی نیز با شعار «ای ما به شرط زاینده رود» پیام خود را به رئیس‌جمهور رساندند و وی





مالیات بر محرومیت سهم مرز نشینان شرق / اینجافقر حرف آخر ارامی زند

شرایط به گونه ای شده که اکنون از ۱۶ هزار خانوار مرز نشین واقعی که مشمول دریافت عواید سوخت مرز نشینی هستند، تنها هفت هزار و ۶۵۶ خانوار سهمیه سوخت را دریافت کنند. همچنین وجود مشکلات دیگری اعم از مالیات های سنگین، تأمین اجتماعی و تقلیل کالاهای خوراکی؛ مرز نشینان را از فعالیت باز داشته که نیازمند توجه جدی از سوی دولت است، چرا که بنا به گفته مسئولان اگر مرز نشینان مرزهای استان را خالی کنند امنیت شرق برای دولت هزینه بر خواهد شد.

● جای خالی مرز نشینان واقعی در لیست دریافت سوخت مرز نشینی

رئیس اتحادیه مرز نشینان خراسان جنوبی بیان کرد: فروش سوخت یکی از راه های تأمین هزینه های مرز نشینان است. الله نظر اسعد زاده با بیان اینکه طرح فروش سوخت مرز نشینان طی کمتر از دو سال گذشته در خراسان جنوبی آغاز شده است، افزود: این طرح دارای مشکلاتی است که باید رفع شود. وی با اشاره به مشکلات طرح فروش سوخت مرز نشینان استان بیان کرد: در راستای این طرح، سهم سوخت خانوارهای یک نفره، پنج نفره و ۱۰ نفره با یکدیگر تفاوتی نداشته و به یک میزان واریزی داریم.

اسعد زاده با بیان اینکه تخصیص سهمیه سوخت مرز نشینان بر اساس آمار سازمان صنعت، معدن و تجارت است، اظهار کرد: این در حالی است که برخی از مرز نشینان واقعی در این آمار نامیده اند.

رئیس اتحادیه مرز نشینان خراسان جنوبی تأکید کرد: باید آمار دقیق مرز نشینان خراسان جنوبی پایش شود.

شرق است. طبق آخرین آمار که مسئولان اعلام کرده اند یک هزار و ۷۰۳ روستا در خراسان جنوبی خالی از سکنه است.

نماینده مردم بیرجند، درمیان و خوسف در مجلس هم بیشترین آمار خالی از سکنه شدن را مربوط به روستاهای حاشیه مرز اعلام کرده و گفته است: «۵۰ درصد روستاهای حاشیه مرز در استان طی ۱۰ سال گذشته خالی از سکنه شده است و مرز نشینان با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند اما هنوز هم در سطح مسئولان مرکز به این منطقه توجهی نمی شود.»

اما امروز در حالی دولت سخن از توجه به شرق کشور در فضای انتخاباتی می گوید که مرز نشینان شرقی ترین استان کشور نصیبی از این توجهات نبرده اند.

سخنران رئیس جمهور در دفاع از عملکرد دولت برای توجه به شرق مورد انتقاد نماینده مردم بیرجند، درمیان و خوسف قرار گرفت و محمداقبر عبادی گفت: مردم خراسان جنوبی تشنه اند، راه آهن ندارند، مرزهای ما دارد خالی می شود این کجایش توجه به شرق معنی می شود.

اما تنها اقدامی که برای حمایت از مرز نشینان آن هم در سال ۹۰ آغاز شد طرحی به نام اختصاص «سهمیه سوخت مرز نشینی» بود که گویا باز هم مرز نشینان واقعی از این مزیت نصیبی نبرده است.

طرح فروش سوخت مرز نشینان استان از اواخر اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ پیرو مصوبه شماره ۱۱۶۶۸۹ آغاز شد، اما متأسفانه این طرح در حال حاضر دارای مشکلاتی زیادی است و افرادی غیر مرز نشین از عواید این طرح بهره مند می شوند و وجود برخی از قوانین باعث شده مرز نشینان واقعی از دریافت سهمیه سوخت عقب بمانند.

مرز نشینان خراسان جنوبی در شرقی ترین استان کشور در حالی حافظ امنیت شرق هستند که حمایت از آن ها در مرز شعار تا عمل دولت باقی مانده است.



رقيه رحمتی راد



فاطمه زيراجی

خراسان جنوبی با داشتن ۴۶۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان در شرقی ترین نقطه کشور به واسطه داشتن مرز نشینانی غیور و نیروهایی میهن دوست امن ترین مرزهای کشور را دارد که بدون شک باید در راستای حفظ و پایداری امنیت، شرایط حضور هر چه بیشتر مرز نشینان را در مرز فراهم و در راستای حل مشکلات آن ها تلاش شود.

اما اکنون باید سخن از حال و روز مرز نشینانی در شرقی ترین منطقه کشور بگوئیم که فقر حرف آخر را در زندگی شان می زند چرا که از منافع مرزی حتی کارگری و باربری هم نصیب شان نمی شود.

این روزها وقتی مسئولان استان در صحبت های شان می گویند «اگر همین یارانه ۴۵ هزار تومانی دولت نبود، الآن مرز شرقی خراسان جنوبی خالی شده بود» یعنی اینجا فقر بیداد می کند و حمایت از مرز نشین فقط حرف است.

● شعارهای انتخاباتی و توجه به شرق

باید گفت تا کنون بسیاری از همین روستاهای حاشیه مرز خالی از سکنه شده اند و این زنگ خطری برای امنیت

● کارت الکترونیک مشکلی پیش روی سوخت مرز نشینان

اسعد زاده اظهار کرد: به آن دسته از افرادی سوخت مرز نشینی تعلق می گیرد که در شعاع ۲۵ کیلومتری مرز قرار داشته باشند.

وی دریافت کارت الکترونیک معتبر مرز نشینان را از دیگر شرایط لازم برای دریافت سوخت مرز نشینان دانست و افزود: همچنین این کارت باید فعال شده باشد و آمار آن ها نیز در سامانه مرز نشینان کشوری به ثبت رسیده باشد.

رئیس اتحادیه مرز نشینان خراسان جنوبی بیان کرد: برای دریافت کارت مرز نشینان طی هر سال، دو ماه در نظر گرفته شده و این در حالی است که اگر فردی موفق به دریافت کارت نشود، باید ۱۰ ماه دیگر را به انتظار بنشیند. وی با بیان اینکه تعدادی از مرز نشینان واقعی موفق به دریافت این کارت نشده اند، اظهار کرد: عدم مراجعه برخی از مرز نشینان برای دریافت کارت الکترونیک یکی از علل این

به افغانی و از طریق مزایده به فروش می رسد. وی بیان کرد: تحویل سوخت به مرز نشینان برای فروش به ساکنان آن سوی مرز از سیاست های مورد رضایت مردم ساکن در حاشیه مرز است که در بهبود معیشت آنان تأثیر مثبتی دارد.

اسعد زاده از صدور کارت ویژه سوخت مرز نشینان در استان خبر داد و گفت: این کارت برای واجدین شرایط و مشمولان بهره بردار از عواید سوخت صادر شده که برای دریافت این عواید مشکلی نداشته باشند.

● مالیات های گزاف زخمی بر تن مرز نشینان شرق

رئیس اتحادیه مرز نشینان خراسان جنوبی اظهار کرد: مرز نشینان در تمامی کشور به خصوص در خراسان جنوبی مردمانی سخت کوش، قانع، شجاع، دین دار و میهن دوست هستند.

وی ادامه داد: این افراد علاوه بر حفظ امنیت مرزها، برای



دفاع از خاک وطن بدون دریافت هیچ هزینه ای آماده هستند.

اسعد زاده بیان کرد: همچنین مرز نشینان در زمینه های تولید و سازندگی اعم از کشاورزی و دامداری نقش بارزی را در اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی و مدیریتی صرفه جویانه ایفا می کنند.

وی با بیان اینکه به تأیید رسته های ذی ربط، بخشی از امنیت بی نظیر خراسان جنوبی به دلیل همکاری و مجاهدت مرز نشینان است، گفت: بنابراین باید این افراد مورد توجه ویژه قرار گیرند.

اسعد زاده با اشاره به مشکلات پیش روی مرز نشینان، بیان کرد: پرداخت مالیات های سنگین از جمله مشکلاتی است که گریبان گیر این قشر فداکار شده است.

رئیس اتحادیه مرز نشینان خراسان جنوبی بیان کرد: بخشودگی مالیات معوقه و معافیت مالیاتی را از مسئولان ذی ربط خواستاریم.

● سهمیه هایی که آب رفته اند

اسعد زاده بیان کرد: طی مصوبه ای از سوی هیئت مدیران، کالاهای خوراکی مرز نشینان به نصف تقلیل یافته است. رئیس اتحادیه مرز نشینان خراسان جنوبی ادامه داد: این امر باعث عدم فعالیت برخی از مرز نشینان شده که باید مورد توجه قرار گیرد.

وی از فعالیت ۱۴ تعاونی مرز نشین در استان خبر داد و افزود:

این تعاونی ها دارای بیش از ۲۰۰ هزار نفر عضو هستند. بنا به گفته اسعد زاده، در حال حاضر ۱۰ تعاونی مرز نشین فعال بوده و چهار تعاونی نیز غیر فعال است.

● سامانه مرز نشینی و حکایت اطلاعات اشتباه

معاون بازرگانی و توسعه تجارت سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان جنوبی بیان کرد: برخی از مرز نشینانی که در ابتدای امر در سامانه ثبت نام کرده اند، آدرس و یا محل سکونت را اشتباه ثبت کرده اند.

الیاس جویبان با بیان اینکه این امر باعث شده که از شرایط دریافت سوخت مرز نشینان محروم بمانند، گفت: باید این افراد به دفاتر پیشخوان دولت مراجعه کرده و از طریق سامانه مرز نشینان، اطلاعات خود را ویرایش کنند.

وی ادامه داد: مرز نشینان برای دریافت کارت الکترونیک مرز نشینی تنها در همراه و آبان ماه می توانند مراجعه کنند اما برای ویرایش اطلاعات در تمامی ماه ها می توانند اقدام کنند.

جویبان با اشاره به اختصاص سهمیه سوخت خانوارهای مرز نشین بیان کرد: میزان سرانه واریزی این خانوارها بر اساس دستورالعمل وزارت صنعت، معدن و تجارت است.

معاون بازرگانی و توسعه تجارت سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان جنوبی بیان کرد: تاکنون ۵۴ هزار و ۵۵۱ خانوار در سامانه مرز نشینی خراسان جنوبی ثبت نام کرده اند.

● صدور بیش از ۵۰ هزار کارت الکترونیک مرز نشینان

جویبان ادامه داد: از این میزان برای ۵۰ هزار و ۸۰۲ خانوار کارت الکترونیک مرز نشینی صادر شده است.

معاون بازرگانی و توسعه تجارت سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان جنوبی بیان کرد: همچنین ۴۹ هزار و ۱۸۲ خانوار کارت الکترونیک خود را دریافت کرده اند.

وی با اشاره به سهمیه مرز نشینان استان برای سال جاری بیان کرد: با توجه به محروم بودن تمام نقاط مرزی خراسان جنوبی، سهمیه سوخت مرز نشینان برای سال جاری به ازای هر نفر ۱۵۰ دلار سهمیه ارزی تعیین شده است.

معاون بازرگانی و توسعه تجارت سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان جنوبی بیان کرد: همچنین مهلت تمدید کارت های مرز نشینان تا پایان شهریورماه سال جاری اعلام شده است.

● سوخت مرز نشینان را با نرخ دو قارون خریداریم

نماینده اتاق بازرگانی فراه در خراسان جنوبی بیان کرد: سوخت مرز نشینان خراسان جنوبی را با نرخ رایج دو قارون می خریم.

غلام صدیق خواستار فروش سوخت مرز نشینان به افغانی ها شد و افزود: در شرایط کنونی این سوخت به افغانی ها داده نمی شود.

وی با اشاره به مشکلات موجود در مرزی های خراسان جنوبی گفت: تبادل کالا در مرز یک طرفه است به گونه ای که تنها افغانستان تمام کالاهای خراسان جنوبی را می پذیرد.

غلام صدیق بیان کرد: بسیاری از کالاهای افغانستان در پشت مرز قرار داشته و خراسان جنوبی آن ها را قبول نمی کند.

بدون شک عدم توجه به مرز نشینان خراسان جنوبی به عنوان مدافعان مرزهای شرقی مشکلات زیادی را به بار خواهد آورد. حذف برخی قوانین دست و پا گیر، ایجاد مصوبات تشویقی برای فعال شدن برخی تعاونی های مرز نشین می تواند نقش اقتصادی در مسیر تأمین امنیت مرزها را داشته باشد.

امر است.

اسعد زاده بیان کرد: برای برخی از افرادی که در راستای دریافت کارت الکترونیک مرز نشینان مراجعه کردند، تا مرحله صدور آن به دلیل طولانی بودن پروسه، اعتبار کارت نیز به پایان می رسد.

وی با بیان اینکه برای تمدید کارت الکترونیک مرز نشینان نیز مبالغی هزینه می شود، افزود: این هزینه برای مرز نشینان مضاعف بوده و باید مورد بررسی قرار گیرد. رئیس اتحادیه مرز نشینان خراسان جنوبی ادامه داد: طی ابلاغ مصوبه ای در آینده ای نزدیک، دریافت کارت الکترونیک مرزی شش ماهه می شود.

● ۷۶۵۶ خانوار مرز نشین سوخت دریافت می کنند

اسعد زاده با بیان اینکه در حال حاضر بیش از ۱۶ هزار خانوار مرز نشین در خراسان جنوبی وجود دارد، گفت: این در حالی است که تنها به هفت هزار و ۶۵۶ خانوار سوخت تعلق می گیرد.

وی با بیان اینکه عواید سوخت مرزی تاکنون طی دو مرحله به حساب سرپرست خانوارها واریز شده است، گفت: مرحله سوم تا پایش آمار دقیقی از مرز نشینان استان واریز نخواهد شد چرا که در شرایط کنونی افراد غیر مرز نشین از عواید این طرح بهره مند می شوند.

رئیس اتحادیه مرز نشینان خراسان جنوبی با اشاره به چگونگی فروش سوخت مرزی بیان کرد: سوخت مرز نشینان

مقابله باریزگردهای تهران؛ شاید وقتی دیگر / پایتخت در خطر است



بحران ریزگردها بیش از یک دهه است که به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی ایران تبدیل شده و پایتخت را هم تهدید می‌کند. ریزگردها یکی از زیست‌محیطی است که در یک دهه اخیر مناطقی از کشور را درگیر خود کرده است و علی‌رغم برخی اقدامات انجام‌شده توسط مسئولان، همچنان این خطر جدی مناطقی از کشور را تهدید می‌کند.



وحید محمدی یکتا

باید به این نکته اشاره کنیم که بیشتر از یک دهه از تولد پدیده شومی به نام ریزگردها می‌گذرد؛ به‌راستی بعد از گذشت یک دهه از زندگی در کنار ذرات ریزی که در مقابل هجوم گسترده آن‌ها هستیم، چه باید کرد. کارشناسان حوزه محیط‌زیست در خصوص اثرات و نتایج ریزگردها بارها سخن گفته‌اند و سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز می‌گوید که بارها از طریق مجامع بین‌المللی برای جلوگیری از تداوم ورود این ذرات ریز تلاش کرده است؛ اما سؤال اصلی اینجاست، آیا اتفاق امیدوارکننده‌ای رخ داده است؟

این در حالی است که اثرات بی‌شمار گردوغبار بر روی سلامتی مردم موضوع بسیار مهمی است که در سال‌های اخیر هزینه‌های بسیاری را بر اهالی کشورمان تحمیل کرده است. ریزگردها در یک دهه اخیر بیش از ۲۰ استان کشور را درگیر خویش کرده‌اند تا بدین ترتیب سلامتی بیش از ۱۰ میلیون ایرانی با تبعاتی چون بیماری‌های حاد تنفسی، قلبی و عروقی دست‌به‌گریبان باشد. استان تهران نیز از جمله استان‌هایی است که از تهدید این ریزگردها در امان نبوده و همواره چالش هجوم ریزگردها، تهران و مناطق شمالی کشور را تهدید می‌کرده است.

اگر مدیریت صحیح نباشد، خشک شدن تالاب‌ها و رودخانه‌های موجود در استان تهران و استان‌های شمالی کشور می‌تواند وقوع یک فاجعه به نام «ریزگردها» را رقم بزند و این فاجعه دور از ذهن نبوده و نیست. متأسفانه شاهد دخل و تصرف‌های جدی در طبیعت استان تهران در سال‌های اخیر بوده‌ایم.

حبله رود، رود شور یا ابهر رود، رود لار که دارای شاخه‌هایی مانند دلی‌چای، آب‌باران و سفیدآب است، جاجرود، رود کرج و رود طالقان از جمله رودخانه‌ها و تالاب‌های مهم استان تهران محسوب می‌شوند و سدهای لریان با وسعت ۳۳۰

متأسفانه این روند با انتخاب تهران به‌عنوان پایتخت و هجوم بی‌سابقه جمعیت به این منطقه سرعت بیشتری گرفته و امروز بحران بیابان‌های خشک و نیمه‌خشک به‌شدت پایتخت کشور را تهدید می‌کند.

وی با بیان این‌که اگر می‌خواهیم گرفتار هجوم ریزگردها و خشم طبیعت نشویم، باید هرچه سریع‌تر به مدیریت تخریب‌های محیط زیستی منطقه بپردازیم، عنوان کرد: دریاچه خشک‌شده قم، نمونه‌ای از سوء مدیریت‌ها در این بخش و ورود ریزگردهای نمکی به طبیعت است.

کریمیان گفت: کم‌آبی و یا ناپدید شدن آبگیرها، باتلاق‌ها و دریاچه‌های پایدار و یا فصلی در نزدیکی قم و متاثر بر تهران را باید جدی گرفت.

مدیرکل آموزش سازمان حفاظت محیط‌زیست با بیان اینکه از دست مردم پایتخت کاری برای مقابله با ریزگردها بر نمی‌آید، اظهار داشت: مردم تهران در معرض خطر هستند و تنها کاری که می‌توانند بکنند این است که در صورت هجوم ریزگردها ماسک زده و از خانه خارج نشوند، کار دیگری از دست مردم بر نمی‌آید.

هکتار در شرق تهران بر روی جاجرود و سد بزرگ امیرکبیر با وسعت ۴۰۰۰ هکتار در غرب تهران بر روی رود کرج نیز از مهم‌ترین سدهای این منطقه هستند که تغییرات بسیار جدی در طبیعت استان تهران و شرایط زیست‌محیطی آن را سبب شده‌اند.

● ریزگردها را جدی بگیریم دچار خشم طبیعت خواهیم شد

محقق و پژوهشگر مسائل محیط‌زیست در خصوص تهدید جدی ریزگردها برای پایتخت گفت: دهه چهل شاهد چنین مشکلاتی در کشور و به‌ویژه تهران بودیم که معضلات فراوانی در شهر تهران و به‌ویژه شهرستان‌های جنوب تهران ایجاد کرد، تا جایی که ریزگردها گاه، ریل راه‌آهن را در قسمتی از مسیر به‌طور کامل پوشش می‌داده‌اند.

علی کریمیان با بیان اینکه روند تخریب زیست‌محیطی فلات ایران به چند هزار سال پیش بر می‌گردد، افزود:

● احداث سد «آتاتورک» روی دجله و فرات منشأ ریزگردها

کلاتتری اضافه کرد: ریزگردهایی که به تهران می‌رسند، عمدتاً منشأ خارجی دارند و منشأ داخلی تنها مناطق جنوب شرق و غرب کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

وی اضافه کرد: ریزگردهایی که برای تهران خطرناک هستند از عراق و سوریه می‌آیند و دلیل اصلی آن‌هم ساخت سد «آتاتورک» در ترکیه بر روی دجله و فرات است که سبب خشک شدن باتلاق‌های آن مناطق شده است و مردم در این زمینه کاری نمی‌توانند بکنند.

کلاتتری با بیان این‌که بخش عمده‌ای از استان تهران را کوه‌های البرز دربر گرفته است، گفت: بیابان‌های استان تهران در جنوب استان تهران و پایین ورامین قرار دارند که ریزگردهای آن‌ها به تهران نمی‌رسد.

مدیرکل آموزش سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به تأثیر ریزگردهای منطقه قزوین بر تهران، گفت: ممکن



مدیر ملی مقابله با پدیده گردوغبار کشور، هم اظهار داشت: در مورد ریزگردها در استان تهران و کل کشور، مطالعاتی صورت گرفته اما هنوز طرحی آماده نشده است.

● اجرای طرح جامع مقابله با ریزگردهای ایران مرکزی منتظر تأمین بودجه

ضیاءالدین شماعی از موافقت شهردار و شورای شهر تهران برای انجام مطالعات وسیعی در استان‌های قزوین، زنجان، البرز و تهران توسط دانشگاه تهران خبر داد و افزود: اطلاعات فعلی ما بر اساس مطالعات قدیمی سازمان منابع طبیعی است.

وی در مورد کانون‌های ریزگرد در استان تهران گفت: کانون ریزگرد بوئین‌زهره، جدی‌ترین کانون تهران است اما نقشه‌ها و اظهارات ما قدیمی است، اطلاعات ما از نقشه‌های سازمان منابع طبیعی است که در یک دهه قبل تهیه شده و البته از آنجایی که بحران ریزگرد مربوط به ۱۰ سال قبل در بلوک ایران مرکزی است، لذا نقشه‌های منابع طبیعی در عین قدیمی بودن، دقیق است اما نیاز به مطالعات جدید داریم.

مدیر ملی مقابله با پدیده گردوغبار کشور بر انجام طرح جامع مقابله با ریزگردها در کشور تأکید کرد و گفت: فعل و انفعالات محیط زیستی تمام استان‌های قزوین، زنجان، تهران و دیگر استان‌های بلوک ایران مرکزی بر روی یکدیگر اثر دارد و لذا باید طرح جامع برای ایران مرکزی هرچه سریع‌تر با تأمین اعتبار در سال جاری اجرا شود.

اظهارات مدیر ملی مقابله با پدیده گردوغبار کشور در خصوص این که تا به حال اقدام جامعی انجام نشده است، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که باید بگذاریم تا تهران هم مانند خوزستان دچار گردوغبار حاصل از ریزگردها شده و فعالیت بیش از ۱۵ میلیون نفر در این استان دچار اختلال شود و سپس اقدام کنیم؟

روزهای ابتدایی دولت دوازدهم در پیش است و مدیر ملی مقابله با پدیده گردوغبار کشور هنوز درگیر «باید انجام شود» ها هستند، مردم تهران متأسفانه در خطر ایجاد بحرانی زیست‌محیطی هستند و زمان را نباید با برخی سوء مدیریت‌ها از دست داد.

حال باید منتظر ماند و دید دولت دوازدهم، فکری اساسی برای بحران‌های زیست‌محیطی پایتخت‌نشینان و نیز کل مردم ایران خواهد کرد یا سال ۱۴۰۰ هم، همچنان داستان هشدار پژوهشگران و پاسخ تکراری مسئولان را خواهیم شنید.

ببریم و کجا بریزیم، این حرف‌های غیرعلمی متأسفانه برخی مواقع توسط اساتید دانشگاه و پژوهشگرها زده می‌شود و مردم فکر می‌کنند واقعیت دارد.

● منشأ ریزگردهای تهران خارجی نیست

اظهارات مدیر کل آموزش سازمان حفاظت محیط‌زیست در حالی صورت می‌گیرد که یک استاد دانشگاه می‌گوید بخش اعظمی از ریزگردهای تهران منشأ داخلی دارد.

محمدابراهیم عامری با بیان این که معادن شن و ماسه اطراف شهریار، عامل بخش عمده‌ای از ریزگردهای پایتخت هستند، افزود: زمین‌های تغییر کاربری داده‌شده اطراف تهران نیز عامل دیگری برای تهدید ریزگردی پایتخت است و احتمال این که از کشورهای مثل سوریه و یا عراق ریزگرد به تهران بیاید بسیار ضعیف است.

وی تأثیر زیاد کانون ریزگردهای ورامین و قزوین بر تهران را بیش از تصور دانست و عنوان کرد: جنوب و غرب تهران با فعالیت‌های معدن‌های شن و ماسه، خطر هجوم ریزگردها را افزایش داده‌اند، البته در شرق تهران نیز این مشکلات وجود دارد اما به دلیل برخی منابع زیست‌محیطی این منطقه، میزان خطر کم‌تر است.

● روند مقابله با ریزگردها راضی‌کننده نیست

این استاد محیط زیست روند مقابله با ریزگردها در استان تهران را راضی‌کننده ندانست و گفت: تحقیقات پژوهشگران محیط‌زیست استان تهران، نشان‌دهنده وجود تهدیدات زیست‌محیطی پایتخت در این منطقه است و اگر هجوم ریزگردها به معنای واقعی آغاز شود کلان‌شهر تهران و شهرستان‌های اطراف را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

عامری آمار دقیقی از تعداد کانون‌های ریزگرد اطراف تهران ارائه نداد، اما گفت: دریاچه قم، یک دریاچه فصلی است که آب آن در فصلی از سال افزایش پیدا می‌کند اما چون در دوره خشک‌سالی هستیم بسیاری مواقع به‌جز مرکز این دریاچه، بخش‌های دیگر دریاچه قم بی‌آب است، به‌جز این دریاچه در استان تهران تالاب‌های بند علیخان در اطراف ورامین و حوض سلطان را داریم که باید موردتوجه قرار بگیرند.

وی در مورد انتقال نمک دریاچه قم به خارج از منطقه گفت: این امر بیش‌تر از این که راه علاج باشد، سبب از بین رفتن حالت سفت و کریستالی بودن نمک‌ها شده و به عقیده من نتیجه عکس خواهد داشت.

است باد و طوفان، ریزگردهایی از سمت قزوین به تهران بیاورند، خود بیابان‌های استان تهران، شهر تهران را آلوده نمی‌کنند و آلودگی شهر تهران عمدتاً منشأ خارجی داشته و مقداری نیز از قزوین به این منطقه می‌رسد.

وی اضافه کرد: اتفاق خوبی که در مورد بیابان‌های ورامین افتاده است، جهت غرب به شرق وزش باد است که سبب می‌شود ریزگردهای بیابان‌های ورامین وارد کویر شده و تا حدودی هم به استان سمنان برسد و به شهرستان‌های استان تهران و شهر تهران آسیبی وارد نمی‌کند.

● کانون ریزگردهای داخلی خطری برای پایتخت نیستند

کالانتری با رد هرگونه تأثیر کانون ریزگردهای ورامین بر شهر تهران، تأکید کرد: در مورد تأثیرات کانون ریزگردهای قزوین هم فضاهای سبزی وجود دارد که ریزگردهای آن را مهار می‌کند و خطر عمده‌ای برای تهران ندارد.

این مسئول محیط زیستی کشور با تأیید تأثیرات منفی برخی اقدامات عمرانی و دخل و تصرف‌ها مانند سد لتیان و سد بزرگ امیرکبیر بر اکوسیستم استان تهران، گفت: هر اتفاق عمرانی تأثیراتی بر محیط‌زیست دارد، شما یک جاده ۶ متری هم احداث کنید بر محیط‌زیست تأثیر می‌گذارد و اگر کسی بگوید تأثیر ندارد، اشتباه می‌کند.

وی با بیان این که ما نمی‌توانیم بگوییم چون سد بر محیط‌زیست اثر منفی دارد، احداث نشود، اضافه کرد: باید هر اقدامی را در کل بررسی کرد و به نتیجه رسید، نمی‌توانیم بگوییم سد تأثیر ندارد، سدها بر محیط‌زیست اثر می‌گذارند، اما اگر این سدها نبودند مردم تهران باید در حد یک‌میلیون نفر زندگی می‌کردند.

کالانتری با غیرعملی خواندن انتقال نمک از دریاچه نمک قم به آب‌های آزاد، گفت: این مطالب که متأسفانه برخی مواقع از سوی اساتید دانشگاه‌ها و پژوهشگران مطرح می‌شود، شدنی نیست، چقدر نمک باید برسد، چندین قرن انتقال این نمک‌ها به طول خواهد انجامید، برخی دوستان یک حرف‌هایی می‌زنند که انسان تعجب می‌کند، نباید انباشتنی نمک و خشکی دریاچه اتفاق بیفتد، زمانی که اتفاق افتاد، کاری نمی‌شود کرد.

وی اضافه کرد: حسن موضوع اینجا است که عمده مسیر باد از غرب به شرق است و اگر ریزگرد و غبار نمکی هم باشد به‌سوی کویر نمک می‌رود و حدود ۳۰۰ الی ۵۰۰ کیلومتر آن‌طرف‌تر می‌رود، برای این نمک‌ها کاری نمی‌شود کرد، با میلیاردها تن نمک چه کار بکنیم، کجا

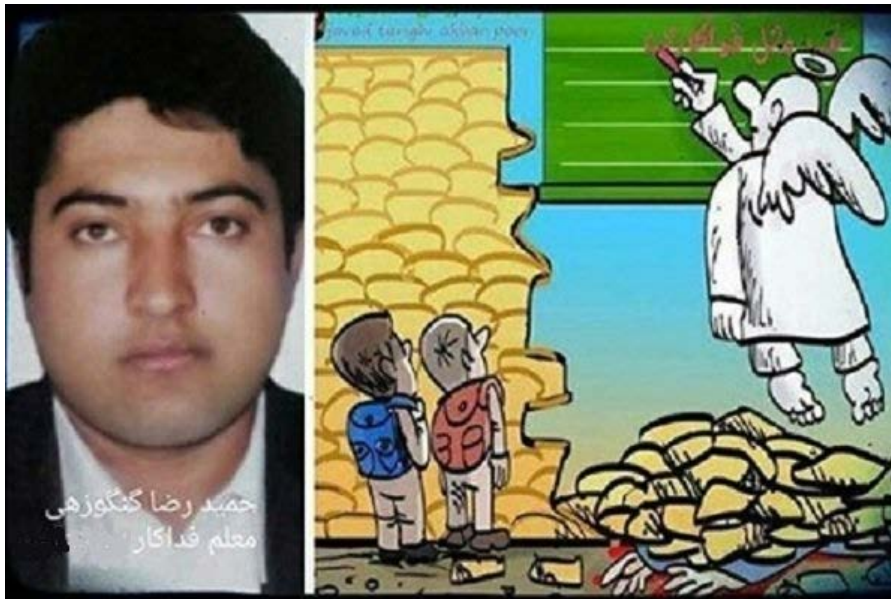




جواد فثپوری

معلم بودن در سیستان و بلوچستان با توجه به وسعت، اقلیم و شرایط آب و هوایی خاص و همینطور محرومیت تاریخی که در این استان وجود دارد، شغلی پرخطر اما پر از عشق محسوب می شود.

هجی کردن فداکاری در مناطق دور افتاده شرقی / اینجامشق عشق می کند



که با وجود پنج سال سابقه آموزش مسئولین برای جذب بنده کمک کنند تا همچنان ادامه دهنده راه شهید گنگوزهی باشم.

اما داستان فداکاری های معلمان این استان به همین جا ختم نمی شود یک زوج فرهنگی در مدرسه امامت روستای «تیمور آباد» شهرستان نیمروز واقع در شمال استان سیستان و بلوچستان در اقدامی خداسندانه هزینه های عمل جراحی دانش آموز خود را برعهده گرفتند.

فاطمه سرگزایی معلم این مدرسه در خصوص اقدام خداسندانه اش اظهار داشت: در فرهنگ این مرز و بوم همواره ایثار و فداکاری جایگاه ویژه ای دارد و وضعیت دست این دانش آموز مدت زمانی بود که ذهن من و همسر مرا به خود مشغول کرده بود.

● معلمی که دست دانش آموزش را با هزینه شخصی عمل کرد

مسعود شبیبانی همسر فاطمه سرگزایی افزود: دست این دانش آموز از کودکی دچار سوختگی شده بود و حالت مشت به خود گرفته بود.

وی گفت: من و همسر با توجه به اینکه در این مدرسه تدریس می کنیم وقتی متوجه شدیم که خانواده این کودک توانایی مالی برای انجام این عمل را ندارند تصمیم گرفتیم که هزینه های عمل این کودک را برعهده بگیریم. وی افزود: بنابراین با پیگیری هایی که انجام شد مقرر شد تا عمل جراحی این کودک در سه مرحله انجام شود.

● معلمی که وعده صبحانه دانش آموزان بی بضاعت را متقبل شد

رامین ریگی معلمی دیگری است که با ۲۳ سال سابقه کار در نقطه ای محروم از سیستان و بلوچستان با عشق و محبت به دانش آموزان مدرسه درس محبت و فداکاری می دهد او هر روز صبح با هزینه شخص اش برای دانش آموزان مدرسه روستای «سامانی» از توابع بخش «جزینک» شهرستان زهک صبحانه تهیه می کند تا ذره ای از محرومیت این منطقه را برطرف کند.

وی اظهار داشت: قصه کمک من به مدرسه ام مربوط به شش سال قبل است در آن زمان یکی از دانش آموزان من مشکل خانوادگی داشت زیرا پدر و مادر این دانش آموز از

می شود و با تمام توان به سمت آنها می رود تا جان دانش آموزان را نجات دهد، اما خود در زیر آوار می ماند. «عبدالرئوف شهنازی» معلمی که هنگام حادثه در کنار این معلم فداکار قرار داشت و همراه او برای نجات جان دانش آموزان اقدام می کند اظهار داشت: بعد از تعطیلات نوروز بنده به اتفاق همکارم شهید «حمیدرضا گنگوزهی» جهت تعلیم و تربیت دانش آموزان و مبارزه با جهل و نادانی در نقطه صفر مرزی استان سیستان و بلوچستان در حال خدمت به دانش آموزان آن منطقه بودیم که در تاریخ نوزدهم فروردین ماه ۹۵ زمانی که دانش آموزان در حیاط مدرسه در هنگام زنگ تفریح مشغول بازی و سرگرمی بودند این اتفاق افتاد.

وی افزود: به علت بارندگی هایی که شب گذشته در آن منطقه اتفاق افتاده بود، همکار بنده متوجه لغزش دیواری در مدرسه شد که بچه ها در کنار آن مشغول بازی بودند و به من ندا داد که دانش آموزان را از آنجا متفرق کنیم.

وی ادامه داد: در این مدت زمان اندک هرچه دانش آموزان را صدا زدم که از آن ناحیه دور شوند صدای من را نشنیدند که نهایتاً بنده به اتفاق همکارم به سمت دیوار رفتیم و دانش آموزان را از خطر ریزش دیوار نجات دادیم که متأسفانه دیوار به روی ما افتاد و همکارم به درجه رفیع شهادت نائل آمدند و من نیز از ناحیه پای چپ دچار شکستگی شدم.

این معلم فداکار سیستان و بلوچستانی افزود: تقریباً هشت معلم دیگر نیز در این منطقه صفر مرزی مشغول به خدمت هستند که نه تنها شهید «حمیدرضا گنگوزهی» بلکه تمام همکاران بنده نیز مشمول طرح خرید خدمات آموزشی هستند و از هیچگونه مزایا و حقوقی خاصی برخوردار نیستند و از زندگی و خانواده خود گذشته و در نقطه صفر مرزی خدمت می کنند.

وی ادامه داد: اما با این وجود تمام معلمان سیستان و بلوچستانی در نقاط کور و صفر مرزی این استان بدون هیچ چشم داشتی در حال خدمت به مردم هستند و این خطر را با جان خود می خرد تا به بچه های این مرز و بوم علم و دانش بیاموزند.

وی گفت: بنده نیز در جریان آن سانحه از ناحیه پا دچار شکستگی شدم اما متأسفانه تاکنون هیچگونه کمکی از سوی مسئولین ذیربط نشده و بنده هم مانند سایر همکارانم در آن منطقه معلم خرید خدمات آموزشی هستم و امیدوارم

معلمی آینه تمام نمای فداکاری، ایثار و جلوه گاه اندیشه و آموزش است و این بار سخن از معلمانی است که با تقبل هزینه های جانی و مالی فداکاری را به همگان می آموزند. سیستان و بلوچستان یکی از پهناورترین استان های کشور است که حتی اگر در این استان به عنوان یک معلم بومی هم خدمت کنید ممکن است یک هزار کیلومتر با محل زندگیتان فاصله داشته باشید، اما داستان به همین جا ختم نمی شود.

البته اگر از ترورهای معلمان به دست تروریست های کوردل در سال های اخیر بگذریم بازهم با توجه به اقلیم و شرایط آب و هوایی این ناحیه از کشور و همینطور محرومیت تاریخی که در این استان وجود دارد معلمی شغلی پرخطر محسوب می شود.

اما معلم های سیستان و بلوچستانی با عشق بی نهایت خود به این شغل به همگان نشان دادند که به راستی آموزش و پرورش به فرزندان این مرز و بوم را همچون جهاد در راه خدا برای خود می بیند.

در طول سال های گذشته معلمان بسیاری بودند که بدون هیچ چشم داشتی در سخت ترین و دشوارترین لحظات تصمیم گرفتند با ایثار جان خود، آفریننده باشکوه ترین جلوه های معلمی شوند یکی از آن ها شهید «حمیدرضا گنگوزهی» معلم فداکار سیستان و بلوچستانی بود که برای نجات جان دانش آموزانش جان خود را از دست داد.

این معلم فداکار سیستان و بلوچستانی که در روستای «نوک جو» از توابع دهستان «روتک» شهرستان خاش خدمت می کرد با توجه به اینکه در مسیر رفت و آمد دانش آموزان، دیوار مخروبه ای وجود داشت که به دلیل بارندگی استحکام آن به کمترین حد خود رسیده بود پس از اینکه یقین پیدا کرد که دیوار در حال ریزش است به همراه همکارش به سرعت خود را به دانش آموزانی که در کنار این دیوار قرار داشتند رساند و دانش آموزان را از خطر قرار گرفتن در زیر آوار نجات می دهد.

اما متأسفانه پس از نجات دانش آموزان، معلمان فداکار «حمیدرضا گنگوزهی» و «عبدالرئوف شهنازی» زیر آوار گرفتار می شوند که یکی از آنها به شهادت می رسد و دیگری دچار شکستگی پا می شود.

قابل ذکر است که روستای «نوکجو» از توابع دهستان «روتک» در نقطه صفر مرزی قرار دارد، جایی که هنوز رنگ و بوی محرومیت را می توان از مدارس کپری آن حس کرد، دیوار و حصار بی ندرت و فضا باز است.

این حادثه در اوایل سال ۹۵ بعد از ۱۳ روز تعطیلی عید نوروز زمانی که بار دیگر دانش آموزان با شوق و علاقه فراوان در مدرسه حاضر شدند و به علت بارش شدید باران تمام دیوارها نمانک بود اتفاق افتاد.

● ماجرای فداکاری یک معلم

شرح ماجرا اینگونه است: که زنگ تفریح می شود، دانش آموزان در حیاط مدرسه مشغول بازی بودند و در کنار دیوار نمناک کنار مدرسه چند دانش آموز نشسته اند، حمیدرضا گنگوزهی معلم مدرسه متوجه لرزش دیوار

طلاق و حتی بی سرپرست و بدسرپرست هستند نیز در بین کودکان این مدرسه وجود دارند و این باعث ترغیب بیشتر من در این امر شده است.

وی گفت: متأسفانه در برخی خانواده های روستایی که فرزند محصل دارند فقر خانواده، اعتیاد والدین، طلاق، بی سرپرست بودن و بد سرپرست باعث می شود کودکان از تحصیل باز بمانند و تحصیل را رها کنند.

وی افزود: این کار باعث شده بیشتر کودکانی که حتی محصل نیستند و در همین روستا نیز زندگی می کنند اکثر اوقات برای صبحانه به مدرسه بیایند و موجب ترغیب بقیه کودکان این روستا به تحصیل شده است.

این معلم فداکار با اشاره به کمک همکارانش برای کمک به این کودکان، ادامه داد: امسال با کمک چندین خیر پوشاک سال جدید تمامی دانش آموزان که صد نفر هستند تهیه شد.

وی خاطر نشان کرد: در این مدرسه نیمی از دانش آموزان دختر و نیمی از دانش آموزان پسر هستند و بیشتر اوقات با کمک و همیاری خود دانش آموزان نظافت مدرسه و آماده کردن صبحانه انجام می شود.

البته این تنها نمونه هایی از فداکاری های معلمان این خطه از ایران اسلامی بود و گر نه نام معلمان شهید استان سیستان و بلوچستان که در طی این سال ها با ایثار جان خود در راه علم و دانش جان فشانی کردند همواره در تاریخ این سرزمین جاودان می ماند.



از هم طلاق گرفته اند و این کودک هر روز توسط نامادری اش با صبحانه ندادن به آن آزار و اذیت می شود و جرقه صبحانه دادن به دانش آموزان از این قصه شکل گرفت. ریگی ادامه داد: هر روز با هزینه شخصی ام به این کودکان صبحانه کامل می دادم و بعدها با درد دل با این کودکان آگاه شدم و متوجه شدم که در بین کودکان این مدرسه چهار کودک سرطان خون دارند و چندین کودک که فرزندان

هم جدا شده بودند و او جرات رویارویی با نامادری اش را نداشت و از دست نامادری اش همیشه اذیت و آزار می شد بطوری که بیشتر اوقات این کودک دیر به مدرسه می آمد و اکثر اوقات ضعف شدیدی داشت چون نامادری اش از صبحانه دادن به این کودک دریغ می کرد.

وی افزود: تا اینکه من پیگیر این موضوع شدم و مطلع شدم که به دلیل اعتیاد خانواده این کودک، پدر و مادرش

وعده های دولتی برای دریاچه ارومیه آب نشد / کشتی تدبیر هم به گل نشست

دریاچه داخلی کشور است که در سال های اخیر سالانه حدود ۴۰ سانتی متر از سطح آن کاسته شده به طوری که در حال حاضر روزهای بحرانی خود را سپری می کند. از سال آبی ۷۵-۷۶ تاکنون رقوم ارتفاعی سطح تراز آب دریاچه ارومیه سیر نزولی پیدا کرده و در طول سال های اخیر با وجود تلاش های بین المللی، ملی و محلی بخشی از مساحت دومین دریاچه شور دنیا در ارومیه کاسته شده است.

بنا بر تحقیقات انجام شده (نزدیک دو دهه پیش تاکنون) نمودار تراز آب پارک ملی دریاچه ارومیه رو به پایین است و مطالعات مدیریت زیست بوم حوضه آبریز دریاچه ارومیه که با همکاری بانک جهانی به اتمام رسیده، نشان می دهد دریاچه ارومیه به عنوان دومین دریاچه شور جهان روزهای خیلی وخیم و بحرانی را طی می کند.

بارندگی ها، کشاورزی سنتی، استفاده بی رویه از آب های زیرزمینی، مصرف نامناسب منابع آبی و عوامل انسانی مهم ترین دلایل این بحران زیست محیطی عنوان می شود، اما این سؤال به وجود می آید که با این حال و با منابع مالی محدود چگونه می توان انتظار داشت هفت سال آینده این تالاب بین المللی زنده شود؟

تبدیل دریاچه ارومیه به کانون ریزگردها در خاورمیانه، وقوع بادهای نمکی، تغییر اقلیم، بروز بیماری های نوظهور، از بین رفتن کشاورزی و معیشت مردم منطقه و مهاجرت بخشی از هزاران آسیب و تبعات منفی ناشی از خشک شدن دریاچه ارومیه بوده که سال ها مورد غفلت مسئولان واقع شده است.

دریاچه ارومیه در شمال غربی ایران و بین دو استان آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی قرار گرفته و بزرگ ترین

بیش از دو دهه از روند خشک شدن دریاچه ارومیه می گذرد، دو دهه ای که بی توجهی مسئولان به همراه وعده های شعاری دولت ها هر روز بر عمق بحران افزوده است.



خشک شدن دریاچه ارومیه از سال ۷۶ آغاز شده و هر سال ۴۰ سانتیمتر از عمق آب آن کم می شد تا اینکه ۹۶ درصد از مساحت دریاچه ارومیه تا سه سال گذشته از بین رفت. عمق فاجعه تا جایی پیش رفت که احیای دریاچه یکی از شعارهای اصلی دولت یازدهم قرار گرفت و با تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه مقرر شد وعده ها وارد فاز عملیاتی شوند اما تزریق ناچیز اعتبارات و آماده نبودن برخی زیرساخت ها موجب شد روند عملی شدن شعارها ناچیز بوده و شتاب کمتری داشته باشد.

● به مر حمت باران!

در دو سال اخیر بارندگی های شدید به همراه سیلاب های اخیر موجب شده شاهد بهبود نسبی وضع دریاچه ارومیه باشیم اما این روند تا احیای کامل دریاچه ارومیه فاصله طولانی دارد.

روند کند توسعه آبیاری تحت فشار در اراضی کشاورزی و انتقال آب در کنار سایر طرح های احیای دریاچه ارومیه با توجه به فرارسیدن فصل تبخیر آب این سؤال را ایجاد می کند که وضعیت پیش روی این تالاب چه خواهد بود؟

بر اساس اعلام معاون وزیر نیرو بر اساس برنامه ریزی های صورت گرفته تا هفت سال دیگر حجم دریاچه ارومیه به ۱۴ میلیون مترمکعب خواهد رسید که در این شرایط می توان گفت که دیگر نگرانی برای وضعیت این دریاچه وجود نخواهد داشت.

در طول بیش از دو دهه بی توجهی و غفلت، وضعیت دریاچه ارومیه به شرایط کنونی مبتلا شده است. کاهش





● دریاچه‌ها وضعیت ناراحت‌کننده‌ای دارند

به‌رغم اقداماتی که در طول سال‌های گذشته در حوزه دریاچه ارومیه انجام شده اما خود متولیان هم به تأثیر بارندگی‌ها در احیای دریاچه اذعان دارند به‌طوری که رئیس سازمان مدیریت بحران کشور می‌گوید: در یکی دو سال اخیر مقداری وضع بهتر شده و در بارندگی‌های اخیر معادل حدود ۱۰ سال آب به دریاچه ارومیه اضافه شد. نجار البته تأکید می‌کند که امروز دریاچه‌ها در کشور از هامون تا پریشان وضعیت ناراحت‌کننده‌ای دارند و دریاچه نمک هم در حال احتضار است.

بیم و امیدها نسبت به فعالیت‌های انجام شده در حوزه دریاچه ارومیه را می‌توان در سخنان اساتید دانشگاهی داخلی و خارجی هم دید. استاد دانشگاه ملیورن در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه پساب‌های تصفیه‌شده‌ای که به‌قصد احیا به دریاچه ارومیه سرازیر می‌شوند مشکلی برای زیست‌محیط آن ایجاد نمی‌کنند گفت: می‌دانیم حداقل شوری لازم برای زندگی آرتیمیا چقدر است اما باید ببینیم اثرات ورود این پساب‌های تصفیه‌شده چیست و درصد پسابی که وارد می‌شود چقدر است. تصمیم ایران برای استفاده از پساب تصفیه‌شده تحسین‌برانگیز است اما شاید نهایتاً یک درصد آب موردنیاز دریاچه را هم تأمین نکند. اگر این سرمایه‌گذاری در حوزه کشاورزی و بهره‌وری آبیاری انجام شود قطعاً نتیجه‌بخش‌تر خواهد بود.

وی تصریح کرد: هرچه توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد محیط‌زیست خراب‌تر می‌شود و نمونه آن چین است که محیط‌زیستش ویران شده و یکی از دغدغه‌های اصلی مردمش به شمار می‌رود. در ایران هم دریاچه ارومیه مثالی از وضعیت محیط‌زیست است که اکنون نه‌فقط برای ایران که برای دنیا مهم است.

استاد دانشگاه ملیورن اذعان کرد: در بازدیدهایی که داشتیم متوجه شدیم ستاد احیای دریاچه ارومیه کارهای خوبی انجام داده است اما این تنها یک شروع است و دریاچه دیگر به وضعیت دویست سال قبل خود برخواهد گشت.

● از سال ۹۶ دوره احیای دریاچه ارومیه آغاز شده است

مدیر دفتر استانی ستاد احیای دریاچه ارومیه در خصوص آخرین وضعیت دریاچه ارومیه گفت: هم‌اکنون با توجه به بارش‌ها و سیلاب اخیر شاهد روند بهبود دریاچه ارومیه هستیم. همچنین طرح تثبیت آب و وضعیت دریاچه ارومیه اجرا و از امسال، دوره احیای این پهنه آبی آغاز شده است. فرهاد سرخوش اظهار داشت: ستاد احیای دریاچه ارومیه در گام نخست مطالعاتی برای احیا این دریاچه را آغاز و در سریع‌ترین زمان ممکن طرح‌های چهل‌گانه نهایی برای احیای دریاچه را در بزرگ‌ترین پهنه آبی داخلی کشور شروع کرد.

وی ادامه داد: انتقال آب بین حوضه‌ای، تثبیت آب موجود در حوضه دریاچه ارومیه، استفاده از آبیاری‌های نوین در بخش کشاورزی با توجه به سهم بیش از ۹۰ درصدی این بخش از مصرف آب و فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و ترویجی از جمله این اقدام‌های عملیاتی بود.

سرخوش عنوان کرد: در حال حاضر ۴۴ پروژه توسط شش دستگاه اجرایی در حوزه آبریز دریاچه ارومیه در حال اجراست. مدیر دفتر استانی ستاد احیای دریاچه ارومیه با اشاره به اجرای ۴۴ پروژه در حوزه دریاچه ارومیه در سال جاری، مهم‌ترین پروژه احیا را انتقال آب از «کانی سب» به دریاچه ارومیه عنوان کرد که با اجرای این پروژه سالانه ۶۵۰ میلیون مترمکعب آب وارد پیکره دریاچه ارومیه می‌شود. وی گفت: با استقرار دو دستگاه tbm و سه شیفت کاری حدود ۹ کیلومتر و ۲۰۰ متر از آن اجرا شده است که

پیش‌بینی می‌شود این پروژه سال ۹۸ به بهره‌برداری برسد.

سرخوش اضافه کرد: مدیریت استانی حوزه ستاد احیای دریاچه در آذربایجان غربی و کردستان در ارومیه مستقر است و با توجه به اینکه ۷۰ درصد حوزه در این استان قرار دارد در سال ۹۵ بیش از ۷۰ درصد بودجه به این استان اختصاص یافت.

وی با اشاره به اینکه تراز دریاچه ارومیه در شرایط فعلی ۸۶، ۱۳۷۰ است که نسبت به ابتدای سال جاری ۱۰ سانتی‌متر افزایش دارد، گفت: با توجه به اقدامات انجام‌گرفته و بارش‌های صورت گرفته، در سال جاری حدود ۱۹۰ میلیون مترمکعب آب وارد پیکره دریاچه ارومیه شده است.

سرخوش در این خصوص که چه عواملی در به وجود آمدن شرایط فعلی دریاچه ارومیه دخیل هستند گفت: در حال حاضر تمام طرح‌هایی که در قالب ستاد احیای دریاچه ارومیه اجرا شده یا در دست اجرا هستند جزو وظایف ذاتی دستگاه‌های اجرایی است که متأسفانه تاکنون اجرایی نشده‌اند.

● اصلاح الگوی کشت بخش کشاورزی مورد توجه قرار گیرد

سرخوش با بیان اینکه در سال‌های ۹۴ و ۹۵ حدود ۴۱۲ کیلومتر لایروبی در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی انجام گرفته است، اضافه کرد: در بحث اجرای پروژه‌های ستاد احیا دریاچه ارومیه سه محور اساسی رعایت شده و موجب بهبود وضعیت آبی این دریاچه شده که شامل لایروبی رودخانه‌ها به عنوان مجاری ورودی آب، اتصال زرينه رود و سیمینه رود، اجرای طرح‌های صرفه جویی در مصرف آب کشاورزی و رهاسازی آب سدهای حوضه آبریز دریاچه ارومیه است.

مدیر استانی ستاد احیای دریاچه ارومیه به پروژه‌های جهاد کشاورزی استان در راستای احیای دریاچه ارومیه اشاره و تصریح کرد: کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی برای احیای دریاچه ارومیه ضروری است که در این راستا توسعه آبیاری نوین و تغییر الگوی کشت محصولات کشاورزی از راهکارهای جبران کم آبی است.

وی ادامه داد: تاکنون شش هزار و ۵۰۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی به آبیاری تحت فشار مجهز و ۱۲۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی به اطلاعات کاداستر اضافه شده است. سرخوش با اشاره به کشت چغندر قند به عنوان محصول پرآب بر در استان آذربایجان غربی بیان کرد: تمکین نکردن کشاورزان موجب شده تا سطح زیر کشت چغندر قند در استان همچنان بالا باشد به طوری که قرار بود حدود ۱۲ هزار هکتار چغندر کاشته شود ولی بیش از ۱۷ هزار هکتار کاشته شد.

وی تأکید کرد: اصلاح الگوی کشت در کنار جلوگیری از توسعه کشاورزی «پیر آب بر» حوضه آبریز دریاچه ارومیه

به منظور تأمین حق آبه این پهنه آبی از اهمیت خاصی برخوردار است که باید اعمال شود. سرخوش با اشاره به اینکه امسال حق آبه دریاچه ارومیه را ۳۷۰ میلیون متر مکعب در نظر گرفته‌اند که به پیکره آبی دریاچه رهاسازی می‌شود، اظهار کرد: در سال گذشته ۱۶ درصد از آب‌های کشاورزی ذخیره شده و امسال نیز با اضافه شدن هشت درصد به این میزان با ذخیره سازی ۲۴ درصد از آب این حوزه در پشت سدها بعد از اتمام فصل کشاورزی به پیکره دریاچه رها می‌شود.

مدیر دفتر استانی ستاد احیای دریاچه ارومیه همچنین از مطالعه انتقال آب دریاچه وان به دریاچه ارومیه خبر داد و توضیح داد: مطالعه این طرح در دستور کار ستاد احیا قرار گرفته است که در صورت موافقت دو طرف عملیاتی می‌شود.

● افزایش ۸۰ سانتیمتری ارتفاع آب دریاچه ارومیه

پرویز آراسته مدیرکل حفاظت محیط‌زیست آذربایجان غربی از افزایش ۸۰ سانتیمتری ارتفاع آب دریاچه ارومیه خبر داد و گفت: عوامل انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل خشک شدن دریاچه ارومیه است.

وی خاطرنشان کرد: از سال ۹۲ برای احیای دریاچه ارومیه تلاش می‌کنیم تا آب دریاچه را تثبیت کنیم و در این راستا از کاهش ۳۴ سانتی‌متری دریاچه در هرسال جلوگیری کرده‌ایم که در نوع خود بسیار خوب است و در این میان نباید از افزایش بارندگی‌های اخیر چشم‌پوشی کرد و می‌توان گفت اقدامات ستاد احیای دریاچه مناسب بوده است.

این اظهارات آراسته در حالی صورت می‌گیرد که معاون فنی اداره کل محیط‌زیست استان در نشست خبری اخیر خود گفته است: وضع تراز آبی دریاچه ارومیه در حال حاضر ۸۵، ۱۲۷۰ متر است که این مقدار در مقایسه با مدت‌زمان مشابه سال قبل ۱۶ سانتی‌متر کاهش دارد. حجت جباری از کاهش ۲۹ درصدی بارندگی در حوزه آبریز دریاچه ارومیه هم خبر داد و افزود: در حال حاضر ذخیره آبی دریاچه ارومیه ۲ و ۴ میلیارد مترمکعب است و این در حالی است که برآثر بارندگی‌ها و سیلاب اخیر در استان، ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب وارد دریاچه ارومیه شده است.

● آنچه باقی ماند: تأسف و کوبیر نمک

پارک ملی دریاچه ارومیه با ویژگی‌های خاص خود بعد از دریاچه شور بحر المیت در دنیا به‌عنوان دومین دریاچه شور و بزرگ در جهان به شمار می‌رفت، این دریاچه به‌عنوان بزرگ‌ترین تالاب دائمی با دارا بودن ۱۰۲ جزیره بزرگ و کوچک در استان قابلیت‌های زیادی را در دل خود جای داده بود که امروز جز تأسف و کوبیری از نمک چیزی از آن باقی نمانده است.

هرچند بر اساس بررسی‌های کارشناسی صورت گرفته، سدسازی، ساخت و اتمام میان‌گذر شهید کلاتتری، مصرف بی‌رویه آب در بخش کشاورزی، استفاده بیش‌ازحد آب‌های زیرزمینی، چاه‌های غیرمجاز به همراه توسعه غیراصولی زمین‌های کشاورزی از دلایل بروز بحران خشک‌سالی دریاچه ارومیه شده است اما کاهش میزان بارش‌ها سهم زیادی در این میان داشته است.

متأسفانه عمق حادثه تا جایی است که هزینه‌های میلیاردری برای احیای این تالاب بین‌المللی، برگزاری ده‌ها همایش بین‌المللی، ملی و محلی نیز تاکنون نتوانسته چاره‌ساز شود و به دلیل بروز خشک‌سالی و ادامه کاهش بارندگی‌ها هرروز بر وسعت این فاجعه زیست‌محیطی افزوده می‌شود.

وقتی سودجویی اشک مریم را به بازار سر ازیر می کند/ نابودی لاله واژگون



**دامنه های سنگلاخی استان مرکزی
همزمان با بهار، عرصه رویش لاله
واژگون است اما سوداگران بازار
اینجا هم از پای ننشسته اند و به
بهای انقراض این گل، بازار طی
فصل بهار مملو از آن می شود.**

گل «اشک مریم» یا لاله واژگون از جمله ذخایر ارزشمند طبیعی کشورمان است که به عنوان یک اثر طبیعی ملی از سال ۷۵ به مجموعه میراث طبیعی تحت مدیریت منابع طبیعی و سازمان حفاظت از محیط زیست کشور پیوست. لاله های واژگون گل های وحشی هستند که در مناطق صخره ای با آب و هوای خنک در فصل بهار می رویند، اما دست دخالت عامل انسانی این گل ها را از زادگاه رویششان دور می کند غافل از آن که این گل تنها در این مناطق است که شکوفا می شود و رشد می کند.

آغاز فصل بهار، زمانی برای تولد گل «اشک مریم» یا لاله واژگون در پهنه دشت های استان مرکزی است اما در حالی که بازار گل طی فصل بهار مملو از این گل می شود، عرصه های طبیعی رویش آن در معرض نابودی اند. اشک مریم که در فصل بهار و ماه های فروردین و اردیبهشت می روید بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر از سطح زمین قد می کشد. این گل برای اولین بار در سال ۱۵۷۶ میلادی به وسیله جهانگردان طبیعت دوست اروپایی از منطقه زاگرس به اتریش و دیگر نقاط اروپا انتقال داده شد.

این گونه گیاهی استقامت زیادی در برابر سرما و سازگاری ویژه ای با دامنه های سنگلاخی و صخره ای دارد و چنانچه زیستگاه این گل به وسیله انسان ها و دام ها تخریب نشود، توانایی پوشاندن عرصه های وسیعی از طبیعت را با رویش هزاران شاخه زیبا دارد.

این گونه گیاهی، چهارمین اثر طبیعی ملی ایران است و در برخی استان های کشور از جمله مناطقی از استان مرکزی همچون خمین، اراک و آشتیان می روید که متأسفانه این روزها به دلیل چرای بی رویه این گیاه برای عرضه به بازار گل و کشاورزی، برداشت بی رویه این گیاه برای عرضه به بازار گل و عوامل دیگر، در خطر انقراض قرار گرفته است.

● دخالت انسان و سودجویی عامل نابودی عرصه های رویش گل لاله واژگون

یک کارشناس محیط زیست در این رابطه اظهار داشت: مهم ترین عامل در خطر انقراض قرار گرفتن عرصه های رویش گل لاله واژگون در استان مرکزی، دخالت انسان در این عرصه ها و سودجویی است.

علی اکبری افزود: به دلیل زیبایی خاص و شمایل منحصر به فردی که این گل دارد معمولاً بخشی از عرصه های رویش این گل مورد تهاجم عامل انسانی قرار گرفته و از بین می رود و کسانی که به این کار اقدام می کنند، باید بدانند که عرصه رویش این گل دشت ها و مناطق صخره ای است و در فضا های دیگر همچون باغچه رشد نمی کند.



سال اخیر طرح های مدیریت چرای دام، حفاظت از منابع طبیعی و مرتع داری و فرق در عرصه های رویش این گیاه اجرا شده است.

یوسفی مهمترین راهکار پیشگیری از خطر انقراض این گیاه زینتی و سرمایه طبیعی را ارتقای فرهنگ روستاییان و طبیعت گردان بیان داشت و گفت: هر جا که لاله واژگون رشد و تکثیر پیدا کرده است نشان از فرهنگ بالای ساکنان آن منطقه دارد.

● حفاظت از عرصه های طبیعی خاص و کمیاب نیازمند فرهنگ سازی است

وی ادامه داد: لاله های واژگون که در زبان محلی «اشک مریم» نامیده می شود در مناطق سنگلاخی می روید و در اواخر فروردین ماه به گل می نشیند و تا اواخر اردیبهشت ماه گل های خود را حفظ می کند.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مرکزی مهمترین مناطق رویش گل لاله واژگون را در شهرستان های اراک، خمین، تفرش، ساوه و آشتیان اعلام کرد.

یوسفی با بیان اینکه منابع طبیعی نقش اساسی در توسعه پایدار هر کشور دارد اظهار داشت: بر همین اساس جلوگیری از تخریب جنگل و مراتع و برنامه ریزی برای بهره برداری صحیح و اصولی از این منابع خدادادی یکی از مهمترین دغدغه های منابع طبیعی و آبخیزداری استان مرکزی است.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مرکزی با تأکید بر اینکه برای شناخت هر چه بیشتر از اهمیت منابع طبیعی در جامعه باید فعالیت های فرهنگی صورت گیرد، افزود: با توجه به جایگاه و نقش منابع طبیعی در موضوعات مختلف، باید از روش های متنوع فرهنگ سازی، ترویج، تبلیغات و اطلاع رسانی برای ارتقای سطح آگاهی، دانش و بینش جامعه در مورد منابع طبیعی بهره گرفت.

وی ادامه داد: در کنار فرهنگ سازی اختصاص اعتبارات کافی، امکانات و توجه به تقویت نیروهای انسانی در این حوزه برای معرفی و شناخت منابع طبیعی ضرورت دارد. با آغاز فصل بهار، رویش و خند گل «اشک مریم» نیز در دامان طبیعت آغاز می شود اما چیدن و جدا کردن لاله واژگون از زیستگاه و محل رویش طبیعی آن و نابودی عرصه های رویش این گل در اثر عواملی چون سودجویی، تغییر کاربری و چرای دام، خنده آن را تبدیل به اشک می کند و به نظر می رسد اجرای طرح های حفاظت مناطق رویش این گل و فرهنگ سازی صیانت از ذخایر طبیعی، مهم ترین اقدام در این زمینه باشد.

وی بیان داشت: برخی دیگر از افراد نیز که با قصد کسب درآمد و فروش این گل اقدام به چیدن آن می کنند نیز هر ساله بخش زیادی از عرصه های رویش این گل را به نابودی می کشانند و این سرمایه پرازش طبیعی استان مرکزی را در معرض خطر انقراض قرار می دهند.

● ضرورت انجام طرح های مطالعاتی برای تکثیر لاله واژگون و جلوگیری از انقراض آن

این کارشناس محیط زیست تأکید کرد: عدم مراقبت از عرصه های رویش این گیاه و چرای دام در این مناطق نیز عامل تأثیرگذار دیگر در ایجاد خطر نابودی دشت های گل اشک مریم است.

اکبری گفت: گل «اشک مریم» یا لاله واژگون به عنوان یک اثر طبیعی ملی در کشور به ثبت رسیده که نشان از اهمیت و منحصر به فردی این ذخیره طبیعی دارد و به همین دلیل سازمان های متولی محیط زیست و منابع طبیعی باید برای حفظ عرصه های رویش این گل کمیاب که بیشتر در دامنه های زاگرس و طی مدتی کوتاه در فصل بهار رشد می کند طرح هایی اجرا کرده و برنامه ریزی کنند تا این گیاه از خطر انقراض مصون بماند.

وی تأکید کرد: باید در زمینه حفظ و تکثیر این گیاه کمیاب، مطالعات کارشناسی انجام شده تا زمینه پرورش این گل در گلخانه ها نیز فراهم شود چراکه گل های لاله واژگون قابلیت تکثیر از طریق کشت گلخانه ای را دارند و این حرکت خوب و تأثیرگذاری است چراکه از انقراض این گونه کمیاب گیاهی جلوگیری می شود.

● عرصه های رویش لاله واژگون در استان مرکزی در معرض تهدید است

یوسف یوسفی، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مرکزی نیز اظهار داشت: لاله های واژگون به عنوان شاه گل عرصه های طبیعی استان مرکزی در معرض خطر انقراض قرار دارد و متأسفانه در سال های اخیر به دلیل دخالت انسان، عرصه های محل رویش گل لاله واژگون در استان مرکزی به شدت مورد تهدید قرار گرفته و کاهش یافته است.

وی افزود: در فصل بهار برخی افراد سودجو یا طبیعت گرد ها این گل زیبا و کمیاب را می چینند تا با فروش گل ها یا کاشت در باغچه منزل از آن استفاده کنند.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مرکزی گفت: برای پیشگیری از خطر انقراض گل لاله واژگون طی چند

ویراژ مرگ در شهر؛ وقتی موتور هازندگی را خاموش می کنند

● آمارهای هشدار دهنده

وضعیت تخلفات موتورسیکلت‌ها به گونه‌ای است که رئیس پلیس ترافیک شهری راهور از اعمال طرح ترافیک و زوج و فرد برای موتورسیکلت‌ها خبر داده و گفته است: این طرح به ساماندهی این وسایل کمک می‌کند و پلیس برای ساماندهی موتورسواران در سطح شهر تمهیداتی را در نظر دارد.

آمارهای اعلام شده توسط پلیس ترافیک شهری پلیس راهور حاکی از آن است که طی ۹ ماه نخست سال گذشته، پلیس راهور حدود ۶۰۰ هزار دستگاه موتورسیکلت را در شهرها به دلیل تخلفات حادثه‌سازشان توقیف کرده است.

سرهنگ داود قاسمیان گفته است: بیشترین تخلف موتورسیکلت‌ها که در معابر شاهد هستیم، همراه نداشتن کلاه ایمنی است که بعضاً در صورت بروز تصادف باعث ضربه‌مغزی راننده می‌شود.

رئیس پلیس ترافیک شهری توضیح داد: تخلفات بعدی که بیشترین فراوانی را بین راکبان موتورسیکلت‌ها دارند و باعث توقیف وسیله آن‌ها می‌شوند، به ترتیب حرکات نمایشی، عبور از چراغ قرمز، عبور از پیاده‌رو، حرکت نکردن بین خطوط و تجاوز به گذرگاه عابران پیاده هستند.

معاون دفتر ایمنی و ترافیک سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای کشور هم گفته است: موتورسیکلت‌سواران ۳۰ درصد از حوادث و تلفات جاده‌ای را به خود اختصاص داده‌اند.

اشاره به این آمارها برای یادآوری این موضوع است که آمار تصادفات موتورسیکلت و وسعت و شدت آسیب‌های

شکستگی اندام تحتانی بوده است. همچنین بیشترین نحوه تصادف، برخورد جلو به پهلو بود و ۶۲.۲ درصد این افراد تحت عمل جراحی قرار گرفته بودند. بیشترین فراوانی تصادفات هم مربوط به حدود ساعت ۲۰ (۸ شب) بوده است.

پژوهش مشابهی نیز در سال ۸۵ انجام شده که نشان می‌دهد در سال‌های اخیر موتورسیکلت در کشور ما به صورت انبوه تولید و مورداستفاده روزافزون مردان جوان و طبقات متوسط قرار می‌گیرد و ۴۲ درصد تصادفات در شهر تهران را تصادفات موتورسیکلت تشکیل می‌دهد.

این در حالی است که معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران می‌گوید: ۹۰ درصد افرادی که طی سال گذشته در تصادفات رانندگی شرق پایتخت جان خود را از دست داده‌اند، موتورسیکلت‌سوار بوده‌اند.

آمارها در شهر ارومیه نیز نشان می‌دهد که ۹۶ درصد مصدومان تصادفات موتور مرد بوده که ۹۴ درصد آن‌ها از کلاه ایمنی استفاده نکرده بودند. عدم استفاده از کلاه ایمنی موجب بروز ضربه‌مغزی و شکستگی‌های صورت در حد بالاتر از معمول شده بود.

به‌رغم اینکه در آمار مصدومان ترافیک بیشترین آسیب‌های موتورسواران را شکستگی‌های اندام تحتانی تشکیل می‌دهد اما در ارومیه از نظر فراوانی آسیب‌ها در این مطالعه ضربه‌مغزی ۶۴.۵ درصد در ردیف اول و شکستگی‌های اندام تحتانی با میزان ۴۱ درصد در ردیف دوم قرار داشتند. در استان کردستان هم به گفته رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی کردستان بیشترین تصادفات درون‌شهری استان مربوط به موتورسیکلت است.

تلفات بالای تصادفات موتورسواران در استان‌های مختلف موجب تحمیل هزینه‌های فردی و اجتماعی زیادی توسط این افراد می‌شود؛ به طوری که حتی در یکی از استان‌ها آمار موتورها به تعداد جمعیت تنه می‌زند.



محدثه نجف‌زاده

همه به قانون شکنی می‌شناسنش، شاید چرخ‌هایش عصای دست عده‌ای برای امرار معاش است اما خطرات، سر و صدا و زحمتش برای دیگران موجب شده تا خیلی‌ها تصمیم بگیرند اگر روزی در مسند قدرت بنشینند، اولین کاری که انجام دهند ممنوع کردن آن باشد! وضعیت تصادفات رانندگی مربوط به موتور در استان‌های مختلف به گونه‌ای است که وقتی مسئولان پلیس راهور می‌خواهند محدودیت ترافیکی در ایام مختلف سال به ویژه روزهای پرتردد را اعلام کنند نام موتور در فهرست آن‌ها حتماً قرار دارد.

● نگاهی به وضعیت تصادف موتورسیکلت در استان‌های مختلف

اما وضعیت تصادفات موتورسیکلت‌ها به گونه‌ای است که تحقیقات مختلف و متفاوتی در این زمینه و آسیب‌شناسی‌های جدی در این حوزه صورت گرفته است. در پژوهشی که در شهر مشهد انجام شده است بیشترین آسیب‌های ناشی از تصادفات موتورسیکلت مربوط به





وقت رسیدگی که می‌توانستند در اختیار سایر شهروندان مانند یک بیمار سکنه‌ای، یک زن باردار و حتی یک کودک قرار دهند، به تصادفات که می‌توانست اتفاق نیفتد تعلق می‌گیرد.

● عدم رعایت نکات ایمنی توسط موتورسواران

فراهانی در این باره اضافه کرد: مثلاً ما در تصادف دو موتور با ۵ مجروح شدید ۴ آمبولانس را از سطح شهر، به محل حادثه اعزام کنیم. در واقع قریب به ۳۰ تا ۴۰ درصد ظرفیت اورژانس ۱۱۵ قم درگیر تصادفات موتورسواران است. همچنین درصد بالایی از تخته‌های ویژه در بیمارستان‌ها نیز به دلیل این تصادفات درگیر هستند.

وی تأکید کرد: دلیل اصلی تصادفات وسیع در حوزه موتورسواران قمی این است که نکات ایمنی و قوانین را رعایت نکرده و اکثر آن‌ها خودشان را در مسائل ترافیکی بی‌نیاز از تابعیت قوانین عمومی می‌دانند.

معاون مرکز فوریت‌های پزشکی قم ادامه داد: خاطرم هست که طی یک تصادف در محور کهک، سه دستگاه موتورسیکلت به شکل عجیبی با یکدیگر شاخ به شاخ شدند که نهایتاً ۲ کشته برجای گذاشتند، ما برای این تصادف مجبور به اعزام یک دستگاه بالگرد اورژانس شدیم، این درحالی است که بالگرد یک ظرفیت مهم برای کاهش تلفات حوادث سنگین است.

این سخنان در حالی مطرح می‌شود که پیش‌ازاین معاون فرهنگی اجتماعی فرماندهی انتظامی استان قم در گفت‌وگو با رسانه‌ها تأکید کرده بود که بحث تصادف موتورسیکلت به یکی از حادثه‌ترین مشکلات اجتماعی قم تبدیل شده است و این موضوع تا زمانی که به‌صورت قانون ابلاغ نشود، کسی آن را رعایت نخواهد کرد.

معاون استاندار قم نیز معتقد است که با توجه به مخارج و هزینه سنگینی که این معضل بر دوش دولت می‌گذارد، رعایت مسائل ایمنی از سوی موتورسواران باید به فرهنگ تبدیل شود و یادآور می‌شود که با توجه به تلفات ناشی از تصادفات موتورسیکلت‌ها در قم امروزه بخش اعظمی از موارد اخذ دیه مربوط به راکبان موتورسیکلت می‌شود.

برای پرسنل اورژانس تفاوتی ندارد بیمار و مصدوم از چه حادثه‌ای باشد و این وظیفه است که خدمت رسانی انجام شود، اما در حوزه موتورسواران به دلیل اشتباهات مکرری که می‌تواند روی ندهد هزینه، وقت و بسیاری از ظرفیت‌ها مصرف شده و حق سایر شهروندانی که نیاز به خدمات اورژانس دارند نادیده گرفته می‌شود.

جمعیت آن بسیار بسیار بیشتر است. وی با بیان اینکه عدم التزام اکثر موتورسواران به قوانین و مقررات ترافیکی و همچنین عدم استفاده از کلاه‌های ایمنی از دلایل اصلی بروز حوادث برای آن‌ها محسوب می‌شود، گفت: متأسفانه راکبانی که از کلاه ایمنی هم استفاده می‌کنند، انواع غیراستاندارد آن را بر سر می‌گذارند که خودش بسیار خطرناک است.

طبق گفته‌های فراهانی، به طور میانگین روزانه بین ۳۰ تا ۳۵ تصادف برای موتورسواران قمی رخ می‌دهد که قریب به ۳۵ تا ۴۰ مجروح بر جای می‌گذارد. همچنین در طول یک ماه هزار تا هزار و ۲۰۰ مجروح از حوادث موتورسواران گزارش می‌شود که رقم کمی نیست.

● فوت ۸۵ نفر بر اثر تصادف با موتورسیکلت

معاون مرکز فوریت‌های پزشکی قم در ادامه افزود: فوتی‌های ناشی از حوادث و تصادفات موتورسواران در قم طی سال گذشته ۸۵ نفر بوده‌اند که این افراد در صحنه تصادف جان دادند، میانگین سنی این افراد نیز بین ۱۸ تا ۳۵ سال است که ملاحظه می‌کنید از قشر جوان کشور را تشکیل می‌دهند.

فراهانی با اشاره به اینکه مجروحان تصادفات موتورسواری به دو دسته تقسیم می‌شوند، گفت: دسته اول افرادی که پس از مدتی به سلامت کامل می‌رسند و اگر نقصی باشد جزئی است اما دسته بعدی که تعداد زیادی از مجروحان را شامل می‌شود شامل کسانی است که دچار آسیب‌های نخاعی شده و به نوعی مجبور به ادامه زندگی به شیوه نباتی هستند، این افراد نه تنها زندگی خود که زندگی خانواده‌هایشان را به شدت تحت الشعاع قرار می‌دهند. اما این همه ابعاد حوادث موتورسواران در قم نیست. به گفته فراهانی علاوه بر خسارات جانی تصادفات موتورسیکلت‌ها، ظرفیت‌های زیادی از اورژانس و پلیس به تصادفات موتورسواران اختصاص پیدا می‌کند، این درحالی است که این ظرفیت‌ها باید در خدمت به نیازمندان و کسانی باشد که واقعاً به آن احتیاج دارند.

وی در این باره گفت: متأسفانه بخش‌های اورژانس بیمارستانی ما به دلیل حجم بالای تصادفات رانندگی که بر اثر اشتباهات راکبان رخ می‌دهد، به جای سایر مریض‌های اورژانسی، در اختیار تصادفات موتوری است. معاون مرکز فوریت‌های پزشکی قم افزود: زمانی که آمبولانس‌های بیشتری درگیر این تصادفات می‌شوند،

ناشی از آن چشمگیر و قابل تأمل بوده و باید توجه جدی‌تری به این موضوع صورت گیرد. اما در یکی از استان‌های کشور تعداد موتورسیکلت‌های موجود به آمار جمعیت استان تنه می‌زند و این خود زنگ هشدار را به صدا درآورده است.

● اینجا چقدر موتور دارد!

اگر در قم زندگی می‌کنید و برایتان از سایر مناطق کشور مهمان آمده، حتماً و حتماً جمله معروف «چقدر اینجا موتورسیکلت هست» را شنیده‌اید. قم اگر به سوهانش معروف است، با ترافیک و در دسر موتورسوارانش هم معروف تر شده است.

از وسیع‌ترین خیابان‌ها تا تنگ‌ترین کوچه‌های شهر، از بلوارها تا پیاده‌روها جایی نیست که تعداد خودروها یا افراد بیشتر از موتورسواران باشد. وسیله‌ای که با استفاده از آن نه فقط آلودگی صوتی و تنفسی قم بیشتر و بیشتر می‌شود، بلکه ابزار خوبی برای قانون شکنی، دور زدن ترافیک‌ها در مرکز شهر و حتی ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم شده است.

همه این مسائل و زحمتهایی که موتورسواران برای شهر ایجاد می‌کنند یک سو، ایجاد بستر برای بروز انواع تصادفات جاده‌ای و شهری که منجر به فوت و مصدومیت خودشان یا سایرین می‌شود سوی دیگر.

همین چند روز پیش بود که تصادف دختران موتورسوار در قم سر خط خبرها رفت؛ دخترانی که به گفته معاون مرکز فوریت‌های پزشکی قم تنها بین ۱۵ تا ۲۰ سال سن داشتند و به دنبال تصادف سه خانم (دو سرنشین و یک راکب) با درجه‌های شدید و خفیف مصدوم شده بودند.

● آمار بالای تعداد موتورسواران در قم

قطعا همانگونه که معاون مرکز فوریت‌های پزشکی قم تأکید کرده است، تصادفات ناشی از موتورسواری در سراسر کشور و به خصوص در شهر قم معضل بسیار بزرگی است و دستگاه‌های مختلف نیز درگیر این مسئله هستند.

مهدی فراهانی با بیان اینکه در قیاس با سراسر کشور شهر قم به نسبت جمعیت خود، آمار بالایی از تعداد موتور و موتورسواران را در اختیار دارد، گفت: نزدیک به ۳۲۰ تا ۳۴۰ هزار موتور در قم پلاک شده‌اند که به گفته دوستان پلیس دو تا سه برابر این آمار موتورهای بدون پلاک داریم، بنابراین روی هم رفته قریب به یک میلیون موتور پلاک دار و بدون پلاک در قم وجود دارد که نسبت به

■ دهه سوم سعدی شناسی در حالی آغاز می‌شود که از این رهگذر می‌توان از یک‌سو داشته‌ها و کاستی‌های این عرصه را به داوری نشست و از سوی دیگر شعله سعدی پژوهی را پرفروغ‌تر کرد.

■ «سرعت، قدرت، هیجان، ثروت، برتری و ...» این‌ها همان صفت‌های آشنایی هستند که صبح زود گم می‌کنیم و تا آخر شب دنبال آن‌ها می‌گردیم. اما برخی‌ها راه آسان‌تری برای پیدا کردن این احساس و لمس آن‌ها پیدا کرده‌اند: گیم یا همان بازی رایانه‌ای.

■ تثاتری که ۱۲۰ سال قدمت دارد، نیازمند حمایت است و قطعاً باید در راستای کسب جایگاه واقعی هنرهای نمایشی تبریز، تلاش مضاعفی انجام دهیم. تثاتر یکی از وسیله‌های تاثیرگذار برای ترویج فرهنگ در جامعه است و در همین راستا مسئولان و مردم باید در کنار هنرمندان باشند. ما این‌همه هنرمند در سطح شهر داریم ولی این امکانات کم، باعث تاسف برای شهرداری، اداره فرهنگ و ارشاد و ... است.

فرهنگ و هنر ایران



به مردم فرانسه می گویم قلب ایرانی ها شبیه ما است

همین سبک شعر گفته بودند.

|| ظاهراً آموزش هم داشتید، استعداد و توانمندی ایرانی ها در موسیقی چگونه بود؟

در تهران ۲۰ هنرجو و در خرمشهر هم با ۱۴ هنرجو کارگاه داشتم و فردا هم کارگاه خواهد بود. اینجا پر از مهارت هاست و مردم خیلی مشتاق هستند اما متأسفانه مشکلات زیادی در تکنیک و مهارت دارند.

|| قبل از سفر به ایران چه ذهنیتی در مورد این کشور داشتید؟

یک چیزهایی در مورد ایران از اخبار می شنیدم که ایران مشکلات هسته ای و ناامنی دارد. پدر و مادرم می ترسیدند به آبادان و خرمشهر بیایم زیرا در سفارتخانه فرانسه، اهواز از جمله نقاط خطرناک و آبادان و خرمشهر به خاطر نزدیکی به عراق از جمله مناطق بسیار خطرناک تعریف شده بودند.

|| چرا با وجود احساس خطر به خرمشهر سفر کردید؟

دوست داشتم چیزهای جدید بدانم. ما دوست داشتیم از موسیقی ایران تصویر داشته باشیم و فضای تعاملی و مشترک بین دو کشور وجود داشته باشد.

|| و حالا نظرت در مورد ایران و خرمشهر چیست؟

ذهنیت کاملاً تغییر کرده. تصور من قبل از سفر نسبت به ایران بسیار بد بود اما الان بسیار خوب است. اینجا امن امن است و مردمش بسیار خوب.

|| اگر بخواهی از ایران برای سایر هموطن هایت تعریف کنی چه می گویی؟

مردم ایران و خرمشهر به ما احترام زیادی گذاشتند. به فرانسوی ها می گویم مردم ایران بسیار خونگرم هستند و قلبهایشان شبیه ما است.

اجرای که ارتباط با مخاطب برقرار کرد و به همین دلیل شعر حافظ اثری از داریوش فرहत را برای دومین بار اجرا کردند.

سید مرتضی نعمت زاده، معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد اروند در این مراسم می گوید: موسیقی زبان لطیف بین المللی و خرمشهر شهر بین المللی است که آغوشش را برای هنرمندان و مردمان جهان باز کرده است.

او به موزیسین ها دسته گل هدیه و بیان می کند: این گل ها که تقدیم شد، هم پیام تشکر از کسانی است که زبان موسیقی را به ما هدیه کردند و هم پیام صلح و دوستی مردم خرمشهر به مردم فرانسه است، مردمی که می خواهند بگویند، اگر روزی برای آزادی و دفاع از سرزمینمان در برابر دژخیمان جنگیدیم جنگ طلب نیستیم. خبرنگار مهر، در حاشیه این اجرا گپی کوتاه با این موزیسین های فرانسوی داشت. آنها از تجربه نخستین سفرشان به ایران گفتند.

«توماس تاکه فابر» پیانیست، مربی آواز و مدیر گروه کر است که در کنسرواتور بویگنی، گروه کر دانشگاه سوربن و کر رجینال مشغول به کار است و به عنوان پیانیست جوایز ملی و بین المللی متعددی را در مسابقات مختلف کسب کرده است با اشتیاق و رویی گشاده از گفت و گو استقبال می کند.

|| چندمین بار است به ایران می آید و چند روز در ایران بودید؟

اولین بار است به ایران سفر می کنیم و شش روز در تهران بودیم که اجراهایی را در آموزشگاه استاد تفرشی و یک جای دیگر داشتیم. دو روز دیگر در تهران و سفارت بلژیک باز هم اجرا خواهیم داشت.

|| در خرمشهر چه اجرا کردید؟

اولین پارت آواز فرانسوی و اشعاری در مورد ایران بود. شاعران قرن ۱۹ عاشق مبالغه بودند و در مورد ایران هم با

«تاکه فابر» استاد دانشگاه و پیانیست فرانسوی که برای اجرای زنده به خرمشهر سفر کرده است، می گوید: به فرانسوی ها می گویم مردم ایران بسیار خونگرم هستند و قلب هایشان شبیه ما است.

«لیا روک تنور» (خواننده تنور) و «توماس تاکه فابر» (نوازنده پیانو) از موزیسین های برجسته فرانسوی برای اجرای زنده به ایران سفر کردند و بعد از چند اجرا و آموزش در تهران، به خرمشهر آمدند. آنها بنا به خواسته خود صبح جمعه به مرقده مطهر پنج شهید گمنام در محوطه مسجد جامع خرمشهر ادای احترام کردند و از آنجا عازم مرکز فرهنگی دفاع مقدس (موزه دفاع مقدس) شدند و نامشان را در دفتر یادبود این مرکز به عنوان بازدیدکنندگان ثبت کردند. رضا مردانی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خرمشهر که آنان را در این گردش صبحگاهی همراهی می کرد می گوید: از نکات بارز در دیدار از مرکز فرهنگی دفاع مقدس، توجه و اشتیاق آنان به غرفه فرمانده رشید اسلام سردار «جهان آرا» و درخواست آثار هنری منقوش به تصاویر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بود.

وی می افزاید: خیلی برایشان جالب بود. من هم از خرمشهر قبل از انقلاب، بعد از انقلاب و جنگ، مقاومت مردم، از شهدا و از اراده مردم برای خرمی خرمشهر گفتم. این گروه دو نفره ساعت ۱۹ برای اجرای زنده به مجتمع فرهنگی هنری خلیج فارس آمدند و پس از تاخیر یک ساعته از اعلام برنامه، ساعت ۲۰:۱۵ دقیقه به روی صحنه رفتند که اجرای آوازها و شانسون های فرانسوی در موسیقی رمانتیک فرانسه، آریاهای از چند اپرا، اجرای موسیقی ایتالیایی و همچنین اجرای دو اثر از دو آهنگساز ایرانی «شاهین فرहत» و «امیر مهیار تفرشی پور» از جمله برنامه های اجرا شده ظرف این دو ساعت اجرا بود.

آنها علاوه بر اجرای فرانسوی به اجرای آهنگ و آواهایی فارسی از شاعران به نام ایرانی همچون حافظ پرداختند.



«خ» مثل خاک و خون و خادمی



افرادی که در سرزمین نور با اشتیاق اسم خود را «خادم» گذاشته‌اند، این روزها در مناطق عملیاتی حضور پررنگی دارند و با علاقه و عشق به شهدا در حال خدمات‌رسانی به مهمان‌های شهدا هستند.



سیده فاطمه
هلالات

«اصلاً اهل این برنامه‌ها نبودم»، «منی دانم چطور شد»، «فکر نمی‌کردم ادامه دهم»، «من وقتی آمدم فقط هشت‌ساله بود»، «اولین بار پشیمان هم شدم و خواستم برگردم»، این برخی از پرتکرارترین جملاتی است که برخی از افرادی که امروز گردگیری می‌کنند، کفش جفت می‌کنند و ساعت‌ها سرپا می‌مانند و شاید خواب روزانه‌شان در چهار یا پنج ساعت خلاصه شود در تعریف آغاز ماجرای خادم شدنشان می‌گویند، آنانی که برخی‌ها ایشان سال‌هاست به این کار ادامه می‌دهند و قریب به اتفاقشان ادعا می‌کنند می‌خواهند تا زمانی که توان دارند و هر زمان که شهدا لایق بدانند به خادمی زائران سرزمین‌های نور ادامه دهند.

● از نقاشی تا نقش خادمی

یکی از مکان‌هایی که روزانه پذیرای چند هزار زائر است مرکز فرهنگی دفاع مقدس خرمشهر یا همان موزه دفاع مقدس خرمشهر است. محلی که با توجه به حجم مراجعه‌کننده نیاز دارد افرادی در آن خادمی کنند که هم مسلط به مسائل روایتگری و آشنا با شهدا باشند، هم مقام اشیا و یادگارهای به‌جای مانده از شهدا را بدانند و هم به خاطر فشرده‌گی کارها و کمبود نیروها از انجام کارهای دیگر ایا نداشته باشند.

فاطمه یکی از این افراد است، او کوچک‌ترین دختر مجموعه ۱۳، ۱۲ نفره از بانوان موزه است، بانوانی که هم عنوان خادم را دارند و هم راوی، فاطمه را اولین بار قبل از سال‌تحويل دیدم، روی‌روی یک ویتترین استاده بود و می‌خواست قلاب عکس شهیدی را گردگیری کند. آرام قلاب را برداشت، نگاه خریدارانه به آن کرد، گردش را گرفت باز هم نگاهش کرد و با احتیاط انگار که نباید حتی یک میلی‌متر جابه‌جا شود در جای قبل گذاشت و رفت سراغ قرآن جیبی کوچک کنار قلاب...

«به من می‌گویند خادم الشهداء و افتخار می‌کنم» این را فاطمه سلیمانی می‌گوید، دختری که از هشت‌سالگی به‌واسطه یکی از دوستان پدرش با موزه آشنا شد و از فعالیت در غرفه نقاشی شروع کرد. او آن موقع نقاشی از شهدای تیر خورده و خون شهدا را می‌کشید و امروز شده خادم الشهداء.

خودش تعریف می‌کند: «اول آمدم در غرفه نقاشی، نقاشی کردم، بعدها که بزرگ‌تر شدم گفتند بیا و ایام نوروز کم‌کم کن. حالا به‌عنوان مترجم و راهنما هستم، در مورد حجاب پیچ می‌کنم و خلاصه هر کاری که از من بربایید انجام می‌دهم».

وی می‌گوید: حضور متمرکزش در موزه طی ایام عید است، در سایر ایام تنها اگر کاری برای انجام دادن باشد به موزه می‌آید. از هشت صبح می‌آید و با اذان مغرب به خانه برمی‌گردد، باین‌حال می‌گوید برای آمدن نوروز لحظه‌شماری می‌کند: «حتی آگه بهم نگویم باز هم میام، خسته نمی‌شم».

فاطمه از حضور راهیان نور هم می‌گوید، تعریف می‌کند که چطور کنج‌کاوی کودکان او را به وجد می‌آورد و می‌گوید: دوست دارم به بچه‌ها کمک کنم، دوست دارم بچه‌ها یاد بگیرند، البته بعضی از بچه با اطلاعات خوبی می‌آیند، پسر بچه‌ای دیدم که چیزهایی راجع به شهید جهان‌آرا به من گفت که هم تعجب کردم و هم خیلی خوشحال شدم.

برای خانواده‌ام تنگ‌شده بود و به حدی رسیده بودم که پشیمان شدم و دوست داشتم برگردم» او به پشیمانی‌اش از سفر این‌طور اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: بین دونه‌ماز راوی صحبت کرد. تعریف می‌کرد که چطور شهدا آمدند از خانواده‌هایشان گذشتند و من با خودم فکر کردم من می‌دانم قرار است سالم پیش خانواده‌ام برگردم اما آن‌ها نمی‌دانستند زنده بر می‌گردن یا نه. همان‌جا بود که دلم قوت گرفت و ماندگار شدم.

دختر خادم که حالا حجاب کاملی دارد، ادعا می‌کند این تحول لحظه‌ای، عاملی شد برای اینکه چادری را که در ابتدای سفر و در قم به‌اجبار سر کرده بود به‌عنوان پوشش همیشگی‌اش انتخاب کند.

وقتی از عمیق‌ترین لحظات تأثیرش از فضا می‌پرسم، تعریف می‌کند: «هویزه با خیلی جاهای دیگر برایم فرق داشت، وقتی در آن فضا قرار گرفتم راوی داشت در مورد شرایط آن محل و حیوانات خطرناکش که زندگی کردن را در آن زمان دشوار کرده بود، چه برسد به جنگیدن را حرف می‌زد. حس عجیبی را برای اولین بار تجربه کردم و تصمیم گرفتم در مورد شهدا بیشتر بدانم و مثل شهدا زندگی کنم».

● از زائری تا خادمی

او در هویزه حسی را تجربه کرده بود که نتوانست توصیفش کند اما به‌قدری شدت داشت که علاوه بر سفر شش‌روزه‌شان تا پس از بازگشتش به خانه هم همراهش بود و باعث شد از آن پس تا آنجا که می‌توانست در هر مراسمی که در شهرشان به یاد شهدا برگزار می‌شد شرکت کند.

این خادم به نحوه خادم شدنش هم اشاره می‌کند، می‌گوید: در شهر خودمان مراسمی خادم می‌خواست، همان مسئول بسیج دانشگاه‌مان اسمم را به‌عنوان خادم نوشت و این شد اولین تجربه خادمیم و بعد از آن هر جا خادم می‌خواستند، می‌رفتم.

ادامه می‌دهد: از وقتی به شهرمان برگشتم انتظار اسفند را می‌کشیدم که موقع راهیان نور شود و به این سرزمین‌ها برگردم. در طول مدت هم به خودم می‌گفتم خادمی بهتر از زائری است. هر جا هم که ثبت‌نام می‌کردند، اسمم را می‌نوشتیم.

مکت می‌کند، سرش را پایین می‌اندازد: «خودشان

آن‌طور که خودش می‌گوید، التماس‌های دعای بسیاری از مردم را شنیده است که حس می‌کند لایق این همه احترام نیست. می‌گوید برای زائران عاقبت‌به‌خیری آرزو می‌کند و برای خودش از شهدا، چشیدن طعم شهادت.

● دعوتی برای تحول

اما تعبیر متداول و به‌یادماندنی کاروانیان راهیان نور از خادمان، آنانی هستند که در یادمان‌ها یا در خوابگاه‌ها حضور دارند، افرادی که خودشان هم در این شهر غریبانند اما تمام تلاششان را می‌کنند که مسافران سرزمین‌های نور این احساس را تجربه نکنند.

یکی از این افراد دختری است که در یکی از پادگان‌های خرمشهر با او رویه‌رو شدم، اولین بار وقتی دیدمش که از مسئول پادگان یک قرص مسکن برای سردردش می‌خواست. ندیدم که قرص را خورد یا نه اما خیلی زود دوباره در محوطه حسینیه دیدمش، صدای نوحه و ذکر شهدا از بلندگو پخش می‌شد که به آن فضای بازسازی‌شده جبهه‌های جنگ روحی تازه می‌بخشید.

به سمت یکی از خادمان آنجا رفتم، همان دختر را نشانم داد که حالا روی صندلی نشسته بود. گفت داستان جالبی دارد. به سمتش رفتم، گرم و خیلی آرام و شمرده حرف می‌زد. حاضر به گفت‌وگو شد به دو شرط که هم نامی از او ذکر نشود و هم حتی گفته نشود در کدام پادگان خادمی می‌کند. من هم پذیرفتم.

و او این‌طور آغاز کرد: نه اهل نماز بودم و نه حجاب. تا دو سال پیش که برای اولین بار با کاروان راهیان نور آمدم حتی یک سفر بدون خانواده هم نرفته بود.

این بانوی خادم که حالا ۲۵ ساله است داستان نخستین سفر بدون خانواده به مقصد سرزمین‌های نور را تعریف می‌کند: با مسئول بسیج دانشگاه‌مان در یک درس عمومی هم‌کلاس بودم بعد از دو سال که ندیده بودم اتفاقاً یکی دو هفته ماند تا پایان مهلت ثبت‌نام راهیان نور در دانشگاه دیدمش از من خواست که با آن‌ها هم‌سفر شوم. ادامه می‌دهد: من گفتم تا حالا سفر بدون خانواده نرفتم. خیلی اصرار کرد تا اینکه یک روز مانده به اعزام راضی شدم. شش اتوبوس بودیم، اول رفتیم قم، بعد دو کوهه، طلائییه و...

«دو کوهه موقع نماز رسیدیم، خیلی دلم گرفته بود. دلم

وی شمار خادمان راهیان نور در طول سال گذشته که شامل خادمین عمومی، دانش‌آموزی، تمامی مناطق که به‌علاوه خادمین استان‌ها می‌شود را ۱۵ هزار نفر اعلام می‌کند و می‌افزاید: امسال ۴۱ هزار نفر با مراجعه به سایت کوله‌بار برای خادمی عمومی ثبت‌نام کردند که هر ساله ۶ تا ۷ هزار نفر خادم جدید به فهرست اضافه می‌شود.

حاجی رحیمی در ادامه بیان می‌کند: با توجه به محدودیت مکانی و برای اینکه همه این قشر پوشش داده شوند، امسال شرط گذاشته شد که اولویت با خادمان سال اولی باشد اما خادمی چندین ساله و خادم‌های استانی که در یادمان‌های استان‌ها حضور دارند نیز در گروه خادمان قرار دارند.

● اعزام ۵ هزار خادم به مناطق جنوب

مسئول شبکه مرکزی خادمین ستاد مرکزی راهیان نور کشور شمار خادمان اعزام‌شده به مناطق جنوب را حدود پنج هزار نفر اعلام می‌کند و می‌گوید: سه هزار و ۵۰۰ خادم عمومی و حدود یک هزار و ۲۰۰ نفر دانش‌آموز به‌کارگیری شدند که در مجموع حدود پنج هزار نفر بودند که این آمار بدون احتساب خادمان در طول سال، در مناطق شمالی و غربی و همچنین خادمین استان هاست.

وی به تفاوت‌های خادمین دانش‌آموز و خادمی عمومی هم اشاره و بیان می‌کند: خادمین دانش‌آموز در سایت ثبت‌نام نمی‌کنند بلکه از طریق بسیج دانش‌آموزی استان‌ها، دانش‌آموزان علاقه‌مند و ممتاز به کمیته خادمین معرفی می‌شود.

حاجی رحیمی بایان اینکه خادمی دانش‌آموزی و عمومی در مدت زمان و مکان هم تفاوت‌هایی دارد، توضیح می‌دهد: خادمان عمومی در کارگاه‌های خادمی ۱۰ روزه شرکت می‌کنند و دانش‌آموزان نیز طی دوره سه‌روزه و تنها در دو یادمان فتح المبین و طایبیه اعزام می‌شوند.

وی می‌افزاید: دانش‌آموزان خادم امسال به‌تدریج تا ۱۰ اسفند به یادمان فتح المبین اعزام شدند و از ۳۰ بهمن تا ۹ فروردین نیز اعزام به یادمان طایبیه ادامه داشت.

امسال بسیاری برای نخستین بار طعم خادمی را چشیدند، سخت تلاش کردند، خسته هم شدند اما بازهم آرزوی برگشت داشتند، این افراد همه با هم اتفاق نظر دارند که به خواست شهدا اینجا باشند. همه این خادمین با همه تفاوت‌هایشان تقریباً یک‌شکل شده‌اند، حتی یک خواسته مشترک از شهیدان دارند و آن دست یافتن به شهادت است.



● خادمی راهیان نور بستری برای اتصال به شهدا

هر ساله هزاران نفر بالای ۱۶ سال با ثبت‌نام در پایگاه اینترنتی «کوله‌بار» برای حضور در یادمان‌های دفاع مقدس به‌عنوان خادم اعلام آمادگی می‌کنند. خادمانی که روزی زائر بودند و در حال و هوای شهدا آرزوی خادم بودن کردند. اما دانش‌آموزانی هم هستند که امسال با عنوان خادم پا به یادمان‌های دفاع مقدس گذاشتند. دانش‌آموزانی که ممتاز بودن نخستین مشخصه آن‌هاست.

مسئول شبکه مرکزی خادمین ستاد مرکزی راهیان نور کشور اعزام خادمان را یک حرکت فرهنگی می‌خواند و اظهار می‌کند: خادمی راهیان نور این تعریف رایج به معنای خدمات‌دهی و کار کردن نیست، بلکه با قرار گرفتن در این جایگاه اهداف تربیتی دنبال می‌شود.

محمد حاجی رحیمی تکریم زائران و استفاده از ظرفیت خادمان با توجه به حجم بالای کارها در زمان پیک راهیان نور را از اهداف ثانویه می‌داند و می‌گوید: مهم‌ترین دغدغه در امور خادمین این است که با این جایگاه بتوان بستری فراهم کرد تا خادمان به‌ویژه دانش‌آموزان را به زندگی شهدا متصل کرد و به‌نوعی آموزش سبک زندگی شهداست.

طیلبند»

صدای بوق اتوبوس‌ها بلند می‌شود، از حس و حال و خستگی‌هایش می‌پرسم، در پاسخ می‌بیا: می‌کنند: جسم برای خادمی زائران قابل وصف نیست. اصلاً خسته نمی‌شوم.

می‌گوید کار در آنجا شیفی است، او یک روز مسئولیت اسکان دارد، یک روز محوطه، روزی کیف و کفش، می‌پرسم در خانه هم این‌قدر فعال است، می‌گوید: اصلاً در خانه کار نمی‌کردم. زود خسته می‌شدم اگر یک ساعت در خانه کار می‌کردم یک هفته باید استراحت می‌کردم اما اینجا خستگی معنی ندارد. فکر نمی‌کردم روزی سرویس‌های بهداشتی را بشویم. حتی خانه خودمان که تمیز است چه برسد به سرویس‌های عمومی.

می‌پرسم پشیمانی، محکم پاسخ می‌دهد: اصلاً! اگر خادم بخواهند باز هم می‌آیی؟ با همان لحن «صد در صد» و ادامه می‌دهد: اگر دوباره بیایم دوست دارم یک دوره‌ای نباشد سعی می‌کنم یک‌ماهه بیایم.

دوستش از او سوآلی می‌پرسد، به صفحه لپ‌تاپ دوستش که حشرات زیادی با آن برخورد می‌کنند نگاه می‌کند. چشمش به من می‌افتد سرش را پایین می‌اندازد. می‌پرسم سوغات تو از سرزمین نور به شهرتان چیست؟ پاسخ می‌دهد: «خاک، خاکی که قاتی پوست و گوشت و خون شهداست».

این خادم جوان سال گذشته و در اولین سفرش به سرزمین‌های نور از شلمچه، خاک با خودش به خانه برده بود و امسال تصمیم داشت از هر منطقه‌ای که قسمت حضور در آن را پیدا کند مقداری خاک بردارد. می‌گوید: برای اینکه اگر نشد که باز هم بیایم پشیمانی‌اش برآیم نماند.

وی اعتقاد دارد خاک در آرامشش تأثیر دارد و چون چنین حسی به آن دارد خاک را نگه می‌دارد. توضیح می‌دهد: خاک من را دل‌تنگ اینجا می‌کند. دلم می‌خواهد که اینجا باشم و آرزو می‌کنم ای کاش سالی یک‌بار نبود تمام سال اینجا بودم.

می‌پرسم آیا حرفی با جوانانی که تاکنون به یادمان‌های دفاع مقدس نیاورده‌اند دارد، با همان لحن آرامش می‌گوید: ما همه مدیون شهدا هستیم. پیشنهاد می‌کنم که حتماً بیایند و ببینند که چه زحمتهایی کشیده شده است که ما اینجا باشیم.

این بانوی خادم هم در پاسخ به این سؤال که از شهدا چه می‌خواهد: با لحنی محکم و قاطع می‌گوید: شهادت!



قهر مردم بایارمهربان / فضای مجازی در سبد مطالعه ایرانی ها

آیتک اسماعیل زاده
در عصر حاضر که جهان به دهکده ارتباطی تبدیل شده و با افزایش سالانه کاربران فضای مجازی، به تدریج برخی سبک های زندگی دچار تغییرات گسترده و بنیادین شده که نباید از اثرات سوء آن غافل بود.

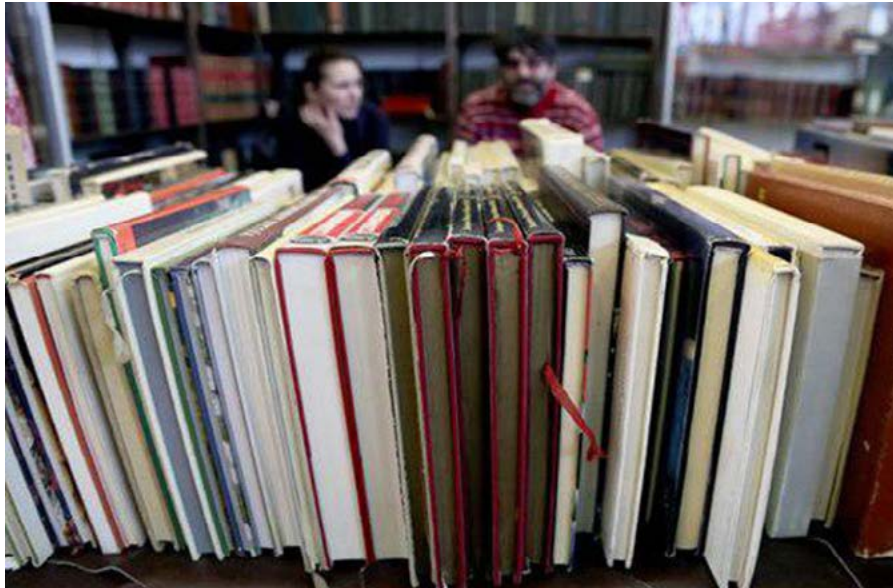
در جامعه امروزی دوستی با یار مهربان کم رنگ تر شده است و فرهنگ کتابخوانی جای خود را به فضای مجازی سپرده است و با وجود اینکه یکی از شاخصه های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری در عصر حاضر میزان مطالعه و کتابخوانی مردم آن مرز و بوم است کمتر کسی است که وقت خود را جهت نوازش کتاب صرف کند و با مشکلات جامعه آگاهانه برخورد کند.

● فرهنگ کتابخوانی از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم ۳۲۲ بار کتابت در ۳۷ صیغه مختلف به کار رفته است برای مثال ۲۶۳ بار لفظ کتاب، کتب و مکتوبات در قرآن آمده است سوره حمد را فاتحه الکتاب می خوانند و در ابتدای دومین سوره قرآن نیز لفظ کتاب به کار رفته و باز در جایی از این کتاب عظیم، خداوند متعال وصف کتابت را به خود منصوب کرده است (و کتبنا فی الارج) علاوه بر این احادیث متعددی وجود دارد که مبین اهمیت کتاب و کتابخوانی در سیره معصومین است، تا آنجایی که معصومین (ع) کتابخوانی و مطالعه را در حد فریضه برای امت می دانند.

● وقتی فضای مجازی جانشین کتاب و کتابخوانی می شود

یکی از راه های مهم توسعه فرهنگی توجه به مسئله کتاب و کتابخوانی و ترویج مطالعه جامعه در میان قشر جوان است اما در جامعه امروزی کتاب در سبد خانواده های ایرانی گم شده و فضای مجازی زندگی بشر را پیش می برد. فرهنگ کتابخوانی بایستی به صورت یک فرهنگ جامع و فراگیر از کودکی افراد با آن همراه شود به طوریکه اگر



لذتی که در دست گرفتن کتاب و خواندن آن است، نمی توان با سرگرمی در فضای مجازی به دست بیاید متأسفانه در این میان افرادی هستند که فضای مجازی را جایگزین دانش خود می کنند.

وی در خصوص عدم رغبت مردم استان به کتاب خوانی می گوید: استفاده بیش از حد مردم از فضای مجازی و به ویژه استفاده نادرست از این رسانه ها باعث بروز ناهنجاری در جامعه شده و همین رسانه ها بین مردم و کتاب فاصله انداخته است.

● قیمت بالا و بی محتوا بودن کتاب ها در کنار گسترش استفاده از فضای مجازی از عوامل مهم بی رغبتی عمومی به کتابخوانی است

بانوی نویسنده آذربایجان شرقی ادامه می دهد: تمامی مردم جامعه ایفاگر نقش ترویج فرهنگ کتابخوانی هستند در کنار این باید افراد متخصص در این حوزه دست به دست داده و امکاناتی را برای فعالیت در حوزه فرهنگی فراهم کنند فرخزاد با اشاره به قیمت بالای کتاب می افزاید: قیمت بالای کتاب و پایین بودن و بی مفهوم بودن سطح کتاب ها باعث شده تا مردم از امر کتابخوانی دلسرد شوند بنابراین چاره اندیشی برای وضعیت نرخ کتاب ها و حمایت از کتابفروشی ها گامی موفق جهت ترویج فرهنگ و هنر استان است.

وی عمده عوامل پایین بودن آمار کتابخوانی در کشور ما نسبت به سایر کشور ها را اعتیاد به فضای مجازی

فرهنگ کتابخوانی در جامعه نهادینه شود، یک نسل رشد یافته در آینده خواهیم داشت بنابراین بایستی پایه عادت خواندن در خانه شکل گیرد اما امروزه شاهد هستیم که کودکان قبل از خواندن و نوشتن استفاده از فضای مجازی را یاد می گیرند و از چنین کودکانی نمی توان انتظار داشت که مرور مطالب همراه با عکس را در فضای مجازی را بر کتابخوانی ترجیح دهند از این رو از سوی والدین بایستی اقدامات صحیحی را در این خصوص صورت گیرد.

اعظم فرخزاد بانوی رمان آذربایجان در خصوص نقش کتاب در زندگی مردم می گوید: کتاب عامل بسیاری از موفقیت ها و پیشرفت های در زندگی فردی و اجتماعی است و مطالعه کتاب ساختار شخصیت انسانی است تا در برابر تمامی مسایل زندگی با منطق و آگاهی برخورد کنند.

وی ادامه می دهد: کتاب غذای روح انسان است روحی که احتیاج به تغذیه صحیح دارد تا رشد کند و به مرتبه علم و کمالات برسد متأسفانه برخی ها از این تغذیه سالم غفلت می کنند و به روش های ناصحیح که آسیب ها و ناهنجاری را در جامعه در پی دارند، روی می آورند.

بانوی رمان آذربایجان با بیان اینکه وقت آن رسیده است که از این غفلت ها خارج شده و به سوی توسعه و پیشرفت جامعه گام هایی را برداریم، می افزاید: دست یابی به توسعه فرهنگی با پذیرش صلح و آشتی با کتاب محقق می شود. فرخزاد ادامه می دهد برخی از مردم یک لحظه شادی و تفریح را فدای یک عمر پشیمانی می کنند، ادامه می دهد:



برای رفع این مشکل باید خدمات کتابخانه در کنار همدیگر فعالیت های فرهنگی انجام گیرد که نقش خیرین در این امر قابل توجه است.

وی با اشاره به راهکار های حل مشکلات حوزه کتاب و کتابخوانی می افزاید: ایجاد تسهیلات لازم برای چاپ، افزایش پخش کتاب و کتاب فروشی ها، گسترش فضای مطالعه در مساجد، مکتب، پارک ها و بوستان در رشد مطالعه متمرکز است.

مدیر کل نهاد کتابخانه عمومی آذربایجان شرقی با اشاره به راهکار های رسانه ای در خصوص تقویت جایگاه کتاب در استان خاطرنشان می کند: رسانه ها ایفای نقش های اطلاع رسانی، تحلیلی، تبیینی خود در حوزه مربوط به کتاب می تواند گامی موثر برای ارتقاء جایگاه کتاب در استان برداریم.

● فعالیت ۱۴۰ کتابخانه در آذربایجان شرقی

وی با بیان اینکه کتابخانه های استان نقش موثری در ارتقای کمیت و کیفیت شاخص های توسعه انسانی، فرهنگی و اجتماعی دارند، ادامه می دهد: کتابخانه های عمومی استان برنامه های متعددی را برای مطالعه کودکان انجام می دهند تا در بزرگسالی افراد کتابخوان را به جامعه تحویل دهیم و بر همین اساس شاهد فعالیت ۱۴۰ کتابخانه در آذربایجان شرقی هستیم که از این تعداد ۱۰۹ کتابخانه نهادی، ۲۰ کتابخانه مشارکتی و ۲ کتابخانه مستقل در سطح استان در حال فعالیت هستند.

مدیر کل نهاد کتابخانه های عمومی آذربایجان شرقی با بیان اینکه آذربایجان شرقی در حوزه کتاب و کتاب خوانی جزو ۶ استان برتر کشور هست، خاطرنشان می کند: از لحاظ کمیت و کیفیت خدمات رسانی در حوزه کتاب در استان اقتضائاتی را داریم امیدواریم با هم اندیشی و همکاری سراسر کتابخانه های استان فعالیت های فرهنگی را در استان گسترش یابد.

وی کتابخانه را محلی برای تلقی اندیشه ها عنوان و بیان می کند: نویسنده از رویکرد های فردی و جمعی پیرامون خود در یک جامعه انسانی اندیشه های خود را در قالب کتاب تجلی می کند و کتاب خانه محلی هر استان محلی برای عرضه اندیشه ها و اثر ها است.

● رشد ۱۲ درصدی عضویت و امانت داری کتاب در استان نسبت به سال های گذشته

خدایی با اشاره به تغییر وضعیت سرانه مطالعه در استان تصریح می کند: با وجود اینکه در سال های دهه اخیر روند منفی در سرانه کتاب خوانی و مطالعه در سطح استان و کشور مشاهده شده خوشبختانه در دوسال اخیر وضعیت تغییر کرده و امیدواری به این حوزه برگشته است

وی در سخنان خود خاطر نشان می کند:

در میان کتابخانه های تحت پوشش نهاد کتابخانه های عمومی کشور بزرگترین کتابخانه نهادی در استان، کتابخانه مرکزی با ۱۱ هزار متر مربع است که گسترش فضا و منابع کتابخانه در دستور کار سال ۹۶ قرار داده ایم.

بدون شک میزان مطالعه کتاب در هر کشور از جمله شاخص های توسعه انسانی، فرهنگی و اجتماعی محسوب می شود در این میان وظیفه ما این است که برنامه های خاصی را جهت ارتقای کمیت و کیفیت این شاخص ها، و علاقه مند کردن کودکان برای مطالعه برنامه های متعددی را انجام دهیم تا افراد کتابخوانی را برای جامعه تحویل دهیم.



دهد: با ورود به فضای مجازی دیگر مطالعه دیجیتال و الکترونیکی زمان زیادی را از من می گیرد به طوریکه زمانی که صفحه ای را برای مطالعه کتابی در فضای مجازی جستجو می کنم به دلیل تعداد صفحات بالا در این فضا موجب می شود که وقت کافی برای مطالعه کردن کتاب وجود نداشته باشد و امکان دسترسی نامحدود به اطلاعات با جذایب های متنوع افراد را وسوسه می کند تا نگاهی گذرا به آن ها بیندازد. این در حالی است که پژوهشگران معتقدند که شش دقیقه مطالعه ۶۸ دقیقه استرس را کاهش می دهند اما به نظر می رسد این امر بیشتر از طریق مطالعه کتاب ها حاصل می شود تا مطالعه در فضای مجازی، چراکه فضای مجازی به خاطر مطالب نامحدود موهون استرس است.

● کتابخوانی فضیلتی که باید در جامعه ترویج شود

مدیر کل نهاد کتابخانه عمومی آذربایجان شرقی در همین رابطه می گوید: امر کتابخوانی یک فضیلت است و باید تلاش می کنیم که این فضیلت را در سطح استان گسترش و ترویج دهیم.

خدایی نبود کتابخانه در تمامی مناطق شهری و روستایی، نبود کتاب مناسب، افزایش قیمت سرانه کتاب و استفاده نکردن از زمان و اوقات فراغت را از جمله عوامل پایین بودن سرانه مطالعه در استان عنوان کرده و ادامه می دهد:

عنوان و اظهار می کند: استفاده از اینترنت و فضای مجازی در کشور ما یک تفریح مسلم شده این رسانه ها قبل از اینکه کارایی علمی و سالم را در کشور ما نشان دهد جلوه گر ناسالمی ها بوده که پایین بودن آمار کتابخوانی در مقایسه با سایر کشور ها از جمله این عوامل است.

بانوی رمان آذربایجان با بیان اینکه فاصله مردم از کتاب و کتاب خوانی منجر به فقر فرهنگی شده است، عنوان می کند: زمانی که نمی دانیم در برابر چنین تکنولوژی های غربی چه کنیم جای تاسف است، با نوازش کلمات کتاب می توانیم به دانش خود بیافزاییم و در برابر چنین مشکلات آگاهانه برخورد کنیم.

فرخزاد در بخشی از سخنان خود می گوید: کتاب در فرهنگ استان نقش موثری را ایفا می کند بنابراین بایستی کتاب و کتابخوانی را جزئی از برنامه های اصلی قرار دهیم و همانند کشور های پیشرفته ساعاتی را برای مطالعه اختصاص دهیم تا شاهد توسعه فرهنگی در استان باشیم.

● آمار کتابخوانی در ایران و جهان

آمار و ارقامی که هر سال از سوی مسئولین از میزان مطالعه کشور ها ارائه می شود این آمار پایین بودن سرانه مطالعه در ایران را نشان می دهد طبق آمار جهانی آمریکایی ها ۲۰ دقیقه، انگلیسی ها ۵۵ دقیقه، ژاپنی ها ۹۰ دقیقه از وقت خود را در شبانه روز صرف مطالعه کتاب می کنند به طوریکه ژاپن جایگاه نخست را در کتابخوانی به خود اختصاص می دهد برای مثال یک ژاپنی

در سال حدود ۴۷ کتاب می خواند.

در حال حاضر کاربران فضای مجازی از فضای مجازی به مرور مطالب و کتاب را در صفحات وب اختصاص می دهد اما به راستی این مرور مطالب در فضای مجازی می تواند جای فرهنگ کتاب و کتابخوانی را در جامعه بگیرد؟ برای پاسخ به این سؤال بررسی های خود را از سطح شهر تبریز و با گپ و گفت با کاربران فضای مجازی آغاز کردم و در یکی از کتابخانه های تبریز پای صحبت جوانی می نشینم که هرچند در یک دست گوشی دارد اما مشغول کتابخوانی است.

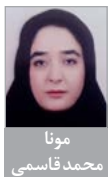
هنگامی که از وی می پرسم به نظرت کدام جذابیت بیشتری دارد، پاسخ می



رمز موفقیت خبرنگار جلب اعتماد جامعه است / ساواک من را از کار منع کرد



روزنامه نگار پیشکسوت گرگانی رمز موفقیت خبرنگاران را در جلب اعتماد جامعه می داند و معتقد است خبرنگار نام خود را از نام «خیبر» که متعلق به خداوند است گرفته است.



مونا محمد قاسمی

خط رد پای تجربه در چین و چروکهای صورتش پیدا بود، سالهای دور با دستان خالی و پای پیاده راهی را طی کرده که امروز من با پیشرفتهترین تکنولوژیها آن را طی می کنم. متولد سال ۱۳۲۹ است.

«جمشید کازرانی»، نخستین خبرنگار و روزنامه نگار گلستانی که روزی روزگاری در حوزه فرهنگ و هنر با هنرمندان و شخصیتهای برجسته زمان خودش گفتگو می کرده، اما این بار با کوله بار خاطرات دوران خبرنگاریاش در دفتر خبرگزاری مهر حاضر شد تا پاسخگوی سؤالات خبرنگاری شود که مدت زمان اندکی است با قلم شکستهاش در حوزه فرهنگ و هنر قلم می زند. کازرانی علاوه بر روزنامه نگاری در حرفه تئاتر و نمایش هم به فعالیت پرداخته و سابقه اجرای بیش از ۶۰ نمایش را در کارنامه خود دارد.

در چه سالی پا به حرفه خبرنگاری گذاشتید؟

در دوران تحصیل وایام نوجوانی و جوانی به علت عشق و علاقه ای که به کار مطبوعات داشتم وارد حرفه روزنامه نگاری شدم. به یاد دارم روزی به دفتر نمایندگی موسسه روزنامه اطلاعات گرگان که در آن زمان واقع در پاساژ شیرنگی بود، رفتم. آنجا ضمن معرفی خودم به زنده یاد «سیدالله باقری» نماینده موسسه از وی خواستم به من فرصتی دهد تا به عنوان خبرنگار «مجله دختران و پسران» با آنها همکاری کنم که پیشنهاد من با استقبال سیدالله باقری مواجه شد. بعد از یادگرفتن کلیات کار با غرور جوانی و اشتیاقی که در خود نسبت به حرفه خبرنگاری و روزنامه نگاری سراغ داشتم وارد این عرصه حساس شدم.

در مورد مجله دختران و پسران کمی توضیح دهید.

مجله دختران و پسران مجله ای بود که ویژه نوجوانان و جوان چاپ می شد و بیشترین مخاطبینش را گروه سنی دبیرستان تشکیل می دادند.

در آن سال ها بیشتر در چه حوزه هایی قلم می زدید؟

خبرهای من بیشتر مستند بود. برای مثال معرفی مدارس و دبیرستانهای شهرمان گرگان، مصاحبه با شاگردان ممتاز، معرفی ورزشکاران و هنرمندان رشته های مختلف فرهنگی و هنری و ورزشی، بررسی آمار دانش آموزان قبولی، تجدیدی و مردودی، حوزه فرهنگ و هنر، هنر ورزش و ...

تعریف شما از خبرنگاری؟

«خیبر» نامی از نامهای خداوند است، فخر رازی از آن به آگاه کننده تعبیر و غزالی آن را «عالم به پوشیده ها» تفسیر می کنند. خداوند در قرآن تنها ۴۵ بار با نام خیبر از خود یاد کرده است، خیبر از «علیم» نیز اخص تر است زیرا خیبر یعنی آگاه از حقایق و جزئیات اشیا و انسان ها.

خبرنگار وارث چنین نام بلندی است خبرنگاری حرفه و شغل نیست و فراتر از آن نوعی رسالت و گونهای هدایت و مدیریت خواست ها و نیازهای جامعه است. همان گونه که برترین بندگان خداوند پیام آوران او بوده اند خبرنگاران هم رسالت ویژه ای دارند.

خاطره خاصی از دوران خبرنگاری خود دارید؟

در سال ۱۳۵۰ مسابقه فوتبال بین تیم «کلنی» منتخب گرگان و تیم فوتبال استقلال گرگان (تاج سابق گرگان) با حضور مدیران و مسئولان شهرستان و جمع کثیری از ورزش دوستان و مردم گرگان در استادیوم ورزشی آزادی (ایران شهر سابق) گرگان برگزار می شد. من هم به عنوان یک خبرنگار همراه با عکاس روزنامه اطلاعات گرگان در بین تماشاگران نشستیم. آن روز بازی با نتیجه هشت بر صفر به نفع گروه کلنی گرگان تمام شد. صبح روز بعد به دفتر روزنامه اطلاعات گرگان رفتم. چند روزی بود مأموریت زنده یاد آقای باقری در دفتر روزنامه اطلاعات گرگان به اتمام رسیده بود و فرد دیگری که از معلمین اداره آموزش و پرورش گرگان بود به این سمت منصوب شده بود. پاکت خبر را به انضمام عکس ها گرفتم و عازم اداره پست شدم. چند روز بعد خبر مسابقه فوتبال بین تیم کلنی گرگان و باشگاه فوتبال تاج گرگان در اولین شماره مجله دختران و پسران با این تیتر (گرگانی ها ۸ بار تاج را سرنگون کردند) به چاپ رسید؛ اما متأسفانه بعد از چاپ این خبر مجبور شدم مدتی حرفه روزنامه نگاری را کنار بگذارم.

چرا؟ لطفاً بیشتر توضیح دهید.

روز بعد از انتشار مجله سرپرست جدید با من تماس گرفت و با عصبانیت مرا به دفتر روزنامه فراخواند. هنوز کامل وارد دفتر روزنامه نشده بودم که سرپرست، مجله را به سمت پرت کرد و با لحن تندی پرسید این کارت چه معنی می دهد؟ من هنوز کامل متوجه موضوع نبودم که سرپرست کارت خبرنگاری را از من گرفت و با گفتن این جمله که جواب ساواک را باید خودت بدهی از من خواست پایش را به این ماجرا باز نکنم. بعد از دفتر روزنامه به محلی واقع در کوی ویلا که ساواک منتظر بود رفتم و من را با چشمانی بسته به مکانی بردند و بعد از شکنجه به دلیل استفاده از کلمه سرنگونی تاج من را به مدت هشت ماه از کار خبری محروم کردند. این وقفه بیش از هشت ماه طول کشید و منجر به فاصله من از حرفه روزنامه نگاری شد.

به نظر شما مهم ترین رسالت یک خبرنگار در جامعه چیست؟

رسالت شما خبرنگاران کسب اعتماد جامعه است پس کاری را

انجام دهید که در وهله نخست اعتماد مردم را به دست بیاورید.

در بین مصاحبه هایی که انجام داده اید، کدام یک برایتان خاطره انگیز بوده است؟

مصاحبه بازنده یاد «پرویز کیانی» قهرمان گرگانی شنای کشور که در محل استخر پیشاهنگی گرگان انجام شد. حین مصاحبه پرویز کیانی به درون استخر رفت و درحالی که روی آب دراز کشیده بود سماور نفتی روشن روی سینهاش قرار دادند که بعد از جوش آمدن آب در همان حال چایی دم کرد و مرا دعوت به خوردن چای کرد. این مصاحبه ای لذت بخش بود که هیچ گاه از ذهنم پاک نشد. در همان مصاحبه پرویز کیانی به من گفت تصمیم دارد برای شنا به منطقه مثلث برمودا برود و بعد از بازگشت نخستین خبرنگاری که با وی مصاحبه می کند من باشم. اما متأسفانه قبل از این سفر طی حادثه ای جان باخت. البته من با اساتید و بزرگان سینما، تئاتر، هنرمندان تلویزیون ایران، از جمله «جمشید مشایخی»، زنده یاد «داود رشیدی»، «عزت الله انتظامی»، «علی نصیریان»، «فرامرز قریبیان»، «رضا فاضلی»، زنده یاد «جعفر والی» و ... هم مصاحبه داشته ام که در نوع خودش خاطره انگیز بوده است.

چند سال در حرفه خبرنگاری فعالیت کردید؟

۱۵ سال کار خبرنگاری را در روزنامه های اطلاعات، کیهان و مجله دختران و پسران و مجله جوانان گذراندم و بعد از آن در سال ۵۶ به استخدام تالار فخرالدین اسعد گرگانی درآمدم، در تالار ۳۰ سال در سمت روابط عمومی بودم و در این ایام که به هنرمندان نزدیک بودم وارد حرفه هنرپیشگی و تئاتر شدم.

امکانات خبرنگاری از گذشته تا به امروز چه تغییراتی داشته است؟

در آن زمان خبری از «رکورد» و فضای مجازی و اینترنت نبود و ما خبرهای خود را از طریق پست برای دفتر روزنامه ارسال می کردیم و چند روزی طول می کشید تا خبر به روزنامه برسد و منتشر شود درواقع خبرها سوخته بود. به یاد دارم برای تهیه گزارش های کورس سوار کاری به دلیل نداشتن وسیله نقلیه مناسب مسافت های طولانی را با موتورگازی طی می کردم تنها

خروج از نگاه دلال مأبانه به بازیگری / هنر گیلان متولی خوب ندارد



کوچ کرده اند. این سیر نزولی از روزهای درخشش تأثیر استان تا به امروز را چگونه می توان توصیف کرد؟

علی نژاد: خیلی نمی خواهم به عقب برگردم و ترجیح می دهم همین بازه ۱۵-۲۰ ساله اخیر را بررسی کنم یعنی از همان سال های ۷۲ تا ۷۸ که گروه فیلم سریال شبکه استانی گیلان موسوم به باران راه اندازی شد.

در آن سال ها نیروهای بازیگری مستعدی در تأثیر گیلان فعالیت می کردند که ماحصل انسجام آنها، تشکیل گروه فیلم و سریال شد و در همان سال ها تولیدات بسیار خوبی که عموماً از محبوبیت بسیار زیادی در بین مخاطبان استانی برخوردار بودند را به منصه ظهور رساند. این افراد هرچند صنف مشخصی برای بازیگری تأثیر نداشتند اما قوانین نانوشته ای در میانشان حاکم بود که امروز نبود این قوانین، هر کدام از همان افراد را به سرنوشتی ناخوشایند مبتلا کرده است.

به بیان بهتر نبود صنف بازیگری ویا همان به قول خودتان قوانین نانوشته سبب شده تا امروز از روزهای اوج فاصله بگیریم؟

علی نژاد: ببینید فاصله گرفتن از روزهای اوج معلول یک علت نیست و مجموعه ای از عوامل در این اتفاق دخیل هستند اما شاید بتوان دو عامل مهم را در این اتفاق بیشتر مورد توجه قرار داد. اولی نبود صنفی مشخص و یا قوانین نانوشته بین فردی و دومی به بیراهه کشیده شدن بحث آموزش در این رشته.

اخلاقی: شاید بحث آموزش خیلی جدی تر از گزینه اول هم باشد چرا که امروز خیلی از بازیگرانی که پا به عرصه می گذارند، با فضای آموزشی شاگرد و استادی قدیم بیگانه هستند.

یعنی آموزشگاه ها نتوانسته اند این حس

آموزش در عرصه هنر به ویژه هنر بازیگری هرچند جزو لاینفکی از این عرصه است اما این روزها دستخوش تغییراتی شده که به تبع آن معادلات بزرگتری را در زمینه های کلان تحت تأثیر خود قرار داده است.



مریم قاضی زاده

خروج آموزش رشته های هنری از حالت آکادمیک به آموزشگاهی، هرچند شرایط تحصیل در رشته های هنری را به ویژه در هنرهای نمایشی تسهیل کرد و از این میان بازیگران خوب و مستعدی نیز به دنیای نمایش معرفی شد که امروزه از بازیگران به نام کشور هستند اما، توسعه آموزشگاه های هنری به ویژه آموزشگاه های بازیگری در سطح کشور و در استان گیلان، تبعاتی را به دنبال داشته که از مهمترین آن می توان به نادیده گرفته شدن نسل مستعدی از بازیگران استانی و کوچ آنها به مرکز اشاره کرد.

در این راستا، لزوم آموزش در دنیای بازیگری، نقش آموزش در پیشرفت فضای حرفه ای در استان و به تبع آن رشد مولفه های فرهنگی در آثار نمایشی صحنه ای و تلویزیونی گیلان، دستمایه میزگردی شد که در آن از نظرات «سهیلا اخلاقی» - از بازیگران مطرح تلویزیون گیلان - و «داریوش علی نژاد» - بازیگر تأثیر و تلویزیون گیلان و کارشناس ارشد هنرهای نمایشی - در این باره مطلع شدیم.

هرچند بارها عنوان شده که شهر رشت دروازه ورود تأثیر به کشور بوده و اولین نمایش در ایران به طور رسمی در این شهر به روی صحنه رفته ولی، این روزها اخبار خوبی از صحنه های نمایشی شهر به گوش نمی رسد و خیلی از هنرمندان مستعد استان به خارج از گیلان به ویژه مرکز

به عشق اینکه مطلبی از شهر و دیارم در روزنامه ای کشوری چاپ شود.

در دوران خبرنگاری خود دغدغه خاصی را دنبال می کردید؟

در ابتدای شروع به کارم مصاحبه های هنری و ورزشی و گزارش هایی که پیرامون وضعیت تحصیلی مدارس و دانش آموزان شهر و استان بود را پیگیری می کردم اما رفته رفته مشکلات زندگی مردم برایم دارای اهمیت شد و سعی می کردم با گزارش هایم گوشه ای از درد مردم را مرتفع کنم.

به نظر شما علت استقبال کم مردم از روزنامه ها چیست؟ آیا فضای مجازی منجر به بی محلی مردم به روزنامه شده است؟

به غیر از فضای مجازی خبرنگاران هم نقش به سزایی در کاهش استقبال داشته اند. اگر خبرنگار کار خود را به درستی انجام دهد قطعاً بر فروش روزنامه هم تأثیر می گذارد.

فعالیت اجتماعی را برای خبرنگار چقدر ضروری می دانید؟

فعالیت های اجتماعی برای یک خبرنگار یک امر ضروری است، چرا که خبرنگار یک ظرفیت محسوب می شود و می تواند مشکلات و معضلات جامعه را به مسئولانی که با آنها در ارتباط است منتقل کند و مسیر برطرف شدن آن ها را پیگیری کند.

در مورد سابقه فعالیت هنری خود کمی توضیح دهید. از چه سالی وارد حرفه تئاتر و هنر پیشگی شدید و چه تعداد فیلم و نمایش بازی کرده اید؟

سال ۶۱ اولین تئاتر خود بانام «شب ۲۱ ام» را روی صحنه رفتم. در تعدادی فیلم سینمایی بلند و سریال تلویزیونی هم حضور داشته ام، اما بیشتر فعالیت من در زمینه تئاتر بود و بیش از ۶۰ تئاتر به روی صحنه رفته ام.

به نظر شما مشکلات و معضلات فعلی تئاتر ما چیست؟

متأسفانه شرایط طوری شده که نگاه هنرپیشه های ما به هنرپیشه های آن چنانی در تلویزیون و تئاتر دوخته شده و دوست دارند معروف شوند و این یکی از معضلاتی است که در تئاتر دیده می شود، از طرفی کمبود تجهیزات یکی از مشکلات اصلی تئاتر استان است که با بازسازی و تعمیرات سالن های تئاتر و همچنین با حمایت بیشتر مسئولان از تئاتر از طریق برگزاری کلاس های آموزشی تا حدودی می توانیم مشکلات را برطرف کنیم.

به عنوان یک پیشکسوت عرصه روزنامه نگاری و تئاتر استان از مسئولان چه انتظاری دارید؟

انتظار خاصی ندارم جز اینکه به پیشکسوتان ارج نهاده شود و تا زمانی که زنده هستند قدرشان را بدانند.

خاک صحنه خورده ای که نمی تواند با دستمزدهای پایین کار کند، در عرصه نمایش باقی نمی ماند. ببینید همواره پیشکسوتان و نیروهای تازه کار در کنار هم بوده که معنا پیدا کرده اند چرا که مخاطب در عین حال که بازی پخته قدیمی ترها را دوست دارد، از چهره های جدید هم استقبال می کند ولی وقتی چهارچوب ها از هم پاشیده شده و جای یک گروه با دیگری پر می شود، مخاطب ریزش کرده و دیگر جذابیتی باقی نمی ماند تا از طریق آن به انتقال فرهنگ پرداخت.

|| بیایید به یک جمع بندی نهایی برسیم. در حال حاضر این مشکلات به وجود آمده و شاید بتوان گفت تا حد زیادی هم ریشه دوانده اما حل آن دور از ذهن به نظر نمی رسد. راهکاری می توان برای این مهم ارائه داد؟

علی نژاد: نگاه دلال مآبانه به فرهنگ و هنر بزرگترین آفت این عرصه است و تا زمانی که این نگاه حاکم باشد، راه به جایی نخواهیم برد. هرچند که شاید بتوان امیدوار بود به همت خود اهالی فرهنگ و هنر کاری از پیش برد ولی تا زمانی که نگاه اقتصادی بر فرهنگ پررنگ تر از نگاه اجتماعی باشد، اوضاع همین است و نحوه ورود به این حرفه باید به اصل خود باز گردد.

مطمئن هستم اگر قرار بر ادامه این روند باشد، دیگر جایی برای حضور پیشکسوتان در عرصه هنرهای نمایشی استان نخواهد بود.

|| می توان اینطور استنباط کرد که صحبت های شما زیر سوال بردن عملکرد آموزشگاه های بازیگری است؟

علی نژاد: شاید اگر واژه نقد را به کار ببریم بهتر باشد چرا که همین آموزشگاه های بازیگری در سطح استان به ویژه شهر رشت، بازیگران خوبی را هم به عرصه نمایش استان و حتی کشور تحویل داده اند ولی شاید بهتر باشد نقبی به صحبت های اولیه خانم اخلاقی بزنیم که نبود متولی خوب برای هنر استان سبب شده تا ظرفیت خوبی مثل آموزشگاه های بازیگری، به این سمت و سو بروند و خروجی مناسب نداشته باشند. در حال حاضر نبود نظارت کافی بر دستمزد بازیگران، معضلی بزرگتر محسوب می شود که در پیوند با خروجی آموزشگاه ها، به اتفاقی ناخوشایند در تأثیر استان تبدیل شده است.

علی نژاد: نبود نظارت کافی بر دستمزد بازیگران، معضلی بزرگتر محسوب می شود که در پیوند با خروجی آموزشگاه ها، به اتفاقی ناخوشایند در

شاگرد و استادی را به بازیگران نوپا القا کنند؟

اخلاقی: توجه داشته باشید که اساس آموزش در رشته های هنری، شاگرد و استادی است. یعنی هنرجویی وقتی اصول اولیه کار را یاد می گرفت، تازه وارد مرحله ای می شد که از بزرگان هنر نکات فنی تری را یاد می گرفت تا در اصطلاح هنرش پخته و جا افتاده شود و در اثر تکرار و تمرین نیز به نکات مهم تری دست پیدا می کرد ولی امروزه این فضا عوض شده و شرایط به نحوی است که بازیگر در همان اول راه و به محض یاد گرفتن اصول اولیه، خود را هنرمندی تمام تلقی می کند.

علی نژاد: البته به نظر من بخش اعظمی از رسیدن به این حس توسط هنرجویان تازه کار، نشأت گرفته از فضای آموزشی موجود است.

|| با این تفاسیر عملکرد آموزشگاه های بازیگری را نمی توان خیلی راضی کننده دانست. همین طور است؟

اخلاقی: ببینید مشکل هنر در استان ما آموزشگاه های هنری نیستند. مشکل ما نداشتن متولی خوب برای فرهنگ است. متأسفانه در حال حاضر آموزشگاه های هنری به ویژه بازیگری به صورت یک اپیدمی رو به رشد در آمده اند و همه به دنبال شرایط کاری بهتر هستند اما در نهایت خروجی کار رضایت بخش نیست. آموزش ها شتاب زده شده و هنرجوها از گرد راه نرسیده می خواهند ستاره شوند و این تب و تاب، جایی برای بهره گیری از تجربه پیشکسوتان را باقی نمی گذارد. اخلاقی: آموزش ها شتاب زده شده و هنرجوها از گرد راه نرسیده می خواهند ستاره شوند و این تب و تاب، جایی برای بهره گیری از تجربه پیشکسوتان را باقی نمی گذارد.

علی نژاد: شاید بتوان گفت آموزشگاه ها بیشتر از آنکه بر مبنای آموزش صرف جلو رفته و در کنار آموزش های فنی، یک سری آموزش های اخلاقی را نیز به هنرجوها ارائه دهند، تنها به محلی برای گرفتن شهریه و ارائه دهنده یک سری اصول اولیه بازیگری تبدیل شده اند- هرچند که همین آموزش های اولیه هم جای تأمل دارد- که هنرجو را به این باور می رساند که بعد از اتمام دوره های بازیگری در آموزشگاه، می تواند در عرصه نمایش قدم بگذارد.

اخلاقی: البته تجربه هم نشان داده که همینطور است و استفاده بسیاری از تهیه کنندگان و کارگردانان در عرصه هنرهای نمایشی از بازیگران نوپا، موبد این مطلب است. خوب اگر قرار بر استفاده از بازیگران نوپا نباشد که جایی برای عرض اندام استعداد های جوان وجود نخواهد داشت!

علی نژاد: ببینید بحث اصلاً بر سر ورود کردن یا نکردن بازیگران نوپا نیست چرا که همه پیشکسوتان امروز، بازیگران نوپای دیروز بوده اند. بلکه بحث بر سر نحوه ورود کردن به این عرصه است.

اخلاقی: جای هیچ شکی برای ضرورت بحث آموزش وجود ندارد و به طور حتم یک هنرپیشه آموزش دیده ولو به صورت غیر آکادمیک، بسیار بهتر از بازیگر آموزش ندیده است ولی همانطور که آقای علی نژاد هم گفت، نحوه آموزش، فراغت از آموزش و ورود به دنیای بازیگری است که این روزها مسأله ساز شده و به شخصه



اخلاقی: نبود انسجام کافی در اهالی هنر گیلان بزرگترین آسیبی است که طی سال های متمادی دامن فرهنگ و هنر استان را گرفته است. به ظاهر همه چیز تخصصی شده ولی خروجی ها آن چیزی نیست که باید باشد و به جرأت می توان گفت مشکلات فرهنگی چیره شده بر هنر گیلان، بسیار بیشتر از مشکلات اقتصادی و عدم حمایت مسئولان از هنرمندان است.

شاید بهتر باشد برای اینکه تحولی بزرگ در این عرصه به وجود بیاید، هرکسی از خودش شروع کند و در این میان وظیفه بزرگترها بسیار سخت است چرا که اگر بزرگترها تغییر کنند، کل جامعه هنری نیز تغییر خواهد کرد.

تأثیر استان تبدیل شده است بگذارید کمی واضح تر بگویم به عبارتی سیل عظیم هنرجویان فارغ التحصیل از آموزشگاه های بازیگری که به عشق حضور در عرصه های نمایشی- چه سینما و چه تلویزیون- به میدان آمده اند، سبب شده تا هزینه هنرپیشه کم کم از لیست تولید حذف شود. چرا که مثل قبل بازیگر کسی نیست که برای حضورش در یک اثر نمایشی دستمزد دریافت کند بلکه به کسی تبدیل شده که باید برود در آموزشگاه ها پول بدهد، دوره ببیند و از طریق همین آموزشگاه ها و البته با دستمزدهایی بسیار پایین تر از عرف موجود، در یک اثر نمایشی به ایفای نقش بپردازد.

اخلاقی: و اینجاست که دیگر جایی برای پیشکسوت

آغاز دهه سوم سعدی شناسی در ایران / حق بزرگ سعدی بر مردم و کشور



دهه سوم سعدی شناسی در حالی آغاز می‌شود که از این رهگذر می‌توان از یک سو داشته‌ها و کاستی‌های این عرصه را به داوری نشست و از سوی دیگر شعله سعدی پژوهی را پرفروغ‌تر کرد.

اول اردیبهشت‌ماه در آستانه آغاز بیست و یکمین سال بزرگداشت سعدی تدقیق در آرا و اندیشه‌های شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی بیش‌ازپیش نیاز جامعه جهانی است.

اکنون در سال ۱۳۹۶ دو دهه پس از نام‌گذاری اول اردیبهشت‌ماه به نام «یاد روز سعدی» هم‌زمان با شیراز و برخی شهرهای ایران، در بسیاری از کشورها دوستدارانش این روز را پاس داشته و از خوان حکمت، عشق، پند و زیبایی‌های آثار او خوشه‌ها می‌چینند.

برگزاری پیاپی یادروز سعدی فرصت مغتنمی است که بتوان از یک سو داشته‌ها و کاستی‌های این عرصه را در هرسال به داوری نشست و از سوی دیگر شعله سعدی پژوهی را پرفروغ‌تر کرد تا در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد آفرینش آثار گران‌سنگی در این عرصه بود.

از سال ۱۳۸۵ تا پارسال که «دهه سعدی شناسی» سامان یافت، پژوهش‌ها و ترویج آثار سعدی شتاب و کیفیتی در خور جایگاه و منزلت استاد سخن یافت و در این ۱۰ سال، هر نوبت یادواره شیخ اجل به موضوعی خاص پرداخته شد و به اهتمام سعدی پژوهان، استادان تاریخ و ادبیات دانشگاه‌ها و مراکز علمی و مرکز سعدی شناسی و بنیاد فارس شناسی به همراه نهادهای متعدد به فرهنگ آثار مکتوب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی در پیوند با موضوع هرسال سعدی پژوهی تهیه و منتشر شد.

در دهه یادشده که با «دوران شناسی سعدی» در سال ۱۳۸۵ آغاز شد از سال ۸۶ تا آغاز دهه ۹۰ خورشیدی زندگی، اندیشه، زبان و شخصیت سعدی، گلستان، بوستان و غزلیات (نسخه‌شناسی)، تحلیل معنوی، فرم و زبان، صنایع ادبی، زیبایی‌شناسی و...) مورد تأکید نشست‌های سالانه یادروز سعدی قرار گرفت.

از آغاز دهه ۹۰ که قضایید، مجالس، قطعات، هزلیات و... (نسخه‌شناسی)، تحلیل معنوی، فرم و زبان، صنایع ادبی، زیبایی‌شناسی و...) موضوع یادروز سعدی قرار گرفت، به‌نوبت در سال‌های بعد این بزرگداشت با موضوعی خاص به استقبال آرا و اندیشه‌های سعدی شناسان، استادان ادبیات و دوستداران ادب و فرهنگ ایران و جهان رفت تا سال گذشته که «سعدی در حدیث دیگران و دیگران در حدیث سعدی» موضوع این بزرگداشت قرار گرفت.

طی سال‌های ۹۱ تا ۹۴ نسخه‌شناسی آثار سعدی و انتشار کلیات سعدی به تصحیح سعدی پژوهان برجسته کشور به‌عنوان نسخه اصلی پژوهش‌های «سعدی شناسی» و نسخ مرکز سعدی شناسی، «سعدی، معارف اسلامی و فرهنگ ایرانی»، «سعدی و مسائل اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی» و «ادبیات عصر ما و هنر سعدی، سنت و نوآوری و فرهنگ مردم» مورد تأکید واقع شد.

انتشار گزیده کلیات سعدی به زبان‌های زنده دنیا شامل زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، اسپانیولی، عربی، روسی، چینی، ایتالیایی، ژاپنی و مالایی‌باین در حالی است که اینک در آغاز دهه سوم، بزرگداشت شیخ اجل سعدی شیرازی در کنگرهای بین‌المللی با حضور سعدی پژوهان و مترجمان آثار سعدی از سراسر جهان و تهیه و انتشار گزیده کلیات سعدی به زبان‌های زنده دنیا شامل زبان‌های

این در حالی است که از سال ۱۳۶۶ میلادی که نخستین گزیده گلستان با ترجمه «آندره دوریه» به زبان فرانسوی چاپ و منتشر شد تاکنون، آثار سعدی به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، لاتین، ژاپنی، چینی، روسی، لهستانی، هلندی، ایتالیایی و... ترجمه و منتشر شده است.

● رواج ۴۰۰ ضرب‌المثل از گلستان

شاید کمتر اندیشمندی مانند سعدی یافت شود که در میان مردم از جایگاه زبانی رایجی برخوردار باشد زیرا دست‌کم هزاران ضرب‌المثل از بوستان و گلستان این شاعر بزرگ رواج دارد که مورد استفاده همگان قرار می‌گیرد و بارها شده که شنیده می‌شود: «این ره که تو می‌روی به ترکستان است» در جای دیگری سعدی به کنایه گفته «ادب از که آموختی، از بی‌ادبان»؛ یا کنایه‌های این شاعر به دختر خویش که در میان شیرازی‌های هنوز ورد زبان ساکنان کوی سعدی است.

خیلی از ابیات و جملاتی که امروز مردم ایران در مناسبت‌های مختلف و در گفتگوهای خود از آن استفاده می‌کنند در آثار سعدی بیان شده که یا قبل از سعدی این جملات به شکل ضرب‌المثل وجود داشته و سعدی آن را با استادی هرچه‌تمام‌تر بیان کرده و یا به خود سعدی تعلق دارد و پیش از آن وجود نداشته و ساخته خود سعدی است و تا به امروز به شکل مثل در بین مردم نفوذ کرده است.

ضرب‌المثل‌های سعدی شیرازی در زبان پارسی یکی از رایج‌ترین ضرب‌المثل‌هاست فقط ۴۰۰ ضرب‌المثل از گلستان سعدی در زبان فارسی رایج است.

● چیره‌دستی در آرایش سخن

در پیوند با آنچه به‌عنوان ضرب‌المثل‌های سعدی به کار گرفته می‌شود، استاد دانشگاه شیراز نیز در خصوص

انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، اسپانیولی، عربی، روسی، چینی، ایتالیایی، ژاپنی و مالایی انجام گرفته است.

همچنین از سال گذشته دفترهای «سعدی شناسی» که هرسال به مناسبت یادروز این شاعر نویسنده پارسی گوی ایرانی منتشر می‌شد از شماره نوزدهم به شکل دو فصلنامه ادبی تخصصی منتشر شد و اینک نشریه یادشده شماره سوم خود را به مناسبت بیست و یکمین یادواره شیخ اجل منتشر خواهد کرد.

● سعدی در صدر دست‌نوشته‌های فارسی‌زبانان

آن گونه که یک استاد دانشگاه با تأکید بر «وجوه حضور سعدی در دوران معاصر» می‌گوید: بر اساس آمار، نسخه‌های خطی سعدی ۱۳۲۴ نسخه است که در صدر دست‌نوشته‌های ایران به زبان فارسی است.

دکتر فرح نیازکار با اعلام وجود ۴۲۲ نسخه از کلیات سعدی، ۲۸۴ نسخه دیوان سعدی، ۲۲۲ نسخه بوستان

سعدی، ۳۷۰ نسخه گلستان سعدی و ۲۶ نسخه

پندنامه‌های سعدی به همراه صدها پایان‌نامه ثبت‌شده پیرامون شیخ اجل و آثارش معتقد است: نگارش صدها

مقاله علمی درباره سعدی از دیدگاه‌های مختلف سیاسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روانشناسی، مردم‌شناسی،

زیبایی‌شناختی، دین‌شناختی، فلسفی و... بیانگر میزان اهمیت سعدی در حوزه‌های مختلف علم و ادب است.

این چهره علمی و ادبی دانشگاهی بر اساس آنچه ترجمه آثار سعدی به دیگر زبان‌های رایج دنیا انجام می‌گیرد

عنوان می‌کند: گلستان سعدی نخستین کتاب فارسی است که به یک زبان اروپایی ترجمه شد و زمینه آشنایی

شاعران، نویسندگان، فیلسوفان و اندیشمندان غرب را فراهم کرد؛ شاعران و اندیشمندانی چون ولتر، هوگو، دیدرو،

لافونتن، گوته، شیلر، پوشکین، رمان، امرسون، بالزاک، موسه، بونین و بسیاری دیگر از او متأثر شدند.

نماد پرهیز از ظلم و ستم است. وی زیست فرهنگی داشتن را مدیون سعدی دانست و گفت: او چهره مانا و ماندگار این سرزمین است زیرا دین‌مداری و مردم‌سالاری در ابیات و غزل‌های سعدی می‌خروشد.

صالحی امیری دین را از منظر سعدی مظهر مدارا و سازگاری تعریف کرد و گفت: سعدی تصویر غبارآلود را از دین می‌زداید زیرا او قائل به خدمت خلق و حاکمیت به خلق بود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نصیحت الملوک سعدی را حاوی پیام روشنی عنوان کرد که باید به فکر اقشار جامعه و مردم بود.

● سعدی عشق خدا و خلق را هم‌زمان می‌جوید

کوروش کمالی سروسناتی رئیس مرکز سعدی‌شناسی هم می‌گوید: سعدی یگانهای است که سحر کلامش به اعجاز درمی‌آویزد و سخنانش مانند شکر شیرین است. وی ادامه داد: سعدی پیوسته به انسان عشق می‌ورزد و او را در جهان پرآوازه می‌کند و چنین است که جهانگیر می‌شود.

کمالی سروسناتی افزود: بازتاب افق اندیشه سعدی بنی آدم را اعضای یکدیگر می‌داند تا جایی که بوستان را بر حکمت بنیان می‌کند و کلام او تأثیرگذار می‌شود.

رئیس مرکز سعدی‌شناسی افزود: سعدی، نیک‌گفتار و نیک‌پندار و ژرف‌بین است و دادگری است از انسان‌مداری و خردورزی.

کمالی سروسناتی تأکید کرد: گویا آرزوهای سعدی در بوستان جلوه کرده است. سعدی عشق خدا و خلق را هم‌زمان می‌جوید و عشق سعدی داستانی است که بر سر بازار است.

سال‌ها و دهه‌هاست سعدی در آثار هنرمندان ایرانی از جایگاه والایی برخوردار است و بهره‌مندی مستقیم یا غیرمستقیم از مضامین کلام سعدی در انواع هنرها همچون نقاشی، خوشنویسی، آواز و موسیقی و... همچنان ادامه دارد.

در آیین نکوداشتی که در آرامگاه سعدی برگزار شد با یادآوری اینکه دو سال قبل در این مکان در مطلع سخن از تابش خورشید از این نقطه گفته شد، عنوان کرد: ما در سرزمین رازها و رمزها هستیم که رازهای این سرزمین ناشناخته مانده و این جغرافیا در دل خود سخن بسیاری دارد که تنها توانستیم از معدن غنی آن جرعه‌ای برداشت کنیم. این مقام فرهنگی با اشاره به اینکه رمز و راز این سرزمین را باید در زمانه سعدی و حافظ و ادوار تاریخی جست، افزود: این جغرافیا بخشی از هویت تمدنی ملی و اسلامی ماست و تقدیر و قدرانی بزرگان بخشی از هویت ملی است.

صالحی امیری با بیان اینکه سعدی حق بزرگی بر این کشور و مردم دارد عنوان کرد: هویت ایرانی و اسلامی ما پس از اسلام مدیون سعدی، حافظ و فردوسی است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کلام سعدی و درس‌های او را آموزنده اخلاق دانست که مهم‌ترین نیاز امروز است.

وی بد اخلاقی را بزرگ‌ترین آسیب نسل حاضر عنوان کرد و گفت: درمان این درد امروزین را باید در گلستان و بوستان سعدی جست، زیرا سعدی چشمه جوشان اخلاق در این سرزمین است.

صالحی امیری چالش اخلاقی امروز و انگ زنی، اتهام، ترویج شایعه و انتقام‌جویی را به خاطر فاصله گرفتن از فرهنگ سعدی عنوان کرد و افزود: رمز ماندگاری زبان فارسی به خاطر تداوم هویت ایرانی است زیرا فارسی نه یک زبان که یک فرهنگ و تمدن است از این‌رو و از این منظر باید قدردان سعدی باشیم که بقای این کشور را با زبان فارسی استمرار بخشید.

وزیر فرهنگ و ارشاد سعدی نماد اعتدال، عقلانیت، انسانیت، عدالت، کرامت و منزلت دانست و یادآوری کرد: سعدی پرچمدار عدالت است و سخن گفتن از سازگاری و اعتدال و همگرایی از سعدی وام می‌گیرد چراکه امروز بیش از هر زمانی نیازمند پرهیز از افراط و تفریط هستیم زیرا سعدی معیار اعتدال است و ما وامدار این شاعر از این منظر هستیم چراکه سعدی

نفوذ عمومی سعدی می‌گوید: گلستان سعدی از همان آغاز نگارش تا به امروز همواره در فرهنگ مردم ایران، از کتاب‌های شیرین و خواستنی بوده و این مقبولیت همیشه رو به گسترش و افزایش داشته است. این پذیرش عمومی را باید دست کم در دو عامل جستجو کرد که یکی هوشیاری در گزینش موضوع و دیگری چیره‌دستی در آرایش سخن است.

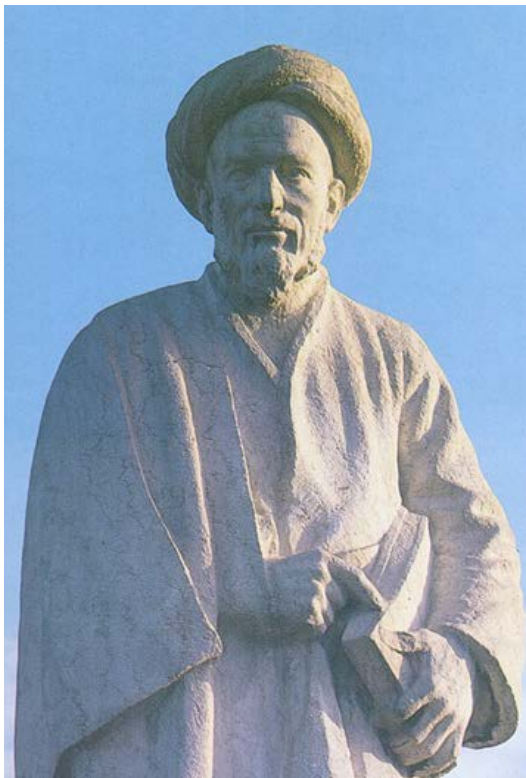
کاووس حسن لی معتقد است: حضور همیشگی سعدی در میان مردم و آمیزش او با گروه‌های مختلف اجتماع، تأثیر بسیار در عمومی‌تر شدن سخن او گذاشته است. بدین خاطر است که احساس می‌کنیم سعدی سخنگوی صادق مردم است. سخنگویی که در کلام او هرگز بویی از نومیدی، ناتوانی و شکست احساس نمی‌شود بلکه همواره پویا، کوشا و تلاشگر جلوه می‌کند.

در قلمرو عثمانی سعدی را شاعری «خودی» می‌خوانند و از دیرباز تاکنون به شرح و ترجمه آثار او پرداخته‌اند چنانکه در دوران موداشاره آثار بسیاری پیرامون او یا آثارش نگاشته شده است. نمونه تازه این دل‌بستگی به سعدی هم شاید بتوان انتشار کتابی درباره سعدی به زبان ترکی استانبولی عنوان کرد که به اهتمام پروفیسور کاووس حسن لی نویسنده، محقق و شاعر شیرازی در آستانه یادروز سعدی منتشر شد.

کتاب «درپچه صبح: بازشناسی زندگی و سخن سعدی» یکی از نوشته‌های دکتر کاووس حسن لی درباره سعدی شیرازی است که در سال ۱۳۸۹ از سوی انتشارات خانه کتاب منتشر شده است. این کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای که بیشتر به مخاطبان عمومی توجه داشته در چهار فصل تنظیم شده است. در این فصول زندگی سعدی و روزگار او، آثار نظم و نثر سعدی با تکیه بر زیبایی‌شناسی و پیام‌های اجتماعی بررسی شده و مجموعه‌ای از دیدگاه‌های صاحب‌نظران جهان درباره سعدی نیز معرفی شده است.

● سعدی حق بزرگی بر این کشور و مردم دارد

سیدرضا صالحی امیری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



بازی هر چه غیر مجاز تر، لذت بخش تر / برای نباختن جامعه وار دبازی شویم

موثر باشد.

● از بازی های ایرانی خوشم نمی آید
میرعلی علی محمدی، یکی از نوجوانان اهل بازی های رایانه ای تبریز است. به گفته خودش، روزی یک ساعت بازی در سبک های فوتبالی و اکشن انجام می دهد. وی اظهار می کند: اغلب سعی می کنم بازی ها مجاز تهیه کنم و اکثر دوستانم نیز به مجاز و غیر مجاز بودن بازی ها اهمیت می دهند. وی اعلام می کند: اما اگر بخواهم یک بازی غیر مجاز هم بخرم، جای خاصی برای فروش نمی شناسم ولی به آسانی می توانم از دوستانم تهیه کنم. دوستانم نیز معمولاً از فروشگاه هایی که می شناسند می خرند.

این نوجوان اهل بازی های رایانه ای در ادامه درباره بازی های ایرانی تاکید می کند: اصلاً از بازی های رایانه ای ایرانی خوشم نمی آید و تا به حال نه بازی کرده ام و نه خواستارم بازی کنم. وی می افزاید: بازی های ایرانی از طراحی و گرافیک بسیار ضعیفی برخوردار هستند و به همین علت نمی توانند در جذب بچه ها موفق باشند. معمولاً افرادی در سنین ما در پی بازی هایی با کیفیت بالا هستند.

علی محمدی درباره اینکه چه زمانی حاضر است بازی ایرانی را به نمونه های خارجی ترجیح بدهد می گوید: اگر گرافیک بازی های ایرانی بالا برود و همچون بازی های خارجی از خلایق های بالا و تازه ای برخوردار باشند حاضریم بازی ایرانی خریده و بازی کنیم.

● برای نباختن جامعه باید وارد بازی شویم

معمولاً وقتی بحث تولید ملی به میان می آید، فقط برخی کالاها همچون لباس و مواد غذایی و خانگی به ذهن مان تداعی می شود در حالی که نیاز امروز جامعه، تولیدات فرهنگی ملی است. در واقع ریشه تمام مشکلات و دغدغه های مجاز یا غیر مجاز بودن بازی های رایانه ای از آنجا آغاز می شود که ما آن ها را وارد می کنیم در حالی که اگر چنین بازی هایی با همان کیفیت های مطلوب ولی در محتوای مناسب تر در داخل تولید شوند، نیاز بسیاری از جوانان برطرف خواهد شد.

البته هرگاه موسسات یا گروه ها به سمت ساخت بازی های رایانه ای می روند با هزاران مشکل مادی و معنوی مواجه می شوند و در آخر سر مجبور می شوند تحت حمایت یک دستگاه یک کار سفارشی بسازند که نتیجه آن عدم استقبال بازی ها توسط مخاطبان و البته بدبین سازی افراد به جامعه بازی های ایرانی است.

وقتی سال هاست مسئله جمع آوری بازی های غیر مجاز و دور کردن آن ها از دسترس کاربران به فرجام نرسیده، انتظار نمی رود که با گسترش اینترنت این کار میسر شود. راه حل اصلی در این دیده می شود که ما جامعه را از بازی های خارجی بی نیاز کنیم و این میسر نمی شود مگر با تولید بازی هایی در داخل کشور با توان رقابت و عرضه و تنوع سبک ها و موضوعات.



نیامده است. علت تاسیس چنین موسساتی تبدیل گیم نت ها و کافی نت ها به مراکز سالم و مورد تایید است. وی اعلام می کند: در تبریز مرکز دیجیتال در محل مجتمع فرهنگی و هنری ۲۹ بهمن به امور تاسیس چنین موسساتی رسیدگی می کند و بنا داریم مرکز دیجیتال را در سایر شهرستان ها نیز تاسیس کنیم.

● آرمان استفاده از بازی های رایانه ای به عنوان ابزار آموزشی

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی خاطرنشان می کند: همچنین دستگاه هایی که با عنوان پلی استیشن وارد بازار می شوند و بازی های به خصوص خود را دارند به مراتب بیش تر از بازی های رایانه ای آسیب رسان هستند چون موضوع و محتوایی که بر خور دارند کاملاً مغایر با فرهنگ ماست و خانواده ها در خرید این دستگاه ها برای کودکان خود توجه کنند.

وی در پایان اظهار امیدواری می کند: با توجه به جایگاهی که امروزه بازی های رایانه ای در بین اقشار مختلف مردم پیدا کرده است، بحث آموزش و آگاه سازی باید بیش از پیش در مدارس، دانشگاه ها یا توسط رسانه ها کار شود تا بر سیم به روزی که پتانسیل آموزشی بازی های رایانه ای مد نظر خانواده ها و بچه ها باشد نه فقط جنبه سرگرمی آن.

بازی های غیر مجاز واقعاً بیش تر می چسبند یا به قول خود جوانان فاز بیش تری می دهند. اما چرا؟ اینکه چرا بچه های ما علاقه وافری به بازی های غیر مجاز پیدا کرده اند و اگر زیر سنگ هم باشند آن ها را به دست می آورند قطعاً دلالی دارد. یک بخش از دلایل بر میگردد به مباحث روانشناختی که آیا بچه های ما از لحاظ موضوع و محتوا بیش تر به بی بند و باری های بازی های خارجی روی می آورند یا صرفاً بخاطر کیفیت بالای بازی هاست که جوانان و نوجوانان جذب آن ها می شوند.

به هر حال حتی عده ای حاضرند بازی مجاز بازی کنند اما بازی که ساخت خارج باشد. این عده معمولاً زیاد محتوا را مهم نمی بینند و همینکه بازی از کیفیت ساخت بالا و گستردگی زیادی برخوردار است می تواند در انتخاب آن ها

توزیع و ساماندهی شوند، بنیاد ملی بازی های رایانه ای شکل گرفته که در راس این بنیاد، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار دارد. وی ادامه می دهد: این بنیاد با در نظر گرفتن برخی معیار های معین، از جمله اینکه بازی وارداتی به کشور معترض اخلاق عمومی، امنیت ملی، غفت عمومی، مبانی دینی و عقیدتی نباشد، با رعایت رده بندی گروه های سنی مختلف عرضه می کند.

محمدیو خاطر نشان می کند: وظیفه بنیاد ملی بازی های رایانه ای هم نظارت در بحث فرایند تولید و ساخت بازی هاست و هم نظارت بر واردات یک بازی و نحوه توزیع آن در کشور. وی در ادامه درباره درباره آسیب های بازی های مجازی اعلام می کند: متولیان امور مختلف از جمله نیروی انتظامی، دستگاه های قضایی و خود مردم بسته به نوع آسیبی که یک بازی دارد غیر مجاز دارد می توانند با عرضه کننده آن برخورد کنند. همچنین خود بنیاد نیز همانطور که گفته شد به نحوه های مختلف بر روند توزیع بازی های مجاز و غیر مجاز نظارت دارد. مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی با بیان اینکه بازی های رایانه ای نیز مثل سایر کالاها امکان قاچاق و توزیع غیر مجاز دارند تشریح می کند: تلاش می شود هم نحوه استفاده و هم نحوه برخورد با این بازی ها در جامعه تبیین شود.

● یارانه بنیاد ملی بازی های رایانه ای برای تولید کنندگان

وی خبر می دهد: امروزه بازی های رایانه ای نه تنها در شهر های بزرگ بلکه در روستاها نیز به وسیله اینترنت قابل دسترسی هستند و باید به توزیع این نوع بازی ها در تمام نقاط توجه ویژه ای گردد.

وی درباره حمایت بنیاد ملی بازی های رایانه ای از سازندگان ایرانی اظهار می کند: برای موسسات یا گروه هایی که قصد ساخت بازی دارند، بنیاد ملی یارانه ای به جهت اینکه ساخت چنین بازی های بسیار پرهزینه و پیچیده است در نظر می گیرد.

محمدیو می افزاید: همچنین بنیاد در صدد تاسیس موسسات بازی های رایانه ای مجوزدار هست که تاکنون در استان ما چنین درخواستی

با گسترش حضور مردم در فضاهای مجازی به نظر می رسد هیچ دستگاهی از پس کنترل بازی های رایانه ای غیر مجاز بر نیاید و تنها چاره کار را می توان در رقابت و ورود جدی تر به این عرصه دید.



بهنام عبدللهی

«سرعت، قدرت، هیجان، ثروت، برتری و ...» این ها همان صفات های آشنایی هستند که صبح زود گم می کنیم و تا آخر شب دنبال آن ها می گردیم. اما برخی ها راه آسان تری برای پیدا کردن این احساس و لمس آن ها پیدا کرده اند: گیم یا همان بازی رایانه ای.

بازی های رایانه ای در دسته بازی ها قرار می گیرند با این تفاوت که هدف بزرگ تری را در پیش دارند. اینکه انسان ها می توانند بسیاری از جاهای خالی زندگی شان را با همین بازی های رایانه ای پر کنند، یکی از عوامل موثر در جذابیت و تکرر خواهان آن هاست.

اما ورود بازی های رایانه ای به کشور ما، مثل سایر پدیده های مدرن با دوگانگی ها و حاشیه هایی مواجه شد. اینکه همه بازی هایی که در خارج از کشور و عمدتاً توسط دشمنان ایران تولید می شوند، هشداری جدی بود برای متولیان امر که در فرایند توزیع و پخش این بازی ها حساسیت و دقت زیادی به خرج دهند.

● مجاز بودن یا نبودن، مسئله این است!

غیر مجاز و مجاز؛ شاید بزرگ ترین دسته بندی بازی های رایانه ای در ایران باشد که از زبان بسیاری از کاربران به گوش می خورد. اما کاش این دسته بندی فارغ از اسم، به عنوان یک دغدغه و معیار نیز در فرهنگ استفاده از بازی های رایانه ای به کار گرفته می شد.

شاید در روستاها و شهر های کوچک ایران، پدیده ای به نام غیر مجاز یا مجاز بودن یک بازی در دسترسی به آن تأثیر گذار باشد ولی در شهر های بزرگ و کلانشهرها گویا این طبقه بندی فقط به درد مدیران و مسئولان می خورد و مردم عادی و کودکان و جوانان، به راحتی آشامیدن آب می توانند بازی مورد علاقه خود را تهیه کنند، چه مجاز و چه غیر مجاز! در تبریز و استان آذربایجان شرقی نیز به تبعیت از دیگر کلانشهر های ایران فروشگاه های بسیاری برای عرضه انواع بازی های رایانه ای در طبقه بندی ها مختلف وجود دارد ولی آنطور که پیداست، وضع سامان داده شده ای بر بازار حاکم نیست و بازی هایی که مغایرت ۳۶۰ درجه با فرهنگ ایرانی و اسلامی و ارزش های ما دارند، قابل دسترسی در تمام مغازه ها هستند.

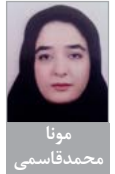
● بازی های رایانه ای نیز از قاعده قاچاق مستثنا نیستند

در حوالی این موضوع کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی شرح می دهد: امروزه برای اینکه بازی های رایانه ای در سطح کشور

فرهنگ ایرانی را با عکس به دنیا معرفی می کنم / مانند صندلی شکسته ام



داود عامری، عکاس گرگانی و جانباز دفاع مقدس، خود را مانند یک صندلی شکسته می داند و سعی دارد با ظرفیت هنر عکاسی فرهنگ ایرانی را به دنیا معرفی کند.



مونا محمدقاسمی

یک مرد با یک پا و یک جفت عصا، در عکسی بر فراز قله‌های مرتفع ایران و جهان، مردی که در بیشتر عکس‌هایش سوژه اصلی خودش بوده تا نشان دهد خواستن توانستن است و سخت‌ترین کارها ممکن، حتی کوهنوردی با یک پا.

هم هنرمند است، هم کوهنورد، هم جانباز و هم پدر خانواده؛ با جستجوی کوتاهی در اینترنت علاوه بر عکس‌هایی که بر فراز قله‌های مرتفع گرفته است عناوین افتخارات و نمایشگاه‌های مختلف هنری که در کشورهای مختلف برپا کرده است، نمایان می‌شود.

صحبت از حاج داود عامری است، هنرمند عکاس گرگانی که علاوه بر سابقه حضور ۷۰ ماه داوطلبانه در دفاع مقدس، جانباز ۷۰ درصد بوده و پای راستش را از قسمت زانو در یکی از عملیات‌های جنگ هشت‌ساله ازدست داده است.

عامری از سال ۱۳۷۰ با عضویت و همکاری با انجمن سینمای جوانان (گرگان) فعالیت رسمی هنری خود را آغاز می‌کند و اکنون عضو انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس، انجمن عکاسی دانش پژوهان شاهد و ایثارگر، انجمن عکاسی دانش‌پژوهان شاهد و ایثارگر، خانه عکاسان ایران، آژانس عکس ایران، عضو فدراسیون جهانی عکاسی (فی‌آپ - فرانسه) و ... است.

این عکاس گرگانی علاوه بر دریافت لوح و تندیس ملی ایثار در ششمین کنگره تجلیل ایثارگران از ریاست جمهوری وقت، در سال ۸۷ موفق به کسب مدرک درجه دو هنری از وزارت ارشاد و در سال ۹۱ به لقب و عنوان هنرمند فی‌آپ (AFIAP Artist FIAP - از فدراسیون جهانی عکاسی فرانسه) دست پیدا می‌کند.

حضور در ژنو سوئیس و برپایی نمایشگاه عکس مقابل مقر سازمان ملل در این کشور اروپایی بهانه‌ای شد تا با این هنرمند گرگانی به گفتگو بنشینیم، مشروح این گفتگو را در ادامه می‌خوانید.

|| در مورد نمایشگاه اخیر خود در شهر ژنو سوئیس کمی توضیح دهید؟

نمایشگاه اخیر من هم زمان با سی و چهارمین اجلاسیه حقوق بشر در ژنو سوئیس برپا شد. محل این نمایشگاه میدان «nation» یا همان ملتها بود که بنام مستعار صندلی شکسته «نماد انسان روی مین رفته با یک پای قطع شده و دو عصا» شناخته می‌شود. صندلی شکسته میدانی است که افراد و توریست‌ها برای رفتن به سازمان حقوق بشر از آن عبور می‌کنند، از آنجایی که من هم یک صندلی شکسته هستم (با اشاره به پای قطع شده و عصای خود) تصمیم گرفتم در این میدان نمایشگاه خود را برپا کنم.

من در این نمایشگاه که در فضای باز برپا شد ۲۵ تابلو و اثر عکس با اندازه ۱۰۰ در ۷۰ با موضوعات طبیعت، زندگی اجتماعی، معماری و بازماندگان جنگ را به نمایش گذاشته‌ام. البته در کنار این نمایشگاه کتابی هم که از آثار من به زبان انگلیسی چاپ شده بود توزیع می‌شد.

|| تاکنون در چه شهرها و کشورهای نمایشگاه گروهی و انفرادی برپا کرده‌اید؟

در شهرهای نیشابور، قم، رشت، تهران، خرمشهر،

تبریز، زاهدان، گرگان، مشهد و کشورهای مانند ترکمنستان، پاکستان، الجزایر، آلمان، آذربایجان، سوئیس و ... نمایشگاه‌هایی با موضوعات مختلف به نمایش گذاشته‌ام.

|| نمایشگاه‌های شما در خارج از کشور حاوی چه پیام‌هایی است؟

تمام تلاش من از برگزاری نمایشگاه در دیگر کشورها نشان دادن جنبه‌های مثبت مردم و فرهنگ ایران و ایرانی به مردم دنیاست.

|| نمایشگاه‌هایی که بر گزار می‌کنید و عکس‌هایی که می‌گیرید بیشتر حول چه موضوعی است؟

عکاسی من نه خبری است و نه برای کسب درآمد، بلکه برای دل خودم عکس می‌گیرم، درواقع بیشتر عکس‌های من موضوع زیبایی‌های طبیعت، مردم، اقوام و طیف‌های مختلف جامعه را شامل می‌شود و تلاش می‌کنم بیشتر عکس‌هایم مفهومی باشد. یکی دیگر از علایق من عکاسی در رابطه با بازماندگان جنگ که همان جانبازان و خانواده شهداست.



و کار خود را ادامه می‌دهم.

|| هفته‌ای که سپری کردیم، هفته هنر انقلاب اسلامی بود. تعریف هنر انقلاب از نگاه شما چیست؟
به نظر من هنری که در راستای نفی ظلم، استکبار و متجاوزین باشد و همچنین هنری که روح متعالی اسلام و اهداف عالی انقلاب را در خود داشته باشد مربوط به هنر انقلاب است.

|| هر چه از انقلاب می‌گذرد نسل جدید درک کمتری از فضای انقلاب دارند به نظر شما چگونه می‌شود هنر انقلاب را توسط نسل‌های آینده ادامه داد؟
بعد از انقلاب مبحثی تحت عنوان صدور انقلاب به دیگر کشورهای مطرح شد که ایده انقلاب و مباحث عقیدتی را بتوانیم به کشورهای دیگر منتقل کنیم، به نظر من انقلاب از نسل اول به نسل دوم منتقل شده و به نوعی آمیخته شده است و ما شاهد جان‌فشانی افرادی هستیم که در مسیر انقلاب به شهادت می‌رسند.

|| به نظر شما مسئولان امر توانستند هنر انقلاب را آن طور که باید توسعه دهند؟

به نظر من مسئولان در زمینه هنر انقلاب عملکرد مطلوبی نداشته و ضعیف عمل کرده‌اند.
من هر کجا احساس کنم مفید هستم و توانایی لازم را دارم خودم وارد عرصه می‌شوم و خلصتا از نصیحت و یا دادن پیشنهاد به دیگران حس خوبی ندارم اما فقط می‌توانم بگویم مسئولان باید به سراغ افراد توانمند رفته و از آن‌ها در امور مربوطه مشورت بگیرند

|| برای عملکرد بهتر مسئولان چه پیشنهادی برای آن‌ها دارید؟

من هر کجا احساس کنم مفید هستم و توانایی لازم را دارم خودم وارد عرصه می‌شوم و خلصتا از نصیحت و یا دادن پیشنهاد به دیگران حس خوبی ندارم اما فقط می‌توانم بگویم مسئولان باید به سراغ افراد توانمند رفته و از آن‌ها در امور مربوطه مشورت بگیرند.

|| در زمینه هنر انقلاب فعالیت خاصی انجام داده‌اید؟

بله سال‌ها در زمینه حوزه‌های مختلف انقلاب مانند عکاسی از بازماندگان انقلاب و جنگ که بیشتر شامل خانواده شهدا هستند فعالیت می‌کنم.

|| تابه‌حال شده هنگام صعود از قله‌ای از مسیر رفته پشیمان شوید؟

بله یک‌بار؛ نوزدهمین باری که به قله دماوند می‌رفتم نزدیک دویست متری قله فشار زیادی را متحمل شدم و همان‌جا با خود گفتم «داود دیگر دماوند برای تو مناسب نیست» اما بعد از صعود و روی قله نظرم عوض شد و چندین بار دیگر هم این قله را صعود کردم.

|| چه توصیه‌ای به عکاسان نوپا دارید؟

در حال حاضر در عصری زندگی می‌کنیم که تکنولوژی زیادی در بحث عکاسی وجود داشته و برخلاف گذشته که تمام کارهای عکاسی به شکل دستی انجام می‌شد، هم دوربین‌ها مجهز شده و هم کسب اطلاعات فنی عکاسی آسان شده است، من توصیه می‌کنم مختصر وقتی در باب مطالعه عکاسی در رابطه با اصول فنی و سبک‌ها بگذرانند چرا که هر فردی برای خودش می‌تواند یک سبکی داشته باشد. در نهایت با ادامه دادن به موضوع مورد علاقه خود می‌توانند به برندی تبدیل شوند.



صربستان ۲۰۱۶، کسب مدال نقره از مسابقه عکاسی هنگ کنگ ۲۰۱۴، کسب کاپ ویژه به علاوه ۵۰۰ یورو جایزه مسابقه عکاسی بلغارستان - پلودیف - ۲۰۱۴، کسب مدال طلای مسابقه عکاسی چین «C.P.N.O» در سال ۲۰۱۴، کسب مدال طلای مسابقه عکس ژاپن (آساهی شیمبون) در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲، برنده تندیس سفالین مسابقه عکس لیوانی در سال ۲۰۰۴، برنده لنز نقره‌ای (نفر دوم) مسابقه عکس بلژیک

(KNOKKE HEIST) ۲۰۰۴، برنده مدال نقره چهارمین مسابقه عکاسی نورث جرسی آمریکا و همچنین کسب روبان افتخار چهارمین مسابقه عکاسی نورث جرسی آمریکا در سال ۲۰۱۲، کسب روبان و رتبه R.P.S. Honorable Mention از کشور هلند در سال ۲۰۱۲ و ... از جمله مقام‌هایی است که کسب کرده‌ام.

|| در بخش مسابقات داخلی چطور؟

در بخش مسابقات داخلی بیش از ۳۰ مقام کسب کردم و در بخش داوری بیش از ۲۲ جشنواره داخلی و بین‌المللی هم حضور داشته‌ام.

|| لذت‌بخش‌ترین جایزه‌ای که کسب کردید، در چه مقطعی بوده است؟

در سال ۷۶ در جشنواره‌ای شرکت کردم که جایزه نفر نخست آن حج عمره بود، در سفری که رفتم عکسی از مسجدالحرام و طواف کعبه و حاجیان با سرعت پایین گرفتم که در جشنواره‌ای دیگر این عکس سوم شد.

|| آیا تاکنون در مسابقات بین‌المللی به دلیل ایرانی بودن مورد تبعیض قرار گرفته‌اید؟

بله جشنواره‌ای در هندوستان شرکت کردم و طبق گفته داور اتریشی و هندی حق من اول شدن بود اما از آنجایی که سه داور کراهی در هیئت‌داوران حضور داشتند در آن جشنواره جایزه نفر نخست به یک عکاس کراهی رسید.

همچنین در جشنواره‌ای در کره جنوبی شرکت کردم که در دور نخست من رتبه یک و یک عکاس هندی رتبه دوم را کسب کردیم اما هردوی ما را به بهانه یک خلاف آیین‌نامه‌ای کنار گذاشتند و دیگر موقعیتی برای اعتراض نبود و در آن جشنواره عکاسانی از کشورهای چین، تایوان و کره جنوبی اول تا سوم شدند، البته من به این ناداوری‌ها توجهی نمی‌کنم

|| خاطره خاصی از ژنو به خاطر دارید؟

از سال‌های قبل در ژنو، مقابل مقر سازمان ملل سازمان منافقین کمپ و پایگاهی دائمی ایجاد کرده بود و مباحث حقوق بشری را مطرح می‌کردند که پلیس سوئیس هم آنها را جمع‌آوری کرد، در زمان برگزاری نمایشگاه من هم این افراد در فاصله ۵۰ متری نمایشگاه من همچنان اعتراض می‌کردند، این افراد از نمایشگاه و کتاب من هم دیدن کردند اما بعد از اینکه فهمیدند موضوع عکس‌ها هنری است و کتاب من که تصاویر دفاع مقدس را داشت دیدند، دست از اعتراض کشیدند.

|| آیا معلولیت به وجود آمده برای شما تأثیری در مسیر زندگی شما داشت؟

انسان‌هایی که برای آن‌ها معلولیتی رخ می‌دهد خیلی دوست دارند علیه آن ناتوانی اقدامی کنند و با آن مبارزه کنند و به نوعی ناتوان نبودن خود را نشان دهند. زمانی که مجروح شدم و پایم قطع شد فقط حدود یک دقیقه‌ای به هوش بودم و در آن یک دقیقه به تنها چیزی که خارج از دنیای جبهه فکر کردم این بود که دیگر نمی‌توانم به کوه بروم؛ اما با یک جفت عصا کوهنوردی را شروع کردم و تاکنون بیشتر از قله‌های مرتفع کشور را صعود و دماوند - سه‌پند و را بیش از ۲۰ بار صعود کردم.

|| بیشتر عکس‌هایی که از شما در فضای مجازی دیده می‌شود، عکاسی در طبیعت کوه بوده، کدام یک را زودتر شروع کردید. عکاسی یا کوهنوردی؟

من به واسطه حضور در طبیعت و کوهستان و علاقه به کوهنوردی با دوربین عکاسی آشنا شدم و به ثبت تصاویری از طبیعت و کوهنوردانی که همراهم بودند پرداختم تا جایی که در ادامه سفرها دوربین جزء لاینفک وسایلم بود. درواقع بعد از جنگ به تمام علاایم در کنار عکاسی ادامه دادم.

|| در عرصه بین‌المللی چه جوایزی کسب کرده‌اید؟

در عرصه بین‌المللی بیش از ۲۵ مقام کسب کرده‌ام. کسب مدال طلای فیپاف از مسابقه عکس آل ثانی (اتریش و قطر) در سال ۲۰۱۵، کسب لوح تقدیر از مسابقه عکس

«مرغابی دشت سرخ» به پرواز در نیامد / فیلم سردار هور رنگ اکران ندید



فیلم سینمایی «مرغابی دشت سرخ» که قرار بود شخصیت سردار شهید علی هاشمی را به تصویر بکشد، بعد از حدود پنج سال از آغاز ساخت آن، هنوز رنگ اکران به خود ندیده است.

سمیه تیاری

آخرین تصویر باقی مانده او را با اورکت خاکی رنگ و چهره‌ای همراه با محاسن نشان می‌دهد. از همان عاشقان ارزش‌های اسلامی بود کسی که به دلیل بومی بودن در خوزستان، توانست کارهای بزرگی به سود کشور انجام دهد.

سردار علی هاشمی که کار راه اندازی و فرماندهی قرارگاه سری نصرت را به عهده داشت، در پی یکی از حملات ارتش بعث، قرارگاه نصرت مورد اصابت قرار گرفت و به همراه تعدادی از همزمانش به شهادت رسید. از آنجا که احتمال داده می‌شد این سردار اسیر شده باشد و لازم بود عراق متوجه نشود که چه عنصر مهمی از سپاه ایران را به اسارت گرفته است، تا مدت ۲۲ سال تلاشی برای جستجوی هور و یافتن پیکر او نشد و اصولاً سعی شد خبری در خصوص اسارت وی منتشر نشود.

شهید هاشمی در دوران دفاع مقدس توانست قرارگاه نصرت را در منطقه هورالهویزه راه اندازی کند و با مطالعات و تحقیقاتی که از این منطقه داشت شرایطی را فراهم کرد که پس از چند عملیات ناموفقی که ایران در جبهه داشت شرایط جبهه‌ها را به نفع کشور تغییر دهد و در این زمان سپاه به این نتیجه رسید که می‌تواند از منطقه هورالهویزه عملیاتی را به سمت مواضع ارتش بعثی برای تصرف جاده اماره-بصره انجام دهد و منطقه وسیعی را به تصرف در بیاورد تا از این طریق فشار بر ارتش عراق افزایش یابد.

در شرایطی که عملیات‌های نظامی ایران به بن بست رسیده بود؛ قرارگاه نصرت توانست منطقه هورالهویزه و جزایر مجنون را برای عملیات آماده کند. شهید علی هاشمی و همراهانش در قرارگاه نصرت کار بزرگی انجام دادند و یکی از عملیات‌های بزرگ جنگ در سوم اسفند سال ۶۲ در این منطقه به اجرا درآمد که نام خیبر را به خود گرفت و در سال بعد (۶۳) نیز عملیات دیگری در این منطقه به نام بدر انجام شد. در واقع یکی از جبهه

فیلمی درباره شناساندن وی ساخته شود؛ فیلمی که به گفته تعدادی از فیلمسازان موفق نبوده و نتوانسته برای معرفی سردار هور قدمی بردارد.

ساخت فیلم شهید علی هاشمی با نام «مرغابی دشت سرخ» مهرماه سال ۱۳۹۰ با حضور ششمدری رئیس وقت سازمان سینمایی کشور در یکی از پارک‌های اهواز کلید خورد. آرش مجیدی، جمشید جهانزاده، اکبر سنگی، کاظم هزیر آزاد، رضا فیاضی، غلامرضا فرامرزیان، یلدا قشقایی، رز رضوی از جمله بازیگران این فیلم بودند که جلوی دوربین رفتند.

لطف الله سپهر مدیرکل ارشاد اسلامی خوزستان در مراسم کلید خوردن فیلم سینمایی مرغابی دشت سرخ گفته بود: هدف از تولید این فیلم بلند سینمایی به تصویر کشیدن زندگی، رشادت و غیورمردی این دلاور بزرگ ملی است که امیدواریم نسل‌های آینده و جوانان بیشتر با این قهرمان ملی آشنا شوند.

● تخصیص بودجه‌ای کلان

یکی از فیلمسازان خوزستانی می‌گوید: تخصیص بودجه‌ای کلان برای پروژه فیلم سینمایی سردار هور فی‌نفسه اتفاق شایسته‌ای بود. علامت استقامتی که هنوز پاسخ

های فعال عملیاتی ایران علیه رژیم بعث عراق منطقه هورالهویزه بود که شهید علی هاشمی آن را طراحی کرد. در روزهای آخر جنگ ارتش عراق حملات خود را به جبهه‌های ایران آغاز کرد و در پی حمله‌ای که عراق در پشت قرارگاه نصرت داشت شهید علی هاشمی و تعدادی از دوستانش به این منطقه عزیمت کردند و ظاهراً در داخل هور مورد اصابت آتش دشمن قرار گرفته و در خود هور به شهادت می‌رسند.

سردار علی هاشمی در چهارم تیرماه ۱۳۶۷ به دنبال تهاجم سراسری عراق به جزیره مجنون و پس از اطمینان از تخلیه جزیره، به هنگام ترک مقر فرماندهی سپاه ششم نیروی زمینی، به همراه سردار علی اصغر گرجی زاده (فرمانده سپاه ششم نیروی زمینی سپاه) هدف موشک‌های هلی کوپترهای عراقی قرار گرفت و به شهادت رسید با توجه به مجروح شدن و اسارت گرجی زاده، تا مدت‌ها تصور می‌شد سردار هاشمی در عراق اسیر است. در سال ۱۳۸۹ پیکر مطهر هاشمی در هور کشف و در شهر اهواز به خاک سپرده شد.

به دلیل عدم معرفی این سردار با این گمان که در اسارت عراق باشد، چندان شناختی درباره او وجود نداشت و برای جبران همین کاستی‌ها تصمیم گرفته شد





وی در ادامه توضیح می دهد: باید کارهای فنی فیلم انجام شود که هنوز انجام نشده و سبب شده که فیلم نتواند اکران شود از آنجا که برای انجام کارهای فنی بودجه لازم است و تهیه کننده ای هم نیست که این هزینه را تأمین کند بنابراین کار نیمه تمام رها شده است.

شادروان درباره میزان بودجه فیلم بیان می کند: کل بودجه ای که برای تهیه این فیلم به دست من رسید ۴۰۰ میلیون تومان بود اما بیش از این بودجه را خرج کردیم بنده به عنوان نویسنده و کارگردان بیشتر از ۲۵ میلیون تومان دریافت نکردم و در این کار با کمبود بودجه مواجه شدیم.

● فیلم خیلی بدی بود

اما یکی دیگر از فیلمسازان استان نظر متفاوتی در این باره دارد و با مسئول دانستن کارگردان در قبال تکمیل فیلم اظهار می کند: خیلی فیلم بدی بود. یک و نیم میلیارد تومان برای آن هزینه شد و ساخت آن پنج ماه طول کشید. با احتساب کم خرج ترین فیلم هم حداقل هزینه لازم برای این کار بسیار بیشتر از ۴۰۰ میلیون تومان است که توسط کارگردان به عنوان بودجه تعریف می شود. حتی در صورتی که نقص فنی سبب عدم اکران فیلم شده باشد باز هم مسئولیت این نقص به عهده کارگردان است.

عباس شفیعی می افزاید: مخارج چنین فیلمی حداقل یک میلیارد تومان بوده است. هر چند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی رقم ۸۰۰ میلیون تومان را اعلام کرده است. البته شاید هم واقعا این رقمی است که اعلام شده است و اداره تا یک مرحله ای این فیلم را حمایت کرد و سپس آن را رها کرد. اما عدم تخصیص بودجه برای انجام کارهای فنی فیلم تنها بخشی از موضوع است و همه آن نیست زیرا اشکالات خود فیلم، دوبله آن، بازیگران و... را نیز باید در نظر گرفت. این فیلم سال ۹۳ یک بار در سینما هلال اهواز پخش شد اما کار اینقدر ضعیف بود که ترجیح دادند نمایش آن را متوقف کنند.

جدای از جستجو برای یافتن مقصر تا تمام ماندن این فیلم، تخصیص بودجه کلان برای کارهای هنری با ارزش معنوی برای آن است که نتیجه سبب پررنگ شدن و مطرح شدن کسانی باشد که به رغم فداکاری های بزرگ، ناشناخته باقی مانده اند. اما وقتی هدف، جامه عمل نپوشد امثال علی هاشمی گویی همچنان در دل هور، میان نیزاهها و آب نیمه خشک آن باقی مانده اند.

آل حمودی بیان می کند: به نظر می رسد در این زمینه مدیر کل وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان، خودمحوارانه عمل کرد. هنگامی که از مرکز به استان اعلام شد درباره چند سردار خوزستانی فیلم سینمایی تهیه شود قرار بر این شد که درباره علی هاشمی فیلمی تهیه کنند اما برای روال کار هیچ مشورتی انجام نشد.

● خلف وعده مسئولان

از سوی دیگر، کارگردان این فیلم اظهار می کند: اکران نشدن این فیلم دلایل غیر فیلمی دارد. یکی از دلایل باقی نماندن تهیه کننده با آن است، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت استان که تهیه کننده این فیلم بود پس از تغییر سمت و منتقل شدن به جای دیگر، سبب شد فیلم بدون تهیه کننده بماند.

علی اصغر شادروان می افزاید: این فیلم حتی پروانه نمایش هم گرفت و برای برخی مقامات رسمی مانند نمایندگان مجلس شورای اسلامی پخش شد و مورد تحسین قرار گرفت. یکی دیگر از موانع عدم اکران، این است که فیلم دولتی بود و بنابراین فرصت نمایش عمومی پیدا نکرد چون دولتی ها اجازه این کار را نمی دادند با اینکه پیشنهاد از رسانه های تصویری مانند اداره تئاتر برای پخش آن داشتیم.

داده نشد این است که چرا این فیلم به جشنواره فجر راه نیافت و رد شد؟ به رغم اینکه سیاست جشنواره این است که فیلمهایی با مضمون دفاع مقدس را با اغماض از کمبودهای فنی شان بپذیرد.

حمید آل حمودی می افزاید: متأسفانه به رای خیلی از صاحب نظران، این فیلم فاقد حداقل های اصول روایت بود. بی شک با چنین بودجه ای می شد ۱۰ فیلم نیمه بلند با ۱۰ دیدگاه مختلف در مورد شخصیت سترگ سردار هور، علی هاشمی ساخت. افزون بر بودجه کلان، خدمات لجستیکی بسیاری نیز به این فیلم ارائه شد. اما نتیجه بسیار بد بود. این بودجه می توانست موتور محرکی برای چندین فیلم و فیلمساز دیگر باشد. اما متأسفانه خروجی فیلم تاسف آور است.

وی با اشاره به هدر روی بودجه در این فیلم توضیح می دهد: انتخاب کارگردان مناسب نبود. کارگردان این فیلم اگر چه در زمینه ساخت فیلم های اکشن بسیار موفق است و هنوز فیلم تیرباران از کارهای موفق و تاثیر گذارش در یادها هست اما در زمینه ساخت فیلم دفاع مقدس چندان موفق عمل نکرد. یکی از موضوعات مهمی که در نظر گرفته نشد عدم وجود نظارت کیفی بر کار بود. ضرورت داشت یک کار گروه بر چگونگی انجام کار نظارت می داشت.



اندرونی غریبه در خانه‌های اردبیل / فرهنگ بومی به گلدان خلاصه شد



تغییر اسباب و لوازم زندگی اردبیلی‌ها طی دهه‌های گذشته نه تنها از رنگ و بوی فرهنگ بومی کاسته بلکه به عقیده کارشناسان در تغییر سبک زندگی نیز مؤثر بوده است.



ونوس بهنود

دو تن از نوه‌ها موظف شده‌اند مطبخ مادر بزرگ را تمیز کنند. مطبخ تاریک است و با کم‌حصولگی‌های مادر بزرگ به تمیز کاری اساسی نیاز دارد. از در چوبی قد کوتاهی دخترها سر خم کرده و پا به مطبخ می‌گذارند. دیگ‌های مسی، وسایل پخت‌وپز نان، تنور، ظروف چینی گل سرخ داخل قفسه، پارچ و لیوان‌های شیشه‌ای فیروزه‌ای و لاجوردی و دمکنی‌های حصیری بعد از ساعت‌ها مثل چراغ‌برق می‌زنند.

آن سوتر مادر لحاف و تشک‌ها را جا به جا کرده و محل جمع کردن آن‌ها را گردگیری می‌کند. لحاف و تشک‌های پشمی باید سال دیگر شکافته شده و پشم گلوله شده دوباره باز شود.

اتاق مهمان‌ها تمیز است اما کمی گردگیری و یک دست جارو زدن بی‌حساب و کتاب نیست، شاید به یکباره مهمانی از راه برسد. صندوق چوبی «یخدان»، چراغ‌های «قوشاپلته»، سماور «تیکالای» و چینی‌های ژاپنی تزئینات دورتادور اتاق مهمان است.

سال‌ها بعد در همان اتاق‌ها میل‌های ترکیه، بلورهای وارداتی و فرش‌های ماشینی می‌شود تزئینات خانه. دورتادور آن خبری از اسبابی که مادر بزرگ از دختران تا نوه‌ها را مجبور می‌کرد از آن‌ها نگهداری کنند، نیست. تنها گلدانی از چشم‌ها دور مانده که در گوشه یکی از اتاقچه‌ها پشت آجیل خوری بلوری جا مانده است.

خانه صمیمت خود را روزی که اسباب مادر بزرگ کهنه و ناجور تلقی شد، از دست داد.

● توجه به آرامش و حریمیت در خانه‌های قدیمی اردبیل

سبک خانه‌سازی و آراستگی خانه‌ها در اردبیل مطابق با اصولی است که هر انسانی در امر خانه‌سازی عمیقاً نیازمند آن است. این دو اصل آرامش و حریمیت است که در تمامی خانه‌های قدیمی اردبیل چه در بیرون خانه و محوطه آن و چه در اندرونی و تزئینات آن جلوه‌گری می‌کند.

باباصفیری نویسنده سرشناس اردبیلی در خصوص سبک خانه‌سازی اردبیلی‌ها در کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ آورده است: «سبک خانه‌ها بر پایه تقارن بود، به این معنی که علی‌الاصول در وسط ساختمان تالار بزرگی به شکل مستطیل می‌ساختند و در پشت آن به درازای تالار آشپزخانه که آن را مطبخ می‌گفتند، ساخته می‌شد. تالار محل پذیرایی بود و بزرگی آن به امکانات مالی و موقعیت اجتماعی صاحب‌خانه بستگی داشت.»

وی اضافه می‌کند: «قسمتی از تالار در طول ضلع شمالی به سه قسمت تقسیم می‌شد که قسمت وسط را که اندکی از سطح تالار بلندتر می‌شد، «مخارج» می‌گفتند و جزو تالار منظور می‌داشتند ولی طرفین آنرا به صورت دو اطاق کوچک در آورده و در ورودی زیبایی متناسب با زیبایی تالار بین آن‌ها و تالار می‌گذاشتند و آن‌ها را صندوق‌خانه و گاهی «فرلچا» می‌گفتند که محلی برای گذاشتن بعضی اشیاء مثلاً صندوق و رختخواب‌های اضافی بود.»

بخش‌های دیگر خانه‌های تاریخی اردبیل از جمله طنابی،

حیاط، دهلیزها، زیرزمین، اتاق‌های خواب و اتاق مهمان است که با وسایلی که اشاره می‌شود، تزئین می‌شد.

● تالار بزرگ مخصوص امور مهمان‌داری

مطابق اظهارات باباصفیری امروزه بزرگی و کوچکی خانه‌ها با متر سنجیده می‌شود ولی در گذشته تالارها را با تعداد پنجره‌های آن که در طول مستطیل و رو به جنوب قرار داشت می‌سنجیدند و به جای پنجره نیز کلمه آینه به کار می‌بردند و مثلاً می‌گفتند که تالار فلان خانه هفت، ۹ و ۱۱ آینه دارد.

به صورت معمول تالار اصلی مخصوص حضور مهمان‌ها به ویژه در امور تجاری و شغل صاحب‌خانه بوده است. در گذشته به جای مفهوم بوفه، در دیوارها اتاقچه‌هایی تعبیه می‌شده و زینت اتاق‌ها از جمله چراغ و گلدان و ظروف چینی جا خوش می‌کرد.

به گفته یکی از کهنسالان اردبیلی در گذشته بسیاری از تزئینات امروزی از جمله گل‌های پلاستیکی نبود. پوراندخت سپاسی گفت: در هر خانه‌های مطابق با وسع اهالی خانه تزئیناتی استفاده می‌کردند؛ برخی خانه‌های اعیانی وسایل تزئینی از روسیه را دورتادور می‌چیدند و برخی گلدان‌ها و چینی‌های ارزان‌تر را.

فرش خانه حرمت داشت. روی آن نماز خوانده می‌شد و اینکه با کفش بیرون روی فرش بروند، حرکت پسندیده‌ای نبود.

مفرش خانه‌های اردبیلی شامل فرش، گلیم، پلاس و جاجیم بوده است بطوریکه به نسبت وسع خانواده‌ها در برخی خانه‌ها میز و صندلی و مبلمان نیز دیده می‌شد. سپاسی افزود: در گذشته چیزی به نام فرش ماشینی نداشتیم؛ اگر کسی وسع داشت فرش دستبافت همه جای خانه می‌انداخت و اگر نداشت از گلیم و جاجیم استفاده می‌شد؛ در گذشته حتی مکت و کفیوش نیز نبود و سرامیک و پارکتی که این روزها متداول شده در هیچ خانه‌ای مشاهده نمی‌شد.

سپاسی با بیان اینکه همه جای خانه به دلیل وضعیت آب‌وهوایی فرش می‌شد، تأکید کرد: فرش خانه حرمت داشت. روی آن نماز خوانده می‌شد و اینکه با کفش بیرون روی فرش بروند، حرکت پسندیده‌ای نبود.

کهن‌سال دیگری یکی از تزئینات خانه‌های قدیمی اردبیل

را پشتی و صندوق عنوان کرد. علیرضا حسینی خبرنگار مهر گفت: برای پذیرایی از مهمان پشتی تدارک دیده می‌شد و یا متکاهایی تعبیه می‌کردند تا مهمان راحت استراحت کند.

وی افزود: علاوه بر این در اغلب خانه‌ها صندوق برای نگهداری پوشاک و وسایل خانه استفاده می‌شد که چوبی بود و روی آن ورقه‌های آهنی کوبیده می‌شد و با طرح‌های قابل‌توجهی تزئین می‌کردند.

حسینی تأکید کرد: تمامی وسایل شخصی اهالی خانه در صندوق‌خانه و یا طنابی جا داده شده و دسترسی به وسایل شخصی عیب محسوب می‌شد.

محقق فرهنگ عامیانه مردم اردبیل در خصوص صندوق‌های چوبی تصریح کرد: این صندوق یخدان یا «رخت دان» گفته می‌شد که علاوه بر قفلی سه زانه، سه عدد حلقه ورزه داشت که می‌شد به آن‌ها قفل اضافی زد.

موسی اصغر زاده تصریح کرد: به هر دختری یخدان به عنوان جهیزیه می‌دادند تا در خانه خود وسایل شخصی را در آن بریزند.

● تغییر سبک زندگی از مطبخ

بخش قابل‌توجهی از سبک زندگی اردبیلی‌ها در مطبخ یا همان آشپزخانه قابل پی‌جویی است. تغییر وسایل آشپزی، شیوه‌های پخت‌وپز و شکل آشپزخانه‌ها بیشترین تغییرات را در سبک زندگی و عقاید شهروندان اردبیلی به دنبال داشته است.

در گذشته پخت‌وپز غذای اهالی خانه در خود همان خانه صورت می‌گرفت. نه از غذاهای فست‌فودی و رستورانی خبری بود و نه حتی از کثرت نانوائی‌ها. زنان خانه حتی نان مصرفی را در خود خانه‌ها پخت کرده و از آن استفاده می‌کردند.

وسایل مورد استفاده در آشپزی به مراتب از سلامت و بهداشت بیشتری برخوردار بود؛ بطوریکه مطابق اظهارات کهن سال اردبیلی خبری از ظروف تفلون و پلاستیکی نبود. هر عضو خانواده دوری مسی برای صرف غذا داشت و تمامی پخت‌وپز زنان در ظروف مسی انجام می‌شد. سپاسی تصریح کرد: ظروف یا مسی بود یا چینی یا شیشه‌ای، هر عضو خانواده دوری مسی برای صرف غذا



آفتاب به چراغ‌های نفتی احتیاج داشتند. در تمامی خانه‌ها چراغ‌های نفتی موجود بود و تقریباً هر اتاقی چراغی مخصوص خود داشت.

بطوریکه محقق فرهنگ عامیانه اردبیل در این خصوص گفت: برای هر اتاق یک عدد چراغ لامپای بلور یا چینی و اخیراً برنجی به انواع هفت، ۱۰، ۲۵ و ۳۰ شمعی و جفت فتیله تهیه می‌دیدند.

وی افزود: از چراغ‌های سه شمعی برای روشن کردن دالان یا راهرو و اتاق خواب استفاده می‌کردند و چراغ‌های آویز ۳۰ شمعی و دیوار کوب ۱۰ شمعی هم برای اتاق‌های بزرگ وجود داشت.

«قوشاپیلته» اصطلاح چراغ‌های نفتی است که در شکل‌های مختلف تولید می‌شد و حتی یک جفت از آن به عروس به عنوان جهیزیه می‌دادند تا روشنی‌بخش خانه‌اش باشد.

کهن سال اردبیلی معتقد است در گذشته نبود برق و استفاده از چراغ موجب می‌شد ناخودآگاه اعضای خانواده دور چراغ‌ها می‌نشستند و صمیمت بین آن‌ها برقرار می‌شد. آینه، چوب‌پرده، رخت‌آویز، خورجین‌های مسافرتی، هاون سنگی و لوازم حمام زنانه و مردانه از دیگر اسباب و وسایلی بود که در اغلب خانه‌های اردبیلی‌ها جزو وسایل ضروری قلمداد می‌شد.

اغلب خانه‌ها حوض آب و چاه آب داشتند و توالت را هر چقدر می‌توانستند دورتر از ساختمان می‌ساختند و چاه آن نیز تا حد امکان دورتر از چاه آب ساخته می‌شد.

حمام در بیرون از خانه وجود داشته و اردبیلی‌ها از حمام‌های عمومی استفاده می‌کردند. شکل معماری خانه‌ها طوری بود که چشم نامحرم به اهالی خانه نمی‌افتاد.

در عین حال فضای خانه‌ها بزرگ و آرام‌بخش انتخاب می‌شد. بطوریکه اهالی خانه فضای کافی و قابل توجه برای زندگی سالم و توأم با آرامش داشتند.

تنها نگاهی به وضعیت خانه‌های امروزی که هر یک از ما در آن زندگی می‌کنیم، نشان می‌دهد که تغییر اسباب و لوازم حتی کوچک‌ترین آن‌ها تا چه حد خلایق و شیوه‌های زندگی ما را تغییر داده و اغلب این تغییرات مشکلات متعدد را به بهانه به روز بودن و مد بودن به دنبال داشته است.



به گفته اصغر زاده لحاف و تشک عروس و داماد و مهمان را با پارچه مخمل رویه می‌کنند تا گرم‌نرم باشد؛ تا جایی که در گذشته رختخواب‌های تشریفاتی با پارچه‌های ابریشمی برای رویه لحاف و از شال برای رویه تشک استفاده می‌شد که این رخت خواب‌ها مخصوص مهمان بود.

وی اضافه کرد: برای دوخت بالش نیز از متقال ریزبافت که پرها از آن بیرون نزند استفاده می‌شد و پر مرغ خانگی یا غاز و اردک در داخل آن می‌ریختند و بعد از دوختن رویه می‌کشیدند.

وی افزود: در گذشته متکا نیز استفاده می‌شد که بالش استوانه‌ای است و امروز کمتر متداول است.

کهن سال اردبیلی معتقد است استفاده از پشم گوسفند برای رخت خواب به دلیل سردسیر بودن این منطقه بوده و حتی در زمستان‌های سرد می‌توانست گرم‌نرم باشد.

سپاسی افزود: امروز برای رخت خواب از الیاف مصنوعی استفاده می‌کنند که هم ایجاد حساسیت کرده و هم در مقابل سرما پاسخگو نیست.

به گفته این کهن سال هر دست رخت خواب را در چادری چهار گوش به ابعاد دو متر می‌بستند و به آن «باغلاما» می‌گفتند؛ باغلاما را مانند پشته‌های امروزی به دیوار تکیه می‌دادند و پای آن تشکچه نرمی می‌انداختند تا مهمان روی آن بنشیند. تشکچه را «نالچه» هم می‌گویند.

یکی از تولیدکنندگان لحاف‌تشک‌های پشمی در اردبیل گفت: متأسفانه استفاده از لحاف تشک پشمی چندان استقبال نمی‌شود و عمدتاً لحاف‌های پرشده از الیاف مورد استقبال است.

عباس نمادی تصریح کرد: در گذشته عروس هر چه هم برای جهاز به خانه شوهر نمی‌برد، لحاف تشک پشمی جزو ملزومات جهاز بود.

وی افزود: لحاف‌تشک‌های پشمی به دلیل سازگاری با آب‌وهوای سردسیری اردبیل مناسب این منطقه است و با این وجود مدهای جدید بازار از ارزش آن کاسته است.

● روشنایی قوشا پیلته و لذت با هم بودن

تاریخ برق‌رسانی در اردبیل چندان دور نیست در گذشته پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها برای درس خواندن بعد از غروب



داشت و تمامی پخت‌وپز زنان در ظروف مسی انجام می‌شد.

اصغر زاده نیز در تحقیقات خود به استفاده مکرر از ظروف مسی اشاره دارد و اسباب آشپزی را شامل دیگ‌های کوچک و بزرگ، ماهی تابه، قابلمه، آبکش، طشت، کفگیر و ملاقه، آبگردان و مجمه «مجموعه» مسی، چمچه یا قاشق چوبی، آبکش حصیری و دمکنی حصیری با پارچه روکش ضخیم عنوان کرده است.

وی افزود: در گذشته هر خانواده به فراخور وسع خود ظروف اضافی برای مهمانان تدارک می‌دید و معمولاً ظروف مهمان فقط در مهمانی‌ها استفاده شده و از سوی بانوی خانه با دقت و مراقبت نگهداری می‌شد.

به صورت معمول ورود مهمان و به ویژه مرد غریبه به مطبخ عیب بزرگی محسوب می‌شده است.

حسینی کهن سال اردبیلی در این خصوص گفت: در خانه‌های قدیمی محل تردد مهمان به خانه مشخص و تعریف شده بود و محل تردد اهالی خانه را از آن جدا می‌کردند.

● رختخواب‌های پشمی هنر دست بانوان اردبیلی

یکی از اسباب و لوازمی که در گذشته متداول بوده اما با سبک زندگی تغییر کرده لوازم خواب و استراحت است.

بطوریکه در گذشته بانوان اردبیلی لحاف و تشک با پشم و بالش یا پر مرغ خانگی و غاز و اردک دوخته و مورد استفاده قرار می‌دادند.

اصغر زاده محقق فرهنگ عامیانه اردبیل در این خصوص گفت: رختخواب، تشک، لحاف، متکا و بالش از کرباس سفید تهیه می‌شد و برای تشک از ۹ تا ۱۲ کیلو پشم درون آن جای داده و پهن می‌کردند. تویی را از چند جا با نخ کلفت کوک می‌زنند و بعد رویه می‌کشند.

استفاده از پشم گوسفند برای رخت خواب به دلیل سردسیر بودن این منطقه بوده و حتی در زمستان‌های سرد می‌توانست گرم‌نرم باشد.

وی افزود: در لحاف نیز بعد از پهن کردن دو کیلو پشم در توبره بزرگ پارچه متقال تمامی سطح لحاف در دایره‌های متحدالمرکز دوختی شده و بعد پارچه‌ای را از هر طرف به میزان ۲۰ سانتی‌متر برگردانده و با یک پارچه وسط دیگر رویه می‌کشند.



خاستگاه تئاتر ایران یک سالن دارد / سایه مشکلات بر روی تئاتر تبریز

است.

کارگردان تبریزی به سایر مشکلات سخت‌افزاری این عرصه اشاره می‌کند و اعلام می‌دارد: عدم تعامل بین ادارات، مشکلات فراوانی در این زمینه پدید می‌آورد. مثلاً کارگردان تئاتر برای پذیرش اسپانسر از طرف شرکت‌های مختلف، نیازمند بستریهایی همچون بیلپورد در سطح شهر است تا بتواند در زیر بنر تبلیغاتی نمایشش، از حامی خود نیز یاد کند ولی این امر عملاً برای ما ممکن نیست چراکه تنها دو بیلپورد، سهم اهالی تئاتر از بیلپوردهای فراوان این شهر بزرگ است.

وی تصریح می‌کند: همچنین اینکه هنوز پس از ریزنی و تلاش‌های فراوان، مشکل عدم اعمال قانون یا همان جریمه برای ماشین‌های پارک‌شده در محوطه تئاتر شهر حل نشده، نمودی دیگر از عدم تعامل بین دستگاه‌های مختلف است که عواقبی همچون زدودن مخاطب از سالن‌های تئاتر را به همراه دارد.

وی به مشکلات غیرسخت‌افزاری تئاتر تبریز نیز گریزی می‌زند و تأکید می‌کند: هیئت بازبینی نمایش‌های شهر ما متأسفانه امروز سالن اجرا را در مدت‌زمان بسیار محدود و کمی در اختیار جوانان مستعد این عرصه می‌گذارند و در مقابل به برخی، مدت‌زمان بسیار زیادی برای اجرا اختصاص می‌دهند که در نتیجه جوانان عملاً از فعالیت بازمی‌مانند.

● تئاتر تبریز مشکل دارد

عبداللهی اعلام می‌دارد: تئاتر به گونه‌ای است که فروش بلیط‌ها و استقبال مردم به میزان تبلیغ افراد به یکدیگر وابسته است که نمی‌تواند در روزهای اول موثر باشد. مثلاً در جایی مثل تهران معمولاً یک‌ماه به اجرا اختصاص داده می‌شود.

وی در پاسخ به اینکه آیا در تئاتر تبریز مافیای وجود دارد، ادعا می‌کند: قطعاً! اینکه عده‌ای می‌توانند ۵۰ روز پشت سرهم در همان سالن اجرا داشته باشند و عده‌ای دیگر با اذیت‌های فراوان دوهفته اجازه اجرا می‌گیرند، چیزی جز نشانه وجود تبعیض نیست.

این کارگردان تبریزی با بیان اینکه مشکلاتی این چنینی در تئاتر بیش‌تر از کمبودهای سخت‌افزاری هنرمندان را مورد اذیت قرار می‌دهد، می‌افزاید: حال می‌توان کمبود سالن را با منتظر ماندن یا جا به جا کردن زمان اجراها به عبارتی حل نمود یا تعویق کرد ولی بحث وجود تبعیض و فرق قائل شدن میان هنرمندان، بسیار بدتر بوده و قابل تحمل نیست.

وی همچنین درباره روال مجوزدهی در تبریز اظهار می‌دارد:



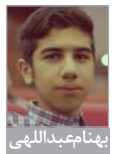
شاید این که تئاتر شهر ما توسط مدیرانی اداره می‌شود که سواد تئاتری ندارند، یا اینکه چقدر گرفتن مجوز از مراکز مربوطه سخت است، مسائلی باشند که فقط کارگردان، تهیه‌کننده یا بازیگر تئاتر قادر به لمس آن است اما این را که تئاتر پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی، فقط یک سالن، آن هم یک سالن غیراستاندارد دارد را هم مسئولان می‌توانند دریابند و هم مردم عادی، یا اینکه تنها استانی که میزبان نمایش خارجی در جشنواره تئاتر فجر بود از حداقل امکانات در زمینه تئاتر بهره می‌برد و با بی‌لطفی خیلی‌ها مواجه می‌شود، می‌تواند برای مردم و مسئولین بسیار غم‌ناک‌تر از پیش باشد. علی‌رغم اینکه این روزها به هر دلیلی علاقه مردم به دیدن نمایش در تئاتر بیش‌تر شده، هیچ‌گونه اقدامی که نشان‌گر علاقه متقابل مسئولین باشد، دیده نمی‌شود. یکی از کارگردانان معترض اوضاع نامساعد تئاتر تبریز می‌گوید: هر سال، تئاتر شهر ما دوماه تعطیل می‌شود که در ۱۰ ماه باقی‌مانده نیز باخطر کمبود سالن، مشکل فشرده‌گی اجراها پیش می‌آید.

● مخاطب‌زدایی یا جریمه کردن ماشین

حسین اصل عبداللهی درباره تنها سالن تئاتر شهر تبریز (تربیت)، تشریح می‌کند: با وجود اینکه اخیراً مرمت‌هایی انجام گرفته ولی هنوز سالن تربیت را از نظر صندلی‌هایش و... نمی‌توان سالن استاندارد دانست.

وی خاطر نشان می‌کند: مدیر قبلی تئاتر وعده‌ای مبنی بر تأسیس یک مجتمع جدید مختص تئاتر شهر در نزدیکی ساختمان لاله‌پارک تبریز داده بود که از لحاظ تجهیزات سخت‌افزاری همچون سالن بهتر از این مجتمع باشد؛ ولی متأسفانه تا به این لحظه، عملی نشده و در دوران مدیر جدید نیز اقدام خاصی در این زمینه صورت نپذیرفته

هنرمندان تئاتر تبریز که از اولین‌های تئاتر ایران به شمار می‌آیند، اکنون در شرایطی سختی به سر می‌برند و این هنر با مشکلات زیربنایی همچون نبود سالن اجرا، دست و پنجه نرم می‌کند.



بهنام عبداللهی

تئاتری که ۱۲۰ سال قدمت دارد، نیازمند حمایت است و قطعاً باید در راستای کسب جایگاه واقعی هنرهای نمایشی تبریز، تلاش مضاعفی انجام دهیم. تئاتر یکی از وسیله‌های تأثیرگذار برای ترویج فرهنگ در جامعه است و در همین راستا مسئولان و مردم باید در کنار هنرمندان باشند. ما این‌همه هنرمند در سطح شهر داریم ولی این امکانات کم، باعث تأسف برای شهرداری، اداره فرهنگ و ارشاد و... است.

باید در گوشه‌گوشه شهر سالن تئاتر داشته باشیم و این مشکل را که یکی از دغدغه‌های بزرگ هنرمندان ماست از بین ببریم. سالن‌های بین‌المللی تبریز قطعاً خواهد توانست بخشی از نیازهای تئاتر شهرمان را برطرف کند...

این‌ها بخشی از اظهارات شهردار کلانشهر تبریز، در اختتامیه دومین جشنواره تئاتر فجر استانی آذربایجان شرقی است که در اواخر دی‌ماه در تبریز برگزار شد. صحبت‌هایی که در کنار وعده‌های دیگر مسئولان همچون نماینده تبریز در مجلس، زهرا ساعی، مبنی بر بیمه‌شدن هنرمندان در آینده‌ای نه‌چندان دور، با به پایان رسیدن سال ۹۵ همچنان به رنگ اقدام و عمل درنیامده که هنرمندان همچنان نمی‌توانند خود را باخطر انتخاب مسیرشان خوشبخت بنامند.

● مشکلاتی که همه می‌توانند ببینند

بزرگ‌ترین توفیقی که جشنواره‌های تئاتری در پی دارند، این است که علاوه بر آن‌هایی که دست‌شان توی کار تئاتر است و همه جوانب آن را هر روز به وضوح می‌بینند، مردم عادی و مسئولان هم بتوانند شاهد گوشه‌ای از کمبودها و گاهی نبوده‌های تئاتر باشند.



و رانندگی ماشین‌های پارک‌شده در محوطه تئاتر شهر کتونی را جرمه نکنند، مصوبه شورای عالی ترافیک است که شهرداری نیز جزئی از آن شورا است ولی کاملاً دست ما نیست. طبق این مصوبه قرار بود حداقل بعد از ظهرها که نمایش‌های اجرا می‌شوند، خودروهای پارک‌شده اعمال قانون نشوند ولی الان بی‌خبرم که در چه حدی اجرا می‌شود.

حاجی‌زاده ضمن اعلام آمادگی شهرداری و شورای شهر تبریز برای جبران کمبودهای سخت‌افزاری تئاتر تبریز، خبر می‌دهد: در نظر داریم برای سال ۲۰۱۸ که در آن تبریز به عنوان پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی خواهد بود، به غیر از مرکز همایش‌های بین‌المللی تبریز که اوایل سال آینده احداث می‌شود، به‌فکر تاسیس سالن‌های دیگر نیز در گوشه‌گوشه شهر باشیم.

● مسئولان فرهنگی و هنری ما، تئاتر نمی‌بینند

اینکه مشکلات زیربنایی و زیرساختی تئاتر تبریز را به این چند قلم مسئله اتکا کنیم، درست نیست. امروز تک تک اهالی تئاتر به نوعی از شرایط نامساعد چه از لحاظ امکانات سخت‌افزاری و چه از لحاظ توجهات معنوی، معترض هستند و به نظر می‌رسد تعداد اقداماتی که در این زمینه انجام شده، کم‌تر از وعده‌های بدون پشتوانه‌ای است که خرج شده است.

فارغ از اینکه تئاتر شهرمان ۱۲۰ سال قدمت دارد، حداقل به حرمت جوانانی که شبانه‌روز بدون داشتن هیچ‌گونه چشم‌داشت مادی روی صحنه‌ها و پشت‌صحنه‌های تئاتر زحمت می‌کشند تا بیلبورد نمایش‌های تبریز خالی نماند، مسئولان باید فکری به‌حال تئاتر پایتخت گردشگری جهان اسلام که فقط یک سالن دارد، بکنند.

البته با در نظر داشتن اینکه مسئولان فرهنگی و هنری ما چه در زمینه سینما و چه تئاتر، تنها در افتتاحیه‌ها و اختتامیه‌ها حضور می‌یابند که آن هم بعد از اتمام سخنرانی خویش، اقدام به ترک سالن می‌کنند، پس نباید از مدیران فرهنگی‌مان که حتی چند دقیقه برای دیدن یک نمایش اختصاص نمی‌دهند، انتظار اقدام و عمل‌هایی مثبت و مفید باشیم.

شواهدی که نه‌تنها در اختیار اصحاب تئاتر، بلکه در دست مخاطبان عام نیز هست، خبر از سایه انداختن مشکلات بر تئاتر تبریز می‌دهند و نتیجه طلوع نکردن استعدادها را همان سایه سنگین و ننگین می‌دانند. البته شاید مسئولانی، بهتر از هرکسی به این مسئله واقف باشند ولی عدم مقابله با چنین پدیده‌های اسف‌باری، شک و شبهاتی به وجود می‌آورد که شاید همین روزها منجر به خالی شدن صحنه و صندلی‌های تئاتر شود.

در استانداری آذربایجان شرقی انجام شد، قرار شد طرح نیمه‌تمام مجتمع جدید تئاتر شهر تبریز که از ۱۰ سال پیش آغاز شده اتمام یابد.

عضو شورای شهر می‌افزاید: این مجتمع از دولت هفتم یا هشتم آغاز شده ولی متأسفانه امروز فقط ۱۰ درصد پیشرفت کرده است.

وی درباره علت پیشرفت ناچیز مجتمع جدید تئاتر شهر ادعا می‌کند: باتوجه به اینکه این طرح، ملی است، علت را عدم تخصیص منابع مالی اعلام کرده‌اند ولی امسال که شهرداری تبریز ۳ میلیارد تومان بودجه برای کمک به ساخت این طرح در نظر گرفته بود، با عدم موافقت اداره فرهنگ و ارشاد استان که مجری آن است، مواجه شد و عملاً ادامه این پروژه به شهرداری تبریز واگذار نشد.

حاجی‌زاده ادامه می‌دهد: ما مجبور شدیم بودجه‌ای را که برای آن طرح در نظر گرفته بودیم، برای تسریع در تاسیس مرکز همایش‌های بین‌المللی تبریز در منطقه خاوران اختصاص دهیم. و مخالفت اداره فرهنگ و ارشاد آذربایجان شرقی، جای تأسف داشت.

وی درباره علت عدم پذیرش بودجه پیشنهادی شهرداری مدعی می‌شود: اداره فرهنگ و ارشاد مایل بود که آن طرح را بنابر برنامه‌ریزی خود، به صورت مختار ادامه دهد زیرا مذاکرات این پروژه در حد وزارتی صوت گرفته بود.

● مرکز همایش‌های بین‌المللی تبریز، مسکن تئاتر شهر

حاجی‌زاده همچنین با برشمردن اقدامات صورت‌گرفته توسط شهرداری در پیرامون تئاتر تبریز می‌گوید: امسال مجموعه تئاتر شهر تبریز به همت شهرداری مرمت شد تا هنرمندان بتوانند با حداقل امکانات از فعالیت خود بازمانند.

وی درباره مرکز همایش‌های بین‌المللی تبریز اظهار می‌دارد: این مرکز که ظرفیت حضور ۲۵۰۰ نفر را به صورت همزمان در تالارهای مختلف خود دارد، یک اتفاق بزرگ در زمینه هنر و نمایش شهر به شمار می‌آید و می‌تواند جای خالی سالن نمایش را در تئاتر تبریز پر کند. همچنین ما مکان مناسبی برای برگزاری مناسبت‌های مختلف نداشتیم که با احداث این مرکز حل خواهد شد. رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر تبریز درباره عدم تعامل بین ارگان‌های مختلف در زمینه تئاتر می‌گوید: در اکثر موارد تعامل از طرف شهرداری انجام می‌گیرد ولی طرف‌های مقابل کم‌لطفی می‌کنند، مثل عدم موافقت اداره ارشاد با همکاری شهرداری در زمینه ساخت مجتمع جدید تئاتر شهر.

وی همچنین تشریح می‌کند: اینکه مأموران راهنمایی

معمولاً در شهرهای دیگر یک‌نفر از اداره اماکن در ارشاد مأمور می‌شود تا به‌عنوان نماینده آن اداره، در بحث دادن مجوز اجراها، دخیل باشد ولی در شهر ما این‌گونه نیست و هنرمندان ما مجبورند برای هر اجرا به اداره اماکن مراجعه کرده و مورد اذیت قرار گیرند. با فرماندار تبریز در این زمینه صحبت کردیم ولی هنوز هیچ تغییری انجام نشده است.

عبداللهی در پایان با اشاره به اینکه هنرمند با هنرمند هیچ تفاوتی ندارد، متذکر می‌شود: همه هنرمندان برای این شهر و این سرزمین فعالیت می‌کنند پس نباید با برخی تبعیض‌ها، مانع راه انسان شویم.

اینکه گوش‌مان هنگام شنیدن واژه تبعیض زنگ نمی‌زد، عجیب نیست: اگر در یکی از جشنواره‌ها حضور یابید، در لایه‌لای انتقادهای اهالی تئاتر روی صحنه، حتماً رگه‌هایی ناملموس از پارت بازی به گوش‌تان خواهد خورد.

● بزرگ‌ترین دغدغه تئاتر تبریز، نبود مشکلات سخت‌افزاری است

پیش‌تر علیرضا رنجی‌پور که یکی از چهره‌های آشنای نمایش و تئاتر تبریز است، با جدایی از گروه هنری بابک نهرین و اعلام اعتراضات مکرر خود از اوضاع تئاتر تبریز، به وجود مشکلات در تئاتر تبریز اشاره کرده بود.

اما سوال مهمی که در این میان پیش می‌آید، این است که آیا نبود امکانات کافی باعث رشد و به‌وجود آمدن مشکلات شده یا انحصاری شدن برخی تجهیزات و امکانات مادی و معنوی عامل کمبود و عدم پراکندگی یکسان امکانات بوده است؟

به هر صورت، اگر نیمی از مشکلات پیش آمده چه معنوی و چه مادی تقصیر خود اهالی تئاتر باشد، عامل دیگر کم‌لطفی و بی‌توجهی مسئولان شهری و استانی بوده است.

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر تبریز درباره تئاتر تبریز اظهار می‌دارد: تبریز قدیمی‌ترین شهری است که در زمینه تئاتر فعالیت‌اش را آغاز کرده و از ۱۷ مکتب هنری، دارای مکتب اختصاصی است و امروزه نیز افراد مستعدی در این زمینه مشغول فعالیت‌اند.

سعید حاجی‌زاده درباره مشکلات روز تئاتر تبریز تشریح می‌کند: بزرگ‌ترین دغدغه و کمبود در حوزه هنر نمایش استان و شهر ما، نبود امکانات سخت‌افزاری است.

● مجتمع جدید تئاتر شهر، در ۱۰ سال فقط ۱۰ درصد رشد داشته است

وی خاطر نشان می‌کند: بر اساس مصوبه کمیسیون فرهنگی شورای شهر و توافقی که پارسال با وزیر وقت





■ «شهین»، «خمسه»، «زنگان»، یا «زنجان» نام‌های شهری است که در تاریخ سه بار ویران و هر بار باشکوه‌تر از قبل احیاشده اما امروز با گسترش بناهای غریب با معماری اصیل دیگر خبری از اصالت گذشته نیست.

■ بناها و خانه‌های ارزشمند و تاریخی، تکیه‌های مرمت‌شده و جای خالی چنارها در بافت تاریخی گرگان سندی ارزشمند و مهر تأییدی بر قدمت تاریخی و غنای فرهنگی منطقه استرآباد یا گرگان قدیم است.

■ طوفان شن در شرق کرمان بقایای یک تمدن تاریخی را از دل خاک خارج کرده است و تصاویر منتشر شده و گزارش‌های محلی بر این امر صحه گذاشته اند اما میراث فرهنگی انکار می کند.

میراث ایران

«ارسباران» بریده از زمین، نرسیده به آسمان / شمالی تازه در آذربایجان



اگر آدرس جنگل‌های سبز ارسباران را بخواهید، جایی گسیخته از زمین و نرسیده به آسمان است. حضور برای علاقه‌مندان دیدار قطعه‌ای از بهشت ایران زمین توصیه می‌شود.

«شهری دور افتاده و خواب‌آلود در میان کوه‌های سر به فلک کشیده‌ای که قله‌هایشان در زیر مه غلیظ از دیده پنهان شده‌اند. مکانی است عالی! به طراوت و سرسبزی اروپا، و ورای ذهنیت ما از طبیعت خشک و کویری ایران». این‌ها بخشی از اظهارات یک گردشگر کانادایی درباره شهرستان کلیبر آذربایجان شرقی و طبیعت آن است. باور می‌کنید؟ جایی که زیاد فکرش را نمی‌کنیم و روی آن حساب باز نمی‌کنیم در نظر دیگران یک بهشت پنهان و طبیعی ورای ذهنیت یاد می‌شود. باور نمی‌کنید و باور نمی‌کنیم که با رخ نشان دادن یک تعطیلی کوچک در تقویم جیبی‌مان، خنده‌ای سبز به روی لب‌مان می‌نشیند و بار و بندیل خود را برای سفری سبز آماده می‌کنیم، برای همان مقصد همیشگی: شمال و شمالی‌ها!

انسان را از هر طرف که مورد ارزیابی قرار دهیم، با تمام روح و جان و احساس و عواطف خود سفر می‌طلبد و آن را یکی از ضرورت‌های زندگی‌اش می‌داند. مخصوصاً وقتی آب و هوا خوب می‌شود و طبیعت اندکی روی خوش به روی آدم‌ها نشان می‌دهد، علاقه افراد به سفر و مسافرت بیش از قبل می‌شود. اما این که ما فقط یاد گرفته‌ایم واژه سفر، واژه سبز و... را فقط از یک مسیر معنا کنیم، کمی نامطلوب به نظر می‌رسد. شاید برای همان گردشگر کانادایی که کلیبر و طبیعتش را مقصد خود قرار داده بود، باورش سخت باشد ایرانی‌هایی که وسط چهار فصل زندگی می‌کنند فقط یک معنا از طبیعت و گردش را بلد باشند.

● شمال کشف نشده

اما دیگر وقتش رسیده طبیعت سبز را در همین نزدیکی‌ها بجوییم. طبیعت را با تمام چهره‌های خوب و خشن آن در جاهای نزدیک ببینیم. اصلاً این گزارش نوشته شده است تا دست شما را بگیرد و ببرد به یک شمال کشف‌نشده در آذربایجان شرقی.

همانطور که از اظهارات گردشگران خارجی می‌توان دریافت، اصلی‌ترین و محکم‌ترین معرف شهرستان کلیبر، همان طبیعت بکر آن است یعنی جنگل‌های «ارسباران». همان طبیعتی که واژه‌نامه‌ای گسترده از پدیده‌های طبیعی مختلف به تالیف خدا تلقی می‌شود. همان طبیعتی که می‌تواند گردش در آن، درصدی از لذت قدم زدن در بهشت را در همین دنیا به ما بچشاند.

پیش از هر چیز باید اظهار داشت که چندسال قبل جنگل‌های ارسباران شهرستان کلیبر توسط سازمان بین‌المللی یونسکو به عنوان یک زیست‌کره معرفی شد که بیش از پیش از اهمیت این طبیعت خبر می‌دهد و لازم نیست برای اثبات ادعای یونسکو دلایلی روشن‌تر از هوای جنگل‌های ارسباران و سبوتر از درختان آن بیاوریم.

اگر آدرس جنگل‌های سبز ارسباران را بخواهید، جایی گسیخته از زمین و نرسیده به آسمان است. همان نقطه تلاقی چندین آب و هوا و چندین رنگ و بوست که در نتیجه یک بهشت تمام عیار می‌سازد. ارسباران علاوه

بر آن که تحت تاثیر اقلیم مدیترانه‌ای است در شعاع اثر اقلیم‌های خزر و قفقازی نیز قرار دارد و به دلیل وجود اختلاف ارتفاع زیاد از آب و هوا و اقلیم‌های متنوعی برخوردار است. اما یادتان باشد یکی از لازمه‌های سفر به جنگل‌های ارسباران دعاست! وقتی بار و بندیل‌تان را جمع می‌کنید حتماً از خدا بخواهید که ارسباران را با حال و هوای بارانی‌اش به شما معرفی کند چرا که بهشت‌های نم و خیس، بیش‌تر با روحیات انسان همراهی می‌کنند.

● تنوعی به وسعت ارسباران

گفتیم که تنوع یکی از نزدیک‌ترین واژه‌هاست به ارسباران. بدین معنا که هر نوع پدیده طبیعی که ذهن‌تان باور نمی‌کند ولی دل‌تان می‌خواهد، به چشمان‌تان خواهد خورد. البته تا یادمان رفته بگوییم که جنگل‌های ارسباران اکنون به عنوان پارک ملی ایران نیز ثبت شده است. چرا که در طول تاریخ به دلیل دارا بودن تنوع زیستگاهی و چشم‌اندازهای بکر و ناب مورد آسیب قرار می‌گرفت و پس از چند دوره منطقه ممنوعه و منطقه حفاظت‌شده بودن، اکنون به عنوان پارک ملی شناخته شده است.

در این پارک ملی ۲۲۰ گونه پرنده، ۳۳۸ گونه خزنده، ۵ گونه دوزیست، ۴۸ گونه پستاندار و ۲۲ گونه ماهی به چشم خورده است. این را می‌گوییم که وقتی در جاده‌های منتهی به بهشت ارسباران پنجره را باز کردید و دل‌تان را بارانی کردید، از دیدن تابلوهایی که عکس خرس و گرگ و گراز و... دارند نهراسید و اندکی آماده‌تر به آن وادی قدم بگذارید.

هرچند تمام بخش‌های این جنگل‌ها را به خاطر وجود همین خطرات نمی‌توان رفت و دید ولی محیط‌هایی در این جنگل وجود دارند که در گذر زمان و عبور و مرور فراوان گردشگران آن‌ها را به عنوان جاذبه‌های گردشگری این منطقه معرفی کرده است.

ارسباران سه نقطه دارد. این سه مکان که در مجاورت جاده کلیبر-عاشق‌لو قرار گرفته‌اند عبارتند از قلعه بابک، دره میکیدی و آینالو.

در حقیقت اگر بخواهیم اهمیت و زیبایی این سه مکان را در مجموعه جنگل‌های ارسباران معرفی کنیم، باید بگوییم که بدون آن‌ها شاید جنگل‌های ارسباران مثل هزاران هزار جنگل دیگر، ته نقشه ایران رها می‌شد و قدم‌های

مردمان را بر خود نمی‌دید. البته زیارتگاه‌ها و مکان‌های دیگری هم هستند که بر ارزش گردشگری این مجموعه می‌افزایند ولی به دلیل اینکه زیاد مورد توجه مسافران و بازدید آن‌ها قرار نگرفته‌اند هنوز از آن‌ها چندان یاد نمی‌شود. بازدید از چنین مکان‌هایی که بیش‌تر مورد بازدید و تردد افراد قرار می‌گیرند، بیش‌تر به شما پیشنهاد می‌شود تا نقاط کشف‌نشده و اعماق این جنگل زیبا اما پرخطر. حتی ایام غیر تعطیل و روزهای عادی که اتفاقاً تابستان نیز نباشد، باز همان سه نقطه گردشگری نیز برای یک مسافر تنها و بدون تجهیزات مورد نیاز می‌تواند بسیار مخوف باشد. همه این‌ها را نگفتیم که باعث ترس شما بشود، بلکه گفتیم تا مشوقی باشد برای اینکه هنگام سفر تا می‌توانید دست آشنايان خودتان را بگیرید و باهم به این سفر بروید.

گونه‌هایی چون کیکم، سماق، زرشک، انار، زغال‌اخته، سیب و گلابی وحشی و تمشک از جمله غذاهای جنگلی این منطقه محسوب می‌شوند اما برگردیم به بحث تنوع؛ حتی درختانی که سایه سبزشان را بر این جنگل‌ها گسترانده‌اند، هم خودشان و هم میوه‌هایشان از گوناگونی بسیاری برخوردارند. برای مثال گونه‌هایی چون کیکم، سماق، زرشک، انار، زغال‌اخته، سیب و گلابی وحشی و تمشک از جمله غذاهای جنگلی این منطقه محسوب می‌شوند.

البته این را هم در نظر داشته باشید که شما به یکی از قطب‌های بیلاقی ایران سفر می‌کنید و ممکن است یکی از دیدنی‌ترین صحنه‌های جلوی چشم‌تان همین مناظری باشد که بیلاقی‌ها پدید می‌آورند.

«ایل بسطاملو» در مراتع بین شجاع آباد و قلعه بابک، چیزلی و آقداش از جمله دیدنی‌ترین بیلاقی‌ها هستند که با مشاهده آن‌ها می‌توانید به بخش عظیمی از فرهنگ بیلاقی منطقه پی ببرید.

در اینکه به منطقه‌ای سفر کرده‌اید که آب و هوای خنک و سردی دارد شک نکنید و حتماً لوازم و لباس گرم به همراه داشته باشید، اما چشمه‌های آب گرم ارسباران که در زمهره جاذبه‌های گردشگری هستند به کمک شما خواهند آمد.

● بزرگ‌ترین مجتمع آبدرمانی کشور

تاسیسات آبدرمانی کلیبر بزرگ‌ترین مجتمع آبدرمانی

کشور است. این مجتمع در نزدیکی روستای متاللی احداث شده و شامل استخرهای سرپوشیده مجزا و امکانات فراوان است که همیشه آغوش گرم خود را به روی گردشگران باز کرده است. یکی از دلایلی که باعث می‌شود آنجا به اندازه جنگل‌های شمالی گردشگر نداشته باشد، همین بحث نبود امکانات زیرساختی است.

وقتی می‌بینیم مجموعه‌های تازه‌تاسیس هم در سطح و هم در بطن مکان‌های طبیعی و گردشگری می‌توانند در زمره جاذبه‌های گردشگری قرار بگیرند، چرا نباید دست به ساخت چنین مکان‌هایی بزنیم؟ از خوبی‌ها و زیبایی‌های کلیبر و مجموعه جنگل‌های ارسباران گفتیم اما شاید امروزه یکی از دلایلی که باعث می‌شود آنجا به اندازه جنگل‌های شمالی گردشگر نداشته باشد، همین بحث نبود امکانات زیرساختی است.

هرچند تعدادی هتل هم در نواحی ساخته شده ولی قطعاً برای تبدیل یک منطقه به یک قطب گردشگری امکانات و تجهیزاتی فراتر و زیربنایی‌تر از این موارد نیازمان خواهد بود.

● شناسایی ۷۵۰ نوع گونه گیاهی در جنگل‌های ارسباران

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری آذربایجان شرقی می‌گوید: مساحت جنگل‌های استان ۱۹۰ هکتار است که از این میان ۱۶۴ هزار هکتار مربوط به جنگل‌های ارسباران است که در ۵۵۰ هزار هکتار مساحت استان پراکنده شده است. تنوع گونه‌های گیاهی جنگل‌های ارسباران بسیار زیاد و با اهمیت است. اکثر درختان این منطقه از بلوط تشکیل شده ولی اهمیت عمده این جنگل‌ها به دلیل ذخیره‌گاه بودن آن و تنوع زیستی فراوان آن است.

داور نامدار با اشاره به محدوده جغرافیایی جنگل‌های ارسباران می‌افزاید: این جنگل در شمالی‌ترین منطقه آذربایجان شرقی در پنج شهرستان کلیبر، ورزقان، اهر، هوراند، خداآفرین و جلفا واقع شده است.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری آذربایجان شرقی با اشاره به تنوع پوشش گیاهی این منطقه می‌گوید: ۷۵۰ نوع گونه گیاهی در جنگل‌های منطقه ارسباران شناسایی شده که از این تعداد گونه گیاهی شناسایی شده بیش از ۵۰ نوع منحصرمختص جنگل‌های ارسباران است و جنگل‌های ارسباران به لحاظ گونه‌های گیاهی و ذخیره‌گاه بودن، یک پنجم نواحی پوششی ایران را به خود اختصاص می‌دهد.

در صورت واقع‌بینانه جنگل‌های ارسباران را می‌توان یکی از پربازدیدترین مقاصد گردشگری آذربایجان شرقی به شمار آورد ولی آمار گردشگران به هیچ وجه قابل مقایسه با جنگل‌های شمال کشور نیست و اصلی‌ترین علت آن را عدم اطلاع‌رسانی کافی در زمینه گردشگری می‌توان دانست.

حداقل اگر همچون گردشگران خارجی در سال ۲۰۱۸ تبریز را به عنوان پایتخت گردشگری جهان اسلام مقصد سفر خود قرار دادید، لذت دیدن یک شمال تازه را از دست ندهید. حضور در جنگل‌های ارسباران برای اشخاص عجل در زمینه دیدن بهشت، شدیداً توصیه می‌شود!



بناهای بی هویت در خاستگاه اصیلترین سبک معماری؛ شهر ۳۰۰ ساله



زهرامقدمی

«شهین»، «خمس»، «زنگان»، یا «زنجان» نام‌های شهری است که در تاریخ سه بار ویران و هر بار باشکوه‌تر از قبل احیاء شده اما امروز با گسترش بناهای غریب با معماری اصیل دیگر خبری از اصالت گذشته نیست.

خانه‌های قدیمی و معماری بومی و اصیل بخشی از حافظه تاریخی یک شهرند. آن‌وقت‌ها که هنوز مردمان شهر در آهن و فولاد محصور نشده بودند، با خاک و سنگ آب و آفتاب در بستر آگاهی و تجربه‌های دیرین، فضاهایی را سامان دادند که امروزه یادگارهای آن جزو میراث فرهنگی ما و آیندگان سرزمین است.

باگذشت زمان ساختار معماری در محیط جغرافیایی استان‌ها تغییر کرده است در صورتی‌که سبک معماری بومی، اصیل و تاریخی خاص هر استان بر اساس اقلیم، مصالح بومی، فرهنگ و سبک زندگی مردم هر استان طراحی می‌شده است.

«خبرگزاری مهر» در مجموعه گزارش‌هایی در راستای تبیین رویکرد سند چشم‌انداز مبنی بر ترویج سبک زندگی و معماری ایرانی اسلامی به دنبال احیای مفهوم خانه در جامعه ایرانی از طریق کار رسانه‌ای بوده است و در این راستا سلسله گزارش‌هایی از استان‌های مختلف با عنوان «نقش خانه در سبک زندگی ایرانی-اسلامی» منتشر شده است. در این گزارش‌ها به نقشه، مصالح، المان‌ها، هویت عناصر، طراحی و سبک زندگی مردم هر استان در این خانه‌ها پرداخته شده و ضمن توصیف و تشریح ویژگی‌های خانه‌های تاریخی و معماری ایرانی-اسلامی با مسئولان مرتبط، اهل فن، اساتید دانشگاه، پژوهشگران حوزه معماری و شهرسازی و معماران نیز صحبت شده است.

در این گزارش به سراغ معماری اصیل غرب ایران رفته‌ایم، جایی که پیش از این خانه‌های متراکم، طاق‌های زیبا و نماهای رو به آفتاب منادی سبک معماری اصیل این منطقه بوده است.

● شهری با تاریخ سه‌هزار ساله

شهین، خمس، زنگان یا زنجان همه نام‌های شهری است که طی تاریخ سه‌هزارساله‌اش سه بار ویران و هر بار باشکوه‌تر از گذشته احیاء شده است و می‌توان این تولد دوباره را در تک خانه‌ها و بناهای قدیمی و زیبایش جستجو کرد.

بنای شهر زنجان در زمان اردشیر بابکان ساخته شده و در آن زمان نام شهین یعنی منسوب به شاه به آن اطلاق می‌شده است و از اواخر دوره قاجاریه به علت استقرار ایل خمس نام خمس نیز بر آن نهاده شد.

شهر زنجان تا اواخر قرن نهم هجری قمری غیرمسکونی و مخروبه بوده است. در دوران صفویه که آرامش نسبی در منطقه حاکم بوده شهر تجدید بنا شده و مجدداً تکاپوی حیات در آن آغاز شده است. حال با مرور گزارش سیاحان و جهانگردان و همچنین مطالعه متون تاریخی و بررسی‌های باستان‌شناسی معلوم می‌شود علی‌رغم قدمت سه‌هزارساله، همه آثار فعلی و بافت شهری زنجان نسبتاً جدید است.

به‌عبارت‌دیگر با عنایت به آنچه اجمالاً بیان شد شهر زنجان در دوره‌های مختلف بر اثر هجوم دشمن تخریب

و به‌مرور شهر جدید بر روی خرابه‌های قدیمی احیاء شده است؛ بااین‌حال معماری اصیل زنجان همچنان با شاخص‌ها و مؤلفه‌های ناب خود شناخته شده است.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان زنجان بایان اینکه دوره‌های مختلف تاریخی نقش چشمگیری در شکل‌گیری سبک‌های معماری در این استان داشته است، گفت: دوره‌های سبک خراسانی، سبک رازی و سبک آذری دوره‌هایی بوده‌اند که هنر معماری ایران در این منطقه تجربه کرده است.

● بزرگ‌ترین و اصیلترین شناسنامه سبک معماری آذربایجانی در استان زنجان شامل گنبد تاریخی و عظیم سلطانیه است

یحیی رحمتی با بیان اینکه «سبک آذری»، سبکی بوده که خاستگاه آن منطقه آذربایجان است، افزود: بزرگ‌ترین و اصیل‌ترین شناسنامه سبک معماری آذربایجانی در استان زنجان است که شامل گنبد تاریخی و عظیم سلطانیه است. وی ادامه داد: در دوره سبک آذری به لحاظ استفاده از آرایه‌ها و تزئینات به کار رفته در بناها و ساختمان‌ها، دوره شکوفایی معماری ایرانی محسوب می‌شود.

رحمتی، استفاده از سفالینه‌های زرین‌فام در بناها، استفاده از حجم زیاد سفال با رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی را از ویژگی‌های سبک آذری دانست که این سبک را با سایر سبک‌ها دارای تفاوت‌هایی کرده است.

● سبک معماری آذری جایگاه خاصی در ساخت‌وساز بناهای زنجان دارد

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان زنجان سبک معماری آذری جایگاه ویژه‌ای در ساخت‌وساز بناها در استان زنجان دارد، افزود: گنبد سلطانیه در شکل‌گیری مؤلفه‌های معماری در دوران بعد از خودش مؤثر بوده است.

رحمتی افزود: شاخص‌ترین اثر معماری قبل از اسلام تخت جمشید بوده است و شاخص‌ترین بنای معماری بعد از اسلام گنبد سلطانیه محسوب می‌شود.

وی با بیان اینکه تخت جمشید هیچ اثربخشی و تأثیری بر معماری بعد از خودش نداشته است، افزود: این در

حالی است که گنبد سلطانیه تأثیرشگرفی بر معماری بعد از خودش داشته است و این امر نیز در شکل‌گیری سلاطین معماری منطقه تأثیرگذار بوده است.

وی با یادآوری ویرانی شهر زنجان در طی چهار دوره تاریخی بر اثر بلایای طبیعی و مسائل سیاسی همانند فتنه بابیه، افزود: با توجه به بلایای طبیعی و اتفاقی همانند فتنه بابیه که برای شهر زنجان رخ داده و باعث ویرانی شهر زنجان در دفعات مختلف شده است، بناهای تاریخی این شهر دارای عمق تاریخی زیادی نیستند.

رحمتی یادآور شد: بر اثر فتنه بابیه که در زنجان اتفاق می‌افتد اکثر خانه‌های متولین زنجانی از بین می‌رود و هیچ بنای عظیمی به غیر از چند بنا مربوط به قبل دوره ناصری در شهر زنجان دیده نمی‌شود.

وی ادامه داد: باوجود همه نامالیات و ویرانی‌های طبیعی و سیاسی باز رشد معماری و بناهای تاریخی زنجان از حرکت خود نمی‌ایستد و آثار ارزشمند تاریخی به‌صورت تک بنا و حتی بافت‌های ارزشمند تاریخی در شهر زنجان وجود دارند.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان زنجان از بازار زنجان و بافت پیرامونی آن به‌عنوان بافت‌های تاریخی ارزشمند تاریخی یاد کرد و گفت: بازار زنجان مجموعه بناها و آثار ارزشمند تاریخی شهر زنجان را شکل می‌دهند.

وی با اشاره به بناهای تاریخی زنجان در محدوده بازار زنجان، دوازده رشت، دوازده ارگ، میربها و محله حسینی اعظم، گفت: تک بناهایی که در زنجان شکل گرفته تابع اقلیم و آب و هوای و شرایط معماری منطقه بوده است. رحمتی افزود: بناهای تاریخی شناسایی‌شده در شهر زنجان شامل خانه ذوالفقاری‌ها، خدیوی‌ها، جمالی‌ها، ضیایی، باخ و مجموعه خانه باغ‌های معین و حکیمیان است.

● در خانه‌های قدیمی زنجان گل و آجر خام به‌عنوان مصالح اصلی بودند

وی گفت: در خانه‌های قدیمی زنجان «گل» و «آجر خام» به‌عنوان مصالح اصلی بوده‌اند و در برخی از خانه‌ها و عمارت‌های تاریخی همانند خانه جمالی‌ها، خانه‌های ذوالفقاری، حکیمیان و وزیری‌ها ترکیب آجر و ساروج مورد

معاير شهر زنجان اشاره كرد و گفت: اغلب كوچه‌ها در جهت شمالی - جنوبی فرم گرفته‌اند زیرا شديدترين بادها در زنجان كه غالب بادهای استان است از سمت مغرب به جنوب غربی می‌وزد و كوچه و معاير شهر غالباً با ورزش باد هماهنگ ساخته شده‌اند.

وی ادامه داد: این موضوع در معماری خانه‌ها تغيير محسوسي ايجاد نكرده است و در معماری منازل بيشتر تابش آفتاب در نظر گرفته شده است و جبهه اصلی ساختمان در جهت تابش آفتاب بنا شده است. همچنین به علت بارندگی اندك در شهر باهما به شكل مسطح طراحی شده است.

وی ادامه داد: بافت شهری زنجان به صورت متراكم بوده كه علت اصلی تراكم ساختمان‌ها در كنار هم سرمایه شديده و كوهستانی بودن منطقه و ارتفاع زیادی است كه نسبت به سطح دریا دارد.

گنجی متذكر شد: فضاهای شهری به صورت كوچك ساخته شده است تا دسترسی به امکانات شهری و فضاهای مختلف با کاربری‌های متفاوت اداری، اقتصادی، مسكونی و تجاری برای اكثريت ساكنان شهر فراهم شود.

این استاد دانشگاه افزود: جهت آفتاب و عوارض زمین عامل تعيين كننده و در نحوه استقرار و گسترش و سیمای کلی شهر بوده است و كوچه و معاير شهر به موازات خط تراز زمین و اغلب با عرض كم به دليل سرمایه بسیار زیاد و برودت زیاد هوا شكل گرفته است.

به گفته گنجی خاستگاه اولیه شهر محدود به محور خیابان‌های خیام، سعدی جنوبی تا تقاطع امام و خیابان فردوسی است كه مجموعه تجاری بازار نیز در آن قرار دارد. این استاد معماری افزود: پس از آن گسترش شهر تا قلعه كنونی دارای شبکه ارتباطی پیچ در پیچ و با زاویه‌ای تند بوده كه حكایت از ترس و وحشت اهالی از حملات دشمن دارد كه بارها در طول تاریخ حیات خود آن را لمس کرده اند و منطقه مرکزی شهر به لحاظ قدمت تاریخی و عوامل و مصالح ناپایدار خشت و گل دارای بافت پوشیده شهری است.

گنجی افزود: به استثنای مجموعه تجاری بازار و تك بناهای محلود، بقیه بناها تقریباً فاقد ارزش معماری و بافت شهری است و به لحاظ بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی و سرآبر شدن آب‌های زائد و سطح الارضی در منطقه كه موجب گرفتگی فاضلاب‌ها و قنات‌های قدیمی است موجب رطوبت دائمی بناها شده و این پوسیدگی را تشدید کرده است و به علت كمبود فضاهای تنفسی مثل فضاهای باز و فضاهای سبز و آموزشی و ... زندگی شهری در این منطقه مرکزی شهر به مخاطره انداخته است.

وی با اشاره به مصالح استفاده شده در بناهای قدیمی و تاریخی شهر زنجان گفت: عمده مصالح استفاده شده از آجر با خشت و چوب است و در بعضی از بناها از سنگ‌های قدیمی استفاده شده است. از سنگ در چینش پی بناها به عنوان سنگ لاشه استفاده کرده اند و ملات در قسمت پی به صورت شفته آهك استفاده شده است. همچنین در راه‌پله‌های بناها بعد از خشت و آجر گذاری از ملات برای پر كردن آن‌ها استفاده کرده اند.

گنجی در مورد خصوصیات بافت شهری و روستایی در زنجان، افزود: بافت شهری و روستایی به صورت متراكم بوده است (به دليل سردسیر و كوهستانی بودن منطقه و ارتفاع زیادی كه نسبت به سطح دریا دارد) و فضاهای شهری به صورت كوچك ساخته می‌شود تا دسترسی به امکانات شهری و فضاهای با کاربردهای متفاوت مانند (اداری - اقتصادی - مسكونی - تجاری و ...) فراهم باشد.

وی با بیان اینکه ابنیه به صورت متصل به هم ساخته شده است، گفت: جهت آفتاب و عوارض زمین عامل تعيين كننده و در نحوه استقرار، گسترش و سیمای کلی در شهر و روستا بوده است. كوچه‌ها و معاير اصلی به موازات خط تراز زمین و اغلب با عرض كم به دليل سرمایه بسیار زیاد

وی با بیان اینکه در خانه‌های قدیمی زنجان اتاقی به نام «صندوقچه خانه» وجود داشت، ادامه داد: در خانه‌های قدیمی زنجان، اتاقی به نام «قوناق اتاقی» وجود داشت كه در ورودی خانه بود و در اندرونی میهمان نمی‌توانست حضور پیدا كند.

رحمتی با بیان اینکه در خانه‌های قدیمی زنجان فضاها دارای كاركردهای مختلفی بودند، افزود: در خانه‌های قدیمی زنجان، اتاقی به نام «ته سان» وجود داشت كه تنور و سایر بخش‌های مربوط به مطبخ در این اتاق بود و عموماً دارای درودیوار سیاه و دودی و دارای سقف بلند بود.

متأسفانه با وجود خانواده‌های اصیل در زنجان، اثری از محل سكونتشان نمانده كه این امر شاید ناشی از مهم نبودن این بناها برای نوادگانشان بوده است.

رحمتی افزود: متأسفانه با وجود خانواده‌های اصیل در زنجان، اثری از محل سكونتشان نمانده كه این امر شاید ناشی از مهم نبودن این بناها برای نوادگانشان بوده است. مدیركل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان افزود: در برخی شهرها همانند كاشان و اصفهان خانه‌های تاریخی به نام خاندان‌های مهم است همانند خانه عامری‌ها، بروجرودی‌ها، خانه وزیری‌ها و غیره كه این امر در زنجان چندان وجود ندارد.

رحمتی با بیان اینکه متأسفانه در زنجان به دليل ضعف مدیریت شهری و نبود حساسیت روی موضوع این خانه‌ها از بین رفته‌اند، افزود: امروز اگر از خاندان وزیری‌های صحبت



شود، خانه و بنایی از محل سكونت این خاندان نمانده است. در حالی كه اگر تصاویر زنجان قدیم را نگاه كنیم یکی از خانه‌های قدیمی و زیبای زنجان خانه وزیری‌ها بوده است كه هم‌اكنون اثری از این بنا نیست.

● هماهنگی بناها با اقلیم منطقه

استاد معماری دانشگاه‌های استان زنجان هم به مهر گفت: از نظر توپوگرافی شهرستان زنجان منطقه‌ای كوهستانی است كه به صورت فلات مرتفعی خودنمایی می‌كند. تجزیه رودخانه‌ها، جلگه‌های حاصل خیز مستقلى را تشكيل داده و ناهمواری‌ها منطقه را به كوه‌های زنجان شمالی و جنوبی تقسیم کرده است.

مریم گنجی به وضعیت شكل گیری خانه‌های تاریخی استان زنجان از نگاه شهرسازی و شكل گیری كوچه و

استفاده قرار گرفته است. رحمتی افزود: در خانه‌های متولین آجر، ساروج و كاه گل مصالح غالب و اصلی بوده و در بعضی بناها مانند بنای رختشوی خانه تنها آجر به عنوان مصالح مورد استفاده قرار گرفته و به طور کلی بناها ترکیبی از مصالح یاد شده است. خانه حكیمیان یکی از بناهای تاریخی در معرض آسیب است كه اقدامات مرمتی و احیای این بنا از سال آینده شروع می‌شود

وی با بیان اینکه در تلاش برای مرمت و جلوگیری از آسیب به بناها و خانه‌های قدیمی زنجان هستیم، ادامه داد: خانه حكیمیان یکی از بناهای تاریخی در معرض آسیب است كه اقدامات مرمتی و احیای این بنا از سال آینده شروع می‌شود.

وی با یادآوری تخریب سر درب كارخانه كبریت زنجان در دهه ۸۰ به بهانه پیاده‌روسازی در محدوده این كارخانه، گفت: با توجه به عقب‌نشینی خیابان در محدوده ساختمان حكیمیان، طبق توافقات صورت گرفته هیچ‌گونه دخل و تصرفی در این خانه صورت نمی‌گیرد.

مدیركل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان به اقدامات صورت گرفته در زمینه حفظ و احیای نماهای بناهای تاریخی شهر زنجان اشاره كرد و گفت: به عنوان مثل در مرمت مجموعه رختشوی خانه برای حفظ یكپارچگی و وحدت در بنا به سراغ سر درهای تاریخی شهر زنجان رفتیم.

رحمتی ادامه داد: در بحث تك خانه‌ها، خانه حكیمیان قرار است به موزه «فرهنگ عامه» تبدیل شود و آئین‌هایی كه در منطقه جغرافیایی و فرهنگی زنجان بوده است، احیاء شود.

● باورها و اعتقادات تأثیر مهمی در معماری‌ها داشته است

مدیركل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان به تأثیر متقابل سبك زندگی و معماری اشاره كرد و افزود: باورها و اعتقادات تأثیر مهمی در معماری داشته است و در اكثر خانه‌های قدیمی زنجان فضای لازم برای عزاداری و برگزاری مناسبت‌های مذهبی وجود داشته است.

رحمتی ادامه داد: حتی برای برپایی «سفره‌های نذری» اتاق ویژه‌ای مورد استفاده بوده و در هر اتاقی سفره نذری برپا نمی‌كردند.



ساخته شده است.

این محقق حوزه معماری و شهرسازی افزود: به علاوه کمبود فضاهای تنفسی، تأسیسات و خدمات مورد نیاز شهری، فضاهای سبز، آموزش و غیره زندگی شهری را در این منطقه‌ها به مخاطره افکنده است. شیب شهر از شمال به جنوب کاسته شده و اختلاف آن در شمال شهر با خیابان خیام نزدیک به ۱۰۰ متر و اختلاف خیابان خیام با کف زنجانرود با شیب تند نزدیک به ۲۰ متر است.

گنجی با تأکید بر ضرورت احیای شهرسازی ایرانی و اسلامی، گفت: الگوی شهرسازی در هر جامعه‌ای ارتباط وسیعی با مبانی فکری آن دارد چنان که الگوی شهرسازی غربی نیز در ارتباط با این مبانی شکل گرفته است مسئله‌ای که در شهرسازی ایرانی از آن غفلت شده است.

وی ادامه داد: نکته دیگر در میان تفاوت بین تلقی معماری اسلامی نوع نگاه به زمین و آب است، بناهای سنتی باقی مانده با دیوارهای ضخیم و سقف‌های طاق ضربی علاوه بر دلالت‌های هستی‌شناسی در استفاده بهینه از انرژی نیز بسیار تأثیر گذارند و از بعد حق شناسی نیز نمایهای ظاهری این بناها رنگی با زمین داشتند که خواه و نا خواه برای ساکنانشان تذکری از خاک بودن و بر خاک شدن است.

این محقق ادامه داد: همچنین وجود سقف‌های طاق دار به دوره ای بودن فلک و گزرا بودن دوران اشاره دارد این در حالی است که بناهای جدید علاوه بر کنار گذاشتن این اشکال و فرم‌های هندسی و سنتی سقف‌های پنا را با حالت تخت پنا می‌کند که جریان هوا در تمام فضا محدود است و گردش هوا به دلیل سخت بودن سقف صورت نمی‌گیرد. همچنین نازک بودن دیوار بناهای جدید نسبت به گذشته باعث هدر رفتن انرژی به سمت محیط بیرون و فضای باز و آزاد می‌شود.

گنجی گفت: نمایهای ساختمان‌های گذشته به شکل همسان با رعایت خط المان مناسب ایجاد شده و منظری زیبا به شهر بخشیده بود در حالی که در نمایهای جدید با الگوبرداری از نمایهای غربی و تنوع‌های ناهمگون و عدم رعایت خط المان نه تنها در القای آرامش به مخاطبان و ساکنان شهر موفق نبوده بلکه بیش از پیش به برانگیختن حس چشم هم‌چشمی در کسانی که از تمکن مالی برخوردارند منتهی شده است.

وی ادامه داد: این امر در کسانی که از تمکن مالی بهره‌مند نیستند نیز حس حسرت و افسوس را برمی‌انگیزد که علاوه بر تأثیرات روانی که در شهروندان ایجاد می‌کند به تحلیل‌گرایی دامن می‌زند و هدف از سکونت را به‌طور نسبی تغییر می‌دهد و در کیفیت زندگی تأثیر منفی می‌گذارد.

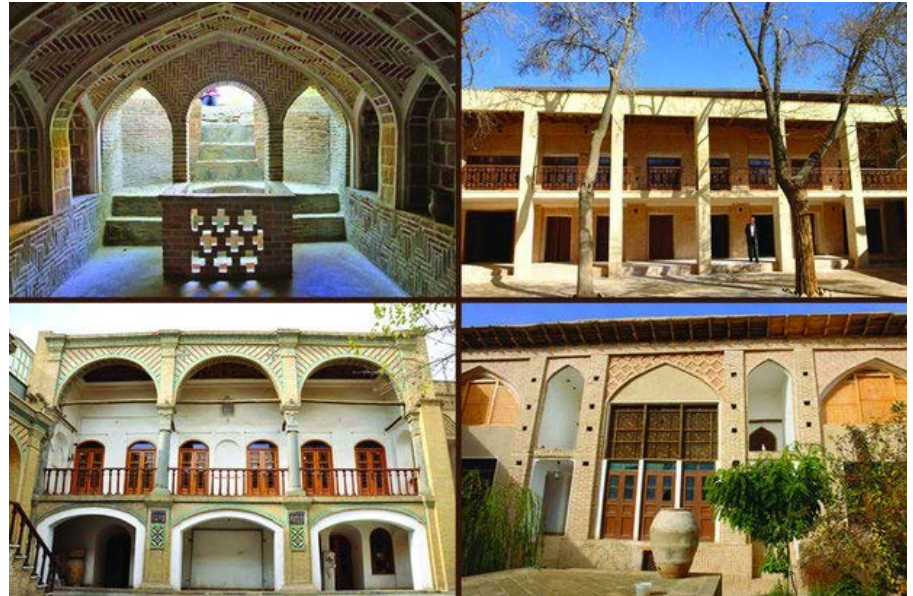
وی افزود: با عنایت به فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه باید به سیمای شهرهای اسلامی و معماری ایرانی اسلامی توجه ویژه‌ای داشت و همچنین ضرورت پیروی نکردن از معماری غربی می‌طلبد که شهرها را به سمت معماری اسلامی ایرانی سوق پیدا کنند.

به هر روی به نظر می‌رسد بافت‌های تاریخی شهرها از مهم‌ترین فضاهای بالارزش شهر بوده که علاوه بر ویژگی‌های معماری و شهرسازی، دارای ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هستند که حفظ احیا و معرفی آن‌ها در حفظ هویت ملی و تاریخی موثر است.

هویت یک شهر، بستگی به زنده نگاه داشتن گذشته و بافت‌های قدیمی و اصیل آن دارد؛ بنابراین ملتی می‌تواند تمدن و فرهنگ خود را به دیگران معرفی کند که خود در حفظ آن کوشا باشد. حفظ سبک قدیمی و سنتی هر شهر، میراثی گران‌بها از گذشتگان و اولویت بسیاری از کشورهای مدرن است که با احیای آن سعی در حفظ غنای فرهنگی خود دارند.

آنچه در خانه‌های قدیمی و اصیل می‌توان به عینه مشاهده کرد انتقال حس آرامش و گرمی و صمیمیت است، نقوش نقش بسته به وسیله گچ‌بری‌ها، اسلیمی‌ها و همچنین نوع چینش اتاق و قرار گرفتن حوض و آب‌نماها در داخل برخی اتاق‌ها و همچنین حیاط توانسته در انتقال احساس آرامش نقش مهمی داشته باشد، موضوعی که در معماری امروز خبری از آن نیست.

تابش سنت و فرهنگ از دریچه پنجره‌های مشبک؛ میراثی که رنگ می‌بازد



معماری کهن و تاریخی استان مرکزی در قلب ایران زمین که در حقیقت ویرترین فرهنگ و هنر این خطه در دوران گذشته است، امروز همچون سایر مناطق کشور، در پس عرض اندام معماری نوین و غربی، رنگ می‌بازد.



نمین
ماقانی نژاد

خانه‌های قدیمی و معماری بومی و اصیل بخشی از حافظه تاریخی یک شهرند. آن وقت‌ها که هنوز مردمان شهر در آهن و فولاد محصور نشده بودند، با خاک و سنگ، آب و آفتاب در بستر آگاهی و تجربه‌های دیرین، فضایی را سامان دادند که امروزه یادگارهای آن جزو میراث فرهنگی ما و آیندگان سرزمین است.

با گذشت زمان ساختار معماری در محیط جغرافیایی استان‌ها تغییر کرده است در صورتی که سبک معماری بومی، اصیل و تاریخی خاص هر استان بر اساس اقلیم، مصالح بومی، فرهنگ و سبک زندگی مردم هر استان طراحی می‌شده است. «خبرگزاری مهر» در مجموعه گزارش‌هایی در راستای تبیین رویکرد سند چشم‌انداز مبنی بر ترویج سبک زندگی و معماری ایرانی اسلامی به دنبال احیای مفهوم خانه در جامعه ایرانی بوده و در این راستا سلسله گزارش‌هایی از استان‌های مختلف با عنوان «نقش خانه در سبک زندگی ایرانی - اسلامی» منتشر شده است.

در این گزارش‌ها به نقشه، مصالح، المان‌ها، هویت عناصر، طراحی و سبک زندگی مردم هر استان در این خانه‌ها پرداخته شده و ضمن توصیف و تشریح ویژگی‌های خانه‌های تاریخی و معماری ایرانی - اسلامی با مسئولان مرتبط، اهل فن، اساتید دانشگاه، پژوهشگران حوزه معماری و شهرسازی و معماران نیز صحبت شده است.

در گزارش پیش رو به سراغ معماری اصیل استان مرکزی و شهر اراک در مرکز ایران رفته‌ایم، جایی که پیش از این حوض خانه، باغچه و شاه‌نشین منادی سبک معماری اصیل این منطقه بوده است.

● **جوهره مشترک خانه‌های قدیمی مرکزی**
معماری مسکونی روستایی استان مرکزی متأثر و شکل گرفته از وجوه متعددی است که، بنا به شرایط مکانی و زمانی، در روستاهای مختلف و با اثرات متفاوت مشاهده می‌شود. معماری و بافت سنتی در شهرها و روستاهای استان متأثر از قانونمندی و رعایت ضوابط و معیارهایی است که مکتوب نشده، اما طرح‌واره‌های آن در ذهن معماران و بنایان محلی وجود داشته است. رعایت این قواعد که در عرف محل رایج و مورد قبول مردم است به استفاده از الگوهای طراحی، مصالح و فنون ساختی منجر می‌شود که، به رغم کاستی‌های موجود، نتیجه آن وحدت و هماهنگی است که در معماری بومی منازل در استان مشاهده می‌شود.

سبک معماری در استان مرکزی مجموعه‌ای از عناصر و اجزای مختلف است که بر اساس قواعد برگرفته از ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیم، خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی پایه‌گذاری شده است.

محصول چنین ترکیبی، شکل‌گیری خانه‌هایی است که، ضمن وجود تفاوت، روحیه و جوهره مشترکی دارند. خصوصیات و ارزش‌هایی که حاصل اندیشه و آزمون خطای گذشتگان است این پیام را به همراه دارد که به جای رودرو قرار گرفتن و مواجهه حذفی با الگوهای یادشده، بایستی به ارزش‌های پایدار و رایج آن‌ها اهمیت دهیم.

● معماری یکنواخت کنونی فاصله بسیاری با معماری سنتی استان دارد

کارشناس حوزه معماری و سرپرست معاونت میراث فرهنگی استان مرکزی در رابطه با معماری سنتی منازل در این استان، اظهار داشت: منازل در معماری سنتی استان مرکزی به‌طور کلی و عمدتاً سه اتاقه بوده که اتاق میانی در ابعاد بزرگ‌تر، به پذیرایی از میهمان‌ها اختصاص یافته و رابط بین این اتاق‌ها ایوانی بوده که کارکردهای بسیار داشته است. صغری نیک پور افزود: همچنین فضاهای خدماتی همچون آشپزخانه، انبار و پستوها معمولاً در پشت اتاق‌ها واقع بودند که در حال حاضر این سبک به کلی تغییر کرده و فضاهای دیگری همچون محل ذخیره علوفه، نگهداری دام و طیور و...

نیز با تغییر سبک زندگی و معیشت، تماماً از معماری خانه‌ها حذف شده‌اند.

وی بیان کرد: بیشتر خانه‌های قدیمی استان با خشت و آجر همراه با پی‌های سنگی، سقف تیرچوبی و با نمایی ترکیبی از کاهگل، آجر و گچ ساخته می‌شده که هنوز نمونه‌هایی از این آجرکاری‌های زیبا را در جای‌جای استان می‌توان مشاهده کرد.

این کارشناس حوزه معماری تصریح کرد: در منازل بزرگ و خانه‌های متعلق به خانوارهای مرفه روی تیرهای چوبی سقف از داخل توفال کوبی انجام می‌شده و مرسوم بوده که تاریخ احداث بنا نیز حک شود.

نیک پور ادامه داد: همچنین باغچه و حوض به شکل‌های مختلف در ساختار معماری بناهای سنتی استان دیده می‌شود و در بعضی از خانه‌ها فضایی به نام حوض خانه وجود داشته است.

وی خاطرنشان کرد: از دیگر ویژگی‌های معماری سنتی منازل در استان مرکزی، وجود طاقچه‌های متعدد در داخل اتاق‌ها است که به شکل منظم و متقارن و همراه با تزئینات گچی، نقاشی و آئینه‌کاری هنر معماری سنتی را به نمایش می‌گذاشته، البته از تزئینات گچی در دیوارها و گاهی در سقف تالارها و شاه‌نشین‌های منازل نیز استفاده می‌شده است.

● رنگ و بوی سنت و فرهنگ لایه‌ای پنجره‌های مشبک رنگارنگ

این کارشناس حوزه معماری با اشاره به سبک درها و پنجره‌ها در معماری سنتی استان مرکزی گفت: درهای چوبی و پنجره‌های مشبک (ارسی) با شیشه‌های رنگارنگ، زیبایی خاصی به منازل می‌بخشیده که هم با شرایط اقلیمی و هم فرهنگ این خطه همخوانی داشته است. نیک پور با اشاره به اینکه در معماری تاریخی استان، شاهد بهره‌گیری از هنر، فرهنگ و تنوع مطلوب هستیه، اظهار داشت: در مقابل، خانه‌های امروزی تشکیل شده از الگوی یکپارچه‌ای است شامل اتاق‌های خواب، یک پذیرایی و آشپزخانه (به صورت open) که عمدتاً یک‌شکل بوده و تنوع بسیار کمتر در آن مشاهده می‌شود.

وی افزود: در این خانه‌ها خبری از حوض خانه، باغچه و شاه‌نشین نیست، سهدری و پنج‌دری معنا ندارد و آنچه بیش از همه معنا پیدا کرده تعداد اتاق‌های خواب و فرم آشپزخانه‌ها است که با معماری سنتی و کهن این خطه بسیار فاصله دارد.

این کارشناس حوزه معماری توضیح داد: در جامعه سنتی خانه جنبه موقتی نداشته و خانواده اغلب در تمام طول عمر خود تا چند نسل هرگز محل زندگی خود را جابجا نمی‌کرد، در حقیقت خانه پایگاه نسبتاً ثابتی بود که چندین نسل را در خود جای می‌داد و استمرار این چند نسل در یک خانه، آن را به حافظه عینی و مادی تبار خانواده و خاندان تبدیل می‌کرد.

نیک پور اضافه کرد: با پیدایش معماری مدرن از قرن بیستم به بعد، الگوهای تازه‌ای از خانه‌ها با کارکردهای جدید به وجود آمد که منازل را به سمت کوچک شدن، ساده شدن و فقدان وجود نشانه و رنگ سوق داد.

● معماری مدرن منازل، فردگرایی و مصرف‌گرایی را ترویج می‌کند

سید محمد حسینی، مدیر کل میراث فرهنگی استان مرکزی در رابطه با معماری تاریخی منازل در این استان، اظهار داشت: معماری سنتی استان مرکزی مجموعه‌ای از عناصر و اجزای مختلف است که بر اساس قواعد برگرفته از دانش جغرافیایی، خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، معیشتی و مصالح سنتی و بومی منطقه شکل گرفته و عناصر شکل‌دهنده آن به‌طور کلی شامل فضاهای اصلی زندگی مثل اتاق‌ها، ایوان، شاه‌نشین، فضاهایی مثل پستوها، انبار و مطبخ و فضاهای نگهداری دام است.

حفظ خانواده است که تغییر و تحول در آن، قطعاً باعث فاصله گرفتن از فرهنگ ارزشمند تاریخی می‌شود.

حسینی بیان کرد: طبق فرهنگ سنتی ایرانی خانه بایستی حریم اندرونی و بیرونی داشته باشد اما در معماری مدرن امروز، مرزی میان این دو وجود ندارد. همچنین پیوند میان سبک معماری خانه و نوع معیشت از بین رفته است.

مدیرکل میراث فرهنگی استان مرکزی خاطر نشان کرد: توجه به نوع اقلیم منطقه و نوع مصالح بومی در ساخت خانه‌های امروزی بی‌مفهوم شده و به‌جز تفاوت در طبقات خانه‌ها، فرق چندانی بین خانه‌های روستایی و شهری دیده نمی‌شود، در حقیقت معماری جدید در خانه‌های روستایی نیز رسوخ کرده است.

حسینی در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توانیم دوباره به معماری قدیمی و سنتی بازگردیم؟ گفت: متأسفانه به نظر نمی‌رسد تحقق چنین مسأله‌ای به‌طور کامل امکان‌پذیر باشد، یکی از دلایل آن اینکه ساخت خانه‌هایی با همان معماری سنتی، نیازمند فضای زیادی است؛ از طرف دیگر فضاهایی چون اندرونی و بیرونی، مطبخ خانه، نانواخانه و... امروز دیگر کاربرد ندارد و شاید مؤلفه‌های مختصری از سبک سنتی و بومی، قابلیت اجرا در معماری مدرن را داشته باشند.

وی افزود: تحول در نوع زندگی و معیشت، نیازها را تغییر داده و این تغییر نیازها، تغییر در فرم معماری منازل مسکونی را رقم‌زده است. معماری خانه‌های امروزی بدون توجه به نوع فرهنگ و باورهای قدیم شکل گرفته و زندگی به شیوه و سبک و سیاق سنتی برای نسل امروز امکان‌پذیر نیست. مدیرکل میراث فرهنگی استان مرکزی تصریح کرد: اینکه در دنیای امروز و با نیازهای امروز بخواهیم معماری سنتی را عیناً و دقیقه پیاده‌سازی کنیم امکان ندارد و از سوی دیگر تقلید کورکورانه از معماری غربی بدون توجه به ابعاد فرهنگی، اجتماعی و دینی جامعه‌مان نیز غلط است، بنابراین باید به دنبال راه‌حلی میانی در این شرایط باشیم تا ضمن بهره‌گیری از روش‌های جدید، فرهنگ سنتی و باورهای دینی و اجتماعی ما زیر سؤال نرود.

● تعریف روشنی از معماری ایرانی و اسلامی باید ارائه شود

حسینی تأکید کرد: معماری ایرانی اسلامی باید به‌طور شفاف تعریف‌شده و با نیاز امروز و فرهنگ ایرانی منطبق شود، درواقع نه تقلید بی‌چون‌وچرای معماری غربی و نه پیروی کامل از معماری گذشته باشد.

مدیرکل میراث فرهنگی استان مرکزی خاطر نشان کرد: استفاده مجدد از فرم، طرح، رنگ و الگوها و مصالح معماری سنتی و تلفیق آن با مواد و دانش امروزی با در نظر گرفتن نیازهای امروز، می‌تواند معماری ایرانی-اسلامی را شکل ببخشد و در این رابطه به نظر می‌رسد باید در قوانین ساخت‌وساز تجدیدنظر شود.



● معماری سنتی تلفیقی از هنر، فرهنگ و اقتصاد بود

مدیرکل میراث فرهنگی استان مرکزی اظهار داشت: در معماری سنتی خطه مرکزی، تلفیقی از فرهنگ، مذهب، هنر، خلاقیت و حتی شمع اقتصادی، به‌وضوح دیده می‌شد و خانه‌های با قدمت بالا ارزش خاصی داشت، ولی امروزه مهم‌ترین امتیاز برای ارزیابی معماری یک خانه بهره‌گیری از جدیدترین روش‌های روز است و متأسفانه سبک‌های قدیمی معماری به‌تدریج در حال فراموش شدن هستند. حسینی با بیان اینکه معماری تاریخی منازل در استان مرکزی از چهار سبک مختلف پیروی می‌کند، گفت: شکل و فرم خانه‌های قدیمی در این استان با توجه به نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر منطقه نوعی خاص از معماری مسکونی و خانه‌سازی را رقم‌زده، به‌طور مثال بافت تاریخی و معماری سنتی و بومی روستای وفس در کمیجان، متفاوت با بافت معماری سنتی روستای هزاوه است که در حقیقت نوع معیشت و اقلیم، این تفاوت‌ها را به وجود آورده، ولی آنچه در همه این معماری‌ها می‌توان مشاهده کرد، وابستگی سبک زندگی و معماری خانه‌ها با نوع معیشت و کار مردم است.

● سبک معماری مدرن، حریم خصوصی را در خانه‌ها از بین برد

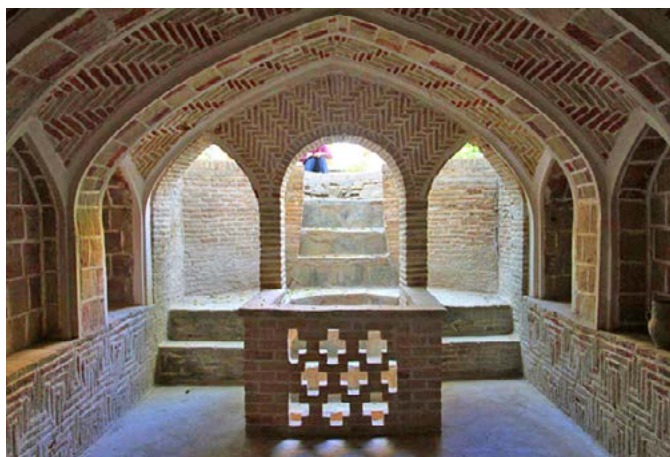
وی در پاسخ به این سؤال که شکل زندگی در خانه‌های با معماری مدرن، چه آسیب‌هایی به دنبال داشته، اظهار داشت: معماری خانه در شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها و حتی رفتارهایشان اهمیت ویژه‌ای دارد و در فرهنگ ایرانی خانه محلی برای تجلی بخشیدن به ارزش‌های سنتی دینی و

وی افزود: در بعضی از روستاها هنوز فرم بومی و محلی و معماری سنتی حفظ‌شده ولی در بعضی از روستاها با تغییر در نحوه معیشت و حرکت به سمت شهری شدن و مدرن شدن، فرم معماری هم تغییر کرده، اما هنوز نمونه‌هایی از معماری تاریخی این خطه در گوشه و کنار استان از جمله در شهرهایی چون تفرش، آشتیان، نراق و اراک دیده می‌شود.

مدیرکل میراث فرهنگی استان مرکزی در رابطه با مزیت‌های معماری تاریخی استان با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی، آب و هوایی و... بیان کرد: در خانه‌های سنتی اغلب چند خانوار باهم زندگی می‌کردند و بنا به نوع درآمد، اقتصاد و معیشت منطقه، خانه دارای فضاهای خاصی بود.

وی ادامه داد: زندگی در خانه‌های بومی و سنتی مبتنی بر پایه تولید و اقتصاد شکل می‌گرفت درحالی‌که در خانه‌های امروزی یا مدرن آنچه اصل بوده، مصرف است. همچنین زندگی در خانه‌های سنتی بر پایه ارزش‌های فرهنگی منطقه و رسوم و همچنین زندگی اجتماعی شکل می‌گرفت درحالی‌که در شکل امروزی، معماری با تکیه‌بر ارزش‌های فردی و فردگرایی رواج پیدا کرده است.

حسینی تصریح کرد: هریک از فضاهای خانه‌های سنتی ارزش و کاربری جمعی دارد که نشان می‌دهد روح جمعی بسیار قوی بر فضای ارتباطی بین افراد آن منازل حاکم بوده، درحالی‌که در خانه مدرن ارزش‌گذاری نوع معماری مبتنی بر فردگرایی است، این مسأله بی‌اعتمادی و فاصله را بین اعضای خانواده و افراد جامعه به وجود می‌آورد.





حوض و شمعدانی از خانه ایرانی هارفت / این منزل حریم ندارد

در شیراز خانه‌ها معماری و ویژگی‌های خاص خود را داشتند مانند اینکه نمای بیرونی خانه‌ها آجری و ساده است و تنها بخش تزئینی نمای بیرون سردر است. و یا اینکه حیاط‌ها در حدود یک متر از سطح زمین پایین‌ترند که علت‌های گوناگونی مثل بهره‌گیری از تعدیل حرارت زمین، استحکام در مقابل زلزله، بهره‌گیری از خاک زمین برای ساخت و ساز خانه و دسترسی آسان به آب قنات را می‌توان برای آن برشمرد.

حیاط‌ها در جهت طولی زمین احداث شده‌اند و حوض و باغچه نیز به‌صورت عمود بر هم و موازی محور طولی حیاط ساخته شده‌اند؛ یا اینکه از خانه‌های حیاط مرکزی و درون‌گرا بهره گرفته می‌شد.

همه این خصوصیت‌ها از خانه‌های شیراز بناهایی می‌ساخت که محصول سبک زندگی خاص ایرانی‌ها و شیرازی‌ها بود.

رئیس انجمن دوستداران میراث فرهنگی فارس در خصوص تأثیر سبک زندگی مردم شیراز بر خانه‌سازی و معماری قدیم گفت: در این خانه‌ها باور مردم به «بایدها و نبایدها» و «حریم‌ها» به‌خوبی رعایت شده و این موضوع در معماری آن دوران به‌خوبی نمود بیرونی داشته است.

مسعود منبغی با اشاره به اینکه در کنار دو سکو با عنوان پیر نشین وجود داشت که کهن‌سالان هنگام عبور از کوچه می‌توانستند بنشینند و نفسی تازه کنند، بیان کرد: وقتی فردی مقابل در ورودی خانه قرار می‌گیرد با یک محوطه هشتی شکل مواجه می‌شود که هیچ دیدی به درون حیاط ندارد و این معماری خاص باعث می‌شود که غربیه‌ها نتوانند درون منزل را نظاره کنند.

خانه‌ها پرداخته شده و ضمن توصیف و تشریح ویژگی‌های خانه‌های تاریخی و معماری ایرانی-اسلامی با مسئولان مرتبط، اهل فن، اساتید دانشگاه، پژوهشگران حوزه معماری و شهرسازی و معماران نیز صحبت شده است. در این گزارش به سراغ معماری اصیل استان فارس و شهر شیراز رفته‌ایم، جایی که پیش از این حوض و شمعدانی و نماهای آجری ساده منادی سبک معماری اصیل این منطقه بوده است.

● «خانه» محل آرامش

یک در فیروزه‌ای یا قهوه‌ای سوخته با کلون‌های مجزا برای مردها و زن‌ها و دو پیر نشین در اطراف در، اجزایی هستند که مشخصه یک خانه با معماری ایرانی را تداعی می‌کند.

خانه‌هایی که به‌جای آیفون تصویری دو کلون مختص مردها و زن‌ها داشت تا با این روش مشخص شود چه کسی پشت در قرار دارد.

در تعریف خانه آمده است: «آنجایی که آدمی در آن سکنی می‌گزیند (۱)» و برای آن مترادف‌هایی مانند سرا و یا منزل نیز دیده شده است. قدیم‌ها «خانه» برای ایرانی‌ها مطابق با آداب، رسوم، فرهنگ و نوع زندگی کردنشان ساخته می‌شد، خصوصیت‌ها و عناصری که به خانه روح می‌بخشید، آرامش می‌داد و اهالی خانه در آن آسایش و شادابی داشتند.

در شیراز نیز مانند سایر نقاط ایران مردم برای خانه‌هایشان عناصری به کار می‌بستند که مطابق با طرز زندگی‌شان باشد.

قدیم‌ها سبک زندگی مردم بر تمام جوانب زیستی‌شان تأثیر می‌گذاشت مانند معماری و خانه‌سازی که در آن حریم‌ها رعایت می‌شد و اهل خانه آرامشی داشتند که در خانه‌های امروز اثری از آن نیست.



هادی فتحی

خانه‌های قدیمی و معماری بومی و اصیل بخشی از حافظه تاریخی یک شهرند. آن‌وقت‌ها که هنوز مردمان شهر در آهن و فولاد محصور نشده بودند، با خاک و سنگ، آب و آفتاب در بستر آگاهی و تجربه‌های دیرین، فضاهایی را سامان دادند که امروزه یادگارهای آن جزو میراث فرهنگی ما و آیندگان سرزمین است.

با گذشت زمان ساختار معماری در محیط جغرافیایی استان‌ها تغییر کرده است در صورتی که سبک معماری بومی، اصیل و تاریخی خاص هر استان بر اساس اقلیم، مصالح بومی، فرهنگ و سبک زندگی مردم هر استان طراحی می‌شده است.

«خبرگزاری مهر» در مجموعه گزارش‌هایی در راستای تبیین رویکرد سند چشم‌انداز مبنی بر ترویج سبک زندگی و معماری ایرانی اسلامی به دنبال احیای مفهوم خانه در جامعه ایرانی از طریق کار رسانه‌ای بوده است و در این راستا سلسله گزارش‌هایی از استان‌های مختلف با عنوان «نقش خانه در سبک زندگی ایرانی-اسلامی» منتشر شده است.

در این گزارش‌ها به نقشه، مصالح، المان‌ها، هویت عناصر، طراحی و سبک زندگی مردم هر استان در این



ویژگی های خاص معماری شیراز با نگاهی به دوره قاجاری

نمای بیرونی خانه‌ها آجری و ساده است و تنها بخش تزئینی نمای بیرون سردرهاست.

هشتی خانه‌ها عموماً به شکل چهارضلعی و مستطیل است که یک فضای خصوصی برای یک خانه ایجاد کرده است. راهپله ورودی به پشت‌بام نیز در این فضا تعبیه شده است.

حیاط‌ها در حدود یک متر از سطح زمین پایین‌ترند که به علت‌های گوناگونی مثل بهره‌گیری از تعدیل حرارت زمین، استحکام در مقابل زلزله، بهره‌گیری از خاک زمین برای ساخت‌وساز خانه و دسترسی آسان به آب قنات را می‌توان برای آن برشمرد.

استفاده از کاشی‌های منقوش و نقش دار (نقوش اساطیری که نو درباری در دوره قاجاریه عناصر تزئینی و نماداری معماری تحت تأثیر عناصر غربی قرار می‌گیرد).

استفاده از رنگ قرمز از غوانی در کاشی‌های خشتی هفت رنگ.

بهره‌گیری از خانه‌های حیاط مرکزی و درون‌گرا.

حوض و باغچه در امتداد محور طولی حیاط ساخته شده است.

وی ادامه داد: بعد از ورود به منزل راه دسترسی میهمان به اتاق‌ها تفاوت داشت، بر فرض مثال میهمانی که نامحرم قلمداد می‌شود بدون اینکه وارد حریم خانه شود با یک راه دسترسی ویژه به اتاق میهمان یا همان «پنج‌دری» وارد می‌شد و اعضای خانه هم از یک راه دسترسی دیگر وارد اتاق‌های خودشان می‌شدند که این یعنی توجه ویژه به حرائم که به‌خوبی در خانه‌سازی آن دوران مورد توجه قرار می‌گرفت.

این فعال میراث فرهنگی ادامه داد: نکته قابل توجه وضعیت مطبخ یا آشپزخانه بود، با توجه به اینکه غریبه‌ها نباید درون مطبخ را می‌دیدند، مطبخ از یک راه دسترسی دیگر برخوردار بود و برای اینکه اعضای خانه بیرون از مطبخ را مشاهده کنند پنجره‌های سنگی قرار داشته که از داخل مطبخ، بیرون آن قابل مشاهده هست اما فردی که بیرون ایستاده درون مطبخ را نمی‌توانست مشاهده کند.

منبعیاتی ادامه داد: مجموع این مشخصات فیزیکی، سبک زندگی خاصی را در دوره قاجاریه تشکیل داده که بر روی معماری خانه آن دوران تأثیر گذار بوده است که از آن به‌عنوان «بایدها و نبایدها» یاد می‌شود.

اما اکنون خانه‌های جدید فاقد روح معماری شیراز هستند، معماری که با فرهنگ و اصالت مردم این سرزمین همخوانی ندارد و هرروز بر غلظت غربی شدنش افزوده می‌شود.

امروز دیگر از «پیر نشین» خبری نیست و جای آن را موانعی قرار داده و تهدید کرده‌اند که اگر در کنار خانه ماشین خود را پارک کنید خودروی تان را پنچر می‌کنیم، چنین می‌کنیم و چنان می‌کنیم!

امروز خبری از هشتی نیست، مطبخ یا پنجره‌های سنگی جدا نشده‌اند به‌جایش بکراست وارد پذیرایی خانه می‌شوید و آشپزخانه‌های اوپن هم از بیرون پیداست هم از داخل تا هیچ حریمی برای اهل خانه دیده نشود.

یکی از ویژگی‌های خانه‌های شیراز برخورداری از آئینه کاری‌های بسیار زیبا بود که در هر خانه قاجاری بنا بر وضعیت مالی صاحب‌منزل وجود داشت.

منبعیاتی در خصوص اینکه چگونه می‌توان روح معماری قدیم را در خانه‌سازی‌های جدید جاری کرد هم گفت: در دوره قاجاریه مردم برای خانه‌هایشان اهمیت ویژه‌ای قائل و معتقد بودند، «منزل» که از واژه «منزلت» می‌آید-جایی برای آسایش روانی و روحی انسان- به همین منظور برای زیباسازی آن معماری ویژه‌ای داشتند.

وی گفت: یکی از ویژگی‌های خانه‌های شیراز برخورداری از آئینه کاری‌های بسیار زیبا بود که در هر خانه قاجاری بنا بر وضعیت مالی صاحب‌منزل وجود داشت و آن‌هایی که وضعیت مالی بهتری داشتند حتی یک تالار به نام تالار

آئینه نیز ایجاد می‌کردند. این فعال میراث فرهنگی فارس ادامه داد: این زیبایی‌های بصری، نقش خاصی در آرامش و نشاط اهالی خانه ایجاد می‌کرده است.

وی افزود: در معماری امروزی به‌جای اینکه از نورپردازی‌های گران‌قیمت و یا معماری غیربومی استفاده شود می‌توان از روش‌های قدیمی مثل آئینه‌کاری، شیشه‌های رنگی و از این دست بهره برد که نوعی آرامش‌دهنده روح انسان نیز به شمار می‌رود. از این‌رو در معماری جدید از تزئینات سنتی می‌توان به‌عنوان عنصر تطابق‌دهنده استفاده کرد که به‌مراتب هزینه‌های کمتری از تزئینات معماری جدید مانند نورپردازی، سقف‌های کاذب و ... دارد.

یک عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز نیز در رابطه با تأثیر سبک زندگی مردم بر روابط اجتماعی آن‌ها و همچنین نحوه معماری خانه‌ها در طول تاریخ بیان کرد: معماری با فرهنگ ارتباط متقابل دارد و فرهنگ هر شهری متأثر از معماری هست، درعین حال معماری هم متأثر از فرهنگ است.

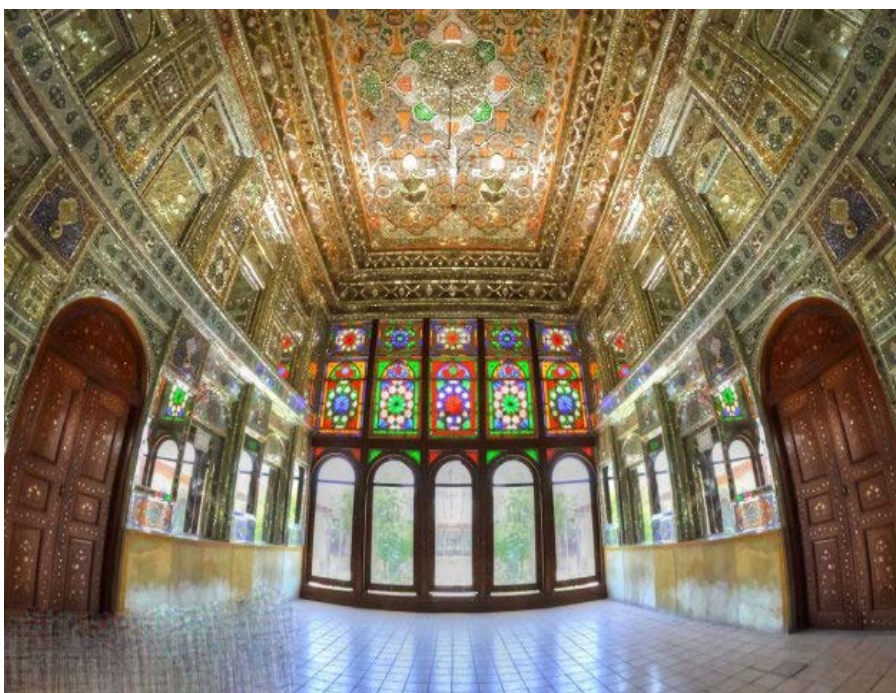
مصطفی ندیم با اشاره به اینکه تغییر معماری در یک شهر به عوامل مختلفی بستگی دارد، افزود: مثلاً وقتی مصالح عوض می‌شود مطمئناً روی یک معماری تأثیر می‌گذارد همین اتفاق در شیراز طی یک قرن اخیر در اواخر دوره قاجار افتاد، وقتی استفاده از فلز بیشتر و به‌جای خشت از آجر استفاده شد، جرز و ضخامت دیوار کوچک و کم و درعین حال به فضای خانه اضافه شد.

● ورود ماشین، معماری را به شدت تحت تأثیر قرار دارد چون خانه باید به گونه‌ای طراحی می‌شد که فضایی برای ماشین تعبیه شود

وی از ورود خودرو به زندگی مردم به‌عنوان عاملی مهم در تغییر معماری خانه‌ها نیز یادکرد و گفت: به‌عنوان نمونه ورود ماشین، معماری را به‌شدت تحت تأثیر قرار دارد چون خانه باید به گونه‌ای طراحی می‌شد که فضایی برای ماشین تعبیه شود، در نتیجه این معماری و فضای حیاط که قبلاً چندضلعی بود الآن یک‌طرف خانه قرار دارد و طرف دیگر حیاط باغچه، درخت و جای ماشین پیش‌بینی شد و بدین سبب معماری دستخوش تغییرات شدید شد.

ندیم با اشاره به اینکه با تغییر شیوه زندگی مردم معماری هم خوبه‌خود عوض شد، افزود: همچنین روابط اجتماعی نیز با تحولات در طول دوران تغییر پیدا کرد و خانواده‌های تیره‌ای به خانواده هسته‌ای که مختص یک خانواده است تبدیل شد.

این استاد تاریخ دانشگاه شیراز در این باره توضیح داد: قبلاً جمعیت بیشتری با خانواده‌های متعدد در خانه زندگی





می‌کردند چون امنیت کم بود و هرچه خانواده‌های یک‌خانه بیشتر می‌شد مردم در امان‌تر بودند اما الآن با امنیت بیشتر خانواده هسته‌ای توسعه پیدا کرد.

ندیم گفت: هم‌زمان با این امر مشاغل اداری و دوایر دولتی بیشتر شد، افراد بیشتری به استخدام دولت درآمدند و در نهایت نقدینگی بیشتر شد و پیامد همه آن ضربه خوردن خانواده تیره‌ای بود و در پی آن خانواده هسته‌ای شکل گرفت. وی با اشاره به اینکه محصول این رویدادها این بود که خانواده هسته‌ای و تک خانواده‌ای شکل گرفت و بر این اساس خانه‌های قدیمی که محل زیست چند خانواده بود کارکرد خودش را از دست داد، افزود: این تغییر و تحولات با ایجاد حمام در خانه‌ها نیز رقم خورد زیرا حمام‌های عمومی از بین رفتند و در پی آن روابط اجتماعی و همبستگی مردم نیز رو به ضعف گذاشت.

وی گفت: اینکه چگونه می‌توان در معماری امروزی تغییر ایجاد و فرهنگ گذشته را وارد معماری جدید کنیم باید گفت

برخی چیزها را نمی‌توان تغییر داد یعنی نمی‌توان خانه‌ای ساخت که در آن پارکینگ نباشد چون ماشین نیاز جامعه امروز است.

● برقراری ارتباط بین معماری سنتی و مدرن

این استاد دانشگاه بیان کرد: اما می‌توانیم یکسری المان‌ها را در منازل به سمت فرهنگ سنتی و قدیمی پیش ببریم، در دکوراسیون تغییراتی ایجاد کنیم که با فرهنگ اصیل ایرانی خودمان همخوانی بیشتری داشته باشد نظیر اینکه حوضی در حیاط بسازیم و یا دکور را با سنت‌های ایرانی تزئین کنیم یا از آینه کاری برای تزئین خانه بهره ببریم.

ندیم بیان کرد: با این کار هم هنرهای اصیل و سنتی را احیاء می‌کنیم و هم اینکه به‌نوعی تاریخ را وارد منازل کرده و فرهنگ غنی را به خانه‌ها بازمی‌گردانیم.

در این رهگذر فریدون فعالی کارشناس میراث فرهنگی و مدیرکل سابق میراث فرهنگی استان فارس نیز در خصوص چگونگی برقراری ارتباط بین معماری سنتی و مدرن گفت: با برقراری پل ارتباطی بین معماری سنتی و مدرن می‌توان شیوه‌های منطقی برای آسایش و آرامش انسان‌ها را فراهم آورد.

وی گفت: به‌طور مسلم معماری سنتی ایرانی از نسل‌های معماری پایدار است که به‌کارگیری درست آن در کارکردهای مختلف می‌تواند بازتاب مناسبی بر معماری مدرن داشته باشد. فعالی گفت: برای این منظور کافی است نگرش جامع و بوم‌گرایانه و با توجه به الگوی موجود در فضاهای سنتی هر منطقه طراحی و اثری نو پدید آورد که معرف هویت ایرانی باشد.

وی ادامه داد: مسلماً در اجرای روش‌های طراحی ساختمان در شیوه‌های سنتی توجه به اقلیم و اکولوژی مورد تأکید بوده است از این‌رو طراحی ساختمان‌ها اگر امروزه با رویکردهای سنتی به بهره‌گیری از امکانات آب و هوایی و انرژی طبیعی همراه باشد می‌تواند مانند پل ارتباطی بین معماری سنتی و مدرن عمل کند.

وی گفت: استفاده از تزئینات سنتی در طراحی‌های مدرن مثل کاشی‌کاری و آینه‌کاری، استفاده از سقف‌های سنتی و... می‌تواند نمونه مهمی از تلفیق معماری سنتی و مدرن باشد. به‌هرروی چه بخواهیم و چه نخواهیم سبک زندگی در حال تغییر و تحول است اما باید به سمتی حرکت کنیم که فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی نیز از معماری خانه‌هایمان رخت بربندد، معماری که در آن حوض بود و ماهی، و گل‌های شمع‌دانی که دور‌تادور حوض چیده می‌شد تا حیاط خانه‌ها واقعاً یک حیاط ایرانی باشد.



خران تکیه باغ‌های منحصر به فرد ایرانی؛ بناهای میراثی مخروبه شد



پویا اتحاد
تکیه باغ‌های ایرانی که از آن‌ها با عنوان «کوشک» نیز یاد می‌شود این روزها حال و روز چندان خوشی ندارند و برخی از آن‌ها تبدیل به مخروبه شده‌اند؛ این حکایت خاطره شدن باغ‌های ایران است.

«تکیه باغ» و «کوچه باغی» نوستالژی «باغ شهرهایی» است در جای جای ایران، جایی که در گذشته‌های نه چندان دور صدای موسیقی آب و نشاط سبزه و درخت اجزای جدانشدنی این قاب‌های زیبای بهشتی بود؛ اما این روزها تکیه باغ‌های میراثی حال و روز چندان خوشی ندارند.

بروچرد را دیار منحصر به فردترین تکیه باغ‌های ایرانی می‌نامند، اینجا هم «ترنجستان» دارد که این روزها دلبری می‌کند و هم تکیه باغ «هوشنگ افشار» که به رغم آمدن بهار همچنان خزان زده دست کمکی به یاری می‌طلبد تا باز هم رونق بگیرد.

مطابق اظهار نظر مسئولان از تعداد تکیه باغ‌های تاریخی بروچرد تنها ۱۵ بنا باقی مانده که به نظر می‌رسد به جز تعداد معدودی بقیه در حال تخریب هستند؛ نمونه احیای این تکیه باغ‌ها را می‌توان در «ترنجستان» دید که روزانه پذیرای گردشگرانی از داخل و خارج استان است.

● روایت تکیه باغ‌های رو به افول

اما روایت تکیه باغ‌های تاریخی بروچرد حکایتی قابل تأمل است. مطابق مستندات تاریخی بخش وسیعی از محدوده پیرامون شهر بروچرد به‌ویژه بخش‌های شمالی و غربی در گذشته‌های نه چندان دور توسط حصار سبز و متراکمی از باغ‌های میوه و اشجار مختلف پوشیده شده بود.

این باغ‌ها در قلب خود شاهد ایجاد خانه‌ها و تکیه باغ‌های تاریخی زیبایی بود که امروزه به دلیل گسترش بی‌رویه شهر و تغییرات غیرمستعارف یا تخریب و یا به فضای مسکونی تبدیل شده تا این بافت زیبای تاریخی و طبیعی شهر بروچرد به‌عنوان دیار خانه باغ‌های تاریخی ایران دستخوش ناامایمات فراوانی شود.

کوچه باغاتی که روزگاری بیش از ۲۰۰ هکتار از وسعت شهر بروچرد را به خود اختصاص می‌داد آسیب‌های فراوانی در طول چند دهه اخیر بر پیکره آن‌ها وارد آمده است و هویت خود را رفته رفته از دست داده‌اند.

باغاتی که از طریق کوچه‌های تنگ گیاهی، ما را وارد سرزمین بکری می‌کرد و برای هر بیننده‌ای قابل باور نبود که این ظرفیت بکر و بهشت گونه توسط بشر خلافت‌اند در کنار یک زندگی ماشینی خلق شده تا با هر نظری تابلوی رنگ آلود و خیره کننده از آن در ذهن تداعی گردد و چشم‌ها را به‌سوی خود برباید.

● ترنجستان بروچرد

این کمر بند سبز در گذشته علاوه بر ارزش اقتصادی بالا، تولید میوه و ثمرات باغی در مقیاس قابل توجه، نقش تلطیف کننده هوا و ریه‌های شهر را هم به عهده داشته و با وجود این انبوه اشجار بروچرد به دیار تابستان‌های بسیار خنک و بهار دل‌نشین شهرت داشته است.

کوچه باغ‌ها با توجه به ویژگی‌های کالبدی و معماری شهر تاریخی بروچرد همواره جزء جدانشدنی شهرسازی و معماری شهر بوده‌اند به گونه‌ای که بخشی از آثار تاریخی ثبت شده در بروچرد به تکیه باغات بروچرد مربوط

می‌شود که نمونه متفاوت از باغات ایرانی به لحاظ طراحی هستند.

اینجا دیگر قلب زندگی نمی‌تپد

امروز تکایای کوچه باغات بروچرد به مخروبه‌هایی تبدیل شده که دل هر بیننده‌ای را به درد می‌آورد، روزگاری در این تکایا زندگی موج می‌زد و مردم در آن‌ها به زندگی و باغداری مشغول بودند.

کوچه باغ‌های بروچرد به دلیل هجوم ساخت و سازهای شهر به عقب رانده شده‌اند و هر روز یکی از آن‌ها به مخروبه‌ای تبدیل می‌شود و این امر در حالی صورت می‌گیرد که متولیان امر هر کدام با شانه خالی کردن بار مسئولیت، از دستگاه‌های دیگر می‌خواهند که به امر مرمت و احیای این کوچه باغات اقدام کنند.

وجود تکایای تاریخی با ویژگی‌های منحصر به خود توانسته شکلی متفاوت از باغات ایرانی در غرب ایران را به نمایش بگذارد که از این جنبه این موضوع هم قابلیت مطالعاتی دارد و هم قابلیت گردشگری که آن گونه که باید تاکنون به این موضوع پرداخته نشده است.

● تکیه هوشنگ افشار

موضوعی که در سال‌های اخیر به احداث تنها یک باغ خانوادہ در بخش کوچکی از کوچه باغات بروچرد تحت نام «باغ دیدهور» ختم شد و آن گونه که باید این ظرفیت گردشگری نه به آن پرداخته شد و نه از آن بهره‌برداری شد.

● حال تکایای کوچه باغات خوش نیست

دو تکیه تاریخی در باغ خانوادہ بروچرد که یکی از تکایای تاریخی در تملک شهرداری است و تکیه تاریخی «دیدهور» که توسط سازمان میراث فرهنگی به شهرداری بروچرد واگذار شده است این روزها اصلاً حال و روز خوشی ندارد و بیم آن می‌رود این آثار کم‌نظیر تاریخی با ویژگی‌های درون‌گرای و بیرون‌گرایی خود در خلال بی‌توجهی برای همیشه از بین بروند.

اوضاع در تکیه هوشنگ افشار هم تعریفی ندارد، این بنای تاریخی در باغی به همین نام ابعاد آن ۱۵*۱۵ و حدود ۱۲۰ متر مساحت داشته که به شیوه بیرون‌گرا احداث شده است.

مصلح عمده به کاررفته در بنا شامل خشت خام به‌عنوان شالوده دیوارها، آجر جهت نماسازی و کف فرش و چوب جهت پوشش سقف‌ها و در و پنجره‌ها است.

بنای مذکور دارای سه طبقه ساختمان و یک حیاط خلوت در ضلع شمال است که باغی به مساحت تقریبی دو هکتار با درختان میوه پیرامون آن وجود دارد. نکته مهم در خصوص خانه‌های درون باغی بروچرد این است که حالت اراگانیک - خود شکل گیرنده - داشته و بنا بدون توجه به باغ پیرامون و احتمالاً بعد از احداث باغ ساخته شده و هیچ گونه طراحی در این خصوص صورت نگرفته است.

بنا دارای ویژگی‌های خاصی است که در اکثر بناهای مشابه در بروچرد مشاهده می‌شود. نخست اینکه در بیرون به شیوه‌ای طراحی شده که حالت قرینه داشته در صورتی که در داخل طبقات مختلف هیچ کدام از فضاها قرینه هم نمی‌باشند. دوم اینکه با توجه به نماسازی بیرون طبقات همکف و اول به‌صورت یک طبقه جلوه می‌کند. تصاویر موجود در این گزارش مربوط به مخروبه شدن این تکیه در بروچرد است.

تکایای بروچرد محل استراحت و کوشک صاحبان باغات بوده است و به نظر کارشناسان شیوه طراحی آن به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد به‌مرور زمان کاربری خود را از تکیه به یک کوشک باغی تبدیل کرده است.

تکایایی که می‌تواند همچون باغ هشت بهشت اصفهان جذاب و دیدنی شود، اگر ظرفیت‌هایش شکوفا شود، اما آن چیزی که از نشان می‌دهد به نظر فاصله بسیار زیادی تا شکوفایی ظرفیت‌های موجود در کوچه باغات بروچرد وجود دارد باغاتی که هنوز نمی‌توان زیباترین فصل آن را انتخاب کرد چراکه فصل فصلش رقص رنگ‌ها میان شاخه‌هاست.

● هجوم ساخت و سازها به کوچه باغات بروچرد

حجت اله یارمحمدی رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بروچرد در این رابطه در سخنانی بایان اینکه شهر بروچرد از گذشته توسط یک محدوده باغات متمرکز به‌ویژه در قسمت شمالی و شمال غربی محصور بوده است اظهار داشت: این حصار سبز پرچم در طول تاریخ با توجه به توسعه شهرها و برداشته شدن

بروجرد بیان داشت: این امر می‌تواند جلوی تغییر کاربری عرصه‌ها و حتی آتش‌سوزی‌های مشکوک و عامدانه را در این زمینه بگیرد.

این عضو شورای اسلامی شهر بروجرد با تأکید بر ضرورت برخورد با متخلفان در این زمینه گفت: همچنین باید جلوی ساخت‌وسازها و ویلا سازی‌ها را در منطقه گلدشت بروجرد گرفت که این امر باید از سوی مسئولان به‌طور جدی پیگیری شود.

یوسفی شهردار بروجرد نیز در سخنانی بایان اینکه به لحاظ گردشگری «کوچه‌باغی‌ها» و «کوشک‌های» درون آن از جلوه‌های معماری و هنر طبیعی ناب شهر بروجرد به شمار می‌آید بیان داشت: باین‌وجود هنوز این ظرفیت به‌عنوان مقصدی برای سفر گردشگران بروجرد در فصل‌های مختلف سال معرفی نشده است.

وی بایان اینکه امروز دستاران سفر به طبیعت، «کوچه‌باغی» را به نام یک اثر زیبای نقاشی شده از طبیعت بروجرد می‌شناسند تصریح کرد: متأسفانه معرفی جاذبه‌های طبیعی شهرستان بروجرد به فصل بهار و تابستان خلاصه‌شده و کمتر به زیبایی‌های این شهر در فصل پاییز و سرما توجه شده است.

شهردار بروجرد ادامه داد: بروجرد با داشتن آب‌وهوای مطلوب پاییزی و زیبایی سفیدپوش شدن زمین در زمستان از بهترین مناطق گردشگر پذیر کشور است.

● کوچه‌باغ‌های بروجرد ظرفیتی برای سرمایه‌گذاری

به‌هرروی به اعتقاد کارشناسان گردشگری کوچه‌باغ‌ها و تکیه‌باغ‌های بروجرد در فصول مختلف سال ظرفیت ناشناخته و مغفول در حوزه گردشگری این شهر محسوب می‌شوند که مرمت و احیای آن‌ها ظرفیتی برای رونق حوزه گردشگری بروجرد است.

تکیه باغات بروجرد با توجه به معماری درون‌گرای خود دارای طراحی منحصربه‌فرد از باغات ایرانی هستند که دارای جذابیت‌های فراوان برای علاقه‌مندان به شیوه‌های زندگی گذشتگان در این منطقه به‌حساب می‌آیند و این ظرفیت ارزشمند شهر تاریخی بروجرد که نتیجه تفکرات اقتصادی و گردشگری گذشتگان این دیار بوده امروز بر کالبد وجودی و هویت شهر تاریخی بروجرد هنرمندانه تأثیرگذار خواهد بود و می‌تواند ظرفیت خوبی برای سرمایه‌گذاری دولت و شهرداری بروجرد در بخش توسعه و حفاظت باغات برای جذب گردشگر از یک‌سو و تولید متنوع محصولات باغی از سوی دیگر باشد.

احداث‌شده‌اند گفت: ساختمان زیرین که با ارتفاع کمتر و طاق‌های ضریبی ایجادشده معمولاً برای دیو محصولات باغی، نگهداری احشام و مرکب‌ها، وسایل و ابزار باغی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

● تکیه باغات بروجرد از بین رفتند

وی بایان اینکه همچنین طبقه بالای آن با سقف کوتاه‌تری احداث می‌شده و در فصل سرد سال از آن استفاده می‌شده است گفت: سقف طبقه بالاتر و سوم از کمی بلندتر احداث می‌شده و با باغ ارتباط داشته و در فصل‌های گرم سال برای ارتباط با فضای سبز باغ مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری بروجرد بایان اینکه در شهر بروجرد حدود ۵۰ تکیه باغ شناسایی شده است گفت: متأسفانه به دلیل توسعه شهر و هجوم انبوه‌سازی و ساخت‌وساز مسکونی به شبه باغات بسیاری از تکایا از بین رفته‌اند.

● تبدیل تکیه باغ «افشار» به مخروبه

یارمحمدی بایان اینکه در حال حاضر چند مورد از این تکایا به‌عنوان مثال تکیه مرحوم «وثقی»، تکیه مرحوم «بیرجندی»، تکیه «افشار» و «دیده‌ور» در بروجرد وجود دارند گفت: خوشبختانه این‌ها از این سیل از بین برنده ساخت‌وسازها رهایی یافته‌اند و نجات پیدا کرده‌اند و الان هم سرپا هستند.

وی بایان اینکه یکی از تکایایی که شرایط بدی دارد، تکیه «افشار» است گفت: باغ توسط مدیریت عمران شهری خریداری شده و از آن زمان تکیه آن نیمه مخروبه باغی مانده است.

رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری بروجرد تأکید کرد: اگر عزمی صورت گیرد می‌شود این تکیه باغ را مرمت کرد و به‌عنوان یک اثر تاریخی و فرهنگی آن را حفظ و نگهداری کرد.

● تخریب کوچه‌باغ‌ها توسط افراد سودجو

روح‌اله نظر پور عضو شورای اسلامی شهر بروجرد نیز در این رابطه در سخنانی بایان اینکه باغ‌ها و فضای سبز بروجرد با اقدامات افراد سودجو در معرض تهدید و تخریب قرار دارند اظهار داشت: این امر خیانتی به نسل آینده است.

وی با تأکید بر ضرورت شناسنامه‌دار کردن باغات و درختان



حصار شهرها به عقب رانده‌شده‌اند.

وی بایان اینکه شهرها که توسعه پیدا کرده‌اند فضای سبز شهری نیز تخریب‌شده است گفت: کسانی که علاقه‌مند به احداث باغ و باغداری و فعالیت در این حوزه بودند به عقب‌تر رفته‌اند و ایجاد باغ کرده‌اند.

رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری بروجرد همچنین با اشاره به وضعیت تکایا نیز بیان داشت: در دل همین کوچه باغات یک ساختمان توسط مالکین و علاقه‌مندان به فعالیت باغداری ساخته می‌شده که از باغ سازی ایرانی نیز تبعیت نمی‌کرده و روش آن کاملاً ارگانیک و خود شکل‌دهنده بوده است.

رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی بروجرد ادامه داد: سابقه ساختن فضاها و بناهایی در داخل محوطه باغ‌ها برای تفرج و استراحت در ایران به سال‌های طولانی برمی‌گردد.

یارمحمدی اظهار کرد: این گونه بناها که از آن‌ها در اصطلاح معماری سنتی به‌عنوان «کوشک» نام‌برده می‌شود معمولاً به افراد و اشخاصی که دارای موقعیت مهم اجتماعی، مالی و یا حکومتی بوده‌اند تعلق داشته و به‌گونه‌ای طراحی می‌شدند که به تمام جهات بیرون اشراف داشته و محل مناسب و دلگشایی برای استراحت باشند.

رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری بروجرد بایان اینکه این عقب رانده شدن فضاهای سبز به‌ویژه باغات در طول تاریخ بروجرد دو تا سه مرتبه تکرار شده است گفت: بخشی از بروجرد که مجموعه‌ای متراکم از این باغات دارد به دلیل همین تراکم باغات و فاصله‌های کمی که بین باغات وجود دارد و توسط معابر پرشده به‌عنوان کوچه‌باغی از آن‌ها یاد می‌شود.

● کوچه باغاتی که زیر پای ساخت‌وسازها تخریب شدند

یارمحمدی بایان اینکه این معابر هیچ‌کدام ماشین‌رو نیستند گفت: عموم مردم تنها از معابر بین باغات عبوری کردند و این محدوده تحت عنوان کوچه‌باغی از آن‌ها یاد می‌شود.

وی با تأکید بر اینک متأسفانه بعد از این که شهرها گسترش پیدا کرده و گسترش ساخت ساز بخشی از این باغات را تخریب کرده است گفت: متأسفانه این اتفاق در سنوات گذشته رخ داده و محدوده گسترده‌ای از باغات متمر و پردرخت پوشیده شده بود با ساخت‌وسازها تخریب‌شده است.

یارمحمدی بایان اینکه ساختمان تکایا در سه طبقه



دست درازی چین به لالچین؛ پایتخت جهانی سفال ترک برداشت



لالچین عنوان پایتخت و شهر جهانی سفال را یدک می‌کشد اما این روزها با مشکلی آشنا به نام واردات محصولات چینی مواجه است که در صورت تداوم، منجر به خروج این شهر از فهرست جهانی یونسکو خواهد شد.



پروین قادری
دانشمند

لالچین که به شهر گل و سفال معروف است با جمعیتی افزون بر ۱۵ هزار نفر در ۲۳ کیلومتری مرکز استان همدان واقع شده و بیش از ۹۰۰ واحد خرد، کوچک و متوسط تولید، تکمیل و فروش سفال و سرامیک را با اشتغالی افزون بر پنج هزار نفر، در خود جای داده است به گونه‌ای که بیش از ۶۰ درصد مردم این شهر با صنعت سفال و سرامیک اعم از تولید، تکمیل، فروش، صادرات، حمل و نقل مرتبط هستند.

لالچین دارای پیشینه سفال‌سازی نزدیک به ۷۰۰ سال است و در حال حاضر سفال‌گری به عنوان یکی از مهم‌ترین رشته‌های صنایع دستی استان همدان شهرت جهانی دارد.

ساختار منحصر به فرد تولید سفالینه در این شهر به گونه‌ای توسط دست توانمند طبیعت رقم خورده است که از تهیه انواع مختلف مواد اولیه تا تولید، تکمیل، توزیع و در نهایت صادرات سفال و سرامیک همگی یا در لالچین انجام می‌شود یا قابلیت انجام آن در این شهر وجود دارد.

● نگاهی به روند جهانی شدن لالچین

همین ویژگی‌ها سبب شد تا از نیمه دوم سال ۹۴ زمزمه‌هایی مبنی بر ثبت شدن لالچین به عنوان شهر جهانی سفال به گوش برسد تا اینکه داوران یونسکو اردیبهشت‌ماه ۹۵ در شهر لالچین حضور یافتند و از نزدیک تمام جوانب و هنر سفال‌سازی در این شهر را مورد بررسی قرار دادند.

در نهایت زحمات و تلاش‌های مسئولان، هنرمندان لالچینی و رسانه‌های استان به ثمر نشست و این شهر به عنوان شهر جهانی سفال به ثبت سازمان جهانی یونسکو رسید.

اما باید هنرمندان نیز تلاش لازم را در زمینه‌های ارتقای کیفی داشته باشند.

وی با تأکید بر اینکه سال گذشته سال نام‌گذاری بود و امسال باید سال توسعه نام‌گذاری باشد، گفت: توسعه بوم گردی در لالچین مناسب است و شهر باید شهر موزه‌ای باشد.

یک کارشناس صنایع دستی استان همدان نیز با بیان اینکه ثبت شهرهای جهانی صنایع دستی مزایای بسیاری دارد که می‌توان آن‌ها را در دوشاخه کلی مزایای اقتصادی و مزایای فرهنگی و اجتماعی دسته‌بندی کرد، گفت: مزایای اقتصادی این دستاورد شامل معرفی محصولات در سطح جهانی، تبدیل شدن به برند بین‌المللی، فروش محصولات در سطح جهانی و در نهایت رونق کسب و کار هنرمندان و صنعتگران است.

احسان امین پور در خصوص وضعیت لالچین برای حفظ عنوان جهانی خود گفت: نمای اصلی شهر لالچین باید اصلاح و از فروش کالاهای غیر تولیدی لالچین خودداری شود.

امین پور با بیان اینکه لالچین باید جشنواره مخصوص سفال لالچین داشته باشد و هنرمندان مطرح در این حوزه در آن شرکت کنند، گفت: آموزش باید توسعه یابد. وی گفت: جهانی ماندن شهر لالچین از جهانی شدن آن بسیار مهم‌تر است و در این راستا باید در ساختار شهر اتفاقی بیفتد که باعث توسعه هنر سفال در لالچین شود.

● مسئولان از پیشنهادات مردم بهره بگیرند

امین پور با تأکید بر اینکه هنر سفال در لالچین باید به پیشرفت بالایی برسد، تأکید کرد: مسئولان باید از فکر و پیشنهادات مردم این شهر بهره بگیرند.

وی همچنین با اشاره به اینکه در مواردی شاهد فروش سفال‌های چینی در لالچین هستیم، افزود: چین بسیاری از بازارهای دنیا را به خود اختصاص داده که سفال و سرامیک نیز شامل این موضوع می‌شود و باید با بالا بردن کیفیت سفال لالچین از ورود سفال‌های چینی به بازارهای کشور جلوگیری و به تدریج سفال و سرامیک چینی پس زده شود. وی در این زمینه از دولت خواست با جلوگیری از ورود بی‌رویه محصولات چینی ارزان قیمت اجازه ندهد تا هنر

این امر گام نخست در توسعه لالچین و گردشگری استان همدان است چرا که در گام بعدی باید این عنوان برای لالچین حفظ شود و در حد یک اسم نباشد تا همه مردم دنیا لالچین را به عنوان شهر جهانی سفال بشناسند و سفال لالچین یک برند جهانی باشد.

اما اردیبهشت‌ماه امسال و در سالگرد جهانی شدن شهر سفال لالچین بهمن نامور مطلق معاون صنایع دستی کشور به همراه تعدادی از کارشناسان به لالچین سفر کرد و در این سفر با بیان اینکه لالچین برای ما خیلی مهم است و به دنبال تغییرات اساسی در راستای توسعه این شهر هستیم، گفت: لالچین به عنوان کوچک‌ترین شهر جهانی ثبت شده از قطب‌های مهم اقتصادی کشور است.

● دعوت به کار افراد خلاق

نامور مطلق با بیان اینکه باید به سمت دانش‌بنیان بودن رفت و افراد نوآور که صاحب‌فکر و ایده هستند را به کار دعوت کرد، گفت: بخش دولتی در کنار هنرمندان است





لالجین به شهر جهانی سفال جلسات متعددی با صاحبان فروشگاهها، اصناف، تزیینات و سایر دستگاههای مرتبط برگزار شده تا از عرضه سفال چینی در این شهر جلوگیری شود.

وی با بیان اینکه بازدیدهای مشترک از وضعیت عرضه سفال نیز به انجام رسیده و اظهارها و تذکرها داده شده است، گفت: طبق گفته استاندار همدان پایان خردادماه آخرین فرصت تعیین شده برای فروشگاه دارانی است که کالای چینی عرضه می کنند و باید این کالاها جمع آوری شود.

● ۳۰ درصد مجموع فروشگاههای شهر کالای چینی دارند

قاسمی با بیان اینکه تاکنون بیشتر اقدامات انجام شده در راستای فرهنگسازی صورت گرفته و تذکرها داده شده است، گفت: کمتر از ۳۰ درصد مجموع فروشگاههای این شهر در بین کالاهای خود کالای چینی نیز دارند. با این تفاسیر آنچه مهم به نظر می رسد اینکه شهر جهانی سفال لالچین امتیازی برای استان همدان به شمار می رود چراکه توسعه این استان بر محور گردشگری استوار است بنابراین باید با حفظ جایگاه به دست آمده برای این شهر مسیر توسعه استان را هموار کرد و با جلوگیری از عرضه کالاهای چینی در این منطقه هنر سفالگری لالچین را از نابودی نجات داده و به دنیا شناساند.

اشغال زایی و توسعه صادرات صنایع دستی به طور مستقیم تأثیر دارد.

علی مالیر بایان اینکه صنایع دستی بخش عمده بازار استان همدان را به خود اختصاص داده است، گفت: معرفی ویژگی های استان نیازمند هزینه و اقدامات تبلیغاتی است چراکه تبلیغات موجب حضور بیشتر هیئت های تجاری، فرهنگی در استان می شود.

● ۲۳۱ فروشگاه عرضه سفال در شهر لالچین وجود دارد

وی بایان اینکه ۲۳۱ فروشگاه عرضه سفال در شهر لالچین وجود دارد و ۸۸۰ واحد سفالگری نیز در این شهر فعال است، گفت: خودداری از فروش سفال چینی در لالچین توسط بازرسان به مغازه داران در این شهر اعلام شده است.

معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان با بیان اینکه فروشگاهها در شهر لالچین به دو دسته تقسیم می شوند، گفت: برخی فروشگاهها در کنار عرضه سفال لالچین به عرضه سفال چینی هم مبادرت می ورزند که شاید تعداد این فروشگاهها ۲۰ تا ۳۰ درصد مجموع فروشگاههای لالچین باشد.

علیرضا قاسمی با تأکید بر اینکه شهر لالچین به خاطر تبدیل شدن به شهر جهانی سفال باید تنها فروشنده سفال تولیدی منطقه خود باشد، گفت: از زمان تبدیل شدن

سفالگری در ایران نابود شود.

در راستای همین صحبتها اسفندماه ۹۵ استاندار همدان در جلسه ای با حضور دستاورد کاران میراث فرهنگی و صنایع دستی همدان جلوگیری از عرضه سفال چینی در لالچین را خواستار شد و در فرصتی سه ماهه اول تیرماه امسال را زمان بازدید فروشگاههای لالچین و پلمب مغازه های عرضه کننده سفال چینی عنوان کرد.

● مهلت عرضه کالای چینی تا پایان فصل بهار

استاندار همدان در این خصوص با تأکید بر اینکه مهلت عرضه کالای چینی در لالچین با پایان فصل بهار به پایان می رسد، عنوان کرد: سال گذشته اعلام کردم که در لالچین هیچ کالای خارجی عرضه نشود چراکه در غیر این صورت آن واحد پلمب می شود.

نیکبخت ادامه داد: برای اجرای این موضوع ۳ ماه مهلت خواسته بودند و با پایان فصل بهار مهلت آنها به اتمام می رسد و بر این اساس به هیچ وجه نباید عرضه کالای غیر از کالاهای تولیدی همدان را به ویژه در بازار لالچین شاهد باشیم.

محمدناصر نیکبخت با بیان اینکه همدان را به تاریخ و فرهنگ آن می شناسند و همدان به عنوان شهر سبز پایدار جهان و لالچین همدان به عنوان شهر جهانی سفال شناخته شده است، گفت: این دو مورد ظرفیت بالایی همدان را نشان می دهد.

نیکبخت با اظهار تأسف از فروش کالاهای چینی و خارجی در شهر جهانی سفال عنوان کرد: فروش کالای خارجی در لالچین شایسته نیست و باید با فروشگاههای عرضه کننده کالای چینی برخورد و فروشگاههای آنها پلمب شود.

● جهانی شدن لالچین صادرات را ۱۱ درصد افزایش داد

مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان نیز با بیان اینکه جهانی شدن لالچین صادرات صنایع دستی همدان را ۱۱ درصد افزایش داد، اظهار داشت: در سالی که گذشت کسب عنوان شهر جهانی سفال برای لالچین و تبدیل شدن آن به برند جهانی در راستای ارتقای صادرات سفال استان محقق شد که به دنبال آن صادرات صنایع دستی استان افزایش ۱۱ درصدی نسبت به سال گذشته داشت.

علی مالیر با اشاره به تداوم جهانی بودن لالچین، یادآور شد: شاخصها برای جهانی ماندن لالچین مشخص شده و استان باید سالانه گزارش عملکرد خود را در رعایت شاخصها ارائه دهد.

مالیر عنوان کرد: ثبت جهانی شهری همچون لالچین، عنوان مهمی بوده و روی گردشگری خارجی، اقتصاد محلی،



روایتی از قلب زاگرس تا قلب اروپا راز سر به مهر «کلماکره»: ماجرای ششمین گنجینه بزرگ دنیا که به غارت رفت

ششمین گنجینه بزرگ دنیا از محل غاری کشف شده است در قلب کوه‌های زاگرس؛ جایی که ردپای مفرغ‌های کشف‌شده در آن تا قلب اروپا رفته است.



فاطمه حسینی

خبرگزاری مهر - گروه استان‌ها: از آن سال که نام «کلماکره» دهان‌به‌دهان شد و پیچ‌هایی از «گنج پنهان» سودجویان را وسوسه کرد تا گنجینه بزرگ مکشوفه دنیا را به بنما ببرند، حدود ۲۸ سال گذشته اما اسرار غار تاریخی کلماکره همچنان ناگفته مانده است.

«کلماکره» غاری است طبیعی و باستانی در شهرستان پلدختر که زیبایی قابل توجهی دارد. اشیاء به غارت رفته از این غار شامل ریتون‌ها، بشقاب‌ها، پیکرک‌ها و بسیاری از انواع اشیاء بی‌نظیر است که اکنون در موزه‌هایی چون لوور، متروپولیتن و بریتیش میوزیوم به نمایش گذاشته شده‌اند.

تعدادی از اشیاء مربوط به این غار توسط مأموران کشف و در اختیار میراث فرهنگی قرار گرفت و اکنون در موزه ایران باستان و موزه قلعه فلک الافلاک نگهداری می‌شوند.

● شکارچی که راز سر به مهر «کلماکره» را فاش کرد

پاییز سال ۶۸ بود که «عزیز» غار پنهانی پلدختر را پیدا کرد، او برای شکار به کوهستان صعب‌العبور رفته بود، شکار او به داخل غار می‌کشاند و ماجرای کشف بزرگ از اینجا آغاز می‌شود. همین شد که مرد شکارچی از آن روز به بعد، هر صبح به بهانه شکار راهی «کلماکره» می‌شد و گنجی با خود می‌آورد و با کمک پسرعمه‌اش آن را می‌فروخت تا اینکه زمزمه گنج پنهان به گوش همه رسید و کم‌کم همه وسوسه شدند و خزانه غار «کلماکره» خالی‌تر شد.

این غار مورد هجوم مردم قرار می‌گیرد و هر چه اشیاء تاریخی در این غار وجود دارد را با خود می‌برند و از اشیاء داخل غار هیچ‌چیزی باقی نمی‌ماند، هر آنچه امروز در موزه قلعه فلک الافلاک خرم‌آباد و یا موزه ملی تهران از اشیاء تاریخی غار «کلماکره» وجود دارد از دست قاچاقچیان کشف و گرفته شده است.

سال ۷۱ میراث فرهنگی وارد موضوع شده و در این غار مشغول به چند مرحله کاوش می‌شوند، اما در کاوش حتی یک قلم شی پیدا نمی‌شود، تاسف بار آنجاست که بعد از غارت اشیاء تاریخی غار «کلماکره» طبیعت غار نیز از سوی سودجویان از بین می‌رود.

با این حال «کلماکره» هنوز در خود رازهای سربه‌مهری دارد، «کلماکره» از سوی باستان‌شناسان در حال بررسی است تا شاید رازهای سربه‌مهر آن را فاش کنند و برگی دیگر از تاریخ ایران و لرستان را ورق بزنند.

● غاری عجیب با ۴ تالار

یک باستان‌شناس لرستانی با اشاره به اهمیت غار «کلماکره» اظهار داشت: این غار، یک غار کاملاً طبیعی است که در ۱۳ کیلومتری شمال غرب شهرستان پلدختر، در ارتفاع ۶۵۰ متری دریا و ۵۵۰ متری سطح دشت و در کوهی به نام «مله» قرار گرفته است.

عطا حسن‌پور با اشاره به تنگه‌ای در این منطقه به نام تنگه «قره غلامرضا» بیان داشت: این تنگه در بالای روستاهای «طاق ملک حسین» و «دره باغ» قرار دارد و در پاییز سال ۶۸ یک شکارچی محلی که در کوه در حال شکار بوده است به غار می‌رود.

وی بایان اینکه «مله» یک کوه کاملاً دیم است و در آن آبی وجود ندارد ادامه داد: این فرد محلی به دنبال شکاری که ریش آن خیس بوده به داخل غار «کلماکره» می‌رود.



چه اشیاء تاریخی در این غار وجود دارد را با خود می‌برند و از غار هیچ‌چیزی باقی نمی‌ماند.

● تراژدی غمگین «کلماکره»

وی بیان اینکه هر آنچه امروز در موزه قلعه فلک الافلاک خرم‌آباد و یا موزه ملی تهران از اشیاء تاریخی غار «کلماکره» وجود دارد از دست قاچاقچیان گرفته و خارج شده است گفت: سال ۷۱ میراث فرهنگی وارد موضوع می‌شود و در این غار مشغول به کاوش می‌شوند، اما در کاوش حتی یک قلم شی پیدا نمی‌شود.

حسن‌پور ادامه داد: سال ۷۱ در غار «کلماکره» را به‌وسیله بتن مسدود می‌شود و دوباره در سال ۷۲ کاوش‌ها صورت می‌گیرد و در این مرحله نیز چیزی به‌جز قوطی‌های کنسرو و مخلفاتی که از قاچاقچیان به‌جامانده چیزی پیدا نمی‌کنند و دوباره در غار با بتن بسته و تعطیل می‌شود. حسن‌پور ادامه داد: در ورودی غار یک پاسگاه نگهبانی چندین سال ایجاد می‌شود که دوباره آن‌هم جمع می‌شود و سودجویان باز هم به این غار هجوم می‌آورند و به وسیله دینامیت در ورودی غار «کلماکره» را منفجر می‌کنند، هجوم‌های بعدی به دنبال اشیاء نبوده بلکه سقف و دیوارهای غار را می‌کنند و منجر به تخریب قندیل‌های طلائی و زیبایی غار «کلماکره»، خشک شدن «آب‌چاله‌های» داخل غار می‌شود و ضربه سنگینی به طبیعت این غار وارد می‌شود که به‌واقع یک تراژدی خیلی سخت رقم می‌خورد.

● غاری که فصلی جدید در تاریخ گشود

این باستان‌شناس لرستانی بایان اینکه کشف غار «کلماکره» موجب شد که سایر غارهای لرستان نیز تخریب شوند ادامه داد: غارهای هومیان، میرملاس، یافته و ... از سوی مردم به بهانه پیدا کردن گنج از بین رفتند اما به‌غیر از اینکه اشیاء غار «کلماکره» به غارت رفت تمام زیبایی‌های غار از بین رفت.

این باستان‌شناس لرستانی بایان اینکه نام «کلماکره» از دو بخش تشکیل شده است گفت: «کلم» به معنی ماوای «کل» است و جایی که کل به آنجا پناه می‌برد و «کره» نیز یک نوع انجیر بوده که درخت آن در ورودی این غار وجود دارد.

حسن‌پور بایان اینکه شکارچی به نام «عزیز» به دنبال شکار خود به داخل غار «کلماکره» می‌رود ادامه داد: غار «کلماکره» چهار تالار به طول ۵۵۶ متر دارد که هر چهار تالار پشت سر هم هستند.

● راز سر به مهر «کلماکره» فاش می‌شود؟

وی ادامه داد: تالار اول اندکی نور دهانه غار را دارد و از تالار اول به تالار دوم یک دهلیز به قطر ۸۰ سانتی‌متر است که می‌توان به‌صورت سینه‌خیز از طریق آن وارد تالار دوم شد و در تالار دوم تاریکی مطلق وجود دارد، همچنین از این تالار به تالار سوم یک ارتفاع پنج‌تا شش متری وجود دارد که باید از آن بالا بروی و دوباره پایین بیایی تا به تالار سوم و چهارم وارد شوی، که این تالارها را آب به‌صورت «آب‌چاله» فرار گرفته است.

ین باستان‌شناس لرستانی بایان اینکه طبق گفته «عزیز» شکارچی محلی، اشیایی که از غار «کلماکره» به دست آورده در تالار سوم و چهارم پیدا کرده است ادامه داد: اولین باری که این شکارچی محلی وارد غار می‌شود و اشیاء را کشف می‌کند موضوع را به پسرعمه خود اطلاع می‌دهد که این اشیاء را از غار پیدا کرده و در سری اول، دوم و سوم دو نفره با «گونی» اشیاء را از غار خارج می‌کنند و در سری‌های بعدی مردم تکتک از این موضوع خبردار می‌شوند، این موضوع دهان‌به‌دهان در کوه‌دشت، ایلام، دره شهر، پلدختر، رومشگان، کرمانشاه، ایلام، خوزستان و ... می‌چرخد و به غار هجوم دسته‌جمعی می‌برند.

حسن‌پور بایان این هجوم مردم برای پیدا کردن اشیاء تاریخی از سال ۶۸ تا سال ۷۱ طول می‌کشد گفت: حدود چهار سال این غار مورد هجوم مردم قرار می‌گیرد و هر



این زمینه اشیا بوده که با ما حرف می‌زند. حسن‌پور بایان اینکه زمانی اشیایی که از غار به دست آمده را کنار هم قرار می‌دهیم باید مورد آزمایش قرار گیرند که آیا این اشیا مربوط به این غار است یا نه ادامه داد: در غار «کلماکره» این آزمایش‌ها روی اشیا انجام و مشخص شده که مربوط به این غار هستند چون هوازدگی که باعث خوردگی اشیا شده فقط در هوای غار «کلماکره» وجود دارد. وی با اشاره به کشف کتیبه‌های تاریخی در غار «کلماکره» بیان داشت: کشف این کتیبه‌ها تاریخ را تکان داد به‌طوری‌که تا قبل از ترجمه این کتیبه‌ها نامی از حکومت «ساماتوره» در تاریخ ایران و جهان و نامی از پادشاهان آن زمان بوده و اولین بار از روی این کتیبه‌ها مشخص شد که این اشخاص در دوره ایلام نو در لرستان و در سرزمینی به نام «سمتی» یا «ساماتوره» زندگی کرده‌اند.

● غارهای تاریخی ظرفیتی برای رونق گردشگری لرستان

غلامرضا سلیمانی مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری لرستان هم در این رابطه در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به غارهای تاریخی لرستان اظهار داشت: در این راستا ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای حضور گردشگران در دستور کار قرار دارد.

وی بایان اینکه غارهای تاریخی یکی از ظرفیت‌های مهم لرستان برای رونق حوزه گردشگری است بیان داشت: آنچه مهم بوده این است که زیرساخت‌های لازم برای بازدید گردشگران از این غارهای تاریخی در استان فراهم شود.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری لرستان با اشاره به فعال نبودن کارگروه غارشناسی در لرستان بیان داشت: معاونت عمرانی استانداری رئیس این کارگروه و میراث فرهنگی دبیر این کارگروه است و دستگاه‌های دیگر، بخش خصوصی نیز باید کمک کنند که این کارگروه در استان فعال شود.

سلیمانی با تأکید بر اینکه به‌طور حتم پیگیری‌های لازم را برای احیای این کارگروه با معاونت عمرانی استانداری لرستان خواهیم داشت افزود: طی دو سال گذشته به خاطر مشغله کاری و همچنین سایر هدف‌گذاری‌های دولت این کارگروه تشکیل نشد که امیدواریم بتوانیم آن را فعال کنیم. بنابراین گزارش صحنه‌های رویایی استالاکمیت‌ها و استالاکتیت‌های طلایی‌رنگ غار «کلماکره»، حوضچه‌های پر از آب، دهلیزها و حفره‌های آن از جلوه‌های منحصر به فرد این غار شگفت‌انگیز است که چشم هر بیننده‌ای را نوازش می‌دهد.

اطلاعات به‌دست‌آمده از اشیای منسوب به این غار حاکی از آن است که این مجموعه یکی از شش گنجینه کشف شده بزرگ در جهان است.

این باستان‌شناس لرستانی بایان اینکه تکمیل‌کننده اطلاعات این غار در کتاب «احمد پرویز» در حال جمع‌آوری است اظهار داشت: در این کتاب یک سری نظریات جدید و متقن آورده که هم راجع به کاربری دقیق و نهایی این غار اشاره شده و هم در رابطه با قدمت این غار اطلاعات جدیدی را ارائه داده است.

حسن‌پور بایان اینکه در رابطه با غار «کلماکره» اخیراً مقالات زیادی در خارج از کشور منتشر شده است ادامه داد: باین‌وجود در هیچ‌کدام از این مقالات به‌درستی به کاربری و حتی قدمت این غار اشاره‌ای نکرده‌اند، اما احمد پرویز سال‌های سال است که راجع به غار «کلماکره» در حال بررسی بوده و تنها کسی است که روی تیکه‌ها و خورده‌هایی که از اشیاء باقی‌مانده بود کار باستان‌شناسی انجام داده است.

● «کلماکره» و فاش شدن حکومت «ساماتوره»

وی بایان اینکه موضوعی که هنوز برای باستان‌شناسان در حاله‌ای از ابهام قرار دارد کاربری این غار است گفت: مشخص نیست که این غار مخفیگاه، محل نگهداری ذخایر سلطنتی، نیایش، تدافعی، نظامی، سلطنتی و مردمی بوده است.

این باستان‌شناس لرستانی بایان اینکه هر آنچه در رابطه با غار «کلماکره» در مقالات و کتاب‌ها اشاره شده نقض شده‌اند گفت: یک سری مؤلفه برای تعیین کاربری هر غار وجود دارد که به‌طور معمول از روی اشیاء، داده‌های داخل غار، دست‌کندها، ظروف، نحوه زندگی و تأمین معاش و ... می‌توان کاربری غار را درک کرد اما مهم‌ترین مؤلفه در

حسن‌پور بایان اینکه وقتی که اشیای گران‌قیمت غار «کلماکره» وارد کشورهای خارجی شد، آن‌ها اشیایی گران‌قیمت و بسیار زیبا بودند و با هیچ‌جا قابل‌مقایسه نبودند تا باب تازه‌ای از مطالعات در این غار شروع شود گفت: در این مطالعات مشخص شده که قومی در دوره ایلام نو و ۷۴۰ قبل از میلاد در لرستان زندگی می‌کرده که این قوم حکومت محلی کوچک، اما بسیار ثروتمند و باهنگر خیلی غنی بوده که تحت سیطره ایلام نو و قبل از هخامنشیان در این منطقه حکمرانی می‌کرده است.

وی بایان اینکه این حکومت، به نام خاندان «سمتی» یا «ساماتوره» بوده که نام ۱۷ نفر از پادشاهان در کتیبه‌های کشف‌شده در غار «کلماکره» قابل‌رویت است گفت: از این پادشاهان، چهار نفر لقب شاه دارند و بقیه نیز پیروان آن‌ها بوده‌اند.

این باستان‌شناس لرستانی با بیان اینکه اگر کاوش‌ها به شکل علمی در غار «کلماکره» صورت می‌گرفت و اشیاء از بافت خودشان به دست می‌آمد می‌توانست تاریخ جهان را متحول کنند و باب تازه‌ای از تاریخ جهان را مشخص کنند گفت: همه اشیا کشف‌شده از غار «کلماکره» طلا و نقره بوده است.

● حراج اشیای «کلماکره» در خارج از کشور

حسن‌پور بایان اینکه برخی از اشیا تاریخی غار «کلماکره» در قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد و بخشی در موزه ملی ایران وجود دارند گفت: اما اغلب اشیا کشف‌شده از این غار در خارج از کشور وجود دارد که برای اولین بار در گالری هنر اتریش حراج شدند و یک دلال معروف عتیقه همه آن‌ها را خریداری کرد.



طبیعت در خار توران شاهرود عشوه گری می کند / روایت ابرهای سربه راه

جشنواره گردشگری
خار توران و روستای
هدف گردشگری رضا
آباد از آن نقطه های
پیوند زمین و آسمان
است که انسان
عشوه گری طبیعت
را در تصنیف خلقت
خدای متعال به نظاره می نشیند.



محمدحسین
عبادی



روایت سفر به خار توران روایت تماشای
ابرهای سربه راهی است که در امتداد پیوند
آسمان و زمین در پشت رمل های شنی
بی نظیر، آنجا که هبوط مثل خطی زیبا
انحنای چشم طبیعت را سرمه می کشد،
رقص کنان پیش می روند.

وعده دیدار اما روزی از روزهای اردیبهشت،
آن روز که می رسد به مشام بوی خاک،
بوی شن و بوی سکوت ساعتش اما زمانی
است که هنوز مشتی ستاره بر آسمان قیر
فام بامدادان بهاری باقی مانده است تا
شفق طلوع خورشید را در پشت رمل های
شنی به نظاره بنشیند ... بنفش، آبی،
نیلی، ارغوانی، سرخ، طلایی و آفتابی ...
این صحنه های است که اگر آن را در کویر
نبینی ... در هیچ کجا نخواهی دید آن هم به
این سخاوت.

● صبحدم راهی شدن کمی سخت است اما می ارزد

صبحدم راهی شدن کمی سخت است
اما می ارزد به این ملغمه رنگ و طرح که
بر پهنه آسمان می درخشد تا به آفتاب
خوش آمد گوید. چشم نواز و دل فریب.
مثل یک آغوش بی لبخند که یکسر به
قافقای دل نشین ختم می شود بدون
امتداد. بدون هیاهو.

آفتاب که درمی آید کم کم کویر جان
دوباره ای می گیرد اینجا صبحانه ای
دل نشین و گرم، در کنار آغوش آفتاب
می ارزد به هرچه زندگی شهری ... اینجا
رضا آباد است ... در دل کویر آنجا که برای
رسیدنش باید ۲۵۰ کیلومتر رنج سفر را از

شاهرود به جان خرید اما اگر صحنه رنگ
فام طلوع را می خواهی باید از شامگاه آنجا
بمانی. در دل کویر سخاوتمند. این مام
طبیعت.
با برآمدن آفتاب یاد شعر قیصر امین
پور می افتم؛ دست خسته مرا، مثل
کودکی بگیر، با خودت مرا ببر، خسته ام
از این کویر ... اما با این تفاوت که من
تازه رسیده ام به این کویر ...

گام نهادن بدون کفش در ریگزارها چه
مزهای دارد؟ مدام به آن فکر می کنم
شاید مزه توت های باغ پشت خانه مان
در کودکی نقره فام تکرار نشدنی یا
شاید شبیه بوی نخستین نان سنگک در
اولین افطار زندگی، کنار قل قل سماور
و صدای ربنا ... به همان شیرینی و به
همان لذیذی. ای کاش مردم بدانند که
وقتی نبض پاهایت با نبض طبیعت
و رمل های شنی یکی می شود همه
این مزه ها یکباره به دهانت هجوم
می آورند و لختی می خندی. دوست داری
لحظه ای کودک شوی و بر روی رمل ها
غلط بزنی شاید آمده ای اینجا در دامن

مادر طبیعت که بچگی کنی؟ از کجا
می دانی؟ من که ندانستم از جنس آن
ندانستن های خوب و شیرین.

● کویر مثل شعر ناگهان بر دهانت مزه می کند

کویر مثل شعر ناگهان بر دهانت مزه
می کند چقدر دنبال این جمله می گشتم
در هجوم بی امان طبیعت، اما باید کمی
هم از این نازنین مردم کویر نشین گفت
آن ها که آغوششان به فراخی دریایی از
شن و ماسه است. وقت رسیدن هر یک
به سویی دعوت می کنند اینجا جشنواره
کویر گردی رضا آباد در دل کویر خار توران
است. همه آمده اند از همه جا با کوله
باری از زندگی روزمره تا جای بگزارندش
و بازگردند به شهرها البته پس از آنکه
نوازیشان کرد مام طبیعت ... دل نواز و
سخاوتمند.

هم کلامی با ایشان چه مزه ای دارد با
بانویی که در سیاه چادر عشایری نان
می پزد وقتی از او می پرسم اینجا چه
می کنی می گوید: دانه ای ۲۵۰ تومان ...
فکر می کند قیمت نان هایش را می خواهم
بدانم شاید از بس تمام روز آن را تکرار کرده
بر دهانش ماسیده است؟ دوباره تکرار
می کنم این بار متوجه سؤال می شود
و می گوید: بی بی زهرا را به هر کس
بگویی می شناسد سال هاست نان می پزم
با هیزم ... از آن نان هایی که تهرانی ها
حسرت بو کردنش را می کشند اما امروز
میزبان مهمانانی از همه جا هستیم.

پنج سالی می شود که این جشنواره
راهندازی شده در دل کویر آنجا که شاید
سالی به ماهی عبور مسافری را نمی دید
اما همت مسئولان و این نازنین مردم،
امروز از کشورهای خارجی نیز گردشگر به

اینجا سرازیر می کند آن طور که حمیدرضا
حسینی رئیس میراث فرهنگی شاهرود
می گوید: این پنجمین سالی است که
جشنواره کویر گردی رضا آباد برگزار می شود
در سال های قبل با حمایت میراث فرهنگی
این جشنواره راه اندازی شد اما سال هاست
که ما تنها نظاره گریم و کارها توسط
مردم پیگیری می شود.

وی می افزاید: مدت ها بود روستای هدف
گردشگری رضا آباد به دلیل جاذبه های
گردشگری فراوان در کانون توجهات قرار
داشت اما بوم گردی به معنای واقعی در
آن رخ نداده بود تا اینکه در سال های اخیر
خوشبختانه به همت همین مردم دو مرکز
بوم گردی حتی مراکز اسکان مسافران و
غذاخوری نیز به این روستای ۱۰۰ خانواری
افزوده شده است که خوشبختانه نمونه این
موضوع را می توان در دشت شقایق های
کالپوش نیز مشاهده کرد.

● ردپاهایی که در کویر جا می ماند

اینجا همه چیز از شن پوشیده است تا
چشم کار می کند می گویند دریای طوفان
دیده را پایانی جز کویر نیست اینجا اما
برعکس کویر را جز کویر پایانی نیست ... پر
از رد پا در بستر مهربان طبیعت، سخاوتمند و
زیبا ... هدف از جمع شدن مردم اما اینجا،
ترویج فرهنگ بر مگردی است مقوله ای
که از سوی شریعتی، فعال گردشگری
این گونه معنی می شود «بوم گردی نام
دیگر اکو توریسم است، به معنای ساده
گسیل ساختن مسافران و گردشگران در
بستر طبیعی زیبا اما این مقوله یک پدیده
فرهنگی است»

وی می افزاید: بوم گردی به معنای ترویج
فرهنگ احترام به طبیعت است و شعارش
همیشه این بوده که نباید چیزی در طبیعت





تا روی پاها امتداد دارد با کفش هایی که به چارق معرفی می شوند و در رنگ های زرشکی و قهوه ای یافت می شوند این لباس ها اما در مردان به شلوار، شال و پیراهنی یقه دار و گیوه خلاصه می شود اما این مردان وقتی به دل کویر می زنند کفشی به پا ندارند.

● غروب یعنی زیبایی

تا به خود می آیی غروب فرامی رسد یک روز در دل کویر به همین راحتی به خط پایان خود نزدیک می شود اما مگر دل کشیدن از اینجا راحت است؟ دوباره خدای متعال انسان را تماشای نمایشی از رنگ و نور دعوت می کند این بار نه در طلوع، بلکه در غروب و تمام رنگ های طلایی، نارنجی، ارغوانی، سرخ، بنفش و نیلی برعکس صبح رخنمایی می کنند.

پس از دل نشینی کویر این بار نوبت قیر پاشیدن به آسمان بی انتهای کویر است که ستاره هایش نقره فام و دل ربا چشمک می زنند اینجا همه صور فلکی به یک چشم دیده می شوند نه خبری از کاشانه های بلند است و نه خبری از آلودگی هوا ... اینجا آسمان به زمین دوخته شده است گویا دست بلند کنی چندتایی شان را لمس می کنی.

نهیب آتش شب را روشن کرده اما خوابیدن روی ماسه ها و نگاه کردن به طبیعت گمشده ای به نام آسمان از دیگر لذت هایی است که در این سفر وجود دارد. همه چیز نزدیک می شوند آن قدر که می توانی دست دراز کنی و ستاره ای بگیری آن را بوسی و در گوشش نامت را صدا کنی آن وقت دوباره آن را به سمت آسمان رها کنی تا برای همیشه نامت را بداند ... کیست که دل چنین چیزی را نخواهد؟ اینجا کویر است جایی که شبها حتی مردمش هم ستاره می شوند. باید آن ها را چید نباید آن ها را دید.

باید بازگشت و این ستاره ها را تنها گذاشت شاید تا سال دیگر و جشنواره بوم گردی دیگر ... ستاره ای دیگر، غروب و طلوعی دیگر، نوازش کف پاها خسته و دوخته شدن آسمان به زمین با ریسمانی که نامش طبیعت خدای متعال است.

ظاهراً بد بو که به دست توانمند زنان رضآبادی به آشنی بدل می شود که هر کاسه اش روحی در دل و تن خسته انسان می دمَد از آن آتش ها که انعکاس ماه بر روی روغن تزئیناتش هیچ چیز را از زیبایی کم نمی آورد بانوی رضآبادی که این آتش را می پزد می گوید: داروی معده است این گیاه کما، آن قدر خاصیت دارد که ما پودر آن را برای هضم غذا به صورت دارویی مصرف می کنیم.

یکی دیگر از غذاهای محلی این روستا کنسک محسوب می شود که به ثروتی نیز معروف است با یک قاشق آن می توان دید که چه خوش نشسته اند سیر، پیاز داغ، نعناع، روغن حیوانی و کشک گوسفندی در کنار هم تا انسان را به رؤیایی زیبا ببرند وقتی با نان محلی دردهان می رقصند و دل بری می کنند.

لباس هایشان نیز زیبا است پوشش زنان این روستا بسیار شبیه به روستاهای خراسانی شمالی سراسر قرمز رنگ است، معمولاً دامنی به پادارند و شلوار نخی همراه با شالی گلدوزی شده که از سر

پر نور دارد نمونه بارزی از تحقق اشتغال زایی در روستایی دور افتاده است که حتی در ۱۰ سال پیش، یک مغازه نیز در آن نبود و مردم به صورت هفتگی مایحتاج خود را از وانتی دست فروش تهیه می کردند اما امروز درآمد یک روز یک اقامتگاه در روزها پایانی هفته بعضاً به ۶۰۰ هزار تومان نیز می رسد پدیده ای که اگر یک دهه پیش در بین مردم رضآباد مطرح می شد به دیوانه های خیال باف معروف می شدی این سخاوتمندی طبیعت است که از محبتش چیزی دریغ نمی ورزد.

دیگر جلوه اشتغال زایی در این حوزه، ایجاد تورهای گردشگری و اصطلاحاً لیدری تورها است که از سراسر ایران زمین مسافران را به رضآباد گسیل می دارد حتی می توان گردشگرانی از آلمان و لهستان را نیز اینجا دید با یکی از این تور لیدرها نیز به گفتگو می نشینیم و می گوید: رضآباد شش سالی است که شناخته شده و هر سال تعداد متقاضیان دو برابر می شود تا جایی که یک تور نیازی به اخذ پذیرش از خارج استان ندارد و تعداد افراد مورد نظر در همین استان سمنان به حد نصاب می رسند.

● آتش محلی بوی نان عطر کویر

جشنواره بوم گردی رضآباد اما بخش های مختلفی هم دارد، سیاه چادرهایی بافته از موی بز و شتر اینجا برپا هستند که هر کدام به بهانه ای سرپا ایستاده اند یکی صنایع دستی این منطقه مانند گلیم و جاجیم و نمد و پشم شتر را می فروشد و دیگری لبنیات محلی که هر کدامش بوی سر مست کننده ای دارد، دیگری به فروش لباس محلی مشغول است و آن یکی با بوی آتش محلی اش جادوگری می کند.

یکی از این آتش ها، کما نام دارد گیاهی

جا گذاشت جز رد پا... همه سفر کردن را دوست دارند هیچ کس هم از طبیعت بدش نمی آید اما طبیعت گردی آداب و رسوم خود را دارد و به هر تفرجی در دل طبیعت بر مگردی نمی گویند.

این فعال گردشگری می افزاید: سال ها است برای بر مگردی تعاریف و ویژه ای مطرح می شود و سال هاست که فعالان این حوزه برای نهادینه کردنش اقداماتی صورت داده اند اما باید گفت سفر به این است که جز خاطره ای از آن در دل طبیعت، چیزی به یادگار نماند یعنی نه چیزی از طبیعت کسر شود و نه چیزی به آن اضافه و این هدف غایی بر مگردی یا اکو توریسم محسوب می شود.

● کویر سخاوتمندانه پذیرای مهمانان است

کویر سخاوتمندانه پذیرای مهمانان است این را لایه لای هوو هووی باد که در تاغ زارهای لایه لای رمل های شنی می پیچد می توان دریافت فقط کمی گوش شنوا می خواهد روستای رضآباد شکلی مربعی دارد خانه ها در یک راستا هستند و در جوار رمل های شنی قرار دارند این روستای کوچک اما زیبا اما در سال های اخیر تغییرات فراوانی نیز کرده است.

یکی از این تغییرات بستر سازی برای جذب گردشگران و اشتغال زایی است اینجا دو اقامتگاه را می توان به صورت فعال یافت صاحب یکی از این اقامتگاه ها که دهیار اینجا نیست هست می گوید: با حمایت و اعطای مجوز از سوی میراث فرهنگی و ساخت بنایی برای گردشگران، ورود ما به مقوله بر مگردی آغاز شد و امروز خوشبختانه شاهد فعالیت خیل مردم رضآباد در جذب گردشگران هستیم.

یکی از این اقامتگاه ها که به نظر چراغی



قدیمی ترین بافت تاریخی ثبت شده کشور؛ گواه غنای فرهنگی «استرآباد»



بناها و خانه‌های ارزشمند و تاریخی، تکیه‌های مرمت‌شده و جای خالی چنارها در بافت تاریخی گرگان سندی ارزشمند و مهر تأییدی بر قدمت تاریخی و غنای فرهنگی منطقه استرآباد یا گرگان قدیم است.

بافت تاریخی گرگان قدیمی‌ترین بافت تاریخی ثبت شده کشور است که در سال ۱۳۱۰ خورشیدی به شماره ۴۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

به گفته کارشناسان وسعت اولیه این بافت حدود ۲۰۰ هکتار بود که در حال حاضر بناهای تاریخی تنها در محدوده ۱۵۰ هکتاری آن دیده می‌شود.

بر اساس شواهد تاریخی، شهر گرگان (استرآباد) در دوران قاجار ۶ محله بزرگ به نام‌های سر پیر، دربنو، سرچشمه، میخچه گران، نعل‌بندان، سبزه مشهد و میدان داشت که هر کدام دارای چندین محله فرعی مانند پا سرو، میر کریم، دوشنبه‌ای، شیر کش بوده و بیشتر مساجد و تمام تکایای قدیمی و زیارتگاه‌ها و مکان‌های مذهبی شهر هم در همین محلات قرار داشتند.

در سال ۱۳۱۰ با آغاز شهرسازی و احداث خیابان پهلوی (امام خمینی فعلی) در دوره پهلوی روند تخریب و گسستگی بافت تاریخی گرگان آغاز شد تا جایی که هم‌اکنون تنها حدود ۲۷۰ تک بنای ارزشمند و تاریخی در این بافت باقی مانده است.

● گذری در بافت تاریخی گرگان

بافت تاریخی گرگان دارای گذرها و ورودی فراوان است اما ترجیح می‌دهم از میدان مرکزی (توپخانه) به سمت خیابان

بافت و نزدیکی آن با مجموعه‌های مختلفی که سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آن‌ها را خریداری کرده به فضای اداری تبدیل شده و بسیار حائز اهمیت است.

در فاصله کمی از این بنای تاریخی، خانه خراسانی در کوچه‌ای به همین نام، قرار دارد و توجه ام به آن جلب می‌شود. تاریخ ساخت این بنا بر اساس سنگ‌نبشته‌ی سطوح زیرین سرشیرهای آن به ۱۲۹۵ می‌رسد که با سلطنت ناصرالدین شاه هم‌زمان است.

این بنا در دو بخش شمالی و جنوبی ساخته شده و عمده ارزش‌های معماری برجای‌مانده آن، مربوط به بخش جنوبی آن است و به نظر می‌رسد بخش شمالی آن فاقد ارزش تاریخی است.

به آرامگاه اسحاق بن موسی بن جعفر (ع) معروف به امامزاده نور که از بناهای دوره سلجوقی در شهرستان گرگان است، می‌رسیم.

به استناد کتیبه حک‌شده بر چارچوب در قدیمی ساختمان، این اثر مربوط به سده ۹ ق (مشکوتی، ۱۹۱) است اما با توجه به تاریخ ۵۲۵ ق که بر صندوق چوبی مرقد امامزاده حک‌شده است به نظر می‌رسد که بنا در این تاریخ ساخته شده باشد.

کمی از امامزاده نور فاصله گرفته و به گذری که به بازارچه نعل‌بندان منتهی می‌شود، وارد می‌شوم در سمت راست گذر مجموعه تاریخی باقری قرار دارد. مدرسه تقوی، مجموعه تقوی و خانه شیرنگی از آثار دیدنی بافت هستند که اکنون اداره کل میراث فرهنگی در آن مستقر شده است.

● خانه باقری وسیع ترین بنای به جا مانده از دوره پهلوی

خانه باقری یکی از وسیع‌ترین و سالم‌ترین بناهای دوره

شهدا (پهلوی دژ) رفته و از لاله ۱۳ وارد محله سبزه مشهد شوم. مزار استاد لطفی در سمت راست خیابان و غربت استاد در زادگاهش اولین چیزی است که نظرم را جلب می‌کند. پس از عمل به وصیت استاد و انتقال جسد وی به گرگان قرار بود ابتدا مجتمع فرهنگی و هنری در جوار قبر استاد احداث شود. اما پس از مدت‌ها پلاتکلیفی، مجتمع فرهنگی و هنری به باغ مزار تبدیل شد و با نزدیک شدن به سومین سالگرد فوت استاد هنوز خبری از باغ مزار نیست. محله سبزه مشهد علاوه بر مزار استاد لطفی و زورخانه پوریای ولی که در خروجی آن است، چند تکیه تاریخی و یک چنار بسیار قدیمی دارد. نام تکایای معروف آن عقیلی و شاهینی است که از سال گذشته با مرمت انجام شده به معماری اصلی خود برگشته اند.

از مصلا عبور می‌کنم و محله سرچشمه را پشت سر می‌گذارم. در سرچشمه هنوز هم مشاغل قدیمی با همان کسبه قدیمی را می‌توان یافت. بیش از همه قهوه‌خانه چوبی و حلبکاری خودنمایی می‌کند. از سرچشمه به سمت امامزاده نور حرکت می‌کنم. در مسیر یک محوطه بزرگ است که دورتادور آن را تکایا تشکیل داده‌اند.

هر تکیه یک تکیه اصلی و بزرگ به نام پیر تکیه داشته که از همه قدیمی‌تر بوده و مراسم اصلی محرم در آن محوطه را مدیریت می‌کند. چند اثر تاریخی در مسیرم قرار دارد. اولی خانه رضا قلی نژاد است. بنای خانه رضا قلی نژاد مربوط به دوران قاجار است و از شرق به امامزاده نور و از جنوب شرق از طریق معبری به مجموعه تقوی و باقری مرتبط می‌شود.

به نظر می‌رسد وسعت بنای تاریخی رضا قلی نژاد حدود ۵۰۰ مترمربع است و دارای دو درب ورودی از معبر شرقی و جنوبی است.

این مجموعه با دارا بودن فضاهای متعدد و قرارگیری در مرکز





رویدادهای اجتماعی به عنوان یکی از دلایل ازهم پاشیده نشدن بافت تاریخی گرگان نام برد و اظهار کرد: خانه‌های تاریخی از دوره قاجاریه تا پهلوی از دیگر شاخصه‌های بافت گرگان هستند.

این دکترای مرمت بناهای تاریخی همچنین گفت: بناهای دوره قاجار در گرگان دارای معماری یکسانی نیستند و بخشی از خانه‌های تاریخی به جامانده معماری طبقات پایین و بدون تزیینات و اتاق‌های زیاد را شامل می‌شود، همچنین مصالح به کار رفته در آن‌ها خشت و چینه گلی است.

وی افزود: بخشی دیگر از بناهای دوره قاجاریه مانند خانه باقری، تقوی، شفیعی و شعیبانی معماری طبقه اعیان نشین را به تصویر کشیده و دارای چند حیاط درون گرا، برون گرا و تابستان نشین هستند.

ایمانیان ادامه داد: بناهای باقی مانده از دوره پهلوی در بافت تاریخی گرگان کاملاً با دوره قاجاریه متفاوت است و درون گرایی در آن‌ها کمتر دیده می‌شود.

وی اضافه کرد: تزیینات گچ‌بری و کلاف‌نگاری از شاخصه اصلی این بناهاست که در کاخ‌موزه گرگان، خانه شیرنگی و فاطمی که از دوره پهلوی به جامانده دیده می‌شود.

وی تصریح کرد: بازارهای قدیمی از دیگر شاخصه‌های بافت تاریخی گرگان است و به نظر می‌رسد بازار کهنه قدیم نخستین بازار شهر استرآباد بوده که هم‌اکنون کمتر نشانه‌هایی از آن در خیابان شهید رجایی باقی مانده و بیشتر آن در آتش‌سوزی دوره قاجاریه در دهه ۴۰ سوخته است.

ایمانیان با یادآوری اینکه کهنه بازار تنها بازار استرآباد بود که بخشی از آن سرپوشیده بوده است، خاطرنشان کرد: به روایت تاریخی قدمت بازارچه نعلبندان در کنار مسجد جامع به دوره سلجوقی بازمی‌گردد که بخشی از آن در زمان خیابان‌کشی خیابان امام در سال ۱۳۱۰ تخریب شده است. وی بیان کرد: از عکس‌های به جامانده از نعلبندان در دوره قاجار کف بازار نعلبندان سنگ‌فرش بوده، درب‌های چوبی کشویی، سقف‌های سقالی و چارهای بزرگ از شاخصه‌های اصلی بازار بوده است.

این کارشناس ابنیه و بناهای تاریخی همچنین به دلیل نام‌گذاری محله‌ها در بافت تاریخی گرگان هم اشاره کرد و گفت: بیشتر نام‌گذاری‌ها در سایر شهرها به دلیل حضور قوم خاص در یک محل انجام می‌شده اما محله‌های گرگان (استرآباد قدیم) بر اساس دو مؤلفه کاربری و خدمات‌رسانی و وجود صنف مانند محله میخچه گرگان (محل فروش میخچه نعل اسب)، محله نعل‌بندان (وجود کاروان سرا و مغازه‌های نعل‌بندی) و دباغان (حضور صنف دباغ‌ها و تبدیل پوست به چرم) و با عملکرد و کارکرد محل مانند محله سرچشمه (مسیر قنات و سرچشمه) و محله سبزه مشهد (وجود امامزاده نور و به روایتی گفته می‌شود ابتدا رنگ گنبد امامزاده سبز بوده و مشهد هم به معنای محل شهید است) نام‌گذاری شده‌اند.

آن صورت گرفته است. جاوید ایمانیان افزود: بافت تاریخی استرآباد قدیم (گرگان امروزی) حداکثر ۱۵۰ هکتار بوده که ارگ شهری آن در برج و بارو محصور بوده است.

وی بایان اینکه این محدوده دارای چهار دروازه تاریخی و مسیرهای اصلی و فرعی تردد بوده است، گفت: دروازه مازندران، بسطام، چل دختران و سبزه مشهد چهار دروازه اصلی شهر برای ورود و خروج بوده‌اند.

وی ادامه داد: دروازه مازندران برای ورود و خروج از سمت طبرستان (مازندران کنونی)، دروازه بسطام (برای ورود و خروج از سمت ناهار خوران فعلی، شاهکوه، بسطام، شاهرود و خراسان)، دروازه چل دختران (محل ورود و خروج از سمت جنوب غرب میدان سر خواجه) و دروازه سبزه مشهد (ورودی و خروجی شهر از سمت ترکمن صحرا) بوده است.

این دکترای مرمت بناهای تاریخی اضافه کرد: طبق شواهدی که از نقشه‌ها و بافت توسعه شهری می‌توانیم ببینیم اینکه نظام محله بندی در استرآباد هم مانند سایر شهرهای تاریخی کشور وجود داشته است.

● سه محله اصلی در استرآباد قدیم

وی بایان اینکه به احتمال قوی گرگان در ابتدا دارای سه محله اصلی میدان، سبزه مشهد و نعلبندان بوده است، تصریح کرد: به احتمال زیاد توسعه اولیه استرآباد از محله میدان (بازار کهنه قدیم) آغاز شده و بعد از آن محله‌های نعلبندان و سبزه مشهد شکل گرفته است.

ایمانیان خاطرنشان کرد: سر پیر، میخچه گرگان و چهارشنبه‌ای جزو گذرهای فرعی محله نعلبندان و باغ شاه، عمارت آغا محمدخان جزو گذرهای فرعی محله میدان و دوشنبه‌ای، سرچشمه، دباغان و ... جزو گذرهای فرعی محله سرچشمه بوده‌اند که به نظرمی رسد در دوره صفویه و قاجاریه در نظام محله بندی گرگان کامل می‌شوند.

وی از معابر بافت به عنوان یکی دیگر از شاخصه‌های بافت یاد و بیان کرد: عمده معابر اصلی جنوب به شمال با عرض پنج تا هفت متر، معابر فرعی شرقی- غربی با عرض سه تا چهار متر و معابر بن‌بست (همسایگی) از مشخصه‌های بافت تاریخی گرگان است.

به گفته ایمانیان مرکز محله به عنوان محل اصلی برای گردهمایی‌ها بوده و در آن رویدادهای اجتماعی، مذهبی و ... شکل می‌گرفت و مجموعه آب‌انبارها، تکایا، حسینیه‌ها و حمام‌های تاریخی و ... شهر در این محدوده واقع شده‌اند و این نقطه از شهر نقش محوری در محله‌های قدیم گرگان داشته‌اند که این نقش را همچنان در ایام محرم در گرگان مشاهده می‌کنیم.

● تکایا عامل اصلی حفظ بافت تاریخی گرگان

وی از وجود تکیه‌ها و نقش آن در مناسک مذهبی و

پهلوی در دل بافت تاریخی گرگان است که بخشی از آن در سال‌های اخیر مرمت شده و به خانه صنایع‌دستی تبدیل شده است.

این مجموعه دارای هفت حیاط با اندازه‌های گوناگون (دو حیاط اندرونی، دو حیاط بیرونی، حیاط هشتی، حیاط مطبخ و حیاط سرطویه) است.

مهم‌ترین بناهای شاخص قرار گرفته در بازارچه نعلبندان مسجد جامع، خانه تقوی، شیرنگی و امیر لطیفی در محله چهارشنبه‌ای (پشت مسجد جامع) و تکیه پا سرو است که از آبان ماه سال گذشته مرمت آن آغاز شده است.

از اولین ورودی بازارچه (پا سرو) خارج می‌شوم و از خیابان آفتاب ۱۵ دوباره به سمت امامزاده نور و سرچشمه که در نهایت به دربنو منتهی می‌شود، حرکت می‌کنم. خانه تاریخی فاطمی، مدرسه عمادیه، خانه حاج قاسمی (خانه مشروطه گلستان)، تکیه اصطبار و خانه کبیر در این مسیر (دربنو تا دوشنبه‌ای) قرار دارند.

مدرسه عمادیه با یک هزار و ۵۵۰ متر زمین (با ابعاد ۴۵ در ۳۴۵ متر) در محله دربنو واقع شده که به همراه آب‌انبار، گورستان، حمام، دکان‌های متعدد، مسجد گلشن، مجموعه چند تکیه، بافت و عناصر عمده محله دربنو و نیز بخشی از بافت بازار کهنه استرآباد را تشکیل می‌دادند.

در مورد زمان ساخت این مدرسه اطلاع دقیقی در دسترس نیست اما بنا به دلایلی که ارائه می‌شود، اصل بنا در اواخر دوره تیموری و به ویژه اوایل دوره صفویه ساخته شده است.

با استناد به وقف نامه متعلق به سال ۹۵۳ هجری قمری، این بنا متعلق به اوایل دوره صفویه (شاه طهماسب اول) است.

این مدرسه بعد از مرمت در اختیار حوزه علمیه قرار گرفته است و دارای یک حیاط بزرگ، حوض آب و اتاق‌های متعدد اطراف حیاط است.

از این محل خارج می‌شوم هرچند دیدن کوچه‌های تنگ و شلوغ شیرکیش در ضلع جنوبی خیابان خمینی صفای خاصی دارد اما ترجیح می‌دهم از نخستین کوچه سمت چپ خیابان خمینی (معروف به کوچه شورای شهر) از روبروی کلیسا عبور کنم و به قسمت انتهایی پارک شهر رسیده و به کاخ‌موزه گرگان در پارک شهر کنونی برم.

البته نباید فراموش کرد خانه تاریخی مفیدیان در خیابان سر خواجه (هفت‌دستگاه در محله سازده قاسم) از دیگر آثار ارزشمند و تاریخی گرگان است که سمت چپ خیابان پهلوی امام خمینی کنونی تا سر خواجه واقع شده و دیدن آن خالی از لطف نیست.

● بافت تاریخی گرگان تدریجی شکل گرفت

یک دکترای مرمت بناهای تاریخی اظهار کرد: بافت تاریخی گرگان کاملاً تدریجی و ارگانیک شکل گرفته و ابتدا هسته اولیه آن تشکیل شده و سپس توسعه شهری پیرامون

وقتی یک تمدن تاریخی انکار می شود / معمای باستانی زیر شن های روان



طوفان شن در شرق کرمان بقایای یک تمدن تاریخی را از دل خاک خارج کرده است و تصاویر منتشر شده و گزارش های محلی بر این امر صحنه گذاشته اند اما میراث فرهنگی انکار می کند.



اسما محمودی

همین چند روز قبل بود که سیل خانمان برانداز شرق کرمان موجب شد خاک انباشته بر یک تمدن تاریخی در مکانی بین شهرستان فهرج و ریگان در کرانه یک رودخانه از دل خاک خارج شود، دقیقا مانند داستانی که بر تمدن «ارت» در جنوب کرمان رفت و به همین وسیله بقایای تمدنی از دل خاک بیرون آمد که پس از کاوش های ابتدایی مشخص شد مردمان ارت نخستین لوح های دست نویس بشر را خلق کرده اند.

آثاری که پس از سیلاب در شرق کرمان دیده شد طبق گمانه زنی های ابتدایی ۲۰۰۰ سال قدمت دارد اما هنوز میراث فرهنگی در این خصوص اظهار نظر نکرده است گفته می شود که کارشناسان پایگاه ارگ بم برای مطالعه و گمانه زنی به منطقه اعزام شدند که البته هنوز نتایج این گمانه زنی ها منتشر نشده است.

● انکار یک واقعیت در شرق کرمان

طی روزهای اخیر نیز طوفان شن شهرستان فهرج و ریگان را در نوردید و در این پدیده نیز بقایای تمدنی دیگر کشف شد که در ابتدا فرماندار فهرج از کشف این تمدن خبر داد و خبرگزاری مهر یک گزارش تصویری در این خصوص منتشر کرد که پس از آن مسئولان محلی فهرج در گفتگو با مهر این خبر را تأیید کردند «طوفان شن محوطه تاریخی مدفون در فهرج را نمایان کرد» اما وقتی خبرنگار مهر با یکی از مسئولان میراث فرهنگی کرمان تماس گرفت به صورت جدی تأکید شد که این خبر صحت ندارد و گالیه ها از مسئولان محلی آغاز شد که چرا بدون مطالعه و کارشناسی اقدام به رسانه ای کردن این کشف کرده اند. اما بیرون آمدن بقایای تاریخی در فهرج پس از طوفان امری بدیع نیست چون حدود یک سال قبل طوفان سبب شد بقایایی یک جاده سنگ فرش شده که گمان می رود بخشی از جاده ادویه بوده است از زیر شن ها نمایان شد. نکته قابل توجه در خصوص پیدایش این آثار این بود که میراث فرهنگی در زمان رسانه ای شدن خبر کشف این اشیاء و دیواره های بناهای سنگی از وجود چنین کشفی بی خبر بود.

است اما حدود یک هفته بعد از پیدایش آن محوطه نیز بخشی از آثار تاریخی که در حفاری های غیر مجاز به غارت رفته بود توسط مردم محلی عودت داده شد. حالا در کنار این انکارها و تأکید ها و اسنادی که در خصوص این محوطه وجود دارد نگرانی دوستداران میراث فرهنگی این است که بخشی از این آثار به غارت رفته باشد.

گمان می رود میراث فرهنگی این دغدغه را دارد که به دلیل اطلاع رسانی مسئولان محلی و افشا شدن مکان این محوطه های تاریخی افراد سود جو اقدام به حفاری غیر مجاز کنند و دنبال این ساز و کار است که قبل از رسانه ای شدن وجود چنین محوطه های تاریخی مسئولان محلی ابتدا میراث فرهنگی را در جریان قرار دهند.

اما گویا این نکته از ذهن مسئولان میراث فرهنگی دور مانده است که کشف این آثار ابتدا توسط مردم محلی صورت می گیرد و قبل از اینکه این کشمکش های انکار و اثبات وجود محوطه های تاریخی به نتیجه برسد افراد سود جو در منطقه حضور می یابند.

با این وجود این کمبود شدید اعتبار و نیروی انسانی برای حفاظت این محوطه ها است که دست میراث فرهنگی را بسته و ترجیح می دهد که در صورت کشف چنین محوطه های این مکان ها در پس کمبود اعتبارها ناشناس بمانند. هم اکنون و پس از پدیدار شدن آثار تاریخی که سیلاب

در پی پیگیریهای ابتدایی خبرگزاری مهر مدیر روابط عمومی میراث فرهنگی استان کرمان در خبری با اشاره به عدم کشف هر گونه اثر تاریخی تأکید کرد که مسئولان محلی برای مطرح کردن نام شهرستان این کار را کرده اند که این خبر با تیتیر «کشف هر گونه منطقه باستانی در فهرج صحت ندارد» منتشر شد.

اما نکته قابل توجه این بود که تصاویری که عکاس خبرگزاری مهر در این خصوص منتشر کرد نشان از امری دیگر داشت و بقایای این آثار که هنوز مشخص نیست مربوط به کدام دوران تاریخی است از دل خاک بیرون آمده است.

این خبر که با تیتیر «طوفان شن، شهر باستانی را از دل زمین بیرون آورد» منتشر شده بود در کنار تصاویری که صدا و سیما کرمان منتشر کرد دلیلی بود که بقایای این منطقه تاریخی نمایان شده است.

هر چند که به گفته فرماندار فهرج، نیروی انتظامی در ساعات اولیه کشف این مکان توسط مردم محلی، به منطقه اعزام و از حفاری غیر مجاز جلوگیری کرده است اما مردم بومی می گویند که در ساعات اولیه برخی از افراد سود جو اقدام به حفاری غیر مجاز کرده اند و این نگرانی وجود دارد بخشی از این آثار به غارت رفته باشد.

یک ماه قبل در زمان کشف محوطه تاریخ بعد از سیلاب نیز هر چند گفته می شد حفاری غیر مجاز صورت نگرفته





نیروی های انتظامی در منطقه حاضر شدند. غلامرضا نژاد خالقی افزود: من تاکید می کنم که با نظارت دقیقی که صورت گرفت هیچ گونه غارت اشیای تاریخی در این منطقه انجام نشده است و حفاری غیر مجاز نداریم و منطقه به دقت تحت نظر قرار دارد. وی افزود: خوشبختانه طی روزهای اخیر نیز یگان حفاظت میراث فرهنگی در منطقه مستقر شده است. فرماندار فهرج در خصوص ارتباط بین این تمدن و گورستان دو هزار ساله ای که چند روز قبل در شرق کرمان کشف شد گفت: من هیچ اطلاعی در این خصوص ندارم و کارشناسان باید در این زمینه پاسخگو باشند. وی فهرج را یکی از مناطق تاریخی و غنی استان کرمان دانست و گفت: باید اعتبار مورد نیاز برای کاوش و مطالعه بیشتر در این خصوص اختصاص یابد و ما نیز آماده همکاری با میراث فرهنگی در این زمینه هستیم. فرماندار فهرج گفت: این آثار سفال شکسته نیستند بلکه آثار کامل و سفالینه هایی هستند که از دل خاک خارج شده و حتی دیواره های بناهای مختلف نیز از خاک خارج شده و به نظر می رسد یک شهر تاریخی است که ابعاد آن در نگاه نخست حدود ۵ هزار متر مربع است. حالا کرمان در مقابل خود تمدنی جدید را می بیند که رازهای سر به مهرش هنوز گشوده نشده است و اگر در روزهای آینده کمبود اعتبار میراث فرهنگی اجازه بدهد می توان گره ای دیگر از تمدن شرق را این بار در فهرج گشود.

کوبر در حوالی شهرستان فهرج را نیازمند بررسی کارشناسانه باستان شناسان دانست و گفت: فردا اکپیی از باستان شناسان به منطقه اعزام خواهند شد. محمود وفاپی افزود: تا بررسی دقیق و کارشناسی باستان شناسان نباید اظهار نظری صورت پذیرد. وی پدیدار شدن یک شهر باستانی و کشف اشیای تاریخی در یک منطقه را منوط به بحث های کارشناسی و باستان شناسی دانست و خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه کرمان، استانی تاریخی و دارای محوطه های باستانی است، ممکن است در جریان سیل و طوفان آثار و اشیاء سفالی تاریخی از منطقه ای به مناطق دیگری منتقل شود. مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یادآور شد: نشانه هایی ممکن است در برخی از مناطق استان وجود داشته باشد که نیازمند اعزام اکپیی های باستان شناسی برای بررسی و کاوش در منطقه است که در این راستا اکپیی کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان و باستان شناسان به منطقه اعزام خواهند شد.

هیچ گونه غارت اشیای تاریخی روی نداد است

فرماندار فهرج اظهار داشت: پس از طوفان شن مردم محلی از وجود چنین منطقه ای خبر دادند که پس از حضور در منطقه بلافاصله نیروی انتظامی را در جریان گذاشتیم و

پس از آن در طوفان شن نمایان شد حالا به نظر می رسد مسئولان میراث فرهنگی در سطح ملی باید این گمانه زنی را با جدیت بیشتری در دستور کار قرار دهند که در شرق کرمان با تمدنی جدید مواجه هستند که نیاز به کاوش های جدید و اختصاص اعتبار برای حفاظت و نگهداری دارد و در این راستا میراث فرهنگی کرمان را یاری کند. استانداری کرمان نیز در این خصوص با قرار دادن یک خبر بر روی خروجی سایت خود بر این کشف صحنه گذاشته است در این خبر آمده است: طوفان شن در شرق استان کرمان (شهرستان های ریگان و فهرج) از روز سه شنبه پانزدهمین روز از فروردین ۹۶ وضعیت نامساعدی را برای منطقه ایجاد کرده و این در حالیست که موجب تعطیلی مدارس این شهرستانها شد.

شهری که از خاک بیرون آمد

طوفان سنگین شن در شهرستان فهرج کرمان موجب شد تا برخی از رسانه های محلی با مشاهده آثاری همچون سفال، استخوان و دیوارهای خشتی در یک محوطه، از پدیدار شدن بخش عظیمی از یک شهر باستانی در بخش نگین کویر در حوالی شهرستان فهرج و ریگان خبر دهند، بنابر این یگان حفاظت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان از همان ساعات اولیه پاسدار این محوطه تاریخی شد.

این در حالیست که حدود یک ماه گذشته، بر اثر سیلاب، یک گورستان تاریخی که احتمال می رود قدمت تاریخی این محوطه به دوران اشکانی و حتی هخامنشیان بازگردد، در شهرستان ریگان کشف و تعدادی از اشیاء تاریخی این گورستان پدیدار شدند که در این راستا اکپیی از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان در منطقه مستقر شد و موجب شد تا استاندار کرمان شخصا از این محوطه بازدید و طی صورتجلسه ای خواستار بررسی عملیات باستان شناسی این منطقه شود.

اسناد و شواهد نشان می دهد که شهرستان فهرج آثار و ابنیه تاریخی زیادی را در خود جای داده است و قدمت آن به دوره ساسانی می رسد و قلعه ساسانی فهرج که اطراف آن را خندق فراگرفته است، نشان بر این قدمت دارد.

قلعه سنگ، میل نادری، شاه مردان، قلعه برج معاذ، قلعه جهان آباد، قلعه عامریه، قلعه دهنو بهزادی، قلعه حسین آباد، علم خان و قلعه کریم آباد از دیگر آثار این شهرستان است که استمرار یک تمدن تاریخی را تایید می کنند.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان نیز هر گونه اظهار نظر در خصوص شهر باستانی بخش نگین



■ دیر سالی نیست که خاویار خزر و مازندران شهره آفاق بود اما چند صبحی است که از آن روزهای اوج خبری نیست و صید خاویار در دریای خزر حد قابل توجهی کاهش یافته است، علاوه بر این، نبود پایانه صادراتی سبب شده تا خاویار ایران در گمرکات اروپایی نرخ گذاری شود و سهم ناچیزی عاید ایران و تولید کنندگانیش شود.

■ پروژه امتداد اتوبان شهید همت تا کرج در دولت نهم مطرح، تأیید و تصویب شد تا معضل ترافیک میان دو کلان شهر کرج و تهران را حل کند، اجرای این پروژه که قرار بود دردی از این معضل دیرینه دوا کند به کرج که نرسید هیچ، پای ترافیک را هم به بیراهه کشاند.

■ تاخیر در پروازها و حرکت قطارها در مرکز جغرافیایی ایران به معضلی در عرصه حمل و نقل تبدیل شده تا جایی که فرودگاه بین المللی یزد هم در برابر آن راهی برای دفاع ندارد.

اقتصاد ایران



فروشگاه‌هایی که زنجیره‌وار کار را از کاسب ایرانی می‌گیرند و نفس خرده فروشان را تنگ می‌کنند نیاز به ساماندهی دارند.



فاطمه محمدی

نفس تنگ خرده فروشان با گسترش فروشگاه‌های زنجیره‌ای خارجی



این روزها در هر کوچه و خیابانی شاهد تشکیل فروشگاه‌های زنجیره‌ای داخلی و خارجی و بازار داغ آنان هستیم که عدم مدیریت بر نحوه فعالیت‌های قارچ گونه آن‌ها، سبب افزایش بیکاری و بر زمین زدن واحدهای صنفی خرد و متوسط است.

یاد پیرمرد بقالی افتادم که تنها با مغازه‌اش با بوی مطبوع انواع عرقیات، سبزی‌های خشک، داروهای گیاهی و انواع تخمه و تنقلات بیشتر اوقات تنها و ناراحت نشسته و تا کسی می‌آید و از حال و اوضاعش می‌پرسد، می‌گوید فروشگاه‌های بزرگ ما را بر زمین زدند و نان ما را آجر کردند و خدا کند کسی شرمند زن و بچه‌اش نشود؛ صدای ما که به بالاها نمی‌رسد باید بسوزیم و بسازیم.

افتتاح نخستین فروشگاه زنجیره‌ای در ایران به سال ۱۳۲۸ برمی‌گردد اما این شیوه از تجارت همچنان با معضلات زیادی دست به گریبان است.

با شروع دهه هفتاد و به دنبال نابسامانی در توزیع اقلام اساسی، شهرداری تهران به تأسیس فروشگاه‌های شهروند اقدام کرد در این دوره در کنار فروشگاه‌های اتکا، سپه، امکان، نخستین فروشگاه بخش خصوصی با نام پروما در مشهد راه‌اندازی شد.

در سال ۱۳۸۴ برای نخستین بار یک فروشگاه فرانسوی - اماراتی ماجد الفطیم در ایران مجوز تأسیس گرفت و در سال ۱۳۸۸ با نام هایپر استار با سرمایه‌گذاری اولیه ۶۰ میلیون دلار در غرب تهران افتتاح شد.

دومین شعبه آن در سال ۱۳۹۱ در شیراز، سومین شعبه نیز در سال ۱۳۹۱ در اصفهان و دو شعبه دیگر در تهران افتتاح شد و قصد دارد شعبه‌های جدیدی در شرق تهران، مشهد و تبریز راه‌اندازی کند.

در حال حاضر فروشگاه‌های هایپر می، حامی، جانبو، افق کوروش، نجم خاورمیانه، خونه به خونه نیز به شکل زنجیره‌ای در ایران فعالیت می‌کنند.

فروشگاه‌های زنجیره‌ای بین‌المللی با مجوز وزارت صنعت می‌توانند در ایران فعالیت کنند و سال گذشته مجتبی خسرو تاج قائم مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت از سرمایه‌گذاری کشورهای فرانسه و اتریش به منظور تأسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای در ایران خبر داد.

● همیشه سرمایه‌دار داخلی در اولویت است

مسلم است که سود سرشاری از این فروشگاه‌ها به کشورهای بیگانه سرریز می‌شود و به نظر می‌رسد که پشت بسیاری از فروشگاه‌های خصوصی بزرگ در ایران، سرمایه‌هایی خارجی خوابیده و آنان در سکوت خبری به کار خود ادامه می‌دهند.

این مسئله برای اقتصاد داخلی مضراتی دارد و باید جلوی گسترش بیش از حد این فروشگاه‌ها که به تبع آن مراکز خرید محلی تا حد زیادی به حاشیه رانده می‌شوند را گرفت.

هر چند داد و ستد و داشتن روابط اقتصادی خوب و لازم است اما نه به قیمت بیکار شدن جوانان کشور و همیشه سرمایه‌دار داخلی در اولویت است.

چندی قبل به مراسم افتتاحیه یکی از شعبات فروشگاه‌های رفتم. جمعیت زیادی آمده بود که به دلیل نداشتن ظرفیت مردم زیادی پشت در ایستاده بودند؛ یک نفر فریاد می‌زد ماهی تیلایا پنج هزار تومان زیر قیمت بازار و شاهد بودم که برخی به دلیل این تخفیف تا هشت بسته هم خریداری

جالب این که مگر سرمایه‌دار ترکیه چه خدماتی به نیروهای خود ارائه می‌دهد که فروشندگان ایرانی به نفع فروشگاه خارجی به سر هم وطن خودش کلاه می‌گذارند؟!

این شرکت که در سال ۲۰۱۵ فروشگاه‌های خود را در ایران به ۱۵۰ تا افزایش داد قصد دارد تا سال ۲۰۱۶ فروشگاه‌های خود را به ۲۵۰ عدد برساند.

به طور کلی تنوع زیاد، تهیه لوازم مورد نیاز در یکجا، صرفه‌جویی در وقت، حذف واسطه‌ها و کاهش قیمت به دلیل توانایی اقتصادی بالا از مزایای فروشگاه‌های زنجیره‌ای است.

مگر سرمایه‌دار ترکیه چه خدماتی به نیروهای خود ارائه می‌دهد که فروشندگان ایرانی به نفع فروشگاه خارجی به سر هم وطن خودش کلاه می‌گذارند؟!

این فروشگاه‌ها حتی می‌توانند مردم را به سمت اقلام مهم هدایت کنند و از فروش کالاهای غیراستاندارد و ناسالم جلوگیری نمایند و با ترویج کالای تولید داخل اصلاح الگوی مصرف را به همراه آورند که البته هیچ فروشگاه‌ای در ایران این اقدام مهم را عملی نکرده است.

اما از معایب آن می‌توان گفت دادن مجوزهای پی‌درپی و بی‌تدبیر برای فروشگاه‌های زنجیره‌ای واحدهای صنفی مشابه را متضرر کرده و فروشگاه‌ها باید جایی تعبیه شود که فروشگاه‌های خرد کمتر باشند.

در کشوری مانند آمریکا جایی که فروشگاه زنجیره‌ای باشد، دیگر مغازه‌های کوچکی که در هر کوچه و خیابانی به فروش محصولاتی مشغول باشند، دیده نمی‌شود اما در ایران بخصوص در شهر قم فروشگاه‌های زنجیره‌ای در مکان‌هایی هستند که دورآورد آن را فروشگاه‌های کوچک گرفته و کسب و کار محلی را کساد کرده‌اند.

● تغییرات در سیستم فروش باید در بلندمدت صورت گیرد

تجارت‌های خرد در ایران هنوز زندگی بسیاری از خانواده‌ها را تأمین می‌کند؛ تغییرات در سیستم فروش هم باید در بلندمدت صورت گیرد و نمی‌توان از فردی که ۴۰ سال

کردند و همه ماهی‌ها به سرعت تمام شد. دفعه بعدی که به این فروشگاه رفتم افراد معترضی را دیدم که به فروشندگان اعتراض داشتند که تخفیف‌های ۵۰ درصدی فقط برای دو قلم جنس بوده و چرا ماهی‌ها را به همان قیمت بازار فروخته‌اند و فروشندگان در جواب می‌گفت که صحبت شما درست است دستگاه ما آن قیمت را نخوانده اما حاضر نشد پول را پس دهند.

در پاسخ به این سؤال که چه کسی قیمت را به دستگاه داده؟ این کلاهبرداری در روز روشن نیست؟ ما از شما شکایت می‌کنیم یکی از فروشندگان گفت: ما شرکت قدری هستیم هر کاری می‌خواهید انجام دهید.

با یک تحقیق متوجه شدم که این فروشگاه‌ها ترکیه‌ای است و مدت‌هاست فعالان اقتصادی این کشور بازار ایران را به عنوان بستر و زمینه‌ای مناسب برای فعالیت تجاری برگزیده‌اند و تلاش و تکاپوی آن‌ها برای توسعه بازاریابی در این مرز و بوم به میزانی شدت یافته که مرز نگرانی‌ها را درنور دیده و بسیاری از بُنکداران و فعالان توزیع مواد غذایی را در تنگناهای شدید اقتصادی قرار داده‌اند و هم‌اکنون این فروشگاه‌ها در قم هم نفوذ کرده‌اند.

● سیاست‌هایی که با اقتصاد مقاومتی همخوانی ندارد

اطلاعات دقیق و برنامه‌ریزی هدفمند ترکیه در عرصه توزیع و فروش مواد غذایی مؤید این واقعیت است که متأسفانه برخی از امتیازات ارائه شده به فعالان تجاری ترک در ایران با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی همخوان نیست.

بر اساس اطلاعات و گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌ها، اعمال تخفیف برای واردات محصولات غذایی تولید شده در کشور مذکور به نحوی انجام شده که بر اساس توافق منعقد شده، طرف ترک‌ها تنها یک‌بار تخفیف صادرات محصولات ایرانی به ترکیه را لحاظ کرده، اما در مقابل ایران این موضوع را به‌صورت سالیانه در کاهش تعرفه واردات محصولات ترکیه‌ای عملیاتی می‌کند.

منزل و پوشاک؛ حتی شکلات و بیسکویت‌هایی که مشابه آن در ایران بسیار و از لحاظ طعم و مزه هم یکسان است وارد شود؟

و نکته دیگر نبود پارکینگ برای فروشگاه‌های زنجیره‌ای این شهر است که به گفته برخی مردمی که در مجاورت این فروشگاه‌ها زندگی می‌کنند کسی برای اذیت و آزاری که همسایه‌های فروشگاه‌های زنجیره‌ای متحمل می‌شوند تره هم خرد نمی‌کند.

● فروشگاه‌های زنجیره‌ای بالای جان خرده‌فروش‌ها

در این راستا به سراغ چند نفر از کسبه رفتیم که حاصل گفت‌وگوی آنان را در ادامه می‌خوانید:

یکی از فروشندگان خیابان ۱۹ دی در پاسخ به این که نظر شما درباره فروشگاه‌های زنجیره‌ای متعدد در یک خیابان چیست؟ گفت: ما ناراضی هستیم که برخی مسئولان دلسوز نیستند و گرد هم می‌آیند و با تقسیم مال بین خودشان، نان ما را آجر می‌کنند.

از همه بدتر این که چرا باید اولویت را به یک بیگانه دهند. مسئولان این شهر امتیاز نان را از کاسبان شهر گرفتند و به بیگانگان دادند گویی بستر حمایت از فروشگاه‌های خارجی در ایران پهن است.

کسبه دیگر در این باره گفت: مشکل ما این است که به صورت ارزان‌فروشی بازرسان از ما بازخواست می‌کنند که تخلف کردید و چه حقی داشتید که اجناس را با قیمت پایین‌تر عرضه کنید اما فروشگاه‌های زنجیره‌ای به دلیل داشتن سرمایه، جنس‌های خود را یکجا و ارزان‌تر خریداری و با تخفیف ارائه می‌کنند البته مشتری‌های ما می‌گویند که گاهی با دروغ مردم را سمت خود می‌کشاند و تخفیف‌هایشان واقعی نیست.

دیگر کسبه این خیابان اظهار داشت: این فروشگاه‌ها کاسب‌های امثال ما را فلج کرده و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به برخی از همکاران ما وارد کردند انگار مسئولان هیچ فکری به سود مردم ندارند.

بارها انتقادمان را در راستای عدم ساماندهی این فروشگاه‌ها به گوش مسئولان رسانده‌ایم اما فایده‌ای نداشته است. افزایش غیراصولی این فروشگاه‌ها با کاهش فروش در سوپرمارکت‌ها همراه است و امیدواریم مسئولان تمهیدات جدی را در این راستا در نظر گیرند زیرا برخی فروشندگان جزء به زحمت سرمایه‌ای را گرد آورده‌اند و مشغول کار شدند و به دلیل نداشتن درآمد دیگر نمی‌توانند مقاومت کنند.



بخش وسیعی از مردم را تحت تأثیر قرار داده رسیدگی نمایند.

حدود ۱۰۰ فروشگاه زنجیره‌ای در شهر قم وجود دارد و از ساماندهی لازم برخوردار نیستند به عنوان مثال اگر از فروشگاه‌های بازرگانی، جانبازان، رضوان و حافظ که از میدان جهاد تا میدان شاه سیدعلی است بگذریم، خیابان ۱۹ دی که به بازار خرید هم نزدیک است فروشگاه‌های زنجیره‌ای فرهنگیان، فروشگاه مرکزی اتکا، جانبازان، فروشگاه تعاونی مصرف، خونه به خونه، افق، اتکا، جانبورا در خود جای داده که مورد اعتراض کسبه این خیابان است. چه لزومی دارد که انواع مواد خوراکی، لوازم منزل و پوشاک؛ حتی شکلات و بیسکویت‌هایی که مشابه آن در ایران است وارد شود؟

نکته بعدی که جای تأسف دارد این است که اجناس خارجی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای این شهر خودنمایی می‌کنند و بدتر این که در فروشگاه‌های زنجیره‌ای قم مانند کوثر که وابسته به دفتر تبلیغات، جانبازان و سرای ایرانی که نام ایرانی را روی خود دارد نیز این کالاها به وفور به چشم می‌آیند که حداقل انتظار است که منویات مقام معظم رهبری در خصوص حمایت از کار و سرمایه ایرانی را نادیده نگیرند و چه لزومی دارد که انواع مواد خوراکی، لوازم

است که در محله‌ای قدیمی یک سوپرمارکت کوچک دارد انتظار داشت که یک‌باره به سر کار دیگری برود. رئیس اتحادیه دارندگان سوپرمارکت و مواد پروتئینی در ارتباط با ضربه فروشگاه‌های زنجیره‌ای بر خرده فروشان چندی پیش گفته بود: در حال حاضر این فروشگاه‌ها به سرعت در حال گسترش هستند و واحدهای صنفی کوچک مانند سوپرمارکت‌ها از این امر آسیب فراوانی می‌بینند زیرا با احداث یک فروشگاه زنجیره‌ای تعداد زیادی از این واحدها مجبور به تعطیلی می‌شوند.

سعید درخشان اظهار کرد: اگر این فروشگاه‌ها به صورت هدفمند احداث می‌شدند مفید بودند اما در حال حاضر چنین نیست.

از دیگر مضرات فروشگاه‌های بزرگ تحریک مشتری به تهیه کالاهای رنگارنگی که بدون آن‌ها نیز زندگی به خوبی جریان خواهد داشت است.

کارشناسان معتقدند فروشگاه‌های زنجیره‌ای به دلیل تحریک مشتری به خرید و مصرف بیشتر می‌توانند آسیب‌زا باشند و ویترین‌های رنگارنگ، در بلندمدت می‌تواند ذائقه افراد را تغییر داده و آنان را به سمت مصرف افراطی و کورکورانه سوق دهد.

حتی برخی معتقدند که والدین نباید فرزندانشان را تا سنی که ذائقه آنان شکل نگرفته به این فروشگاه‌ها ببرند و به منظور عملکرد مناسب و گریز از آسیب‌ها لازم است که با فرهنگ مصرف‌گرایی افراطی مقابله شود تا مردم از نیازهای خود آگاه شوند و یاد بگیرند که بی‌هدف به خرید و مصرف اقدام نکنند که به این روش می‌توان از بعضی از آسیب‌های مصرف‌گرایی و بیماری‌های به تبع آن جلوگیری کرد.

اشکال دیگر این فروشگاه‌ها این است که در ابتدای تشکیل به دلیل این که اجناس را عمده خریداری می‌کردند تخفیف‌هایی هم برای مشتری قائل بودند اما اکنون در بسیاری موارد قیمت‌ها با بیرون تفاوتی ندارد یا تفاوت‌ها ناچیز است.

● حمایت از سرمایه‌داران ترکیه‌ای در پایتخت تشیع

در هر صورت گسترش بیش از حد فروشگاه‌های زنجیره‌ای کمر برخی خرده‌فروش‌ها بخصوص افراد کم سرمایه را شکسته است که باید کنترل شوند و می‌طلبند که مسئولان مربوطه کمر همت ببندند و به این مشکلات که زندگی



سود چند برابری دلالتان از فروش خرما/ دست نخل داران کوتاه است



در حالی که کشاورزان یک سال برای تولید خرما تلاش می کنند و هزینه های زیادی را متحمل می شوند، کمترین سود را از فروش این محصول می برند و دلالتان و واسطه ها سود چند برابری را می برند.



سعید رضایی

● خرما را مفت از ما می خردند

یکی دیگر از کشاورزان دشتستانی گفت: در حالی که سالانه هزینه های بسیار زیادی را برای تولید هر کیلوگرم خرما متحمل می شویم، ولی متأسفانه کمترین سود نصیب ما می شود و خرما را مفت از چنگ ما می آورند.

حبیب بنافی اضافه کرد: در سال های اخیر با مشکلاتی همچون کم آبی دست و پنجه نرم می کنیم و این موضوع به سختی های تولید خرما افزوده و هزینه های بیشتری روی دوش ما گذاشته است ولی باز هم تأثیری در افزایش درآمد کشاورزان نداشته است.

وی ادامه داد: خرما را با قیمت زیر دو هزار تومان از کشاورزان می خردند و پس از مدتی با سود حداقل دو برابری به بازارهای دیگر می فروشد و باز هم واسطه های دیگر و باز هم افزایش قیمت خرما که این افزایش قیمت های تأثیری در درآمد کشاورزان ندارد.

● چرا دلالتان سود می کنند؟

در حالی که سه تا چهار ماه دیگر تا زمان برداشت محصول خرما باقی مانده است، جیب بسیاری از کشاورزان که فقط از طریق فروش محصول خرما درآمد کسب می کنند خالی شده است و از همین الان برخی از این کشاورزان محصول خود را پیش فروش می کنند و از دلالتان و بازرگانان خرما پول طلب کرده و یا قرض می گیرند.

واسطه ها هم از این فرصت بی پولی کشاورزان استفاده کرده و بخش بسیار کمی از هزینه های خرید خرما را هم اکنون پرداخت می کنند و در زمان برداشت محصول با نازل ترین قیمت، خرما را از کشاورزان می خرند.

البته کشاورزانی هم هستند که دشتشان خالی نیست ولی در زمان برداشت محصول خرما، به علت حجم بالای خرما موجود در بازار توان بازاریابی و فروش محصول خود را ندارند و مجبورند محصول خود را به واسطه ها بدهند.

این روزها در حالی قیمت فروش خرما در شهرهای بزرگ کشور به ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان رسیده است که این قیمت ها هیچ تغییری در درآمد کشاورزانی که این محصول را تولید کرده اند ندارد.

کشاورزان حدود یک سال برای تولید محصول خرما زحمت می کشند و بارها و بارها از نخل های بلند قامت بالا و پایین می شوند ولی کمترین سود از فروش محصول نصیب همین کشاورزان می شود.

در این بین افرادی که توانایی مالی لازم برای خرید محصول خرما را ندارند و می توانند محصول خرما را نگهداری کنند، و همچنین دلالتان و واسطه ها که این محصول را به بازارهای کشور می برند، بیشترین سود را می برند.

این روزها خرما در برخی از بازارهای کشور با قیمت حدود ۲۰ هزار تومان به فروش می رسد ولی نخلداران خرما خود را با قیمت کمتر از دو هزار تومان فروخته اند و البته نیمی از این قیمت نیز هزینه های یک سال نخلداری بوده است یعنی کشاورزان حدود پنج درصد از قیمت خرما ۲۰ هزار تومانی نصیبشان شده است.

● وضع نخل داران خوب نیست

یکی از نخلداران استان بوشهر گفت: نسل در نسل ما از طریق نخل و خرما امرار و معاش می کرده است و ما نیز امروز اینچنین هستیم ولی روز به روز وضعیت دخل و خرج ما از طریق نخل و خرما بدتر می شود.

مهدی حیدری اضافه کرد: یک سال برای تولید خرما زحمت می کشیم؛ آبیاری می کنیم، کود می دهیم، شخم می زنیم، بارور می کنیم، هرس می کنیم، برداشت می کنیم و... ولی سودی که شایسته این تلاش ها باشد

همین موضوع باعث شده است تا بخش عمده و بهتر بگوییم همه خرمای کشاورزان، پیش از برداشت به فروش برود و کشاورزان بخشی از پول خود را دریافت کنند.

در استان بوشهر خرمای نخیلات به صورت تخمینی و در حالی که هنوز روی نخل ها است، با قیمت مورد توافق به فروش می رود و کم و زیاد وزن خرما و تغییر در قیمت خرما، تأثیری در درآمد کشاورزان نخواهد داشت.

کشاورزان فضای مناسب و امکانات لازم برای ذخیره خرما خود را ندارند و برای اینکه خرما روی دشتشان نماند، خرما خود را به واسطه ها و دلالتان می دهند و اینگونه است که مجبورند به سود کم هم راضی باشند.

● سردخانه ها گسترش یابد/ لزوم توسعه صنایع تبدیلی

در حالی که توسعه صنایع تبدیلی به عنوان یکی از مهمترین شعارهای تبلیغاتی چه برای کاندیداهای ریاست جمهوری و چه نامزدهای مجلس و یا شورای شهر و روستا مطرح می شود ولی هنوز تا عمل فاصله زیادی دارد.

سالانه حدود ۱۶۵ هزار تن خرما در استان بوشهر تولید می شود ولی صنایعی که این خرما را به دیگر محصولات تبدیل کنند، در دسترس نیست و بخش ناچیزی از خرما تبدیل می شود.

علاوه بر صنایع تبدیلی، باید شرایط نگهداری مناسب برای خرمای تولیدی ایجاد شود تا نخلداران مجبور نباشند خرما خود را پیش از برداشت به فروش برسانند.

ایجاد صنایع تبدیلی، توسعه سردخانه های صنعتی، تشکیل تعاونی های ویژه نخل و خرما و حمایت مناسب مسئولان از کشاورزان می تواند باعث شود تا کشاورزان سود بیشتری از محصول خرما خود داشته باشند.

● حمایت از توسعه صنایع تبدیلی

استاندار بوشهر اظهار داشت: استان بوشهر یکی از قطب های تولید خرمای کشور است و تلاش داشته ایم که حمایت مناسبی را از فعالان عرصه خرما در استان داشته باشیم.

مصطفی سالاری با اشاره به اقدامات صورت گرفته برای اجرای طرح های نوین آبیاری نخیلات در استان بوشهر، اضافه کرد: طرح جایگزینی واریته های اقتصادی تر خرما در استان دنبال می شود.

وی از توسعه سردخانه ها و صنایع تبدیلی و فرآوری خرما در استان خبر داد و افزود: از بخش خصوصی برای راه اندازی صنایع مرتبط با خرما با جدیت حمایت می کنیم.

کشاورزان اولین حلقه در بین حلقه های تولید تا فروش نهایی خرما هستند و کمترین سود عاید این بخش می شود؛ علاوه بر اقداماتی که مسئولان باید انجام دهند، کشاورزان نیز باید با تشکیل تعاونی هایی، برای بهبود شرایط فروش محصولات خود راهکارهای مناسب اتخاذ کرده و صنایع مورد نیاز برای افزایش سود خود را راه اندازی کنند.



«الماس» خاویار ایران در راه بازارهای جهانی



فعالان شیلات باتولید ناب‌ترین خاویار موسوم به «الماس» عزم خویش را برای بازگشت به بازارهای جهانی جزم کرده‌اند و این محصول، زمستان امسال در کرانه خزر تولید و روانه بازارهای جهانی می‌شود.



علیرضا نوری
گجوربان

دیر سالی نیست که خاویار خزر و مازندران شهره آفاق بود اما چند صباحی است که از آن روزهای اوج خبری نیست و صید خاویار در دریای خزر حد قابل توجهی کاهش یافته است، علاوه بر این، نبود پایانه صادراتی سبب شده تا خاویار ایران در گمرکات اروپایی نرخ‌گذاری شود و سهم ناچیزی عاید ایران و تولیدکنندگان شود.

مرکز تکثیر و پرورش ماهیان خاویاری قره برون جویبار، بزرگ‌ترین مرکز پرورش این نوع ماهیان در کشور به شمار می‌رود و با استفاده از دانش فنی مناسب و انتقال آب دریای خزر به ۹۶ استخر این شرکت، امکان تولید این نوع ماهیان به شیوه طبیعی را فراهم کرده است. این مرکز با بهره‌گیری از توان داخلی، اشتغال و ارزآوری توانست بار دیگر خاویار خزر را در مسیر جهانی‌شدن قرار دهد و دومین پایانه جهانی صادرات خاویار در این مرکز راه‌اندازی می‌شود.

اسحاق اسلامی، مدیر مرکز تکثیر و پرورش ماهیان خاویاری قره برون جویبار که به پیشنهاد عروس بزرگش که دانش‌آموخته شیلات است و به‌صورت خانوادگی در سال ۸۱ اقدام به سرمایه‌گذاری در زمینه پرورش ماهیان خاویاری کرده است، می‌گوید: به دلیل اینکه پروژه استحصال خاویار روند طولانی‌مدت است، لذا درباره زمانی ۱۰ سال قبل از زمان انتظار استحصال، میلیاردها دلار تنها از فروش گوشت ماهیان خاویار، برای کشور ارزآوری شد و بیش از ۳۵۰ نفر به‌طور مستقیم و هزار نفر به‌طور غیرمستقیم مشغول به کار شدند.

این کارآفرین نمونه و برتر، با تقدیر از حمایت‌های وزیر جهاد کشاورزی، معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری و استاندار مازندران ادامه داد: انتظار این است برای اشتغال و ارزآوری بیشتر و تحول در اقتصاد منطقه و حاشیه‌نشینان دریا این همکاری‌ها بطور مستمر و مداوم باشد زیرا هرچند تا رسیدن به مقصد جایگاه واقعی برند جهانی خاویار ایرانی، حلقه مفقوده وجود دارد.

وی به موانع فراروی صادرات خاویار اشاره و اضافه کرد:

بودن و اثبات قابلیت‌ها می‌توان در تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های برنامه‌های اقتصادی دولت باید ایفاگر نقش باشیند یاریگر دولت باشد.

این کارآفرین برجسته بین‌المللی، بایان اینکه لازمه رهایی و برون‌رفت از بیکاری و مهاجرت به آن سوی آب‌ها، تلاش و همت مضاعف در عمل کردن به اقتصاد مقاومتی است، خاطرنشان کرد: باید به توان داخلی و الزام تعهد ایجاد تولید و نیز اشتغال اعتقاد بنیادین داشته باشیم.

همچنین حجت الاسلام مجید انصاری معاون حقوقی و پارلمانی رئیس جمهوری در بازدید از بزرگ‌ترین مرکز پرورش ماهیان خاویاری در جویبار، با اشاره به اینکه امسال برای دومین سال از سوی رهبری، سال اقتصاد مقاومتی البته با پسوند اشتغال و تولید قرار گرفت، افزود: از ابتدای صدور فرمان رهبری و ابلاغ سیاست‌های کلی، دولت تمام همت خود را برای اجرایی کردن فرمان ایشان به کار گرفت و ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی تشکیل شد و برنامه‌های متنوعی برای حمایت از تولید با نگاه اشتغال‌زایی هر چه بیشتر آماده و به بخش‌های مختلف ابلاغ شده است.

وی با تأکید بر حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها از لحاظ مالی و حقوقی، افزود: در این زمینه، بخصوص در معاونت حقوقی لویایح موردنیاز تهیه و به مجلس تحویل شده و در زمینه تسهیل مقررات نیز، گام‌های خوبی برداشته‌شده و مجوزهای غیرضروری و موانع حذف‌شده است.

انصاری با ابراز خرسندی از به ثمر نشستن این سیاست‌ها گفت: در طی ماه گذشته ثمره آن را در پارس جنوبی مشاهده کردیم و برای هفته آینده، افتتاح ستاره خلیج فارس را داریم و امروز نیز در این واحد تولید خاویاری هستیم که یک واحد مکمل آن افتتاح شده و همه این‌ها تولید با استفاده از مزیت‌های داخل کشور است و طبعاً اشتغال‌زایی خواهد داشت.

توسعه پرورش ماهیان خاویاری و آبروی‌پروری می‌تواند ارزآوری خوبی برای اقتصاد مازندران داشته باشد از این‌رو به تأکید صاحب‌نظران و کارشناسان باید برنامه‌ای مدون برای فعالیت‌های شیلاتی در استان طراحی و شیوه‌های سنتی تولید کنار گذاشته شود.

به‌هرروی، مازندران تا رسیدن به افق توسعه‌ای مطلوب در زمینه پرورش و صادرات ماهیان خاویاری راه زیادی در پیش دارد و درحالی‌که هرروز بر مشتریان خاویار خزر افزوده می‌شود، اما این امر مستلزم حمایت از تولیدکنندگان و فعالان این حوزه است.

ایران باوجود دارا بودن بزرگ‌ترین تولیدکننده ماهیان خاویار در جهان به دلیل نداشتن پایانه صادراتی، متأسفانه خاویار ایرانی در گمرکات کشورهای اروپایی قیمت‌گذاری می‌شود و به‌سادگی میلیاردها دلار ارز و اشتغال را نادیده می‌گیریم.

همچنین معصومه بنافانی بانوی کارآفرین و فعال در حوزه پرورش ماهیان خاویاری در مازندران بایان اینکه بر اساس آمار شیلات ایران که سال ۱۳۰۴ را انقراض کامل ماهیان خاویاری اعلام کرده بود اظهار داشت: اما اکنون شاهدیم باهمت و تلاش مضاعف بخش خصوصی نظاره‌گر احیا ماهیان، ناب خاویار ایران زمین هستیم.

وی خواستار مشارکت‌پذیری طیف سرمایه‌گذاران داخلی با هر میزان آورده سرمایه داخلی شد و افزود: در حال حاضر باوجود پتانسیل نیروهای جوان تحصیل‌کرده دانشگاهی، بخش خصوصی با بهره‌گیری از توان فکری و فیزیکی این قابلیت‌ها می‌تواند طرح‌های خلاق و نوین دهد و با ایجاد فرصت درآمذایی کند.

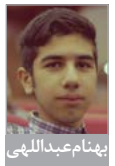
وی تأکید کرد: شرکت‌ها باید همواره خود را با جهان و فناوری‌های نوین دنیا تطبیق دهند، تصریح کرد: با بروز



خیز تبریز برای جهانی شدن؛ از کفش تافرش پایتخت گردشگری ۲۰۱۸



برندسازی از کالاها یا محصولات یک شهر یا کشور سرمایه گردشگری محسوب می شود و این امر برای پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی، ضروری تر از هر شهر ایران به نظر می رسد.



بهنام عبداللہی

بی شک وقتی هریک از اسم های موجود در دنیا به گوش شما می خورند، بدون هیچ تأمل و درنگی یک رنگ خاص، یک بوی خاص، یک مزه خاص یا یک واژه همجنس در عرض چند لحظه در ذهن تان جلوه می کند.

مثلا وقتی می گوئیم «سفر»، ممکن است رنگ ها و فضاهای متعدد و منحصر به فردی سراغ شما بیاید. وقتی می گوئیم «آسمان»، شاید زلالی، در دسترس ترین واژه ای باشد که تداعی می شود. وقتی از دیوار اسم می بریم عجیب نیست که رنگ و حس حصار در وجود شما نقش ببندد و باید گفت بسیار بسیار می توان از این قبیل مثال ها زد.

اما تمام کشورها یا شهرهای جهان نیز برای خود، شناسه هایی دارند که با آن ها شناخته می شوند یا با آن ها راحت تر به یاد می آیند. مثلا وقتی می گوئیم کره جنوبی شاید سریعا یاد خودروی «هیوندای» بیفتید. وقتی می گوئیم برزیل یاد فوتبال می افتید یا وقتی حرف از گل می شود، بلافاصله کشور هلند در ذهن شما نقش می بندد.

اما سوال مهم اینجا است که اگر این روابط را بین شناسه ها و محل ها برعکس کنیم چه اتفاقی رخ می دهد؟ مطمئنا باز گل شما را یاد هلند خواهد انداخت. مطمئنا دین خودروی «هیوندای» اسم کره جنوبی را به دنبال خود خواهد آورد و همچنین فوتبال شما را به برزیل خواهد برد. پس می بینیم که این ها در واقع تبدیل شده اند به نمادها یا شناسنامه های این منطقه از زمین که ما را یادشان می اندازند.

● ضرورت برندسازی

در اصطلاح اقتصادی این موضوع را برندسازی می نامند. شاید هر روز چندین بار واژه «برند» به گوش مان می خورد ولی این عنوان شاید نقاط تمایزی با مارک ها داشته و شباهت هایی را نیز دارا باشد. می توان گفت امروز واژه برند جایگاه فراتری در لغت نامه های توسعه گردشگری جوامع و نقاط مختلف دنیا دارد.

اکنون تمام کشورها و شهرهایی که می خواهند به نوعی حرفی برای گفتن در زمینه گردشگری داشته باشند یا توسعه ای را در این زمینه پشت سر بگذارند، روی می آورند به برندسازی محصولات، کالاها و صنایع و هنرهایشان.

معمولا برندسازی از کالاها یا محصولات یک شهر یا کشور شکل می گیرد که از قدیم الایام متعلق به آن سرزمین بوده و به دلایل موجه متعددی آن شهر می تواند بر مالکیت معنوی یک صنعت یا یک کالا و ... ادعا داشته باشد.

اگر صحبت مان را به مرزهای ایران خودمان محدود کنیم، می بینیم شهرهای کمی نداریم که ما آن ها را با برندهای اختصاصی شان به یاد می آوریم. مثلا وقتی می گویند غالب یاد کاشان می افتیم یا وقتی می گویند خراسان یاد زعفران می افتیم. هرچند که ما بیش تر با مکان ها و جاذبه های تاریخی-گردشگری شهرها نیز به یاد آن ها می افتیم ولی به دلیل اینکه یک جاذبه توان عرضه در

فرش تبریز به رونق این صنعت و محکم تر شدن تار و پود گردشگری و معرفی این شهر تأثیرات بسزایی خواهد داشت.

هم اکنون نمونه های کپی برداری شده و جعلی فرش تبریز توسط چین تولید و به بازارهای جهانی عرضه می شود که جلوگیری از این امر مستلزم صادرات بیش از پیش و معرفی فرش اصیل تبریز به بازارهای جهانی است.

● تابلوفرش هایی که تار و پود زندگی را بر دیوار خانه قلاب می کنند

وقتی تبریزی ها تار و پود زندگی شان را گره می زنند، گاه نیز بدشان نمی آید این زندگی را که از هنر دست شان به وجود آمده، به دیوار خانه هایشان قلاب کنند. تابلوفرش تبریز و مخصوصا سردرود تابلوفرش های تبریزی از چنان ظرافتی برخوردار هستند که شاید با یک نگاه آن ها را با تابلو نقاشی اشتباه گرفت آذربایجان شرقی شهرت جهانی دارد و در واقع اهمیت و ارزش بالای بافت تبریز در این نوع از تابلوفرش ها بهتر دیده می شود.

تابلوفرش های تبریزی از چنان ظرافتی برخوردار هستند که شاید با یک نگاه آن ها را با تابلو نقاشی اشتباه گرفت. این تابلوفرش ها در طرح ها و اندازه های مختلف و در سبک های گوناگون بافته می شوند و در داخل ایران از فروش خوبی برخوردارند.

اگرچه فرش تبریز گران قیمت است و هرکسی از پس خرید آن بر نمی آید، ولی کمتر خانه ای را در تبریز می توان دید پیدا کنید که تابلوفرشی بر روی دیوارش نداشته باشد.

در رابطه با برندهای شهر تبریز سراغ رئیس سازمان توسعه گردشگری شهرداری تبریز می رویم که یکی از مدعیان برندهای تبریز و نیز یکی از منتقدان حمایت اندک از این حوزه است.

رضا خلیلی می گوید: وقتی کسی می رود در یک نمایشگاه خارجی فرش تبریز را ارائه می کند، درواقع او خود تبریز را آنجا برده است و تبلیغ می کند.

وی ادامه می دهد: قطعا ما باید از تاجران که محصولات تبریز را در جاهای مختلف جهان ارائه می کنند حمایت کنیم تا نه تنها دلسرد نشوند، بلکه برای هم صنفان خود نیز به عنوان الگو شناخته شوند.

خلیلی خاطر نشان می کند: برای رسیدن به اهداف بلندمدت

نقاط مختلف را ندارد نمی تواند به عنوان برند گردشگری یک شهر به شمار بیاید.

وقتی تبریز را به عنوان پایتخت گردشگری جهان اسلام در سال ۲۰۱۸ میلادی انتخاب کردند، تبریز را با وضعیت فعلی و داشته های کنونی اش پذیرفتند اما بنابر تاکید مسئولان ما نباید تبریز ۲۰۱۸ را یک نقطه پایان ببینیم بلکه از این فرصت طلایی تر از طلایی، برای توسعه گردشگری و شناخته تر شدن تبریز نهایت استفاده را ببریم.

● تبریز، پربرندترین شهر ایران

بدون هیچ شبهه ای می توان تبریز را به عنوان پربرندترین شهر ایران نام برد و برای اثبات این ادعا، چه صنایع و چه محصولات و داشته هایی که با جان و دل حاضرند بر این ادعا شهادت دهند. اما هرچقدر می گوئیم تبریز برندهای بسیار زیادی را داراست و در این زمینه حرف های زیادی برای گفتن دارد اما آن طور که پیداست تلاش زیادی برای تبیین و تثبیت این برندها صورت نگرفته است. در این گزارش نگاهی داریم به برندهای تبریز که بی شک برای شما نیز جالب خواهد بود.

● تبریز، شهر جهانی بافت فرش

این عنوانی است که از طرف شورای جهانی صنایع دستی به تبریز داده شده است و همین صفت به خودی خودی توانست تا قالی و فرش اصیل تبریز را توصیف کند. به اینکه سابقه فرش تبریز به قبل از دوران صفویه برمی گردد کاری نداریم ولی ویژگی هایی که فرش تبریز داراست قطعا دلیل محکم تری بر برند بودن این نوع فرش و این نوع فرش بافی در جهان به حساب می آید.

رنگ و ظرافتی که در فرش تبریز به کار برده می شود و همچنین گره های ریزی که بر پیکره آن قوت می بخشند شهرتی جهانی دارند. اینکه شاید بافت یک فرش تبریزی چیزی حدود یک سال طول بکشد، نشان از دقت فرش بافان این خطه دارد.

همچنین قلب بازار تاریخی تبریز، تیمچه مظفریه است که در آن فرش های اصیل تبریزی به فروش می روند و باز این نشان از توجه مردمان گذشته این خطه به فرش دارد. فرش تبریز را علاوه بر گره های ریزش می شود از طرح، رنگ و نقوش به خصوص آن شناخت. قطعا جهانی شدن



غذاهای تبریز را بدهند.

تبریز و استان آذربایجان شرقی با دارا بودن ۹۰۰ واحد مدرن تولید صنایع غذایی و شیرینی و شکلات، ۵۰ درصد شیرینی و شکلات ایران در این استان تولید و علاوه بر عرضه عمده و خرده در بازارهای مصرف کشور به ۳۰ کشور جهان نیز صادر می‌شود.

اکثر گردشگران داخلی و خارجی در سفر به تبریز با انواع فروشگاه عرضه محصولات شیرینی و شکلات روبه‌رو می‌شوند که تنوع بالای محصول و کیفیت را به همراه دارند.

● برای رقابت باید هزینه کرد

همان‌طور که در آغاز گفتیم برندسازی امروزه تأثیر بسزایی در معرفی یک شهر به جهان و جذب گردشگران به آن را دارد. حتی در مواقعی برندها بیش‌تر از نمادهای یک‌شهر می‌توانند تأثیرگذار باشند.

اینکه یک محصول یا یک صنعت به‌عنوان برند در بازارهای جهانی شناخته می‌شود علاوه بر جذب گردشگر می‌تواند به صنعتگران محلی و صنایع‌مان کمک زیادی کرده و به عبارتی رشد اقتصادی را نیز به همراه داشته باشد.

همان‌طور که خود مسئولان مرتبط با این حوزه هم گالیه‌مند هستند، کالاها و صنایع تبریز آن‌طور که باید، برندسازی نشده‌اند و در قبال رشد آن‌ها اقدامات شایسته‌ای انجام نگرفته است.

ازجمله اقداماتی که می‌توان در قبال برندسازی مثلاً غذاهای تبریز انجام داد این است که حداقل رستوران‌های محلی تبریز در کنار سفارش مشتریان به‌صورت رایگان و اشانتیون یک غذای محلی هم ارائه کنند که صدالبته نیازمند یک فرهنگ عظیم به نام دغدغه پیشرفت تبریز برای شهروندان است.

همچنین جای حمایت نیز از برندینگ یا همان برندسازی خالی دیده می‌شود. وقتی یک تاجر فرش تبریز را در یک نمایشگاه خارجی عرضه می‌کند باید ضمن قدرشناسی از او حمایت کرد و به طرق مختلف این مسیر را هموار کرد.

در هر صورت اگر عنوان پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی را بخواهیم در تبریز نگاه داریم، قطعاً باید وارد فضای رقابت گردشگری شویم که این روزها بسیار سخت، نیازمند زحمت و هزینه است ولی منافعی که با خود به همراه می‌آورد بسیار ارزشمند است.

برای برندسازی داشته‌هایمان باید در ابتدا هزینه کنیم و حتی به‌صورت رایگان یا حتی زیر قیمت به مسافران و بازارهای جهانی ارائه دهیم تا بتوانیم آن جایگاه واقعی را به دست آوریم. در غیر این صورت و با این تفکر که ما این محصول و این صنعت را داریم و مشتری خودش موظف است ما را پیدا کند، به هیچ‌جا نمی‌توان رسید.

باشد ولی هر طوطی، طوطی برزیل نمی‌شود. آجیل هم از این قانون نانوخته تبعیت می‌کند.

آجیل تبریز شهرت فراوانی در تمام ایران و دنیا دارد و به‌عنوان گونه مرغوب آجیل در فروشگاه‌ها به فروش می‌رسد. شاید رمز مزه متفاوت و جنس مرغوب آجیل تبریز را بتوان نحوه تهیه آن دانست.

آجیل تبریز در کنار ریس، نوقا، باقلوا و سایر خوردنی‌های انحصاری این شهر، سید سوغاتی آن را فراهم می‌کنند. آجیل تبریز نیز مثل اقلام دیگری که نام برده شد به شهرهای مختلف ایران و کشورهای متعدد خارجی صادر می‌شود.

● پنیری کاملاً طبیعی، پنیری کاملاً بدون بو

محصولی که دیگر بین برند بودن یا نبودن آن هیچ شبهه‌ای وجود ندارد پنیر تبریز است. البته این پنیر به صورت اصیل در روستای لیقوان که در نزدیکی تبریز است به شکلی متفاوت از سایر پنیرها تولید می‌شود. این پنیر شبه‌نرم بین ۳ تا ۱۲ ماه در آب‌نمک نگهداری می‌شود تا برسد.

پنیر لیقوان طعمی ترد و شور دارد و دارای سوراخ‌هایی به‌خصوص است و از شیر تازه گوسفند تهیه می‌شود. این پنیر که به‌عنوان پنیر سفید در سراسر جهان شناخته می‌شود، طرفدار بسیار زیادی دارد و عمدتاً به خاطر اینکه بویی شبیه سایر پنیرهای طبیعی ندارد در بین اقشار مختلف مردم در شهرهای مختلف ایران محبوب است و صبحانه همراه با نان صرف می‌شود.

● قزاقیه، این شیرینی مجلسی...

اگر راه‌تان به یکی از مجالس رسمی و شیک تبریز افتاد، محال است که در ظرف شیرینی قزاقیه را نبینید. قزاقیه نوعی شیرینی است که در تبریز، زنجان، قزوین، ترکیه و جمهوری آذربایجان پخته می‌شود ولی به‌عنوان سوغات مخصوص تبریز شناخته می‌شود.

هرچند گونه‌های متنوعی را می‌توان از قزاقیه نام برد ولی اصلی‌ترین آن و چیزی که برند تبریز است همان قزاقیه‌ای است که روی آن با خلال پسته و بادام تزئین می‌شود و طعم بسیار مطلوب و شناخته‌شده‌ای دارد.

شیشلیک، دلمه، کوفته، قویماق، شیله عدسی و بسیاری از غذاهایی که روزانه می‌خورید و از اسم‌شان نیز پیداست ریشه تبریزی دارند. غذاهای تبریز را نه می‌توان توصیف کرد و نه دوست داریم توصیف کنیم و فقط طعم و ترکیب بی‌نظیر آن‌ها را با چشیدن‌شان می‌شود حس کرد.

غذاهای تبریز هرچند شناخته‌شده‌اند و در جای‌جای جهان طرفدار دارند ولی اینکه حتی در رستوران‌های تبریز نیز توجه عمده‌ای به آن‌ها نمی‌شود جای تأسفد دارد. مثلاً شما کم‌تر رستورانی در تبریز پیدا می‌کنید که عطر و بوی

توسعه گردشگری باید هزینه و زمان صرف کنیم و جدی کار کنیم.

وی تشریح می‌کند: مثلاً چه اشکالی دارد در رستوران‌های خود تبریز علاوه بر سفارش مشتری، یک غذای محلی هم به‌عنوان اشانتیون عرضه شود؟ این هم می‌تواند غذاهای تبریز را معرفی کند و هم می‌تواند باعث خوش‌نام شناخته شدن رستوران‌های تبریز باشد.

رئیس سازمان توسعه گردشگری شهرداری تبریز با لحنی انتقادی ادامه می‌دهد: ما چرا نباید فروشگاه‌های زنجیره‌ای در سراسر ایران یا سراسر جهان داشته باشیم که محصولات تبریز و برندهای آن اعم از شیرینی و شکلات را به فروش برسانند درحالی‌که بیشتر شهرهای ایران این کار را انجام می‌دهند.

وی برندهای تبریز را یکی از عوامل توسعه گردشگری شهر می‌داند و خاطرنشان می‌شود: اگر ما بتوانیم در زمان مناسب برندهای شهر خود را بشناسیم، روی آن‌ها کار کنیم و به‌صورت جهانی عرضه کنیم قطعاً موفق خواهیم شد تبریز را بیش‌ازپیش در عرصه‌های جهانی معرفی کنیم.

● جای کیف و کفش چرم تبریز در چمدان مسافران محفوظ است

تبریز شهر اولین‌هاست و هیچ عجب نیست که می‌خوانیم اولین کارخانه چرم‌سازی در ایران نیز در سال ۱۳۰۸ در تبریز بنا شده است. کیف و کفش تبریز به‌وسیله اینکه از چرم اصل و خالص و به دست استادان این عرصه که شاید هرکدام بیش از نیم‌قرن فعالیت داشته‌اند ساخته می‌شود از زمان‌های دور به شهرت و محبوبیت رسیده است.

در کل چرم تبریز را می‌توان یکی از کالاهایی نام برد که در چمدان هر مسافری هنگام خروج از تبریز می‌توان یافت. کفش چرم تبریز علاوه بر اینکه دوام زیادی دارد و شاید یک جفت از آن بتواند سال‌ها مورد استفاده قرار بگیرد، از شکل و رنگ بسیار خوبی هم برخوردار است که باعث می‌شود بیش‌تر کاربری مجلسی داشته باشد.

بیش‌تر صنعت‌گران و هنرمندان این عرصه از مشکلات مالی فراوانی رنج می‌برند و به طرق مختلف با مسئله ملموس حمایت‌نشدن‌شان مواجه هستند ولی به دلیل عشقی که به این هنر دارند می‌توان به جرات ادعا کرد حتی ذره‌ای کم‌کاری در کارشان دخول نمی‌کند. کفش چرم تبریز را هم باز می‌توان از بازار تاریخی و سرپوشیده تبریز به‌آسانی تهیه کرد.

اما بعضی چیزها هم هستند که شاید آن‌ها را بتوان در شهرهای مختلف جهان پیدا کرد ولی هرکدام به شکل و شمایل متفاوتی عرضه می‌شوند. مثلاً شاید امروز طوطی در بیش‌تر شهرهای جهان زندگی کند یا زادوولد داشته

نیمی از پوشاک کرمان قاقاق است / تولید داخلی «مات» شد

احسان دیگر فروشنده کرمانی می گوید: پس از تحریمها کیفیت کالاهای قشقم بهتر شده است و بعضا اجناس کشورهای غربی نیز در بازار پوشاک دیده می شود اما چون نظارتی بر کیفیت کالاهای قاقاق وجود ندارد کالاهای بی کیفیت هنوز هم در بازار وجود دارد. وی می گوید: در کرمان ما تولید کننده پوشاک به صورت عمده نداریم و به همین علت اکثر فروشندگان و بازاریان کرمان با سفر به مشهد و اکثر بازار تهران نیاز خود را تامین می کنند که چون قیمت این اجناس در مقایسه با اجناس چینی زیاد است کمتر فروش می روند.

● پوشاک چینی سالها در انبارها و کشتیهای باری می مانند و مستعمل به دست مصرف کننده می رسد

مهدی محمودی، کارشناس اقتصادی و فعال بازار پوشاک کرمان می گوید: پوشاک در کرمان از مرزهای شرقی نیز وارد می شود و تنها مختص به بنادر جنوبی نیست و چون مردم نسبت به برند های خارجی و حتی چینی توجه بیشتری نشان می دهند قاقاق کالا رواج دارد.

وی می گوید: متأسفانه بعضا روی این لباسها آرمها و نوشته هایی وجود دارد که با فرهنگ ما هیچ تناسبی ندارند اما خریداران بدون توجه به این اختلافات فرهنگی از رنگ و طرح این لباسها بیشتر استقبال می کنند. محمودی افزود: قاقاق پوشاک در کنار آسیبی که به اقتصاد داخلی می زند فرهنگ مردم را نیز مورد هجمه قرار می دهد.

وی کنترل مبادی ورودی کالاها به استان کرمان و همچنین فرهنگ سازی بین مردم و حمایت از تولید کنندگان داخلی و برند سازی را تنها راه مقابله با قاقاق پوشاک می داند و می گوید: ما بازار متنوع را در اختیار متقاضیان قرار نمی دهیم و انتظار داریم از محدود انتخابهای موجود داخلی خرید کنند و این تنها سلیقه و ارزانی است که در بازار پوشاک تاثیر گذار شده است در حالیکه مسلما کیفیت تولید داخلی بسیار بهتر از پوشاک چینی موجود در بازار است.

● تولید داخلی باید حمایت شود

وی گفت: تولید کنندگان داخلی باید طراحی را با جدیت بیشتر انجام دهند و نیازهای بازار را در این خصوص با توجه به فرهنگ مورد توجه قرار دهند.

دبیر کمیسیون قاقاق کالا استان کرمان که چندی پیش از وجود ۵۰ درصدی پوشاک قاقاق در بازار کرمان خبر داده بود در این زمینه در پاسخ به اینکه وجود این میزان کالاهای قاقاق چه تاثیری بر بازار داخلی می گذارد گفت: مسلما قاقاق ضربه غیر قابل جبرانی به اقتصاد تولید داخلی وارد می کند.

ابراهیم شهریاری ادامه داد: همسایگی استان کرمان با استان های مرزی مسبب شده در معرض قاقاق کالا قرار بگیریم و در نهایت تولید کنندگان داخلی ضرر می کنند و بازار کار از بین می رود.

وی افزود: از سوی دیگر برخی از این کالاهای بی کیفیت است و حتی از نظر بهداشتی هم تأیید نمی شود.

وی با اشاره به تعطیل شدن برخی از کارگاههای داخلی تولید پوشاک گفت: مردم باید به این فکر کنند که با خرید هر کالاهای خارجی یک شغل در کشور از بین می رود و یک جوان بیکار می شود.

وی با تأکید بر مبارزه جدی با قاقاق کالا در استان کرمان گفت: کالاهای قاقاق از راههای مختلف وارد می شود و اکثرا در فروشگاههای غیر مجاز و یا داخل منازل به فروش می رسد و در این خصوص باید فرهنگ سازی لازم انجام شود.



سر بزیند به ندرت می توانند یک شلوار و یا پیراهن ایرانی پیدا کنند.

وی افزود: برای تامین پوشاک مدارس هم ما در سال گذشته مشکلات زیادی داشتیم و بعضا از خارج از استان استفاده شد.

● جنس چینی با قیمت بسیار کمتر از تولید داخلی عرضه می شود

زهره نیز از جمله تولید کنندگان لباس زنانه در کرمان است با اشاره به حضور گسترده پوشاک چینی در بازار می گوید: پوشاک چینی با قیمت بسیار کمتر از تولید داخلی در بازار کرمان وجود دارد.

وی می افزاید: اگر سری به بازار بزرگ و تاریخی شهر کرمان بزیند اکثر پوشاک چینی و با کیفیت بسیار اندک است و در مقابل اجناس داخلی از کیفیت بسیار کمتری برخوردار هستند.

این تولید کننده پوشاک در استان کرمان می گوید: سلیقه بازار با طرحهای پوشاک چینی هماهنگ نیست اما مردم مجبور هستند از کالاهای داخلی نیاز خود را تامین کنند تولید کنندگان داخلی هم چون اکثرا کارگاه های کوچک و غیر صنعتی هستند نمی توانند در بازار غیر رقابتی موجود در کرمان خود را ثابت کنند و فقط با مشتری های خانگی که وجود دارد می توانیم روزگار خود را بگذرانیم.

وی افزود: اکثرا پوشاک به صورت عمده از قشقم وارد کرمان می شود و با چندین برابر قیمت بعد از دلال بازاری ها به دست مصرف کننده می رسد.

علی نیز یکی از فروشندگان پوشاک در کرمان است، وی می گوید: اکثر پوشاک کرمان از قشقم، تهران و مشهد تامین می شود و بعضا کالاهای ترک نیز در بازار وجود دارد که اکثرا به صورت قانونی وارد می شود اما پوشاک چینی که از بنادر جنوبی وارد استان کرمان می شود اکثرا به صورت قاقاق است.

وی افزود: قاقاق به این صورت نیست که یکباره یک بار سنگین پوشاک وارد استان شود بلکه اکثر فروشنده ها به صورت شخصی به هرمزگان سفر می کنند و کالای مورد نیاز خود را به صورت «چینی» خریداری می کنند و در نهایت در بازار کرمان می فروشند.

وی اضافه کرد: متأسفانه در کنار کالاهای با کیفیتی که در بازار وجود دارد کالاهای بسیاری نیز بی کیفیت هستند به دلیل اینکه سالها در انبار کشتی ها و یا سوله ها زیر آفتاب مانده اند بعد از مدت اندکی فرسوده می شوند.

وی در خصوص اینکه چرا بازاریان از پوشاک بازار داخلی استفاده نمی کنند گفت: ارزان بودن قیمت، تنوع جنس و عدم اختصاص مالیات و مطالبی بودن با نیاز برخی از مشتری دلیل اصلی خرید جنس چینی است.

کارگاه های تولید داخلی در حالی با مشکل رکود و فروش نرفتن تولیدات خود مواجه می شوند که در کمال تعجب اجناس قاقاق، بازار خوبی دارند و نیمی از پوشاک مورد نیاز در کرمان نیز قاقاق است.



اسما محمودی

استان کرمان از گذشته تا کنون در معرض قاقاق کالا قرار داشته و نزدیکی به مرزهای جنوبی و شرقی کشور، کرمان را به معبری برای عبور کالاهای قاقاق به مرکز کشور تبدیل کرده است.

هر چند طی سالهای اخیر اقدامات مطلوبی برای مبارزه با قاقاق انجام شده است اما متأسفانه قاقاقچیان نیز بیکار نشسته اند و سود آوری این بازار برای قاقاقچیان کالا انقدر ارزشمند است که دست از تلاش برنداشته اند.

کرمان بزرگترین استان کشور و با سیستان و بلوچستان و هرمزگان هم مرز است و این دو استان نیز مهمترین بنادر وارداتی و مرزهای زمینی را دارند که بخش قابل توجهی از کالاهای قاقاق از این مناطق به کشور وارد می شود.

در کنار قاقاق سازمان یافته کالاهای مختلف متأسفانه برخی از مردم نیز اقدام به قاقاق کالا در قالب حمل و نقل چمدانی کالاهای مختلف می کنند و این در حالی است که رکود موجود در بازار داخلی در کنار افزایش قاقاق کالا بزرگترین ضربه را به تولید کنندگان داخلی وارد کرده است.

مهمترین بازار داخلی تامین پوشاک استان کرمان تولید کنندگان تهرانی و مشهدی هستند اما در شهر کرمان هم برخی از تولید کنندگان سعی می کنند در کارگاه های خانگی بخشی از بازار را از آن خود کنند، کاری که در رقابت با کالاهای متنوع و ارزان چینی تقریباً غیر ممکن است. یکی از مسئولان استان کرمان طی روزهای اخیر آماری را در خصوص منابع تامین پوشاک در کرمان ارائه کرده است که بسیاری از تولید کنندگان داخلی را نگران کرده است.

وی گفته است که ۵۰ درصد از پوشاک موجود در بازار استان کرمان قاقاق است، در کنار واردات قانونی پوشاک باید گفت که بخش قابل توجهی از نیاز بازار استان کرمان قاقاق است که اکثرا این کالاها از بنادر جنوبی تامین می شود.

مهمترین منبع تامین پوشاک در کرمان بازار قشقم است، بسیاری از مردم کرمان پوشاک مورد نیاز خود را با سفرهای سالانه به این جزیره تامین می کنند و در کنار تامین شخصی پوشاک قاقاق چمدانی نیز از بنادر جنوبی کشور نقش قابل توجهی دارد.

راه اندازی تورهای گردشگری توسط گروههای محله ای در شهرهای مختلف کرمان و سفر به جزیره های زیبای جنوبی در ازای خرید چمدانی کالا و انتقال به استان کرمان یکی از شگردهای قاقاقچیان کالا است.

با وجود، ورود گسترده پوشاک چینی به یمن نزدیکی بنادر جنوبی به استان کرمان در این استان پوشاک قاقاق ترک نیز دیده می شود.

● تولید کنندگان داخلی توان رقابت را با پوشاک قاقاق ندارند

محمد یکی از افرادی است که سعی کرده حداقل در تولید پوشاک دانش آموزان نخستین گامهای صنعت پوشاک را در کرمان بردارد اما از وضعیت موجود در بازار استان کرمان نا امید است.

وی می گوید: نیاز بازار شهرستان های جنوبی کرمان اکثرا از بنادر جنوبی تامین می شود، اگر به پاساژهای این شهرها

مسکن مهر پردیس خبر ساز شد / طرح ۱۸ ماهه ۱۰ ساله شد



مسکن مهر در پردیس، طرحی که قرار بود ۱۸ ماهه مردم را خانه دار کند امسال ۱۰ ساله خواهد شد و همچنان مردم سقفی بالای سر خود نمی بینند.

طرح مسکن مهر از سال ۱۳۸۶ و با وعده خانه دار کردن اقشار کم درآمد جامعه کلید خورد اما اکنون و در آستانه ۱۰ سالگی این پروژه عظیم همچنان بخش های بسیاری از این طرح دارای مشکلات متعددی است که گویا حل نخواهد شد.

پردیس یکی از شهرستان هایی است که یکی از بزرگترین پروژه های مسکن مهر در کشور در آن اجرا شده و تعدادی از هموطنان در این پروژه درگیر هستند و هر روز اظهارات خاصی از یکی از مقام های مسئول در این پروژه در خبرها منتشر می شود، از سخت گیری های بانک مسکن در پرداخت وام ها به مردم گرفته تا بد قولی های پیمانکاران و بسیاری از معضلات مدیریتی دیگر، همه این ها دست به دست هم داده است تا مردم هنوز سقفی را بالای سر خود نبینند.

● دریافت وام از بانک مسکن به راحتی امکان پذیر نیست

محمد حسینی، یکی از متقاضیان مسکن مهر پردیس بیان کرد: دریافت وام از بانک مسکن به این راحتی امکان پذیر نیست و به نوعی غیر ممکن است.

وی افزود: بانک مسکن دو ضامن معتبر کارمند رسمی دولتی نیاز دارد و در برخی موارد ارائه مدرک کسر از حقوق از فرد گیرنده وام و ضامن نیز اخذ می شود.

این متقاضی مسکن مهر پردیس ادامه داد: بانک مسکن سختگیری زیادی می کنند، از این بانک می خواهم شرایط راحت تری را برای مشتریان در نظر بگیرد.

● پس از مدت زیادی انتظار از دریافت مسکن مهر منصرف شدم

علی رجایی، از دیگر مشتریان مسکن مهر پردیس نیز گفت: در این شرایط اقتصادی و کمبود کار دولتی، معمولاً کارمند دولت بسیار سخت پیدا می شود، آن هم نه یک نفر که دو ضامن کارمند به هر کس هم نمی شود روز و وی اضافه کرد: مدت ها است منتظر دریافت مسکن مهر خود بودم اما حالا با این شرایط سخت بانک مسکن

فروش اقساطی حل کند در غیر اینصورت شرکت عمران به صورت یکطرفه واحدها را بدون کارت قسط تحویل متقاضیان خواهد داد.

وی اضافه کرد: پس از گذر از ۱۹ فروردین ماه، با حضور قائم مقام وزیر در ۲۱ فروردین ماه به بانک مسکن تا ۲۶ فرصت دوباره یک هفته ای داده شد تا شرایط را برای رفع موانع مهیا کنند.

خادمیان اظهار کرد: در روز ۲۱ فروردین و در پی بازدید از پروژه های مسکن مهر نامه ای توسط قائم مقام وزیر به مقام عالی وزارت به این مضمون ارسال شد که مدیرعامل آیفای شرق دلیل عدم پر شدن مخازن آب را عدم سکونت متقاضیان اعلام کرده است.

نماینده ویژه قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در طرح مسکن مهر گفت: مدیر شرکت گاز نیز عدم نصب کونترهای این شرکت را سکونت نداشتن متقاضیان بیان کرده است که تمام این موارد افتتاح های شرکت عمران را زیر سوال می برد.

● متقاضیان مسکن مهر به جای دو ضامن کارمند یک سفته با امضا یکی از بستگان درجه یک ارائه دهند

وی مقصر عدم تحویل واحدها را بانک مسکن دانست و افزود: مهلت بانک مسکن به پایان رسیده و وزیر راه پاسخ نامه ارسالی مبنی بر مساعدت را روز پنجشنبه صادر و امروز به مدیرعامل بانک مسکن ابلاغ شده است.

خادمیان ادامه داد: امروز حجت بر بانک مسکن تمام شده و قائم مقام وزیر نیز دستور تحویل واحد را بدون دریافت ضامن و پروسه بانک به شرکت عمران پردیس داده شده است.

نماینده ویژه قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در طرح مسکن مهر اضافه کرد: پس از صورت جلسه هیئت مدیره شرکت عمران شهر جدید پردیس یک تعهد از متقاضیان مبنی بر اینکه متقاضی متعهد، مکلف و موظف می شود پس از صدور پایان کار توسط شهرداری دفترچه اقساط خود را دریافت کند اخذ می شود.

وی اظهار کرد: آن دست از متقاضیانی که توان معرفی ضامن کارمند را برای دریافت دفترچه اقساط دارند به بانک مراجعه و دفترچه خود را اخذ کنند.

دریافت خانه برای من یک آرزوی دست نیافتنی شده و منصرف شدم.

رجایی گفت: تمام اطرافیان من شغل آزاد دارند و یافتن حتی یک ضامن کارمند برای من یعنی خداقافلی با مسکن مهر و به همین دلیل از دریافت مسکن انصراف خواهم داد.

● عدم همکاری بانک مسکن، شرکت عمران پردیس را زیر سوال برده است

احمد خادمیان، نماینده ویژه قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در طرح مسکن مهر گفت: در تاریخ ۲۸ اسفندماه سال قبل قائم مقام وزیر راه و شهرسازی نامه ای را به هیئت مدیره بانک مسکن ارسال کرد، متن این نامه آمده که در تیرماه ۴ هزار و ۵۵۰ واحد در فاز ۱۱ افتتاح شده که متأسفانه بنابر مشکلات متقاضیان در سپردن ۲ ضامن کارمند حدود هزار واحد تحویل شده است.

خادمیان افزود: عدم توانایی متقاضیان در ارائه ضامن و در پی آن دریافت نکردن دفترچه اقساط دلیل اصلی عدم حضور متقاضیان برای تحویل گرفتن واحدهایشان شده است.

نماینده ویژه قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در طرح مسکن مهر ادامه داد: در این نامه آمده که بانک مسکن تا تاریخ ۱۹ فروردین ماه ۹۶ مشکل ضامن برای تسهیل در





خادمیان گفت: متقاضیانی که توان سپردن ضامن بانکی را ندارند، با ارائه تعهدنامه واحدهای خود را تحویل بگیرند و پس از صدور پایان کار با ارائه سفته با امضای یکی از بستگان درجه یک به جای دو ضامن کارمند رسمی دفترچه اقساط را دریافت کنند.

نماینده ویژه قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در طرح مسکن مهر در خصوص عدم حضور پیمانکار پروژه فاز یازده نیز گفت: آخرین اظهار را به این شرکت داده خواهد شد و در صورت تکرار این روند با اخذ دستور قضایی از دادستان شهرستان به صورت مستقل اقدام خواهیم کرد.

● ۳۵ درصد پیمانکاران مسکن مهر پردیس، آورده مردم را در جایی دیگر هزینه می کنند

سعید غفوری، مدیرعامل شرکت عمران شهر جدید پردیس، با اشاره به بازدید روز گذشته خود از فاز هشت، اظهار داشت: در گذشته این فاز ۴۰۰ نفر مشغول به کار بودند اما امروز یک هزار و ۹۸۲ نفر در پروژه‌ها به انجام کار می پردازند.

وی گفت: این تعداد نیز برای اتمام پروژه‌ها کم است، اما فارغ از این تعداد سرعت کار هم در برخی پروژه‌ها بسیار کم است.

غفوری افزود: متأسفانه دلیل کندی کار انتخاب پیمانکاران ناکارآمد بوده، در زمان انتخاب این پیمانکاران به عنوان سازندگان مسکن مهر پردیس دقت لازم صورت نگرفته و انتخاب آن‌ها مطلوب نبوده است.

مدیرعامل شرکت عمران شهر جدید پردیس ادامه داد: پیمانکاران پردیس به سه دسته تقسیم می شوند، حدود سی درصد پیمانکاران واقعا سازنده و فعال هستند، حدود سی و پنج درصد پیمانکارانی هستند که پس از گرفتن مبالغ کارها را آغاز می کنند.

وی اضافه کرد: ۳۵ درصد باقیمانده پیمانکاران کسانی هستند که پس از گرفتن پول هم کار انجام نمی دهند و مشخص نیست این مبالغ و آورده مردم را در کجا هزینه می کنند.

● پیمانکار حاضر به هزینه کردن در پروژه نیست

غفوری با اشاره به تعریف تفاوت پیمانکار، سازنده و انبوه ساز، اظهار داشت: پیمانکار و سازنده از بودجه شرکت خود هزینه می کند تا پروژه‌هایشان را به پایان برسانند، در غیر اینصورت هر کسی می تواند پیمانکار باشد.

مدیرعامل شرکت عمران شهر جدید پردیس با بیان اینکه با پیمانکاران طی جلساتی مباحث مالی را تعیین و مشخص

می شود، گفت: طی جلسات با سازنده مبالغ پرداختی را نسبت به کارهای باقی مانده مشخص و پیمانکار مطمئن می شود که طی روزهای آینده به این مبالغ دست خواهد یافت.

وی ادامه داد: پس از طی شدن بروکراسی اداری این مبالغ به حساب پیمانکاران واریز می شود اما پس از جلسات و بازدید از پروژه‌ها دلیل عدم فعالیت و افزایش نیرو را جویا می شویم که اعلام می کنند پس از دریافت پول کار خواهند کرد.

غفوری ضمن اظهار تأسف از این اقدام پیمانکاران، افزود: این دست پیمانکاران باعث کندی روند ساخت و ساز هستند، و نمیخواهند چند روزی از شرکت خود هزینه کنند. مدیرعامل شرکت عمران شهر جدید پردیس اضافه کرد: این چه پیمانکاری است که اعتباری برای این مواقع ندارد و توسط چه کسانی برای ساخت مسکن مهر تأیید شدند.

● پیمانکاران، حق هیچ افزایش قیمتی در مسکن مهر پردیس ندارند

وی در خصوص مصاحبه یکی از پیمانکاران و اعلام عدم امضای قرارداد قیمت مقطوع با شرکت عمران، اظهار کرد: آقایانی که اطلاعاتشان به اندازه کافی نیست نباید اظهار نظری کنند در غیر اینصورت شرکت عمران به شدت پاسخ این اظهارات را خواهد داد.

غفوری گفت: قیمت تمام شده مسکن مهر پردیس سال گذشته نهایی شده و تمام پیمانکاران الحاقیه های خود را نگاشته و تحویل دادند.

مدیرعامل شرکت عمران شهر جدید پردیس افزود: هیچ نوع افزایش قیمتی نخواهیم داشت و قیمت های ساخت و ساز نهایی شده است و پیمانکاران باید با لطفی که دولت و مردم در حق آن ها کردند تمام تمرکز خود را به ساخت و ساز معطوف کنند.

وی ادامه داد: پیمانکاران فقط به تسریع در کار و چند شیفته کردن پروژه های خود فکر و عمل کنند و از اظهار نظرهای ناپخته و نا آگاهانه دست کشیده و از زیاده گویی و زیاده خواهی بپرهیزند.

● ۳۱ فروردین ماه تحویل قراردادهای مسکن مهر

علی اصغر جاودان فر، مدیر کارگزاری مسکن مهر پردیس نیز، ضمن اعلام اینکه قیمت مسکن مهر به هیچ عنوان افزایش نخواهد داشت، اظهار کرد: تا ۳۱ فروردین ماه مشکلی در تحویل قراردادهای مسکن مهر فازهای هشت و پنج وجود نخواهد داشت.

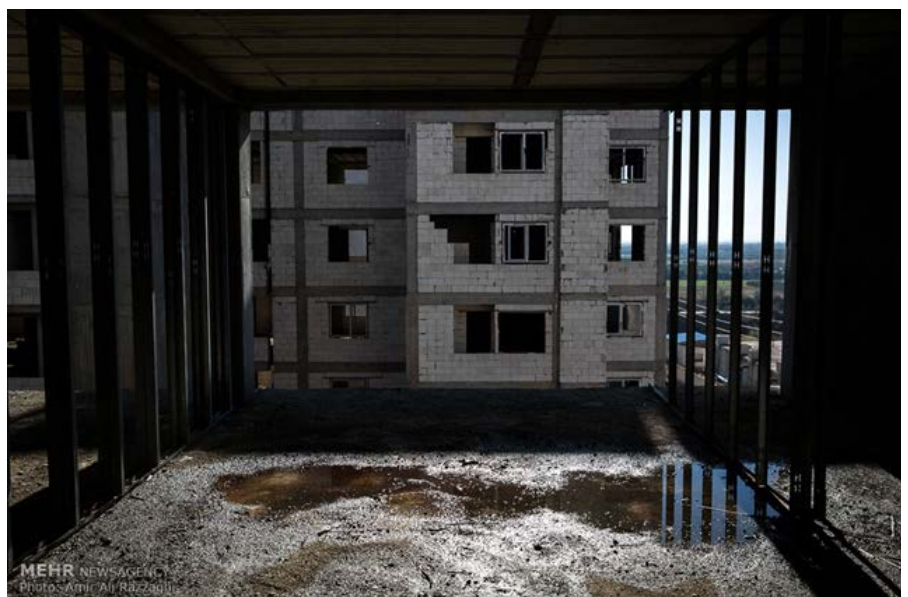
وی با اشاره به فاز یازده و عدم حضور مدیرعامل شرکت کوزو برای امضای قرارداد گفت: این مشکل مانعی برای پیشرفت تحویل به موقع مسکن مهر این فاز است که امیدواریم با راهکارهایی رفع شود.

جاودان فر با اشاره به کلاهبرداری هایی که در زمینه خرید و فروش مسکن مهر رخ داده، افزود: قراردادهای پنج برگی ضد جعل به هشت برگی ارتقا خواهد یافت و ضریب امنیتی این قراردادهای چند برابر دیگر شهرهای جدید کشور است، تا زمینه برای اینگونه کلاهبرداری ها مهیا نشود.

وی اضافه کرد: امروز پروژه های امیرساوالان، پردیس سازان، عمران ابنیه، پویان بتن سامان، عمران ابنیه اقدم، صنعت برتر زنجان، جهاد نصر زنجان برای دریافت قرارداد وارد سامانه شدند و متقاضیان این پروژه ها می توانند با تکمیل آورده قراردادهای خود را دریافت کنند.

جاودان فر اظهار کرد: این روند تا پایان ۳۱ فروردین ماه ادامه خواهد داشت و تلاش می کنیم تا آن زمان تمام پروژه های مسکن مهر پردیس پنج و هشت در سامانه ثبت و اسناد برای امضا آماده شود.

به هرحال مردم با امید فراوان اقدام به واریز آورده کرده و بعضا از طریق قرض و با مشکلات فراوان چشم امید به دولت به عنوان متولی اجرایی پروژه ها دارند و تنها با اینکه متولیان دولتی حرف زده و در عمل چیزی مشاهده نشود کاری از پیش نخواهد رفت.



ظرفیت پنهان اشتغال در قطب ذخایر معدنی؛ ۴۰ درصد معادن تعطیل است

ظرفیت‌های حوزه معدن کشور زمینه مناسبی برای سودآوری و اشتغال‌زایی است که از دید مسئولان و سرمایه‌گذاران پنهان مانده تا جایی که در همدان به عنوان قطب ذخایر معدنی حدود ۴۰ درصد معادن تعطیل است.



پروین قادری
دانشمند

ایران از نظر ذخایر معدنی، از مهم‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شود به طوری که رتبه‌بندی کشورمان از این منظر حائز اهمیت بوده و این ظرفیت نشان‌دهنده پتانسیل بالای تولید و اشتغال است.

ایران در بین ۱۰ کشور اول جهان از نظر منابع و تنوع مواد معدنی قرار دارد؛ بر همین اساس، کشور ما از این موهبت الهی سرشار است؛ آن قدر که می‌توان به جایگزینی معدن به جای نفت فکر کرد و اینکه بار اصلی و اساسی اقتصاد را از روی دوش «طلای سیاه» به دوش معدن انداخت تا این بخش هم سهمش را در توسعه اقتصادی کشور ایفا کند.

ظرفیت‌ها در این بخش به گونه‌ای است که علاوه بر سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه رهبر معظم انقلاب در سخنان خود در ابتدای سال جاری ظرفیت‌های این بخش را مورد اشاره قرار دادند تا مسئولان امر در وزارت صنعت، معدن و تجارت تأکید کنند که دولت خود را موظف و مسئول می‌داند تا ضمن توجه به نگرانی‌های مقام معظم رهبری درباره بخش معدن با تمام توان در راستای اقدامات اساسی برای توسعه معادن کشور در سال اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال گام بردارد.

«امروز مشکلات ما در زمینه بخشی از شاخص‌ها، مشکلات زیادی است. بعضی از شاخص‌ها خوب است؛ فرض بفرمایید که شاخص تورم کاهش نشان می‌دهد که این خوب است، اما شاخص بیکاری افزایش نشان می‌دهد یعنی بیکاری بیشتر شده است. این‌ها آمارهای رسمی خود مسئولین است. یا رشد اقتصادی، مثبت نشان می‌دهد اما رشد سرمایه‌گذاری، منفی است؛ که این یکی از عیوب اساسی و بزرگ است. یا مثلاً در بعضی از بخش‌ها - مثل بخش نفت - پیشرفت داریم، [اما] در بعضی از بخش‌های دیگر - مثل بخش معدن، مثل مسکن - عقب‌رفت داریم. یعنی آمارهای رسمی انسان را قانع نمی‌کند به اینکه حرکت عمومی به سمت رفع مشکلات اقتصادی است.» این بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع زائران و



استعدادهای حوزه معدن در استان همدان به عنوان یکی از استان‌های مستعد در این زمینه می‌پردازیم، جایی که ۴۰ درصد معادن آن تعطیل شده است.

در استان همدان ۲۷۲ معدن وجود دارد و معادن سیلیس، فلدسپات، معادن غنی لاشه آهکی، سنگ آهن، پگماتیت، میکا، آندالوزیت، گارنت، انواع گرانیت‌ها، پوزولان، سیلیس، پوکه معدنی، دولومیت، تراورتن و تالک، شن و ماسه و لاشه ساختمانی سبب شده تا همدان را یک استان معدن خیز بدانیم.

بر اساس اطلاعات به دست آمده تاکنون ۲۸ نوع ماده معدنی در استان همدان شناسایی شده است که کشف معادن آندولوزیت و یاقوت ابی از مواردی است که استان همدان را در سرمایه‌گذاری در این بخش مستعد نشان می‌دهد.

● شاهد پیشرفت چشمگیری در حوزه معدن استان همدان نیستیم

متأسفانه با وجود این معادن هنوز شاهد پیشرفت چشمگیری در حوزه معدن در استان همدان نیستیم که این موضوع نشان از وجود مشکلاتی در این بخش دارد.

کارشناس امور اقتصادی استان همدان در این خصوص با اشاره به اینکه حدود ۴ درصد کل معادن کشور در استان همدان قرار دارد در صورتی که سهم اشتغال‌زایی این معادن کمتر از حد انتظار است، گفت: این امر نشان‌دهنده غیرفعال بودن برخی معادن این استان است.

رضا تشکری بابیان اینکه شاید حمایت نکردن دولت از معدن داران در غیرفعال شدن معادن بی‌تأثیر نبوده است، گفت: حوزه معدن استان همدان زمینه‌ای مناسب برای سودآوری و اشتغال‌زایی است که از دید سرمایه‌گذاران پنهان مانده است.

وی بابیان اینکه مسئولان امر باید با توجه بیشتر به این بخش زمینه‌های سرمایه‌گذاری را در آن ایجاد کنند، به لزوم ورود بخش خصوصی در مراحل مختلف بخش صنعت و معدن از جمله بخش اکتشاف اشاره کرد و گفت: اگر استان همدان در صد توسعه همه‌جانبه است باید شرایط و زمینه‌های جذب سرمایه‌گذار را در استان فراهم کند.

تشکری بابیان اینکه به هر میزان که اکتشاف معادن به خوبی انجام شود به همان میزان نیز بهره‌وری از معادن مطلوب خواهد بود، گفت: بهره‌برداری درست و فناوری در حوزه اکتشاف چه با تأمین منابع مالی و چه با ایجاد

مجاوران حرم مطهر رضوی در ابتدای سال جاری است، تا ضرورت توجه به بخش معدن توسط متولیان بیش از پیش مورد تأکید قرار گیرد.

اما عدم شکوفایی متناسب استعدادهای این بخش را باید در عوامل مختلف جستجو کرد، موضوعی که عضو هیئت‌رئیسۀ اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران این گونه به آن اشاره می‌کند: مسئله‌ای که در حال حاضر در بخش معدن از اهمیت بسزایی برخوردار است، بحث «برنامهریزی» است، در مورد معدن نمی‌توان کلی‌گویی کرد یا با اتکا به برنامه‌های بلندمدت از این گفت که معدن به سهمی که شایسته آن است در اقتصاد ایران می‌رسد. مسئولان باید برای استفاده حداکثری از ظرفیت‌های بخش معدن در ایران با اتکای به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت پیش بروند و تنها با اتکا به یک برنامه جامع و روشن است که معدن بالنده می‌شود. در حالی جعفر سرقینی معاون وزیر وعده کرده است که در برنامه ششم توسعه سهم بخش معدن در اقتصاد ملی افزایش یابد که به نظر می‌رسد تحقق این امر نیازمند برنامه‌ریزی عملیاتی و دوری از کلی‌گویی و اقدامات بخشنامه‌ای است.

در این گزارش به بخشی از مشکلات پیش روی شکوفایی



مابقی نیمه تعطیل است.

● در استان همدان پتانسیل سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف معدنی وجود دارد

خاکی با اشاره به اینکه در استان همدان پتانسیل سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف معدنی وجود دارد، عنوان کرد: در شرایط کنونی مواد معدنی غیرفلزی که در صنایع کاربرد دارند، قابلیت سرمایه‌گذاری خوبی دارند. وی عنوان کرد: ۲۰ درصد معادن استان غیرفلزی است به‌طوری‌که ۶۳ معادن فلزی و غیرفلزی در استان وجود دارد. معاون معدن سازمان صنعت، معدن و تجارت استان همدان اضافه کرد: ۱۶۰ معدن مصالح ساختمانی و ۵۳ معدن سنگ‌های تزئینی در استان وجود دارد که ارتباط مستقیمی با بخش مسکن دارند و به علت رکود این بخش تعطیل شده‌اند.

خاکی عنوان کرد: ۱۲۵ واحد معدنی شن و ماسه در استان همدان وجود دارد که فعالیت آن‌ها بر اساس تقاضای بازار و فصلی است.

وی بایان اینکه پس از یک سال از تعطیلی معدن پروانه معدن نیز باطل می‌شود که معدن‌داران برای جلوگیری از این امر یک دوره باز فعالیت خواهند داشت، گفت: چرخش و رونق بخشی ساختمان ۸۰ درصد واحدهای معدنی استان همدان را فعال می‌کند چراکه تأمین مصالح واحدهای پایین‌دستی می‌تواند رونق این بخش را به همراه داشته باشد.

وی بایان اینکه در استان همدان ۲۰ نوع ماده معدنی از ۷۰ ماده معدنی موجود در کشور اکتشاف شده است، اظهار داشت: سالانه ۶ تا ۷ میلیون تن استخراج مواد معدنی در استان همدان انجام می‌شود.

خاکی با اشاره به اینکه شروع عملیات اکتشاف و سرمایه‌گذاری در بخش معدن می‌تواند اشتغال و ارزش افزوده مناسبی برای استان به دنبال داشته باشد، بیان کرد: در مواد معدنی غیرفلزی معادن شاخصی همچون فلدسپات، سیلیس و دولومیت در استان همدان وجود دارد و همدان به‌عنوان یکی از قطب‌های تأمین سیلیس کشور محسوب می‌شود که نیاز بسیاری از کارخانه‌های مصرف‌کننده را تأمین می‌کنند.

وی عنوان کرد: افزایش صنایع تبدیلی در استان همدان به‌طور حتم در احیای معادن غیرفعال مؤثر خواهد بود. بررسی وضعیت صنعتی و معدنی استان همدان نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در حوزه معدن همدان رضایت‌بخش نیست درحالی‌که همدان به دلیل داشتن ۲۸ نوع ماده می‌تواند به‌عنوان استان معدنی در کشور مطرح باشد.

از سوی دیگر آنچه مسلم است اینکه استعدادهای معدنی همدان به‌درستی معرفی نشده و حتی میزان سرمایه‌گذاری در حوزه معدن همدان قابل توجه و رضایت‌بخش نیست و این مشکلات سبب شده تا سرمایه‌گذاران در این زمینه ورود پیدا نکرده و سرمایه‌گذاران موجود نیز از سرمایه‌گذاری در بخش معدن پشیمان شوند.

است، عنوان کرد: یکی از بهترین فرصت‌هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته نیروی انسانی تشنه کار است.

رئیس سازمان نظام‌مهندسی معدن استان همدان نیز از صدور پروانه بهره‌برداری برای ۲۸۵ معدن در همدان خبر داد و گفت: مشکلات منابع طبیعی گریبان گیر بهره‌برداران معدنی شده است.

محمد بشیر یوسفی دی‌ماه گذشته در همایش فعالان معدن استان همدان اظهار داشت: همدان با قرارگیری در مسیر فلز زایی سهندج-سیرجان بزرگ‌ترین ذخایر سیلیس آذرین و فلدسپات کشور را به خود اختصاص داده است.

وی با اعلام اینکه برای ۲۸۵ معدن در استان همدان پروانه بهره‌برداری صادر شده است، افزود: در حال حاضر ۲۲ ماده معدنی در استان همدان شناسایی شده و ذخایر معدنی همدان ۱۷ میلیارد تن است.

یوسفی بایان اینکه همدان ۲۸۳ درصد از ذخایر معدنی کشور را به خود اختصاص داده است، عنوان کرد: فعالیت‌های معدنی در استان همدان ضریب بالای اشتغال‌زایی دارد که این امر ایجاد می‌کند مسئولان توجه بیشتری به این بخش داشته باشند.

یوسفی اظهار داشت: نظام‌مهندسی معدن پل ارتباط دانشگاه و صنعت است تا از این طریق وارد عرصه اشتغال‌زایی شود.

● استفاده از روش‌های سنتی هزینه معدنکاری را در همدان افزایش داده است

معاون معدن سازمان صنعت و معدن و تجارت استان همدان نیز بایان اینکه استفاده از روش‌های سنتی هزینه معدنکاری را در همدان افزایش داده است، گفت: نگرش مهندسی به فعالیت‌های معدنی اصلی ضروری است.

محمد خاکی با بیان اینکه اغلب معادن همدان به صورت سنتی و غیرنرمی بهره‌برداری می‌شود، گفت: حوزه معدن استان همدان تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد.

معاون معدن سازمان صنعت، معدن و تجارت استان همدان با اشاره به اینکه باید جو مناسبی از سوی مسئولان فنی و بهره‌برداران در فعالیت‌های معدنی استان همدان ایجاد شود، اظهار داشت: هزینه‌های بالای مراحل مختلف معدن کاری از جمله مشکلاتی است که باید با استفاده از روش‌های نوین استخراج و کنار گذاشتن روش سنتی این وضعیت را بهبود بخشید.

خاکی بایان اینکه معدن داران همدان از فناوری‌های نسل دوم استفاده می‌کنند و این در حالی است که در دنیا از فناوری‌های نسل چهارم استفاده می‌شود، افزود: انتظار می‌رود معدن کاران استان همدان در راستای بهینه‌سازی عملیات در راستای کاهش هزینه‌های عملیاتی گام بردارند. معاون معدن سازمان صنعت، معدن و تجارت استان همدان با تأکید بر اینکه در استان همدان ۲۷۲ معدن وجود دارد، اظهار داشت: در حال حاضر به علت مشکلات و رکود موجود در بازار ۴۰ درصد از معادن استان همدان تعطیل و

شرایط برای افراد متخصص، موجب رشد حوزه معدنی استان خواهد شد.

وی بیان کرد: در حال حاضر ۹۷۷ واحد صنعتی فعال در استان وجود دارد که در حوزه‌های تولید کانی‌های فلزی و غیرفلزی، چرم، سفال، سرامیک و غیره محصولات را تولید می‌کنند. تشکری با اظهار تأسف از اینکه ما نتوانسته‌ایم از ظرفیت ذخایر معدنی استان درست استفاده کنیم، گفت: بیش از یک میلیارد تن از ذخایر معدنی را در اختیار داشته و در کشور نیز رتبه هشتم را داریم.

وی عنوان کرد: با فعال کردن ظرفیت معادن در همدان می‌توانیم افراد بسیاری را در حوزه‌های متفاوت مشغول به کار کنیم که برای این کار باید از تمامی ظرفیت استان در این بخش بهره ببریم.

رئیس خانه معدن همدان از تعطیلی ۱۳۰ تا ۱۴۰ واحد معدنی همدان خبر داد و گفت: خام‌فروشی بالای جان معادن همدان شده و باید با جذب سرمایه‌گذار نسبت به فرآوری محصولات اقدام کرد.

● بخش معدن از زنجیره‌های اقتصادی کشور است

رحیم مرتضایی بایان اینکه بخش معدن از زنجیره‌های اقتصادی کشور است، عنوان کرد: حدود ۲۸۰ واحد معدنی در استان همدان دارای پروانه بهره‌برداری هستند که از این تعداد تنها ۱۴۰ واحد فعال بوده و مابقی تعطیل هستند. وی با تأکید بر اینکه معادن تأمین‌کننده ماده اولیه صنایع معدنی هستند و زمانی که این صنایع در زمینه بازار فروش و تأمین نقدینگی دچار مشکل می‌شوند خرید مواد اولیه با رکود مواجه شده و مشکلات واحدهای معدنی نیز افزایش می‌یابد، گفت: تحقق سرمایه‌گذاری خارجی در بخش معدن نجات‌دهنده خواهد بود.

مرتضایی بایان اینکه خام‌فروشی بالای جان معادن استان همدان شده و علت آن عدم سرمایه‌گذاری در صنایع معدنی است، عنوان کرد: جذب سرمایه‌گذاری در زمینه فرآوری بخش معدن افزایش اشتغال و ارزش افزوده در این بخش را به همراه خواهد داشت.

● ۴۵ درصد صنایع استان همدان معدنی هستند

مرتضایی بایان اینکه ۴۵ درصد صنایع استان همدان معدنی هستند، گفت: برخی مواد معدنی همچون سیلیس و فلدسپات حجم کمتری نسبت به سایر سنگ‌ها دارند ولی تأثیر بالایی در اقتصاد می‌گذارند.

رئیس خانه معدن استان همدان بایان اینکه استان همدان با قرار گرفتن در مسیر ایالت فلزایی سهندج-سیرجان، یکی از مستعدترین مناطق از نظر کانی‌های فلزی است، عنوان کرد: استان همدان با داشتن بزرگ‌ترین ذخایر سیلیس آذرین و فلدسپات به‌عنوان قطب اصلی این کانی‌ها در کشور مطرح است.

وی بایان اینکه ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم از جمله مزایای راه‌اندازی مجدد معادن تعطیل شده استان همدان



شاهراهی که چشم به راه توجه دولت است؛ در جستجوی مسیر مناسب به اروپا



آذربایجان غربی به دلیل هم‌مرز بودن با سه کشور به‌عنوان شاهراه ارتباطی ایران به اروپا شناخته می‌شود اما نبود زیرساخت‌های مناسب جاده‌ای پاشنه آشیل شکوفایی ظرفیت‌ها در این بخش شده است.



سکینه اسمی

موقعیت جغرافیایی ویژه آذربایجان غربی دسترسی آسان کشورمان به بازارهای جهانی را فراهم کرده است به‌طوری‌که جاده و ریل‌های ارتباط با اروپا و به‌ویژه مبادی اصلی ورود و خروج کالا و مسافر از کشور به اروپا و برعکس در آذربایجان غربی قرار دارد.

اما متأسفانه طرح‌های توسعه‌ای در زمینه زیرساخت‌های راه‌نه‌ت‌ها با کندی در حال اجرا بوده بلکه قدمت برخی از طرح‌های مهم به چندین سال می‌رسد، راه‌های موجود نیز از شرایط و وضعیت نامطلوبی برخوردارند.

وجود پیچ‌های تند و خطرناک، نبود علائم مناسب راهنمایی و رانندگی، در کنار چاله‌های متعدد موجب شده راه‌های استان به‌خصوص راه‌های شهرهای مرزی استان به‌جای یک ظرفیت برای توسعه اقتصادی و گردشگری به معضلی اساسی تبدیل شوند.

بی‌توجهی برخی مسئولان به‌ضرورت توسعه راه‌های استان و نیز اتمام طرح‌های نیمه‌تمام این حوزه از سال‌های گذشته تاکنون نه‌تنها موجب عقب‌ماندگی در اقتصاد استان می‌شود بلکه سبب مشکلات فراوانی برای شهروندان از جمله سلب آسایش، تصادفات و ... هم می‌شود.

نبود بزرگراه و آزادراه مناسب در این استان که رفع آن همواره از مطالبات جدی مردم منطقه به شمار می‌رود موجب شده شکوفایی ظرفیت‌های استان در بخش‌های مختلف از جمله گردشگری، تجارت و اقتصاد دچار مشکلات اساسی شود.

اقدامات مسکن وار و مقطعی از جمله لکه‌گیری و چاله پرکنی راه‌های مواصلاتی و مرزی در استان تاکنون نتوانسته جوابگوی مطالبات مردمی در این بخش باشد چراکه به دلیل شرایط آب و هوایی سرد استان مرمت و نگهداری راه‌ها در استان نیازمند اقدامات اساسی است.

● وعده استاندار برای سال ۹۶

استاندار آذربایجان غربی در ماه‌های پایانی سال ۹۵ در جمع مدیران و کارکنان گمرکات آذربایجان غربی در این زمینه

و طراحی پایانه مرزی آن انجام شده است و با حل برخی مشکلات مرزی با ترکیه کارهای جدیدی در این مرز آغاز خواهد شد.

استاندار آذربایجان غربی در خصوص مرز سرو در ارومیه نیز گفت: سال ۹۶ برای تکمیل جاده ارومیه- سرو اعتبار مناسبی اختصاص یافته است و در صورت تصویب منطقه ویژه اقتصادی در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، در این منطقه به‌ویژه شهر سرو دگرگونی اقتصادی قابل توجهی به وجود خواهد آمد.

سعادت در مورد مرز ترمچین در پیرانشهر نیز گفت: دولت برای تکمیل جاده نقده به پیرانشهر و پیرانشهر به ترمچین در سال ۹۶ ردیف بودجه اختصاص داده است و در حال انتخاب پیمانکار واجد شرایط هستیم.

● جاده‌های ترانزیتی آذربایجان غربی ساماندهی می‌شود

معاون راهداری اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان غربی نیز در خصوص وضعیت جاده‌های مرزی آذربایجان غربی گفت: استان به دلیل دارا بودن پنج پایانه مرزی، قرار گرفتن در کریدور شرق به غرب و نیز واقع شدن جاده ابریشم سرشاخه مهم و شاهراه ارتباطی ایران به اروپا به شمار می‌رود.

ارسلان شکاری با بیان اینکه هم‌اکنون جاده‌های مرزی استان در دست احداث، تعریض، تعمیر و بازسازی است عنوان کرد: در حال حاضر با توجه به ترافیک، تعریض و ارتقای جاده‌ها به‌خصوص جاده‌های ترانزیتی و مرزی در اولویت قرار دارند. وی ادامه داد: در حال حاضر طرح‌های مهمی از جمله کریدور شمالی ۱۰ بندر امام خمینی (ره) که به بازرگان ختم می‌شود، محور تبریز- مرند- بازرگان در دست پیمانکار بوده و نیز احداث چهار تقاطع در جاده مرزی خوی- قطور در دست اجرا هستند.

معاون راهداری اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان غربی با بیان اینکه هم‌اکنون وضعیت تمامی جاده‌های مرزی و ترانزیتی استان در شرایط مطلوبی قرار دارد، گفت: هر چند برای رسیدن به استانداردها نیازمند اقدامات اساسی و زیادی هستیم.

گفت: با نگاه ویژه دولت، سال ۹۶ سال مهمی برای تکمیل راه‌های مرزی آذربایجان غربی است و در سه جاده مهم استان فصل جدیدی از ساخت‌وساز آغاز خواهد شد. قربانعلی سعادت افزود: از ابتدای کار دولت یازدهم سه محور مرزی سرو، رازی و ترمچین را جاده‌های اقتصادی آذربایجان غربی نام‌گذاری کردیم و پس از انجام بخشی از امور با شیوه مدیریت بدون پول، سال ۹۵ با حمایت‌های رئیس سازمان برنامه‌بودجه ردیف و اعتبار لازم برای تکمیل این سه جاده تخصیص یافته است و در سال آینده فصل جدیدی از ساخت‌وساز در این محورها را شاهد خواهیم بود.

وی با اشاره به اینکه مرزها فرصت مناسبی برای توسعه آذربایجان غربی محسوب می‌شوند، افزود: تکمیل زیرساخت‌های مرز رازی خوی به دلیل استقبال مردم از اولویت‌های ماست و علاوه بر اختصاص بودجه مناسب برای تکمیل راه دسترسی این مرز، کارهای لازم برای تملک زمین





● امسال روکش ۱۵۰ کیلومتر راه شریانی آذربایجان غربی اجرایی می‌شود

شکری از وجود ۱۳۰۰ کیلومتر راه شریانی و ترانزیتی در استان خبر داد و گفت: امسال شعار راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان ایمنی است و در این راستا روکش ۱۵۰ کیلومتر از راه‌های شریانی استان اجرایی می‌شود.

معاون راهداری اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان غربی با تأکید بر اینکه اقدامات کلی در خصوص ساماندهی جاده‌های ترانزیتی و مرزی استان تابع اعتبارات موردنیاز است، افزود: با توجه به منابع، اعتبارات و امکانات موجود راهداری فوری و اضطراری از قبیل لکه‌گیری، چاله پرکنی، حریم زنی، ساماندهی حفاظ‌ها و... در حال اجراست. وی ادامه داد: اما روکش‌های اساسی، اصلاح، احداث و تعمیر و نگهداری راه‌های استان نیازمند اعتبارات ویژه است که هنوز ابلاغ نشده و در صورت ابلاغ برابر موافقت‌نامه‌ها اقدامات لازم صورت خواهد گرفت.

شکری با تأیید بر اینکه احداث بسیاری از راه‌ها و جاده‌های استان به‌خصوص جاده‌های مرزی متعلق به بیش از یک سده گذشته است عنوان کرد: این راه‌ها طی سال‌های گذشته به‌تناسب ترافیک و اعتبار تعریض و اصلاح شده‌اند اما اقدامات اساسی در این زمینه اعتبارات کلانی نیاز دارد. معاون راهداری اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان غربی گفت: به دلیل نمک‌پاشی و برف‌روبی برخی جاده‌های استان آسیب‌دیده‌اند به‌محض شرایط آب و هوایی مساعد و تخصیص اعتبارات مناسب اقدام به ساماندهی و مناسب‌سازی خواهیم کرد.

● جاده‌های آذربایجان غربی از شرایط مطلوبی برخوردار نیستند

نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی نیز در خصوص آخرین وضعیت راه‌های استان به‌خصوص جاده‌های مرزی گفت: استان به دلیل هم‌مرزی با سه کشور دارای راه‌ها و جاده‌های متعدد از جمله جاده‌های مرزی، جاده‌های منتهی به مرزها و نیز کل جاده‌های استان است.

هادی بهادری با بیان اینکه جاده‌های مرزی استان شامل ارومیه - سرو، ترمچین - پیرانشهر، جاده ترانزیتی ماکو - بازرگان و خوی - رازی است افزود: تمامی راه‌ها و جاده‌های مرزی این مناطق در دست پیمانکار بوده و در حال تعریض، احداث، مناسب‌سازی و... است هر چند روند برخی از جاده‌ها به دلیل اعتبارات محدود کند بوده ولی پیش‌بینی می‌شود.

وی ادامه داد: برخی راه‌ها و جاده‌های مرزی که از دل کوه‌ها عبور می‌کند نیز به دلیل مسائل امنیتی و سیاسی توسط نیروهای نظامی و انتظامی مدیریت می‌شوند که در شرایط بسیار مطلوبی قرار دارند.

بهادری خاطر نشان کرد: اما در حالت کلی بخواهیم جاده‌های آذربایجان غربی را ارزیابی کنیم هم‌اکنون راه‌های استان از شرایط مطلوب و استاندارد برخوردار نبوده و نیازمند توجه و ساماندهی اساسی هستند.

هرچند معاون راهداری اداره کل حمل‌ونقل و راهداری آذربایجان غربی به همراه بهادری نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی معتقد هستند جاده‌های مرزی آذربایجان غربی از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده و در شرایط مناسبی قرار دارند اما نماینده مردم ماکو، چالدران، شوط و پلدشت در مجلس شورای اسلامی طی گفتگو با یکی از خبرگزاری‌های استان از وضعیت نامناسب راه‌های مرزی به شدت گلایه‌منداست.

● جاده‌های نامناسب مرزی آذربایجان غربی مانع اصلی توسعه تجارت بین‌المللی

نماینده مردم ماکو، چالدران، شوط و پلدشت در مجلس شورای اسلامی معتقد است: فقدان راه‌های مناسب در آذربایجان غربی و اتکا به جاده‌های بی‌کیفیت و ناامن کنونی مانع از ایجاد شتاب در توسعه تجارت بین‌المللی در منطقه آزاد ماکو است.

عین‌الله شریف‌پور با تأکید بر اینکه مشکلات در حوزه راه‌سازی شهرهای منطقه آزاد ماکو و نیز چالدران سبب شده است که این شهرها از توسعه در دیگر حوزه‌ها عقب‌مانده‌اند اظهار داشت: چالدران شهری مرزی دارای اقلیم سرد بوده و متأسفانه از نظر تأمین زیرساخت‌ها از جمله راه که مهم‌ترین زیرساخت‌ها به شمار می‌رود در میان ۱۷ شهرستان

آذربایجان غربی در ردیف آخر واقع شده است. وی با بیان اینکه راه‌های روستایی چالدران کاملاً شوسه است، گفت: وضعیت شهرستان پلدشت از نظر راه و جاده‌های مواصلاتی اسفبار است.

وی ادامه داد: از پلدشت به زنگنه که یک جاده مرزی محسوب می‌شود هیچ‌گونه استاندارد وجود ندارد و به سبب پیچ‌های خطرناک و نبود علائم راهنمایی و رانندگی همواره شاهد حوادث ناگوار و از دست رفتن هم‌وطنانمان در این نقطه از ایران هستیم.

شریف‌پور، وضعیت جاده‌های قره‌ضیاءالدین به شهرک ارس و ارس به پلدشت را نیز نامناسب خواند و گفت: جاده‌های این شهرستان‌ها مربوط به قبل از انقلاب است و از وضعیت نابسامانی برخوردار هستند.

نماینده مردم ماکو، چالدران، شوط و پلدشت در مجلس شورای اسلامی از مسئولان دولت خواست تا با توجه به مناطق محروم کشور به‌ویژه شهرهای مرزی، زیرساخت‌هایی از قبیل راه را فراهم و زمینه توسعه را در آن‌ها افزایش دهد.

به‌هرروی محورهای مواصلاتی به‌عنوان یک زیرساخت مهم و اساسی در توسعه همه‌جانبه آذربایجان غربی به‌عنوان تنها استان هم‌مرز با سه کشور خارجی در حال حاضر در شرایط استاندارد و مناسبی قرار ندارد، باید دید دولت یازدهم که پیش‌ازین وعده‌های زیادی در این زمینه داده در ماه‌های پایانی عمرش با تخصیص و تحقق اعتبارات موردنیاز گام اساسی برای رفع این مشکل در منطقه برمی‌دارد یا خیر!



طیاره‌ها خسته؛ مسافران درمانده/ قامت فرودگاه یزد خم شد



تاخیر در پروازها و حرکت قطارها در مرکز جغرافیایی ایران به معضلی در عرصه حمل و نقل تبدیل شده تا جایی که فرودگاه بین‌المللی یزد هم در برابر آن راهی برای دفاع ندارد.



نیره شفیعی پور

یزد از استان‌هایی است که نه تنها به واسطه قرار گرفتن در مرکز جغرافیایی ایران، محل عبور و مرور بسیاری از قطارها است، بلکه به دلیل گردشگری این شهر، مسافران بسیاری از طریق خطوط هوایی و ریلی به این استان سفر می‌کنند.

جمعیت پرشمار دانشجویی، رفت و آمدهای جامعه پزشکی به ویژه بین یزد و تهران به دلیل قطب بودن یزد در زمینه درمان بسیاری از بیماری‌ها و اقبال بیمارستان‌های تهران برای استفاده از دانش پزشکان یزدی، گردشگران داخلی و خارجی و ... همه و همه سبب افزایش تردد قطارها و هواپیماها در استان یزد است.

● حمل و نقل مانع جدی توسعه گردشگری در یزد

مشکل از آنجا آغاز می‌شود که حمل و نقل به عنوان اصلی‌ترین زیرساخت گردشگری چه در حوزه سیاحت و چه در حوزه علمی و سلامت و پزشکی، در یزد با نواقص جدی روبرو است، نواقصی که شاید دست مسئولان استانی نیز برای رفع آن کوتاه باشد.

تاخیرهای چندین ساعته در پروازها و حرکت قطارها از یک‌سو، کیفیت نامطلوب خدمات از سوی دیگر مردم یزد و مسافران این دیار را سخت آزرده کرده است.

تقریباً ۹۰ درصد پروازهای یزد با تاخیر مواجه است و در مواقعی تاخیرهای طولانی و بیش از حد سبب لغو پروازها نیز شده و این موضوع حتی در پروازهای خارجی که به مقصد عراق انجام می‌شود نیز مشاهده شده است.

گرچه مسئولان استان نیز خود بارها از این تاخیرها متضرر شده‌اند و خود نیز در مواقعی جزو مسافران هواپیماها و قطارهایی هستند که علاوه بر تاخیر، خدمات نامطلوب نیز دارند، اما ظاهراً پیگیری‌های آنها نیز به نتیجه نرسیده و این موضوع به یک معضل ملی در همه استان‌های کشور تبدیل شده است.

اما پاسخ معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار یزد به مسئله تاخیر در پروازها جالب بود.

سیدمحمدرضا سیدحسینی در نشست خبری که برگزار کرده بود پاسخ خبرنگار مهر در مورد علت اصلی تاخیرها را اینگونه داد: تحریم به دلیل قدیمی بودن ناوگان حمل و نقل هوایی و حتی ریلی، اثرگذار بوده و عملاً کاری نمی‌توانیم انجام دهیم و مردم باید بردبار باشند.

● تاخیرها به خاطر فرسودگی ناوگان حمل و نقل هوایی و ریلی است

وی در بخش دیگری از این گفتگو اظهار داشت: ناوگان هوایی به شدت کهنه و فرسوده است و باید نوسازی شود. سیدحسینی بیان کرد: وقتی هواپیما کهنه و فرسوده باشد، نخستین پرواز یک روز که با اندکی تاخیر مواجه شود، همه پروازها تا شب تاخیر خواهد داشت.

وی تصریح کرد: به شرکت‌های هواپیمایی نیز نمی‌توانیم فشار زیادی وارد کنیم زیرا اگر اعتراض‌ها بیش از حد و فشارها بسیار باشد، خطوط پروازی خود را جمع‌آوری می‌کنند و اتفاقاً برخی از آنها از این موضوع بسیار استقبال

کلافه در پی چاره‌جویی هستند، مناسب نیست.

● جای خالی تکریم مسافران در راه آهن و فرودگاه

تکریمی که بارها و بارها از آن دم زده شده، در این فضاها حداقلی است تا جایی که امام جمعه یزد نیز در یکی از سخنرانی‌های خود همچنین در دیدار با مدیرکل فرودگاه یزد و جمعی از کارکنان این مرکز بر لزوم تکریم مردم و احترام به حقوق آنها تأکید کرد.

گرچه مدیران فرودگاه و راه آهن یزد هر دو بر این نکته تأکید دارند و تکریم ارباب رجوع را از ضرورت‌های اصلی دانسته و در گزارش‌های خود به رسانه‌ها این امر را پررنگ مطرح می‌کنند اما واقعیت این است که کارکنان این مراکز برخورد‌های شایسته‌ای با مردم ندارند و این امر ناراحتی و نارضایتی مردم را تشدید می‌کند.

شاید اگر نحوه برقراری ارتباط با مسافران حتی مسافران عصبانی از تاخیرها روانشناسی شده‌تر و با صبر و شکیبایی و احترام بیشتری همراه باشد، آنگاه نارضایتی مردم از تاخیرها تا این اندازه آنها را به قول معروف از کوره به در نکند.

● رغبت مردم به استفاده از وسایل نقلیه شخصی برای سفر

ارائه خدمات مناسب و در شأن مردم نیز خود نوعی تکریم ارباب رجوع است که متأسفانه در شرایط مطلوبی قرار ندارد.

تاخیر در حرکت هواپیماها، قطارها و حتی اتوبوس‌ها، خدمات نامطلوب، هزینه‌های بالای بلیط، برخورد ناشایست برخی کارکنان و ... مردم را دوباره به سمت استفاده از خودروهای شخصی سوق داده و اغلب آنها به ویژه افرادی که خانوادگی سفر می‌کنند، ترجیح می‌دهند از خودروهای شخصی استفاده کنند زیرا هم هزینه آن مناسب‌تر تمام می‌شود و هم درگیری‌های فکری و لفظی و استرس و نگرانی کمتری را متحمل می‌شوند.

در شرایطی که قرار است استان یزد در زمینه گردشگری توسعه جدی‌تری پیدا کند، امید می‌رود اصلی‌ترین زیرساخت گردشگری که همان بحث حمل و نقل است با جدیت بیشتری مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

می‌کنند زیرا با کمبود ناوگان مواجه هستند و می‌توانند خطوط خود را در مسیرهای پرترددتری دایر کنند.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار یزد ادامه داد: بحث ایمنی هواپیماها نیز مطرح است و نمی‌توان هواپیمای دارای نقص فنی را وادار به پرواز به موقع کرد زیرا به هر حال جان تعداد زیادی مسافر در خطر است. به شرکت‌های هواپیمایی نیز نمی‌توانیم فشار زیادی وارد کنیم زیرا اگر اعتراض‌ها بیش از حد و فشارها بسیار باشد، خطوط پروازی خود را جمع‌آوری می‌کنند و اتفاقاً برخی از آنها از این موضوع بسیار استقبال می‌کنند زیرا با کمبود ناوگان مواجه هستند و می‌توانند خطوط خود را در مسیرهای پرترددتری دایر کنند.

وی در مورد خطوط ریلی نیز عنوان کرد: کل سیستم ریلی کشور تاخیر دارد و دلیل آن نیز جمع‌آوری سیستم سنتی قدیمی است.

سیدحسینی اظهار داشت: خطوط ریلی در کل کشور یک مسیر به یک طرفه بوده که این امر با افزایش تردد در خطوط ریلی مشکل‌ساز شده و اکنون بسیاری از خطوط در حال دو خطه شدن هستند.

وی افزود: آنچه مربوط به یزد است، دو خطه شدن خط ریلی بافق - زرین شهر است که اکنون پیشرفت فیزیکی ۷۰ درصدی دارد و با راه‌اندازی خط دوم، تاخیرها به حداقل می‌رسد.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار یزد در مورد خط ریلی یزد - اصفهان نیز بیان کرد: این خط نیز در حال بازسازی است و قطارها به اصفهان که می‌رسند ناچار به توقف هستند و معطلی قطارهای یزد به خاطر توقیفی است که در این نقطه انجام می‌شود.

اما صرف‌نظر از تاخیر پروازها و قطارها، خدمات ارائه شده به ویژه در خطوط ریلی مردم و مسافران را نارضایتی کرده به نحوی که به رغم افزایش چند برابر هزینه بلیط در طول دو سه سال اخیر، خدمات به شدت افت داشته و به قول برخی مسافران هر روز از سر و ته آن زده می‌شود.

برخورد کارکنان قطارها یا حتی مهمانداران هواپیما یا پرسنل فرودگاه با مردمی که ساعت‌ها وقت و هزینه آنها را راه آهن و فرودگاه تلف شده و هر یک با شرایط خاص خود،

۱۰۰ درصد پیشرفت فیزیکی برخوردار است، افزود: بر اساس اعلام مسئولان وزارت راه و شهرسازی ایستگاه نقده اردیبهشتماه با حضور رئیس جمهوری کشورمان باید به بهره‌برداری می‌رسید اما به دلیل پیشرفت فیزیکی بالایی ایستگاه ارومیه مقرر شد هر دو قسمت راه‌آهن به‌صورت هم‌زمان افتتاح شوند.

وی با بیان اینکه ایستگاه‌های راه‌آهن نقده و ارومیه هم‌زمان با هفته دولت به بهره‌برداری می‌رسد عنوان کرد: با بهره‌برداری از این دو ایستگاه راه‌آهن ارومیه - مراغه به‌طور کامل افتتاح‌شده و مردم می‌توانند از خدمات آن استفاده کنند.

نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی گفت: متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل کمبود اعتبارات شاهد کندی روند اجرای این طرح و محقق نشدن وعده‌ها در این خصوص بودیم که با تسریع در روند اجرا به‌زودی شاهد اتمام این طرح خواهیم بود.

بهداری با بیان اینکه اتمام این طرح یکی از خواسته‌های اصلی مردم و مسئولان منطقه است اظهار داشت: تأمین اعتبارات این طرح نیازمند پیگیری جدی مسئولان و نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی و نیز مدیران ذی‌ربط استانی است که در سال جاری این پیگیری‌ها باید با قوت بیشتری ادامه داشته باشد.

● ایستگاه نقده به دلیل هم‌زمانی با انتخابات به بهره‌برداری نرسید

اظهارات نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی در حالی صورت می‌گیرد که مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی می‌گوید هم‌زمانی وعده بهره‌برداری از ایستگاه نقده با انتخابات ریاست جمهوری مانع تحقق آن شده است.

داریوش نصر با بیان اینکه ایستگاه نقده به‌صورت کامل احداث و به اتمام رسیده است افزود: به دلیل هم‌زمانی با دوران انتخابات ریاست جمهوری مقرر این بهره‌برداری از این طرح به تعویق افتاده و هم‌زمان با ایستگاه ارومیه صورت گیرد.

وی با خودداری از ارائه آمار و ارقام در خصوص آخرین وضعیت ایستگاه ارومیه عنوان کرد: راه‌آهن ارومیه - مراغه به‌زودی با حضور مقامات کشوری به بهره‌برداری می‌رسد. مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی روند اجرای طرح راه‌آهن ارومیه - مراغه را مناسب ارزیابی کرد و گفت: این طرح ملی جزو پنج طرح اساسی کشور است که در قالب اقتصاد مقاومتی به‌سرعت در حال اجراست و بر اساس وعده‌ها قرار است تا پایان فعالیت دولت یازدهم به اتمام برسد.

نصر اضافه کرد: ایستگاه نقده به‌صورت کامل به اتمام رسیده ولی چون طرح ملی است باید با حضور مقامات کشوری به بهره‌برداری برسد در این راستا ایستگاه ارومیه که در مراحل پایانی است مقرر شده این دو طرح به‌صورت هم‌زمان به بهره‌برداری برسند.

اظهارات مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی در خصوص هم‌زمانی افتتاح پروژه با انتخابات و وعده‌های مقامات کشور این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که وقتی معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربنایی حمل‌ونقل کشور فروردین‌ماه امسال خبر از بهره‌برداری ایستگاه نقده را می‌داد نمی‌دانست اردیبهشتماه انتخابات ریاست جمهوری در پیش است؟

روزهای پایانی دولت یازدهم در پیش است، مردم این منطقه متأسفانه در طول ۱۶ سال روند اجرای طرح ملی راه‌آهن ارومیه - مراغه شاهد وعده‌های متعددی مبنی بر اتمام هر چه سریع‌تر این پروژه بودند اما دولت یازدهم هم نتوانست به وعده خود عمل کرده و قطار را به ارومیه بیاورد حال باید منتظر ماند و دید مردم ارومیه بالاخره صدای سوت قطار را در دولت دوازدهم خواهند شنید.



وعده‌های اردیبهشتی هم گل نداد؛ راه‌آهن ارومیه - مراغه ۱۶ ساله شد

ماهی را سپری نکرده‌اند که وعده‌ای بر اتمام راه‌آهن ارومیه - مراغه نداده باشند؛ وعده‌هایی که هیچ‌گاه رنگ واقعیت به خود نگرفتند.

● ضرب نفوذ شبکه ریلی آذربایجان غربی ناچیز است

حمل‌ونقل ارزان، ظرفیت‌های گسترده انتقال بار و مسافر و راحتی و سهولت در امر ارتباطات و امنیت در مسافرت‌های طولانی از بزرگ‌ترین مزایای خط آهن است ولی مردم آذربایجان غربی سال‌هاست از این نعمت محروم‌اند.

از آذربایجان غربی به دلیل هم‌مرز بودن با سه کشور ترکیه، عراق و جمهوری آذربایجان به‌عنوان شاهراه ارتباطی ایران به اروپا یاد می‌شود اما ارومیه با وجود ضرورت و اهمیت توسعه زیرساخت‌های راه و حمل‌ونقل محروم از شبکه ریلی است.

موقعیت جغرافیایی ویژه آذربایجان غربی دسترسی آسان کشورمان به بازارهای جهانی را فراهم کرده است به‌طوری‌که جاده و ریل‌های ارتباط با اروپا به‌ویژه مبادی اصلی ورود و خروج کالا و مسافر از کشور به اروپا و برعکس در آذربایجان غربی قرار دارد اما متأسفانه شاخص‌های توسعه‌ای حمل‌ونقل به‌ویژه ضرب نفوذ شبکه ریلی در این استان پایین است.

بی‌توجهی برخی مسئولان به‌ضرورت توسعه راه‌های استان به‌ویژه راه‌آهن مراغه - ارومیه و نیز اتمام طرح‌های نیمه‌تمام این حوزه از سال‌های گذشته تاکنون تنها موجب عقب‌ماندگی در اقتصاد استان شده بلکه سبب مشکلات فراوانی برای شهروندان از جمله سلب آسایش، تصادفات و ... نیز می‌شود.

● راه‌آهن ارومیه - مراغه هفته دولت امسال آماده بهره‌برداری می‌شود

نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی در خصوص دلایل تأخیر بهره‌برداری از راه‌آهن ارومیه - مراغه و به بهره‌برداری نرسیدن ایستگاه نقده در اردیبهشتماه امسال با وجود وعده‌های متعدد مسئولان کشوری گفت: در حال حاضر ایستگاه نقده به اتمام رسیده و آماده بهره‌برداری است. هادی بهادری با بیان اینکه این طرح هم‌اکنون از

اردیبهشت ۹۶ هراندازه برای دولت یازدهم روزهای خوبی را به همراه داشت اما برای طرح ملی راه‌آهن ارومیه - مراغه تکرار تلخ ماجرای یک خلف وعده ۱۶ ساله بود.



سکینه اسمی

پروژه راه‌آهن مراغه - ارومیه که از سال ۸۰ آغاز شده به طول ۱۸۵ کیلومتر و در پنج قطعه در دست اجراست ولی با گذشت ۱۶ سال فراز و فرود هنوز به سرانجام نرسیده است. راه‌آهن مراغه - ارومیه از جمله طرح‌های عمرانی آذربایجان غربی است که شهر ارومیه را به راه‌آهن سراسری وصل می‌کند. عملیات اجرایی این طرح از ۱۶ سال پیش آغاز شده و تاکنون قطعه اول آن از مراغه تا میان‌دوباب و قطعه دوم آن از میان‌دوباب به مهاباد به بهره‌برداری رسیده است.

این طرح که باید در سال ۸۸ به اتمام می‌رسید، با وجود وعده‌های متعدد مسئولان همچنان درگیر مشکلات اعتباری است. بر اساس اعلام مسئولان کشوری و استانی با تزریق اعتبارات جدید قرار بود ایستگاه نقده دهه فجر سال ۹۵ و ایستگاه ارومیه نیز بهار سال ۹۶ افتتاح شود اما عدم تحقق وعده نوبخت رئیس سازمان برنامه‌بودجه کشور مبنی بر افتتاح ایستگاه نقده موجب شد بار دیگر امیدهای مردم منطقه رنگ ببازد.

اما ماجرا به این وعده ختم نشده و فروردین‌ماه سال جاری در جریان سفر و بازدید معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربنایی حمل‌ونقل کشور از روند احداث ایستگاه نقده اعلام شد که ایستگاه راه‌آهن نقده طی اردیبهشتماه با حضور رئیس جمهوری افتتاح می‌شود.

رئیس جمهوری کشورمان اردیبهشت به آذربایجان غربی سفر کرد اما این سفر رنگ و بوی تبلیغات انتخاباتی داشت و خبری از عمل به وعده‌ها به‌خصوص افتتاح ایستگاه راه‌آهن نقده نبود هرچند مردم این دیار به خلف وعده‌های مسئولان در سال‌های اخیر عادت کرده‌اند.

خلف وعده‌های مربوط به اتمام این طرح ملی تنها منوط به سال جاری نیست بلکه دولت‌های نهم، دهم و یازدهم

بن بست «همت»؛ وعده‌ها پشت هم اتوبان شد!

البرز از روند اجرایی این پروژه بازدید کرده است، خاطرنشان کرد: پیمانکار این پروژه در حال حاضر مشغول عملیات اجرایی و تکمیل زیرسازی قطعه سوم این آزادراه شامل تونل‌ها است.

وی بایبان اینکه در این بازدید فعالیت نیروهای پیمانکار در جبهه‌های تونل از سه جهت مورد توجه قرار گرفت، گفت: در این مسیر دو تونل به طول ۵۰۰ متر وجود دارد که بیش از ۵۰ درصد حفاری تونل در بخش فوقانی اجرایی شده است.

معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری البرز بیان کرد: پیش از سفر رئیس‌جمهور و هیئت دولت به استان البرز طبق پیگیری‌های انجام‌شده بالغ بر ۲۵۰ میلیارد تومان اوراق مشارکت به این پروژه اختصاص یافت که ۶۰ میلیارد تومان در وجه پیمانکار کارسازی شد.

وی بایبان اینکه مقرر شد ۳۰ میلیارد تومان نقدینگی برای این پروژه تخصیص داده شود که تاکنون تنها ۱۵ میلیارد تومان برای تملک و اجرا در اختیار پیمانکار قرار گرفت، ادامه داد: برای تملک منطقه کلاک و شهرک المهدی علاوه بر ۳۰ میلیارد تومان یادشده به ۴۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است، خوشبختانه در بخش اوراق مشارکت با مشکل مواجه نیستیم.

ارتقای با تأکید بر اینکه پیمانکار از اوراق مشارکت به لحاظ چهارساله بودن استقبال نمی‌کند چراکه تبدیل به نقد این اوراق به‌صرفه نخواهد بود، یادآور شد: تأکید استاندار البرز به مجریان وزارت راه و مدیرکل راه استان بر این بود تا پیگیری‌های لازم مرتبط با بخش نقدینگی صورت پذیرد. وی بایبان اینکه امید است با انجام اقدامات یادشده قدری سرعت کار در این پروژه افزایش داده شود، اظهار کرد: بنا بوده در شش‌ماهه اول سال جاری این پروژه به بهره‌برداری برسد.

با توجه به مشکلات نقدینگی موجود و مالکان اراضی کلاک امکان اجرای پروژه فراهم نشد.

معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری البرز تأکید کرد: با توجه به مشکلات نقدینگی موجود و مالکان اراضی کلاک امکان اجرای پروژه فراهم نشد و این مهم سبب تأخیر در روند اجرایی پروژه ادامه بزرگراه همت در استان البرز گردیده است. ترافیک ورودی کرج هنگام غروب کاسه صبر هر شهروند و مسافری را لبریز می‌کند، مردم خسته از وعده‌ها در انتظار روزی هستند که این پروژه بهره‌برداری شود تا شاهد کاهش ترافیک باشند، شهروندان البرزی به‌ویژه کرجی دست به دعا برداشته‌اند تا همت عالی در مسئولان بجوشد و این پروژه به سرانجام برسد.



می‌شود، گفته بود: امید است تا اوایل سال آتی این امر محقق شود. وی همچنین گفته بود: با اجرای اتوبان همت به کرج که در سفر هیئت دولت به البرز حدود ۷۰ میلیارد تومان اعتبار برای تسریع این پروژه در نظر گرفته‌شده، می‌توان معضل اصلی ترافیک را کاهش داد.

رئیس‌جمهور نیز آبان ماه سال گذشته در حالی اتمام این پروژه را به اوایل سال جاری حواله داده است که هنوز خبری از افتتاح نیست.

بازخوانی سخنان محمدباقر نوبخت در مورد این پروژه یک حقیقت را آشکار می‌کند حقیقتی که برای البرز نشینان خوشایند نیست، از اسفندماه سال گذشته بیش از یک ماه می‌گذرد و خبری از افتتاح حتی یک باند این پروژه مخابره نشده است. رئیس‌جمهور نیز آبان ماه سال گذشته در حالی اتمام این پروژه را به اوایل سال جاری حواله داده است که هنوز خبری از افتتاح نیست. وی این روزها هم در گیر کارزار انتخابات است به‌طوری‌که تحقق این وعده در موعد مقرر کمی محال به نظر می‌رسد.

اما در ادامه شنیدن سخنان معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری البرز که آخرین وضعیت این پروژه را کرده است ضروری به نظر می‌رسد.

خسرو ارتقای با اعلام اینکه ادامه آزادراه همت در استان البرز به نام شهدای البرز نام‌گذاری شده است، اظهار کرد: این بزرگراه پروژه مهمی است که طبق ارزیابی‌های صورت گرفته در سال ۹۶ تکمیل و به بهره‌برداری می‌رسد.

وی بهره‌برداری این پروژه مهم را در کاهش ترافیک خودروهای عبوری از کرج به سمت استان‌های شمالی را مؤثر دانست و افزود: در آینده با تکمیل کمربند شمالی کرج ترافیک شرق به غرب را می‌توان به‌خوبی کنترل کرد و تحت پوشش قرار داد. ارتقای بایبان اینکه هفته گذشته استاندار

خبرنگاران گفته بود: اتوبان شهید همت تا نوروز باید تکمیل شود، تعهد مالی دولت در خصوص این پروژه کامل انجام می‌شود. نوبخت با تأکید بر اینکه تا نوروز سال ۹۶ بخشی قابل توجهی از مشکلات ترافیکی استان البرز برطرف می‌شود گفته بود: بخشی از حقوق شهروندی با اجرایی شدن پروژه‌های عمرانی محقق می‌شود.

معاون رئیس‌جمهور مهرماه سال گذشته از تخصیص ۵۰۰ میلیارد تومانی به این پروژه خبر داده و گفته بود: درصدد هستیم بخش موردنظر پروژه همت تا پانزدهم اسفندماه سال ۹۵ آماده بهره‌برداری شود.

معاون رئیس‌جمهور به گشایش حاصل‌شده در بخش مالی اشاره کرد و گفته بود: انتظار داریم حتی با بهره‌برداری یک باند، مردم بتوانند در نوروز (۹۶) از این جاده استفاده کنند.

نوبخت با اشاره به اینکه همه ما هدف مشترکی را دنبال می‌کنیم گفته بود: سهولت رفت‌وآمد مسافران از مهم‌ترین مسائلی است که باید موردتوجه قرار گیرد چراکه مسئله جان مردم در میان است و ترافیک و خستگی ناشی از آن و تصادف در ادامه مسیر را به دنبال دارد.

اما در ادامه باید به سفر هیئت دولت به استان البرز اشاره کنیم، این سفر بیست و ششم آبان ماه سال گذشته انجام شد، حجت‌الاسلام حسن روحانی در نشست خبری خود با اصحاب رسانه با تأکید بر رفع معضل ترافیک در این استان گفته بود: دو پروژه اتوبان همت و آزادراه تهران - شمال از اهمیت بالایی برخوردار است که باید روند عملیاتی آن تسریع شود.

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه البرز از اهمیت و جایگاه بالایی در سطح کشور برخوردار است، گفته بود: برخی از مشکلات البرز به سبب چهارراه بودن و هم‌جواری با تهران است.

روحانی بایبان اینکه مهم است تا بتوان بار ترافیکی البرز را کاهش دهیم که این مهم با اتمام رسیدن اتوبان همت میسر

پروژه امتداد اتوبان همت تا کرج در حالی اسیر وعده‌ها شده است که قرار بود معضل دیرینه ترافیک را دوا کند، اما این معضل نه تنها حل نشد بلکه پای ترافیک را هم به بیراهه کشاند.



ساره نوری

پروژه امتداد اتوبان شهید همت تا کرج در دولت نهم مطرح، تأیید و تصویب شد تا معضل ترافیک میان دو کلان‌شهر کرج و تهران را حل کند، اجرای این پروژه که قرار بود دردی از این معضل دیرینه دوا کند به کرج که نرسید هیچ، پای ترافیک را هم به بیراهه کشاند.

برخی بر این باور هستند که بسیاری از پروژه‌ها از جمله پروژه مهم راهسازی امتداد اتوبان همت به دلیل عدم مدیریت و پیگیری دلسوزانه به این حال و روز افتاده است.

متولیان دلیل توقف و کندی روند اجرای این پروژه را وجود معارضات اعلام کرده و مدعی می‌شدند که کمبود اعتبارات باعث شده تا این پروژه با مشکل مواجه شود درحالی که برخی بر این باور هستند که بسیاری از پروژه‌ها از جمله پروژه مهم راهسازی امتداد اتوبان همت به دلیل عدم مدیریت و پیگیری دلسوزانه به این حال و روز افتاده است.

در این میان نیز مسئولان هر از چند گاهی طی بازدیدی که از این پروژه داشتند بهره‌برداری را به نیمه اول یا دوم همان سال حواله می‌دادند.

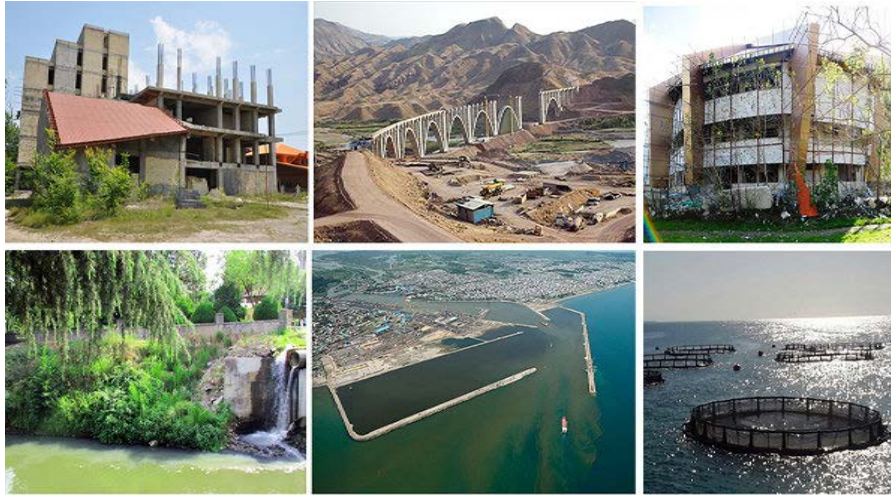
در ادامه اشاره به آمارهای ارائه‌شده از پلیس راه استان در خصوص حجم تردد از آزادراه کرج خالی از لطف نیست، تردد روزانه ۳۰۰ هزار خودرو از اتوبان تهران - کرج باعث شده که شهروندان هنگام غروب ساعت‌ها در صف طولانی و گاهی چند ۱۰ کیلومتری ترافیک شاهد تلف شدن وقت و هزینه خود باشند این وضعیت صبر شهروندان را تحت‌الشعاع قرار داده به‌طوری‌که واکنش‌های عصبی مختلفی را در پی داشته است.

اما از هرچه بگذریم از اهمیت این پروژه که پای بسیاری از مسئولان ارشد دولت را به کرج کشانده نمی‌توان گذشت، محمدباقر نوبخت معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه‌بودجه نوزدهم شهریورماه سال ۹۴ ضمن بازدید از این پروژه گفته بود: از اینکه مردم خوب و شریفمان برای رسیدن به کرج و یا عبور از کرج ساعت‌ها در بزرگراه تهران - کرج معطل می‌شوند شرم‌منده هستیم به همین منظور دولت همت خود را مصروف داشته است تا در کنار این اتوبان، بزرگراه دیگری را به بهره‌برداری برساند.

وی همچنین پنجم مهرماه سال گذشته در بازدید از روند اجرایی این پروژه در جمع

بازخوانی مصوبات دولت در استان‌ها

اسکله‌های ناتمام و قطاری که به مقصد نرسید؛ این قول دولت یازدهم است



مریم فاختی زاده

دولت یازدهم در حالی روزهای پایانی خود را سپری می‌کند که محقق نشدن بسیاری از وعده‌های داده‌شده در مقابل اقدامات مثبتی که صورت گرفته در استان‌های مختلف جای بررسی دارد.

سفرهای استانی و مصوبات آن حرکتی است که طی سال‌های گذشته در دولت‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است؛ اما هرچقدر که این سفرها می‌تواند بستر آشنایی بیشتر دولتمردان و مسئولان ارشد ملی با مشکلات استان‌ها از نزدیک را فراهم کند خلف وعده‌ها نیز می‌تواند ناامیدکننده باشد.

در این راستا با توجه به قرارگیری در ماه‌های پایانی دولت یازدهم در سلسله گزارش‌هایی روند اجرای مصوبات هیئت دولت در استان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد که در این گزارش به سراغ استان گیلان در حاشیه دریای زیبای خزر رفته‌ایم.

چهار سال از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید در کشور می‌گذرد و سهم استان گیلان از مجموع آرایشی که باعث روی کار آمدن دولت یازدهم شد، ۷۸۴ هزار و ۷۸۹ رأی از مجموع یک‌میلیون و ۴۰۱ هزار و ۸۳۶ رأی بود.

این استان به‌عنوان یکی از استان‌های مستعد کشور در حوزه‌های مختلف در کنار برخی پیشرفت‌ها، وعده‌های محقق نشده‌ای در دولت یازدهم دارد که بی‌مناسبت نیست در استانی که سهم مشارکتی خوبی در روی کار آمدن دولت تدبیر و امید داشته، این وعده‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

● راه‌آهن قزوین-رشت مهم‌ترین وعده عملی نشده دولت یازدهم

«اولین طرحی که برای تکمیل آن دنبال خواهیم کرد تا سال ۹۵ راه‌آهن قزوین به رشت خواهد بود. همه اعتباراتی که امسال برای تکمیل این طرح لازم است و سال آینده لازم است، اختصاص خواهیم داد تاکنون قول‌هایی که دادیم به آن‌ها عمل کردیم، این قول را هم عملی خواهیم کرد در سال ۹۵ قطار از تهران به رشت خواهد رسید. این قول دولت یازدهم است...»

این جملات بخش‌هایی از سخنرانی رئیس‌جمهور در اجتماع مردم گیلان در شهر رشت است در مورد پروژه‌ای که سال‌هاست مردم را منتظر نگه داشته است.

راه‌آهن قزوین-رشت که از آن به‌عنوان حلقه اتصال کریدور شمال-جنوب یاد می‌کنند، یکی از مهم‌ترین پروژه‌هایی است که هم‌زمان با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و همچنین سفر ۲۶ فروردین‌ماه ۹۴ رئیس‌جمهور به این استان، وعده افتتاح آن و اتصال آن به راه‌آهن آستارا داده‌شده بود.

تکمیل این پروژه که به گفته برخی مسئولان استانی با ۸۲ درصد و به گفته برخی دیگر با ۵۰ درصد پیشرفت به دولت روحانی تحویل داده شد، بنا به گفته شخص رئیس‌جمهور و محمدباقر نوبخت معاون گیلانی وی، یکی از مهم‌ترین اهداف دولت یازدهم در گیلان به شمار آمده و قرار بود که تکمیل، راه‌اندازی و اتصال آن به راه‌آهن آستارا تا پایان سال ۹۵ محقق شود اما کمبود اعتبار همواره مهم‌ترین دلیل عنوان‌شده از سوی مدیران استان برای به ثمر نرسیدن این پروژه بوده است.

در سفری که محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه‌بودجه

و کشورهای اروپایی) و امکان گسترش مبادلات تجاری و بازرگانی با کشورهای حاشیه دریای خزر، بنادر باطومی و پوتی در دریای سیاه و کشورهای اروپایی آغاز شد.

● افتتاح کتابخانه و تالار مرکزی رشت وعده‌ای روی زمین مانده

کتابخانه و تالار مرکزی رشت نیز از آن دسته پروژه‌هایی هستند که هرچند بنا به گفته روحانی در جلسه پرسش و پاسخی که طی سفر خود در سال ۹۴ به گیلان با خبرنگاران داشت، قرار بود تا پایان همان سال به مردم استان هدیه داده شود اما در روزهایی که به پایان دولت یازدهم نزدیک می‌شویم، خبری از افتتاح این دو پروژه به گوش نمی‌رسد.

هرچند تا سال ۹۴ بیش از ۲۰ میلیارد تومان، صرف تکمیل پروژه تالار مرکزی شد اما نبود اعتبار کافی برای تجهیز این تالار ۱۲ هزار متر مربعی که بزرگترین پروژه فرهنگی شمال کشور محسوب می‌شود و در سفر فروردین‌ماه ۹۴ روحانی به گیلان وعده تکمیل آن داده شده بود، سبب شده تا افتتاح این پروژه که حداقل به ۱۵ میلیارد تومان دیگر اعتبار (بر اساس برآوردهای دوسال گذشته) نیاز دارد نیز به یکی از وعده‌های محقق نشده دولت یازدهم در گیلان تبدیل شود.

همچنین تکمیل کتابخانه مرکزی شهر رشت نیز که سرنوشتی مشابه با تالار مرکزی این شهر دارد، از مهمترین مصوبات روحانی در سفر خود به گیلان بود که در حال حاضر خبری از افتتاح آن به گوش نمی‌رسد.

● ساماندهی رودخانه‌های زرچوب و گوهر رود

هرچند بنا به گفته مسئولان شهری رشت مبلغ ۵۰ میلیارد تومان اعتبار پس از سفر سال ۹۴ روحانی به گیلان برای ساماندهی دو رودخانه مهم و حیاتی «گوهررود» و «زرچوب» اختصاص یافت اما کاظم لطفی مدیرعامل جدید آب منطقه ای گیلان در آخرین اظهارات درباره رقم تخصیص یافته، این رقم را تنها ۱۵ میلیارد تومان اعلام کرد.

یکی از مصوبات سفر رئیس دولت یازدهم به گیلان تخصیص اعتبار لازم برای ساماندهی این دو رودخانه بود اما، تخصیص نیافتن اعتبار وعده داده شده و همچنین عدم نظارت بر همان میزان اندک اعتبار تخصیص یافته سبب شد تا در پایان دولت تدبیر و امید یکی از مهمترین پروژه‌های وعده داده شده که برای مردم گیلان به ویژه شهر

در بهمن‌ماه ۹۳ به گیلان داشت، از تأمین اعتبار این پروژه از طریق فاینانس خبر داده و گفته بود که در کنار چین، روسیه نیز برای تأمین منابع فاینانسی این پروژه به میدان خواهد آمد.

تقویم وعده‌ها برای تکمیل راه‌آهن قزوین-رشت	
مسئولان استانی (استاندار و نمایندگان)	پروژه تا پایان سال ۹۴ افتتاح می‌شود
رئیس‌جمهور و محمدباقر نوبخت معاون رئیس‌جمهور	پروژه تا پایان سال ۹۵ افتتاح می‌شود
استاندار گیلان	پروژه تا قبل از پایان دولت افتتاح می‌شود
رئیس‌جمهور	پروژه در سال ۹۶ افتتاح می‌شود

وی که وعده افتتاح این پروژه را در دهه فجر سال ۹۵ اعلام کرده بود، در روزهای پایانی باقی‌مانده به موعود مقرر اعلام کرد که این مهم تا پایان سال به بهره‌برداری می‌رسد اما در نهایت پس از کش‌وقوس‌های فراوان، هرچند بخش کمی از این پروژه به‌صورت نمایشی در محدوده کوهین مورد بهره‌برداری قرار گرفت ولی، استاندار گیلان در آخرین اظهارات خود درباره این پروژه، افتتاح راه‌آهن قزوین-رشت را به قبل از پایان دولت یازدهم و در نیمه نخست سال ۹۶ موکول کرد.

حالا در بهار پایانی دولت یازدهم نه خبری از تکمیل پروژه است و نه تحقق وعده‌ها در این زمینه، موضوعی که در سفر اخیر رئیس‌جمهور به استان گیلان مورد سؤال مردم و افکار عمومی قرار گرفته سؤالی که رئیس‌جمهور به آن این‌گونه پاسخ داد: راه‌آهن قزوین-رشت در حال طی کردن مراحل نهایی است و این خط ریلی، امسال به بهره‌برداری می‌رسد.

عملیات احداث راه‌آهن قزوین-رشت-انزلی باهدف اتصال استان گیلان، بندر انزلی و مرز آستارا به شبکه ریلی کشور، تسهیل مبادلات بین بنادر شمالی و جنوبی کشور از طریق حمل‌ونقل ریلی، ایجاد یک مسیر تمام ریلی در کریدور ترانزیتی شمال-جنوب (ارتباط مستقیم ریلی خلیج فارس و شبه‌قاره هند با کشورهای روسیه و آسیای میانه و قفقاز



«چهار سد در سال ۹۴ و هفت سد در سال ۹۵ اجرایی و عملیاتی خواهد شد علاوه بر کارهایی که برای آب‌بندها و سیل بندها باید انجام بگیرد ان شاء الله کمکی هم برای آب در استان و کشاورزی برای استان خواهد بود. کار دیگری که انجام خواهد شد مساله یکپارچه‌سازی و تسطیح اراضی کشاورزی است که کار شروع شده. ان شاء الله ما در هر سال یعنی از سال ۹۴ تا پنج سال آینده طبق برنامه، به میزان ۵۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی را یکپارچه‌سازی و تسطیح خواهیم کرد و در اعتباراتمان هم پیش‌بینی کردیم که تحولی در زمینه کشاورزی باشد.» بر اساس این گفته‌ها، تا امروز باید ۱۱ سد در گیلان اجرایی و عملیاتی می‌شد که متأسفانه به‌زعم برخی مسئولان استانی حرکت لاک‌پشتی این سدها، حتی کورسوی امید را هم در دل مردم استان برای بهره‌برداری از آن‌ها روشن نمی‌کند.

اسدالله عباسی نماینده مردم رودسر و املش اجرای عملیات عمرانی سدهای پل رود و شفارود را بسیار کند خوانده و گفته است: متأسفانه وعده‌های داده‌شده در حوزه آبیاری کشاورزی محقق نشده است.

تسطیح اراضی شالیزاری گیلان نیز که به گفته روحانی قرار بود تا پایان دولت به ۵۰ هزار هکتار برسد، هرچند حجتی وزیر کشاورزی از تسطیح ۷۷ هزار هکتار اراضی شالیزاری گیلان خبر می‌دهد اما به گفته برخی مسئولان استانی این مهم محقق نشده و تنها بخش کمی از مصوبه وعده داده‌شده اجرایی شده است.

وعده‌های محقق نشده دولت یازدهم در استان گیلان به همین جا ختم نمی‌شود و احداث سدهای لاستیکی، تسطیح سالانه ۱۰ هزار هکتار زمین زراعی، احیای تالاب انزلی، پیشبرد احداث سدهای شفارود، پلرود و لاسک و رونق گردشگری هدفمند در گیلان و... بخش کوچکی از وعده‌های روی زمین مانده روحانی در این استان است که قرار بود تا پایان دولت به بهره‌برداری برسند.



توانمندی کشور در همکاری با کشورهای حاشیه دریای خزر ظرفیت منحصر به فردی برای تبدیل منطقه به محور مبادلات از مسیر کریدورهای «نئوسترک - ترانسیکا» و «چین - اکتائو - انزلی» دارد.

● حفظ میراث فرهنگی و ساختمان‌های قدیمی موجود در شهر رشت

«حفظ میراث فرهنگی و ساختمان‌های قدیمی موجود در شهر رشت و احیای آنها می‌تواند ظرفیتی برای فرهنگ استان گیلان به شمار آید.»

این جمله بخشی از سخنان روحانی در نشست خبری با اصحاب رسانه گیلان در فروردین ماه سال ۹۴ است که بر اهمیت حفظ و احیای میراث فرهنگی به ویژه ساختمان‌های قدیمی موجود در شهر رشت تأکید دارد و این در حالی است که ساختمان‌های مدرسه «فروغ»، عمارت‌های تاریخی «ابریشمی» و «آوانسیان» و نمونه‌های بی شماری از این دست که جزو میراث فرهنگی و هویت گیلان محسوب می‌شوند، در آستانه تخریب قرار گرفته و مهمترین دلیل رضا علیزاده مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان نیز برای توجه نکردن به حفظ، احیا و مرمت این آثار، کمبود منابع اعتباری است.

● وعده‌های حوزه آب محقق نشد

بهبود وضعیت کشاورزی در گیلان یکی دیگر از مصوبات سفر روحانی به این استان بود که تسطیح اراضی شالیزاری و بهره‌برداری از سدهای در دست‌ساخت و احداث سدهای لاستیکی در گیلان به‌منظور بهره‌وری بیشتر از منابع آبی استان، مهم‌ترین راهکارها برای اجرایی شدن این مصوبه بود.

روحانی در فروردین ماه ۹۴ در جمع مردم گیلان اظهار کرد:

رشت از اهمیت زیادی برخوردار است، روی زمین بماند.

● ظرفیت پرورش ۱۰ تن ماهی در قفس، مصوبه ای که محقق نشد

استان گیلان به دلیل برخورداری از شرایط ویژه آب و هوایی و نعمت دریا، ظرفیت بالایی برای پرورش ماهی در قفس دارد که با تکیه بر این ظرفیت، یکی دیگر از مصوبات سفر رئیس‌جمهور به گیلان ایجاد و توسعه این پتانسیل تا میزان ۱۰ هزار تن بود.

به گفته استاندار گیلان در نخستین جلسه شورای برنامه ریزی استان که ۱۴ فروردین ماه ۹۵ برگزار شد، هیچ اعتباری از مصوبات سفر کاروان تدبیر و امید در زمینه ایجاد زیرساخت‌های لازم برای پرورش ماهی در قفس به گیلان داده نشده و ظرفیت هزار و ۶۴۰ تنی پرورش ماهی در قفس که در حال حاضر در استان ایجاد شده، تنها از محل اعتبارات استانی و به همت مسئولان امر بوده است. با این حال دولت یازدهم نزدیک به ۹ هزار تن ظرفیت پرورش ماهی در قفس به مردم گیلان بدهکار است.

● افتتاح ۴ پست اسکله از مجتمع بندری کاسپین تا پایان سال ۹۵

در حالی که حسن روحانی در نشست خود با اصحاب رسانه گیلان در فروردین ماه ۹۴ افتتاح چهار پست اسکله از مجتمع ۲۲ اسکله ای کاسپین را تا پایان سال ۹۵ به مردم استان وعده داده بود اما این مهم تنها با محقق شدن افتتاح دو پست اسکله آن هم در فروردین ماه ۹۶ خاتمه یافت و افتتاح دو پست وعده داده شده دیگر نیز به یکی از مصوبات محقق نشده سفر کاروان تدبیر و امید به گیلان تبدیل شد.

مجتمع بندری کاسپین از آن جهت دارای اهمیت است که با هدف‌گذاری به‌عنوان بندر نسل سوم در راستای افزایش

گزارش های متنوع تصویری که در طول یک ماه از اقصی نقاط کشور توسط عکاسان و خبرنگاران خبرگزاری منتشر می شود آنقدر گسترده بوده که دست به انتخاب زدن از میان شان کاری دشوار است اما نگاه مادر این آلبوم تصویری بیش از نگاهی خبری به رویدادهای یک ماه گذشته، قائل به نگاهی هنرمندانه بوده و اینکه در همین فرصت کوتاه چند صفحه نگاه شما به اقلیم ایران بچرخد.

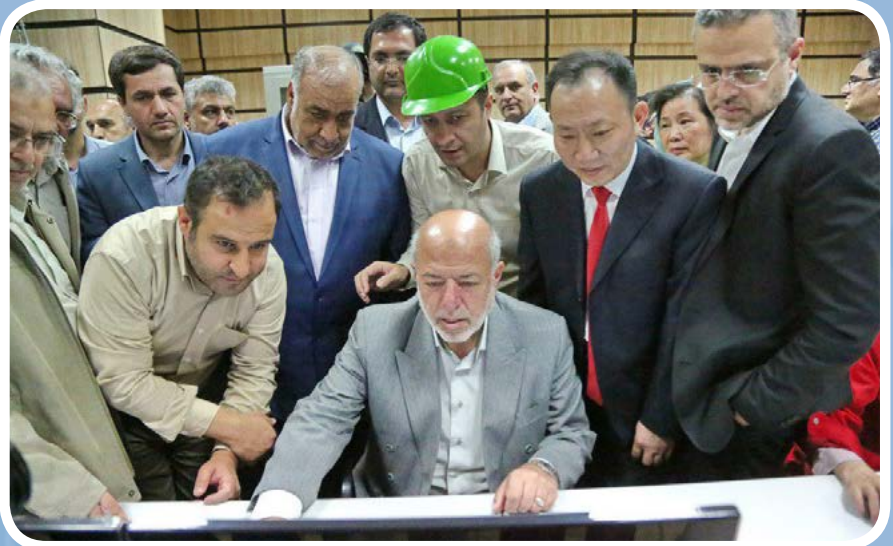
آخرین نماز جمعه تبریز به امامت
آیت الله مجتهد شبستری



حادثه تروریستی در
مجلس شورای اسلامی



افتتاح نیروگاه سد رودبار الیگودرز





تشییع پیکر شهدای هنگ
مرزی ارومیه



رنج برنج



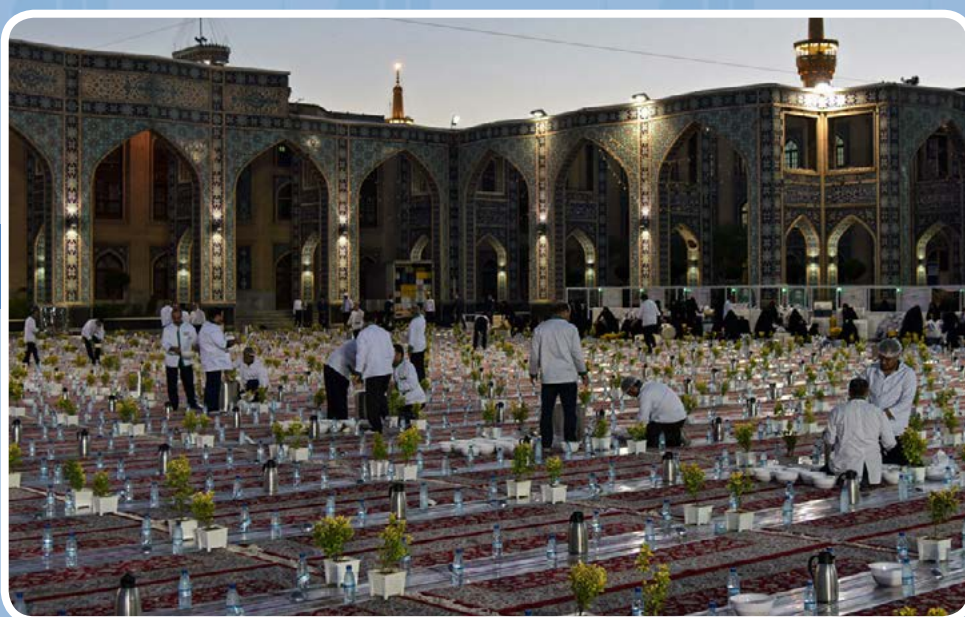
ریزش معدن یورت در استان گلستان



سفر رئیس جمهور به قم



شرایط سخت مردم روستاهای
زلزله زده بجنورد



ضیافت افطاری در حرم
مطهر امام رضا (ع)



لب خشک کارون



لبخند فقر در جنوب کرمان



مراسم ترتیل قرآن در مصلائی تبریز

مسجد مقدس جمکران در نیمه شعبان



وداع با پیکر سردار
شهید شعبان نصیری



ورود پیکر ۱۳۵ شهید دوران
دفاع مقدس از مرز آبی اروند

